فهرست کتب [illegible]

مثنوی [illegible] شرح [illegible] فهرست [illegible]

مجلد مجلد مجلد مجلد مجلد مجلد

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

مجلد مجلد مجلد مجلد مجلد

[illegible] [illegible] [illegible]

مجلد مجلد مجلد

[illegible]

[illegible]

مجلد مجلد مجلد مجلد مجلد

[illegible] [illegible]

مجلد مجلد

یا [illegible]

٩

۱۴

[illegible]

VI

[illegible]

ب

[illegible]

31

ويروى من قال بعد الصبح والمغرب ... بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم ان هذا اول يوم من الاخرة فان الضيف اذا نزل بقوم كرام وانت اولى

بالكرم الهي مادمت حيا عصيت وانت احسنت الي فالان بلا انقطع من الدنيا

فلا تقطع احسانك عني يا رب يا رب يا رب عفوك عفوك عفوك

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

اللهم اني اسئلك بعدد خلقك وبعزة عرشك وبرضى نفسك وبنور وجهك

وبمبلغ حلمك وعلمك وبقاء قدرك وبسط قدرتك وبمنتهى رحمتك وبارادتك

ومشيئتك وبكلية ذاتك وبجمل صفاتك وبتمام وصفك وبنهاية اسمائك وبمكنون سرك

وبجلي برك وبجزيل عطائك وبكمال غناك وبفيض جودك وبشدة غضبك وبسابق رحمتك

وبكلماتك وبغاية جلالك وبتفرد فردانيتك وبتوحيد وحدانيتك وبقاء بقائك

وبعزة ربوبيتك وبعظمة كبريائك وبجمالك وبكمالك وبجلالك وبافعالك

وبملكوتك وبجبروتك وبنعمتك وبلطفك وبنزول رحمتك وبحق سيدنا محمد المصطفى ان تجعل لنا فرجا ومخرجا وشفاء من الهموم والغموم والوباء

والطعن والطاعون ومن جميع الافات والعاهات والذنوب والامراض

... انا نحن التجئنا اليك بتعالى اللهم ما تقدم من ذنبنا وما تأخر برحمتك

يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين ... اية الكرسي ... الرحيم

ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم لا يضر ولا ينفع شيء الا باذن الله توكلت على الله ولا ...

بالشفاء الا الله ما شاء الله لا يصرف السوء الا الله حسبي الله الذي خلقني فهو يهدين
والذي هو يطعمني ويسقين وإذا مرضت فهو يشفين وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين اللهم
ارزقنا العافية ودوام العافية ولا تفرق بيننا وبين العافية بحق لو العافية بسم الله الرحمن الرحيم
يا ولي الولاء يا مطعم الجياد ويا سابغ النعماء ويا واهب العطاء ويا كاشف الضر والبلاء ادفع عنا [illegible]
والطاعون و[illegible] والوباء بحق محمد المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم [illegible]
[illegible] المؤمنين [illegible] بلاء [illegible] برحمتك يا ارحم الراحمين [illegible] العالمين [illegible]
[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم [illegible] البقرة واعصمني من شؤم [illegible] واجعلها على [illegible]
واجنبني عن [illegible] بفضلك يا دافع الشر [illegible] برحمتك يا
ارحم الراحمين [illegible]
[illegible]
[illegible]
بسم الله الرحمن الرحيم [illegible] العرش العظيم [illegible] الكريم [illegible] اعتمادي يا الله يا الله يا الله [illegible]
يا ارحم الراحمين الرحمن الرحيم [illegible]
[illegible] برحمتك يا ارحم الراحمين
[illegible]
إن الله يمسك السموات والأرض أن تزولا ولئن زالتا إن أمسكهما من أحد من بعده إنه كان حليما غفورا
[illegible] لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم وصلى الله على محمد وآله اجمعين برحمتك يا ارحم الراحمين
[illegible]
[illegible]
[illegible] روز [illegible]
[illegible]

٨٩

حکایت حجاج

مرویست که حجاج بن یوسف که از بنی ثقیف بود یکصد و بیست هزار نفر را بقتل رسانیده بود از سید
و غیر سید سوا آنکه در حرب کشته بود و چون بجهنم واصل شد پنجاه هزار مرد و سی هزار زن عابد در
زندان او بودند که میخواست همه را بقتل رساند و از نوادر حکایت مرویست که یکصد و چهار هزار
مرد و بیست هزار زن در حبس او بودند که چهار هزار زن از جمله آنها عریان بودند و مرد و زن یکجا
جمع بودند و قلعه کشیده بود که در میانه قلعه محبس بود که سقف نداشت و چون محبوسین
بسبب حرارة آفتاب بسایه میرفتند پاسبانان سنگ و کلوخ میزدند که بسایه نروند و چون اندکی
در حبس میماندند از حرارة آفتاب سیاه میشدند مانند زنگیها حتی آنکه پسری محبوس بود
بعد از چند روز نزد مادر رسید که از احوال او خبر بگیرد پسر او را نشناخت و گفت از اهل زنج است
پسر گفت ای مادر من پسر توام و نام من فلان است و نام تو فلانه است مادر او چون شنید شهقه زد
و در حضور ملکی محبوسین نان جو خشک با نمک و خاکستر و آب ایشان آب شور روز حجاج بمسجد
میرفت زنان فریاد و ناله میکردند بر سید چه صدات گفتند محبوسین اند گفت بایشان
بگویید که اخسئوا فیها و لا تکلمون اورده اند که روز حجاج ملعون در قصر اخضر نشسته بود
که طفل خورد سالی از شیعیان که کیسوی دلاویز داشت داخل قصر شد و سلام نکرد و نظر بالطراف
قصر از چپ و راست نمود و این آیه را تلاوة فرمود که اتبنون بکل ریع آیة تعبثون و تتخذون
مصانع لعلکم تخلدون و اذا بطشتم بطشتم جبارین حجاج تکیه داده بود درست نشست
و گفت ای طفل من ترا عاقل و صاحب ذهن میبینم آیا قرآن را حفظ نموده طفل گفت مگر
قرآن بسیار ناقص است که تو امر بحفظ آن میکنی حجاج گفت آیا قرآن را جمع نموده طفل گفت
مگر قرآن متفرق بوده که من او را جمع نمایم حجاج گفت فاستظهرت القرآن طفل گفت

معاذ الله که من قرآن را دروغ کرده باشم قرآن را درست خوانده‌ام حجاج گفت آیا حکم نموده قرآن را طفل گفت بلی خدا و حضرت
از اعلم نفس بوده ناز او را اعلم نام حجاج گفت پس بیان کن و بگو طفل گفت بگو سینه خود را ظرف
قرآن نموده حجاج گفت بخوان طفل گفت اعوذ بالله منک و من الشیطان الرجیم اذا جاء
نصر الله والفتح ورایت الناس یخرجون من دین الله افواجا حجاج گفت یخرجون نیست بلکه
یدخلون است طفل گفت یدخلون در عهد پیغمبر صلی الله علیه وآله بود و حالا یخرجون است
حجاج گفت به چه سبب یخرجون است طفل گفت از بدعتی که با ایشان میکنی حجاج گفت میدانی
با که حرف میزنی طفل گفت با شیطان از بنی ثقیف که نام او حجاج است حجاج گفت ملعون
کیست گفت آنکس که بد را افشا کند حجاج گفت مادرت کیست طفل گفت آن کس که مرا زائیده
حجاج در کجا تربیت یافتی گفت در بعضی از صحراها حجاج گفت در کجا متولد شدی گفت در بعضی
از بیابانها حجاج گفت وای بر تو ای طفل اگر دیوانه نبودی اعلم بودی طفل گفت اگر دیوانه میبودم
پیش تو نمی آمدم و پیش تو نمی ایستادم که ایمن از تو باشم و هم که امید فضل تو داشتم و اعتنا از عقاب
تو حجاج گفت چه گوئی در حق امیر المؤمنین طفل گفت خدا رحمت کند ابو الحسن را حجاج گفت مقصود
تو ابو الحسن عبد الملک بود طفل گفت لعنت خدا بر او باد فاسق فاجر باد حجاج گفت به چه سبب مستحق لعنت شده
طفل گفت من سکوت اختیار نیستم لکن گناهی از او صادر شده که بر عقوبت است آسمان و زمین در حجاج
گفت آن گناه کدام است طفل گفت اینست که تو را والی نموده بر رعیت که خون و مال ایشان را
بر حجاج حاضرین ملتفت شد و گفت حکم با این طفل گفتند او را بکش که از اطاعت والی بیرون
رفته طفل گفت جلسای تو از جلسای برادرت بهتر میباشند حجاج گفت برادرم محمد را
میگوئی طفل گفت برادرت فرعون را میگویم زیرا که جلسای او گفتند موسی و هارون را
مهلت بده و جلسای تو را میکشند بگذشتن من و اگر چنین کنی نزد خدا و نبی لا بد که دلیل کنند
متکبرانست حجت بر تو خواهم کرد حجاج گفت ای طفل حفظ کن الفاظ خود را و کوتاه دار زبان

بخدا

زبان خود را که میترسم بکشم تو را حکم کردم که از قتل تو چهار صد هزار درهم
باو بدهند طفل گفت مرا احتیاجی باین دراهم نیست سفید الله وجهک و اعلی کعبک حجاج
بحاضرین ملتفت شد و گفت میدانید که این طفل چه قصد کرده حاضران گفتند امیر اعلم است
حجاج گفت اما قول سفید الله وجهک مرا اراده اینست که پیس شوم و صورتم سفید شود
و مرا بار دیگر کند تا کعبم بالا رود بعد ملتفت این طفل شد و گفت چه میگوئی این طفل گفت
خدا تو را کند تو را شیخ و علاقه پیری بسیار صاحب شخص حجاج ملازم خود گفت بیعت کرده این
طفل را شخصی که او را بنا بر آنچه میگفتند گفت ای امیر این طفل را بمن ببخش حجاج گفت
بتو بخشیدم خدا مبارک نکند براتو حجاج گفت میخواستم تو را بکشم طفل گفت کار من
کوار باد شهادت اگر ادراک میشد همچو کار من سعادت گفت صد هزار درهم باو بدهید
و از تقصیرش گذشتم باعتبار طفولیت تو و صفاء ذهن تو در عزم کرده بودم در بعضی
خطوات قلب خود که گر بدی تو را که بر تو اما عفو نمودم طفل گفت عفو بدست خداست
نه بدست تو و شکر از برای خداست نه از برای تو جمع نکند خدا و نه عزت میان من و تو
بعد از آن طفل از نزد حجاج بیرون شد سالار نماند حجاج از عقب او اسب کرد او را
از آن غائب شد حجاج منع نمود و گفت ندیدم کسی که قلب او شجاع تر و نه کسی فصیح تر از این
نه بخدا قسم که من مثل او نخواهم بود دید و شاید او مثل خود نیابد علی الحنفی
حکایت اعرابی که شترهای خود را بصحرا رها نموده بود که چرا غائب و خود در عقب
شترهای خود رفتار میکرد که حجاج در شکار بود و از لشکر دور افتاد ناگهان از بلندی
با عجلا آمد شترهای عرب دم کرد شتر سر بالا کرد منظر آنش به حجاج افتاد گفت که بود

٢٣

وهلات علي الكرم بعد وراد

این مرد کرا جامهای رنگین شترهای عراسم داد حجاج هیچ نگفت تا ابو حبیب گفت سلام علیک
عرب گفت لا سلام علیک حجاج گفت ای بی مروه عرب گفت یا بیب جواب نخورد حالی که
ذلیل است والله من خادم اهل بیتم حجاج با بیب آمد وا بخورد و سوار شد و گفت
ای اعرابی کیست بهترین خلق خداوند عزت گفت محمد صلی الله علیه واله وسلم گفت حجاج
چه میگویی در حق علی بن ابی طالب علیه السلام اعرابی گفت دهن عنبوانه محمل اسم او شود
باعتبار کرامت دین نکاح او زیرا که او است وصی رسول و پسر عم و داماد او بکو بی
چیزی حجاج گفت چه میگویی در حق عبد الملک مروان اعرابی ساکت شد و هیچ نگفت حجاج
گفت چرا جواب نمیگویی عرب گفت او بد مردیست زیرا که بد کرده است و گناهی کرده
آسمانه و زمین را حجاج گفت آن گناه کدام است اعرابی گفت آن گناه اینست که این حجاج
فاسق فاجر ظالم را بر رعیت والی کرده که خون و مال ایشان را حلال میداند حجاج
ساکت شد بعد مرعی ابرواز مود و صدا بر کرد عرب گفت این مرغ میگوید حالا لشکری
میرسد که تمام ایشان را بکشد در این سخن بودند که لشکر رسید و هر یک حجاج سلام
کردند لیکن اعرابی متعجب شد حجاج امر نمود که اعرابی را با شترها بشهر او برسانند در دیگر
آن روز مجلسی آراست و اعرابی را طلب نمود اعرابی که در آمد سلام کرد حجاج گفت
بگو بی که تو دیروز جواب کفتی من نمیگویم بعد طعام از برای اعرابی حاضر کردند حجاج
گفت ای طعام بخور عرب گفت اگر اذن میدهی بخورم طلا که حجاج
گفت نا دلی بخور عرب گفت بسم الله الرحمن الرحیم بخورد که نعد از طعام
ده هزار درهم حجاج بخشید و گفت محاضر که میدانند که دیر عندا ابن عرب

دستیج عرب گفت ایها الامیر اشتها را که دیروز گذشت حجاج گفت امّا
نمیکنم امّا احسانی کنی یکی از دو امر را عرب گفت کدام است حجاج گفت یا همین جا جان
تا تو را از خواص خود کردانم یا تو را بنزد عبد الملک بفرستم و آنچه بیاید من حق تو بنویسم
اعرابی گفت در اینجا نیز شق سیمی هست حجاج گفت کدام است عرب
گفت مرا رخص کنی که به اهل خود روم که نه تو مرا ببینی و نه من تو را حجاج خندید
و ده هزار مثقال شرعی طلا باو داد و مرخص نمود تمام

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم [illegible]

[illegible] واخلفني في قومي وأصلح [illegible]

[illegible] وأذان من

الله ورسوله إلى الناس يوم الحج الأكبر

[illegible]

٣٥

وقد نقل بعض الرواة ان المأمون يحب في الباطن سقوط منزلة ابي الحسن الرضا عليه السلام وان يغلبه الخصم ويظهر [illegible] فجمع عنده الفقهاء والمتكلمين
فدس اليهم ان ناظروه في الامامة فقال الرضا عليه السلام اقتصروا على واحد منكم يلزمكم ما لزمه فرضوا برجل يعرف بيحيى بن الضحاك السمرقندي
ولم يكن بخراسان مثله فقال له الرضا عليه السلام يا يحيى اخبرني عمن صدق كاذبا على نفسه او كذب صادقا على نفسه ايكون محقا مصيبا او مبطلا
مخطئا فسكت يحيى فقال له المأمون اجبه فقال يعفيني امير المؤمنين من جوابه فقال المأمون يا ابا الحسن عرفنا الغرض في هذه المسئلة فقال
الرضا عليه السلام لا بد ليحيى ان يخبر عن ائمته انهم كذبوا على انفسهم او صدقوا فان زعم انهم كذبوا فلا امانة لكذاب وان زعم انهم صدقوا فقد قال
اولهم اقيلوني ولست بخيركم وقال ثانيهم كانت بيعة ابي بكر فلتة وقى الله شرها فمن عاد لمثلها فاقتلوه
فوالله ما رضي لمن فعل مثل فعلهم الا بالقتل فمن لم يكن بخير الناس والخيرية لا تقع الا بنعوت منها العلم ومنها الجهاد ومنها سائر الفضائل [illegible]
ومن كانت بيعته فلتة يجب القتل على من فعل مثلها
كيف يقبل عهده الى غيره وهذه صورته ثم يقول على المنبر ان لي
شيطانا يعتريني فاذا مال بي فقوموني واذا اخطأت فارشدوني
فليسوا ائمة ان صدقوا وان كذبوا [illegible]
فبهت المأمون من كلامه [illegible]

[illegible]

من کتاب مجالس المؤمنین منقولست که چون حضرت امیر المؤمنین ع از حرب صفین [illegible]
[illegible] نامه نوشت بابن عباس [illegible]
کتاب الله و سنت نبیه صلی الله علیه و آله وسلم [illegible] رسول الله [illegible]
[illegible]
[illegible] والسلام [illegible]
رسید در جواب نوشت که بسم الله الرحمن الرحیم من عبد الله بن عباس الی امیر المؤمنین علی بن
ابی طالب [illegible] رسول الله [illegible]
یوم بدر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

... امیر المؤمنین ... [illegible]

العالمین لعنة ... [illegible]

[illegible]

مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن   که در طریقت ما غیر ازین گناهی نیست   نیازارم ز خود هرگز دلی را   از آن ترسم که آنجا تو باشد

[illegible]

[illegible]

والرجوع الی ... لاستعلام ... [illegible]

[illegible]

القياس عند معرفة اول الزوال وبعد الانحراف من سمت القبلة بمعرفة سمت القبلة ونذكر بعد الانحراف البلاد المعروفة كما ذكره المحققون
في كتب الهيئة لئلا يحتاج الناظر في هذا الكتاب الى الرجوع الى غيره فالبلاد التي تكون في خط نصف النهار … من خط الجنوب الى
الشمال فاما البلاد التي في خط الجنوب المغرب فمنها اصفهان سمت قبلتها من نقطة الجنوب الى المغرب اربعين درجة وسبع
عشرين دقيقة وكاشان باربع وثمانين درجة واحدى وثلاثين دقيقة وقزوين بسبع وعشرين درجة واربع وخمسين دقيقة و
تبريز … عشر درجة واربعين دقيقة ومراغة بست عشرة درجة وست عشرة دقيقة وري بثمان واربعين درجة وسبع وعشرين
دقيقة وقم … وثلثين درجة واربع وخمسين دقيقة واستراباد بثمان وخمسين درجة وثمان واربعين دقيقة وطوس
مشهد الرضا صلوات الله عليه بخمس واربعين درجة وست دقيقة ونيشابور بسبع واربعين درجة وخمس وعشرين دقيقة و
بغداد بعشر درجة وخمس واربعين دقيقة وكوفة باثنتي عشرة درجة واحدى وخمسين دقيقة ومشهد علي بسبع درجات و
ست وخمسين دقيقة والمدائن بخمسين دقيقة والحلة باثنتي عشرة درجة وجرجان بسبع وخمسين درجة وست وعشرين دقيقة و
الحساء … وستين درجة وثمانين دقيقة وشيراز بثلث وخمسين درجة وثمان عشرة دقيقة وهمدان بخمسين …
درجة وست عشرة … دقيقة وساوه بسبع وعشرين درجة وست عشرة دقيقة وقم بخمسين درجة وعشرين دقيقة وطبس
بثمان وخمسين درجة وخمسين دقيقة ونسا … واربع وعشرين دقيقة و… بسبع عشرة درجة وست
عشرة دقيقة وهرات باربع وخمسين درجة وثمان دقائق وقاين باربع وخمسين … دقيقة وسمنان بست …
وسبع عشرة دقيقة ودامغان بثمان وثلثين درجة وبسطام … عشرة دقيقة وكلاهيجان …
وسارى بثمان … درجة واربع وخمسين دقيقة وآمل باربع وثلثين درجة … دقيقة و…
… بسبع وثلثين درجة وست … دقيقة وكرمان … درجة واحدى وخمسين دقيقة والبصرة …
وثلثين درجة وواسط … درجة واربع وخمسين دقيقة والاهواز بخمسين درجة وثلثين دقيقة وكرمانشاه …

درجة وتسع واربعين دقيقة … بست عشرة درجة وسبع وثلثين دقيقة … باربع عشرة درجة واحدى واربعين دقيقة وشيروان
خمسين درجة وتسع دقيقة … وسيستان … وستين درجة وثمان عشرة دقيقة وطالقان بتسع وعشرين درجة و
وثلثين دقيقة … درجة واربع وخمسين دقيقة والمرو باثنتين وخمسين درجة … وثلثين دقيقة والبلخ …
وست وثلثين دقيقة … بتسع واربعين درجة وثمان وثلثين دقيقة وبخارا بثلثين وخمسين درجة وخمس وثلثين دقيقة وبدخشان
باربع وستين درجة وتسع … وسمرقند باثنتين وخمسين درجة واربع وخمسين دقيقة وكاشغر بثمان وخمسين درجة و…
وخان بالغ بثلث وسبعين درجة وثلثين دقيقة … وستين دقيقة وتبت … بستين درجة و
ستة وثلثين دقيقة … بثلث وستين درجة وثلثين دقيقة … باربع وسبعين درجة وطالقان بثمان وسبعين درجة و
وعشرين دقيقة وخبيص بسبع وخمسين درجة وثمان واربعين دقيقة … بتسع وثمانين درجة وست وعشرين دقيقة …
واربعين درجة واحدى وثلثين دقيقة … وكابل … احدى وخمسين درجة وست وعشرين دقيقة وجرفادقان …
وثلثين درجة … واربعين درجة … بخمسين درجة واما البلاد التي في خط الجنوب المشرق فالمدينة المشرفة منحرفة من
نقطة الجنوب الى المشرق بسبع وثلثين درجة … ومصر بثمان وخمسين درجة … وخمسين دقيقة ودمشق بثلثين درجة
واحدى وثلثين دقيقة وحلب بثلث عشرة درجة وتسع وعشرين دقيقة وقسطنطينية بثمان وثلثين درجة وسبع عشرة دقيقة و…
باربع درجات واثنتين وخمسين دقيقة وبيت المقدس بخمس واربعين درجة وست وخمسين دقيقة واما ما كان من الشمال الى المغرب
فبلاد … بسبعين درجة واربع وثلثين دقيقة و… بسبع … درجة … ومصر … بسبعين درجة واثنتي عشرة دقيقة و
… بسبعين درجة … واربع وثلثين دقيقة واما ما كان من الشمال الى المشرق فصنعاء بدرجة وخمس
عشرة دقيقة وعدن … الحبشة بسبع واربعين درجة وخمس وعشرين دقيقة و…

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي [illegible] الثقلين [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] القرآن والتوراة والانجيل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ونشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له [illegible]

[illegible] ولم يكن له شريك في الملك [illegible] ولم يكن له كفوا احد [illegible]

[illegible]

وان ما صاحبهم من جنة [illegible] من انفسنا ونشهد ان محمدا عبده ورسوله [illegible]

[illegible] وما محمد الا رسول [illegible] وما ينطق عن الهوى ان هو الا وحي يوحى [illegible] وما ارسلناك الا رحمة

للعالمين وانه بالمؤمنين رؤف رحيم وانه قد عرج الى السماء [illegible]

[illegible]

ثم دنى فتدلى فكان قاب قوسين او ادنى فاوحى الى عبده ما اوحى وقال سبحانه ما كذب الفؤاد ما رأى افتمارونه على ما يرى ولقد رآه نزلة اخرى

عند سدرة المنتهى عندها جنة المأوى وفي ذلك آيات بينات [illegible] حيث قال جل شانه سبحان الذي

اسرى بعبده ليلا من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى الذي باركنا حوله لنريه من آياتنا انه هو السميع البصير ونشهد ان اهل بيت رسول الله صلى الله عليه و

سلم مطهرون من الرجس [illegible] حيث قال تعالى انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا ونشهد ان امير

المؤمنين عليا عليه السلام [illegible] انما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين

يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم راكعون [illegible] من كنت مولاه فهذا علي مولاه

وانه نفس رسول الله صلى الله عليه وآله [illegible] فمن حاجك فيه من بعد

ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم وانفسنا وانفسكم يعني امير المؤمنين [illegible] سيد الوصيين [illegible]

[illegible] علي بن ابي طالب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ثم الباقر محمد ثم الصادق جعفر ثم الكاظم موسى ثم الرضا علي ثم التقي محمد ثم النقي علي ثم الزكي العسكري حسن ثم الحجة القائم

المنتظر المرجو الذی ببقائه بقیت الدنیا وبیمنه رزق الوری وبوجوده ثبتت الارض والسماء وبه یملأ الله الارض قسطا وعدلا بعد ما ملئت ظلما وجورا

واشهد ان آباءه [illegible] حجة بعد حجة [illegible] فرض طاعتهم [illegible] کما قال سبحانه وتعالی یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی

الامر منکم واشهد انهم [illegible] سادات اهل الجنة اجمعین شفعاء یوم الدین وانتم اهل الارض علی

الیقین [illegible] استحق [illegible] الجنة [illegible] استوجب بها الرضوان [illegible]

[illegible] توحیدک [illegible] بالنبی والائمة [illegible] اکرم الاکرمین ارحم الراحمین وبعد فیقول

احقر البریة [illegible] تراب اقدام سلالة الائمة [illegible] عترة الطاهرة [illegible] حضرة خادم الزمرة [illegible]

[illegible] المسماة بالشیعة [illegible] الحنفیة [illegible] والحنبلیة [illegible]

عارف منهاج التحقیق [illegible] الفقیر الراجی الی رحمة الله [illegible] عبد الوهاب [illegible] عبد الرحمن [illegible]

[illegible] ساکن دهلی [illegible] کتب [illegible] قرآن مجید [illegible]

[illegible] حفظ دارد [illegible] کلام [illegible]

والقرآن [illegible]

نظم چند گوئی [illegible]

[illegible] نظم [illegible]

[illegible]

[illegible]

کهحضرت شاه ولایت پناه [illegible]

[illegible] و منه التوفیق نظم علی [illegible]

[illegible] علی [illegible] علی [illegible]

[illegible] علی [illegible]

[illegible] علی [illegible] علی [illegible]

[illegible] علی [illegible]

[illegible] علی [illegible]

[illegible] نظم [illegible]

[illegible]

[illegible] نظم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] والنبی المطلق

توضیح مقال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

غواص دریای معانی [illegible] سالک مسالک [illegible] اهل یقین [illegible] حقیقت و عرفان [illegible] الاسلام والدین المتوسل بحبل
المتین المحقق بعنایة الملک الولی مولانا [illegible] شیرازی نور الله مرقده [illegible]
ایام [illegible] اهل ایمان [illegible] مولوی مذکور [illegible] دیدم [illegible]
چرا [illegible] گفت [illegible] فراموش کرده ام گفتم [illegible]
[illegible] گفت [illegible] علامت [illegible]
حاجی علی رضای مذکور [illegible] سعادت [illegible] معلوم کرد [illegible] دلیل [illegible] مولوی مذکور [illegible]
آیه کریمه هل جزاء الاحسان الا الاحسان فرموده [illegible] مروت مقتضی آنست که دلیل خود را از طریق ضلالت [illegible] دلالت [illegible]
بردم [illegible] صحبت اول [illegible] تقریب [illegible]
میرفتم [illegible] مولوی مذکور [illegible] پرسید [illegible] مذهب [illegible] گفتم بحمد الله [illegible] حنفی مذهب [illegible]
دیگر [illegible] شافعی و مالکی و حنبلی [illegible] گفتم [illegible]
هر چهار برابرند [illegible] ابو حنیفه [illegible] ترجیح [illegible] هر چهار [illegible]
سبقت بر دیگران [illegible] قرآن یا حدیث [illegible] اهل اسلام اجماع کرده [illegible]
[illegible] گفت پس [illegible] لزوم تقلید [illegible] اجماع [illegible]
لازم است که تقلید ابو حنیفه [illegible] گفتم سوای این چهار مذهب [illegible]
ضلالت خواهد بود [illegible] مقبول [illegible] برهان [illegible] دلیل قاطع [illegible] حقیقت چهار مذهب [illegible]
همچنین [illegible] اطمینان [illegible] قرآن مجید [illegible]
سوی سبیل الله [illegible] کما قال [illegible] وان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیله [illegible]
ستفترق امتی [illegible] علی ثلث وسبعین فرقة کلهم فی النار الا [illegible] فرقه ناجیه [illegible]
[illegible] گفتم [illegible] چهار [illegible] کدام [illegible]

از احادیث حضرت پیغمبر [illegible] هر چهار [illegible] گفتم [illegible] چهار
مذهب [illegible] چهار راه [illegible] ولا تتبعوا السبل [illegible] گفتم [illegible]
[illegible]
[illegible] گفتم [illegible] تحقیق [illegible] فرقه ناجیه [illegible]
[illegible] تحقیق [illegible]
[illegible] فرقه ناجیه [illegible]
[illegible] حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله [illegible] ادعوا الی الله علی بصیرة [illegible]
[illegible] ولا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیله [illegible]
[illegible] ابراهیم [illegible] مستقیم [illegible]
[illegible] اهل سنت [illegible] چهار راه [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت رب العالمین [illegible] صلی الله علیه وآله [illegible] گفت
معاذ الله [illegible] گفتم [illegible] فرقه ناجیه [illegible]
[illegible] گفتم [illegible]
[illegible] فرقه ناجیه [illegible] چهار مذهب [illegible]
[illegible] گفتم [illegible]
[illegible] چهار مذهب [illegible] حقیقت [illegible]
[illegible] فرقه ناجیه [illegible] اهل سنت [illegible] چهار مذهب [illegible]
[illegible] گفتم [illegible] فرقه ناجیه [illegible]

[illegible] در عند الله بر راه نجات [illegible] گفتم هرگاه باعتراف شما حق بجانب یک فرقه از فرق اربعه است پس بحکم آیه کریمه فماذا بعد الحق
الا الضلال طرق ثلثه عند الله در ضلالت باشند گفت حاشا من ذلک بلکه نجات در هر چهار منحصر است گفتم اگر معترض اعتراض کند و بر سبیل
تمثیل گوید [illegible] الماس [illegible]
[illegible]
[illegible] الماس [illegible] چهار فرقه [illegible]
[illegible] باطل [illegible] حقیقت [illegible]
الماس [illegible]
[illegible] جواب [illegible] گفتم [illegible]
این اجوبه راضی و خورسند [illegible]
[illegible] قرآن [illegible] گفتم [illegible]
[illegible] گفت [illegible]
[illegible] ایمان [illegible]
وجود [illegible] اثبات [illegible] قرآن [illegible]
[illegible]
[illegible] گفتم هرگاه [illegible] قرآن [illegible]
[illegible] گفت [illegible]
حضرت سید کاینات صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] گفتم [illegible] گفت [illegible]
[illegible]

اثنا عشریه

اثنا عشریه پیدا بود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] گفت حاشا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] آیه کریمه [illegible]
[illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
چون فی الجمله جمعیت خاطر بهم رسید گفتم [illegible] حقیقت مذهب [illegible] گفت
اعتصام ما بعروة الوثقی است که من جانب الله [illegible] آیه کریمه واعتصموا بحبل الله جمیعا [illegible] گفتم [illegible] کدام است گفت
مذهب حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و خلفای [illegible] گفتم حقیقت [illegible] بدلیل ثابت میشود گفت [illegible]

پس ابرای ثبوت وحقانیت مذهب گفت اول آنکه چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله از دار محنت رحلت فرمود خلافت آنحضرت بعد
چهار خلیفه افتاد که اول ایشان ابو بکر و آخر مرتضی علی علیه السلام است و هیچکدام از این چهار خلیفه صاحب مذهب نبوده بلکه پیروی [illegible]
در سوم حضرت رسالت پناه بود پس اتمام امر خلافت باعتقاد اهل سنت بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام پذیرفت بالضروره معلوم شد که طریقه آنحضرت
و طریقه حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله بلا تفاوت یکیست و در این شک و شبهه نیست بنا بر اعتبار بر خلافت و وجوب اقتدا بخلفا
چهارم زمانیکه امر خلافت آن منتهی شده و پیروی حضرت رسالت پناه منحصر در آن است و اکثر اختراع مذاهب بعد [illegible] مشهور بود و خلاف
روایات کاذبه و اشتهار احادیث موضوعه در میان افتاده و احتمال حقیقت [illegible] چهار خلیفه که هر کدام در زمان خود خلافت را با [illegible] تمام کرده
و احادیث از لفظ مبارک [illegible] باجماع مذاهب [illegible] اوله با اجتهاد [illegible]
چهار خلیفه [illegible] که دعوی حقانیت مذاهب [illegible] باطل باشد [illegible]
العقول [illegible] صاحب شریعت [illegible] آیه کریمه واتبع ملة ابراهیم حنیفا [illegible]
[illegible] آیه کریمه [illegible] ملة ابیکم ابراهیم [illegible]
ان هذا صراطی مستقیما [illegible] حضرت امیر و اولاد امجاد حضرت مرتضی علی علیه السلام [illegible] الحسن و الحسین سید
شباب اهل الجنة [illegible] علوم [illegible] علیهم السلام [illegible] بعد از حضرت
مرتضی علی علیه السلام علوم دینی [illegible] ابو حنیفه [illegible] حسنین علیهما السلام [illegible]
[illegible] اقوال [illegible] در افعال و احکام [illegible] قرآن مجید [illegible] آیه کریمه و ما اختلف
الذین اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم [illegible] اجماع امر فرموده [illegible]
[illegible] و اعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا [illegible] ابو حنیفه [illegible] حسنین علیهما السلام [illegible]
[illegible] حنفیان [illegible]
[illegible] ابو حنیفه [illegible] تصنیف کرده [illegible]
مجهول تصنیف کرده [illegible] ابو حنیفه [illegible] ابو حنیفه نعمان بن ثابت الکوفی
شافعی [illegible]

الترمذی

الترمذی کان یعلن فی الکلام و ما یعرف الفقه و النحو و الاحادیث [illegible] علم [illegible]
کتب مذاهب [illegible] احتمال [illegible] مذهب [illegible] باطل باشد [illegible]
[illegible] تحقیق [illegible] معقول و منقول [illegible]
فی الجمله حقیقت [illegible]
شیخ [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] مذهب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حقیقت [illegible] مذهب [illegible]
[illegible] اقوال و افعال [illegible] کدام دلیل [illegible]
حدیث [illegible] ابو حنیفه [illegible]
هزار قسم [illegible]
[illegible] قوله تعالی [illegible] یوم القیمة [illegible]
[illegible] ابو حنیفه [illegible]
شافعی [illegible]
[illegible]
[illegible] حنفیان [illegible]
گفت [illegible]
[illegible] قرآن و حدیث [illegible] مذهب [illegible] حضرت [illegible]

آیهٔ کریمهٔ والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا [illegible]

در شأن [illegible] از فقهای اهل نفاق [illegible] مذهب حنفی [illegible]

و غیره [illegible] مذهب شافعی [illegible]

[illegible] تفضیل [illegible] ترجیح [illegible]

[illegible] امام [illegible] مستدرم [illegible]

[illegible] مذهب حنفی [illegible] مذهب [illegible]

[illegible] الرسل فضلنا بعضهم علی بعض [illegible] تفضیل [illegible]

[illegible] مذهب شافعی [illegible]

[illegible]

حلال [illegible] مالک [illegible] شافعی [illegible]

[illegible]

[illegible] ابو حنیفه [illegible] شافعی [illegible]

[illegible]

و مش آن زیاده از حرمت [illegible] و در حدیث صحیح وارد است که کل مسکر حرام [illegible]
[illegible] جایز [illegible]
مذهب اربعه [illegible]
[illegible] مستحب [illegible]
[illegible]
شارح [illegible] آل رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] شرع محمدی صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible]
[illegible] اسلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] احمد بن حنبل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت فاطمه زهرا علیها السلام [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] صلوات الله علیه [illegible]

بحضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] روایت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] قال الامام فخر الدین الرازی [illegible] مذهب الشافعی [illegible] احمد بن حنبل [illegible]
[illegible] قال صاحب الملل والنحل [illegible] ابو عبد الله محمد بن کرام [illegible]
[illegible]
[illegible] الشهرستانی [illegible]
[illegible]
[illegible] صاحب الملل والنحل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] شام [illegible]

اعتقاد دارد و جماعت امامیه هم پیروی آخوندی و صفی نقیه فرموده اند و هر شب جمعه جو و کاه و علف [illegible] تمام در آن میریزند و باقسام [illegible]

[illegible]

[illegible]

یا ما را سبیل ممنوع ابوحنیفه مدعی است که استقرار داده و قضا را واقع ساخت تا از قطعی این حیث از دست بکوشش سیه [illegible]
[illegible] ابا آورده که [illegible] و [illegible] ممنوع کرده • از راه سنت طریق گفت [illegible] از ظهور ارباب مذاهب ابوحنیفه داشته و اگر نه در [illegible] مقام پیغمبر بوده [illegible]
دین آنحضرت [illegible] بوده گفتم این بهتان بحث است چه نسخ دین حق صادق [illegible] آنچه [illegible] از عبادات [illegible] نسخ نموده [illegible]
و حال آنکه ایشان [illegible] در ترویج دین مبین حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله اهتمام بلیغ مینمودند و [illegible] اجتناب [illegible]
ترغیب و تحریص میکردند و تهدید بلیغ از نواهی و مناهی پیغمبر نموده و در جواب من این آیه را تلاوت کرده که الذین ضل سعیهم فی الحیوة الدنیا وهم
یحسبون انهم یحسنون صنعا اولئک الذین کفروا بآیات ربهم ولقائه فحبطت اعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیامة وزنا ذلک جزاؤهم جهنم بما کفروا
واتخذوا آیاتی ورسلی هزوا گفتم این آیه در حق کفره است و ایشان چه نسبت دارد گفت کفر اقسام دارد و کفر ایشان مصداق آیه و من لم یحکم بما
انزل الله فاولئک هم الکافرون ثابت است گفتم اگر ایشان در احکام صوم و صلوة و حج و زکوة و غیره بر خلاف ما انزل الله حکم کرده باشند [illegible]
کند گفت آنحضرت سید الثقلین صلی الله علیه و آله در حالت حدث نماز فریضه را جایز نداشته گفتم حاشا و کلا که این اعتقاد ما باشد [illegible]
حلال شیخ [illegible] است گفت [illegible] شافعی [illegible] ابوحنیفه [illegible] از [illegible] مینماید که [illegible] باعتقاد امام شما حدث [illegible] نماز [illegible]
و حال حدث [illegible] است و چون شما با وجود [illegible] شافعی [illegible] وقال [illegible] یک حکم دارد و جمع بین النقیضین [illegible]
محال است پس این تقدیر لازم می آید که نزد شما کفر و اسلام و حلال و حرام و حق و باطل و علم و جهل و وضو و حدث و طهارت و جنابت [illegible]
[illegible] و [illegible] و حدوث و [illegible] مساوی [illegible] چنانکه حکیم [illegible] باشد [illegible] ابوحنیفه آورده • راه دین [illegible]
آسان کرده • کفر و دین برابر [illegible] کرده • و حال آنکه عدم مساوات صریح آنچه مذکور شد بدلایل قطعی ثابت است قوله تعالی لا یستوی اصحاب النار و
هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون و هل یستوی الاعمی والبصیر و لا یستوی اصحاب النار و اصحاب الجنة و ما یستوی الاحیاء و لا الاموات [illegible]
و [illegible] ابوحنیفه وضو و غسل و غیره [illegible] نیت [illegible] میداند و نزد شافعی باطل است و شافعی بسم الله [illegible] فاتحه میداند و در نماز جهر [illegible]
سنت دانسته و ابوحنیفه و مالک مکروه دانسته و نیز شافعی آمین را در نماز [illegible] میداند و ابوحنیفه [illegible] آمین [illegible] است [illegible]
ابوحنیفه از [illegible] بسم الله [illegible] و اجماع [illegible] قرآن [illegible] مکروه دانسته و [illegible] آمین [illegible] اجماع خارج قرآن است [illegible]
[illegible] پس از اینجا [illegible] و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون ظاهر شد و [illegible] شافعی تسبیحات رکوع و سجود [illegible]

وقنوت و استراحت [illegible] ابوحنیفه تجویز نموده و احمد حنبل بر خلاف [illegible] فرض نموده که امام [illegible] نماز کردن جایز نیست [illegible]
چند که [illegible] ابوحنیفه [illegible] گفتم [illegible] این [illegible] گفت [illegible]
[illegible] صحیحین روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] بالقرائة قبل الرکوع [illegible] معلوم شد [illegible] احادیث [illegible]
بلکه [illegible] ابوحنیفه قنوت را بدعت میداند و شافعی [illegible] و [illegible] عقل [illegible]
مذهب رسول صلی الله علیه و آله [illegible] آنحضرت [illegible] کرده و [illegible] بین الثقلین [illegible] مذهب [illegible]
روایت کردن [illegible] تصدیق نمودن است قول [illegible] آنحضرت را از کمال [illegible] یا ایها الذین نزل علیه [illegible]
[illegible] اهل سنت [illegible] الله [illegible] قرآن [illegible]
[illegible] از قبل [illegible] پیغمبر [illegible] قرآن [illegible]
[illegible] قرآن [illegible] ولو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافا کثیرا اختلاف [illegible] از آراء و عقول [illegible]
[illegible] بفسق [illegible] قوله تعالی قل ما یکون لی ان ابدله من تلقاء نفسی ان اتبع الا ما یوحی الی [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] حکم تحلیل [illegible] تحریم [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible] ترویج طریق [illegible]
[illegible] اکثرهم [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] الامام علیه الصلوة و السلام [illegible] امام [illegible]
[illegible] قرآن [illegible] اثبات امامت [illegible]
[illegible] وما کان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضی الله ورسوله امرا ان یکون لهم الخیرة من امرهم
بر خلاف [illegible] دلالت صریح دارد [illegible] فمن تمتع بالعمرة
الی الحج [illegible] آل محمد صلی الله علیه و آله [illegible] واعلموا انما غنمتم
من شیء فان لله خمسه وللرسول ولذی القربی [illegible] آنحضرت [illegible] تحقیق

و شیخ ... ابراهیم نمود انگاه پیش ... [illegible] ... مقامات گذشته ... ابو حنیفه ... [illegible]
... [illegible] ... اجتهاد ... [illegible]
... [illegible] ... قرآن و احادیث ... [illegible] ... قیاس ... [illegible]
... [illegible] ... حدیث اول من قاس ابلیس ... [illegible] ... العلماء ... [illegible]
... [illegible] ... اجتهاد ... [illegible]
... [illegible] ... امامت ... [illegible]
... [illegible] ... گفت ... [illegible]
... [illegible] ... ابلیس ... [illegible]
... [illegible] ... قیاس ابلیس ... [illegible]
... [illegible] ... قرآن و حدیث ... [illegible]
... [illegible] ... حدیث ... صلی الله علیه و آله ... [illegible]
... [illegible] ... حدیث ... [illegible]
... [illegible] ... قرآن ... [illegible]
... [illegible] ... الاتفاق ... [illegible]
... [illegible] ... اهل سنت ... احادیث ... [illegible]
... [illegible] ... ابو حنیفه ... [illegible]
... [illegible] ... شیطان ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... ابو حنیفه ... [illegible]

... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... مذهب ... [illegible]
... [illegible] ... اثنا عشری ... آیات ... انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و
یؤتون الزکوة و هم راکعون ... قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی ... [illegible]
... قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله ... [illegible] ... حضرت رسول الثقلین صلی الله علیه و آله ... [illegible]
... [illegible] ... اهل بیت ... [illegible]
... [illegible] ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... اهل البیت علیهم السلام ... [illegible]
... الحمد لله الذی هدینا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدینا الله ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... قال رسول الله صلی الله علیه و آله انی تارک فیکم الثقلین ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا ابدا کتاب الله و عترتی
... [illegible] ... مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق ... [illegible]
... ستفترق امتی ... علی ثلث و سبعین فرقة کلهم فی النار الا واحدة ... [illegible]

[illegible]

... فرقه است یعنی تابع مذهب اهل البیت علیهم السلام نیستند [illegible] حقیقت خمس چیست گفت [illegible]

[illegible] و اعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسه وللرسول ولذی القربی والیتامی والمساکین

وابن السبیل حصه خدا و رسول صلی الله علیه و آله [illegible] و حق سایر یتیمان و مساکین و ابناء السبیل [illegible]

[illegible] ذوی القربی [illegible]

اجرا الا المودة فی القربی [illegible] و مساکین و ابن السبیل [illegible]

از این آیه ظاهر [illegible] عطف بر فقره سابقه [illegible] ذوی القربی

[illegible]

[illegible] اهل اسلام [illegible] مساکین [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible]

[illegible] یتامی و مساکین و ابناء السبیل [illegible]

در عوض زکوة و صدقات [illegible] بنی هاشم [illegible]

حضرت رسول خمس [illegible] برای خدا و رسول [illegible] یتامی و مساکین و ابناء السبیل [illegible]

آنحضرت [illegible] یتامی و مساکین و ابناء السبیل [illegible]

[illegible] اهل البیت علیهم السلام [illegible] خمس [illegible] رسول صلی الله علیه [illegible]

[illegible] عبد المطلب [illegible]

[illegible] بنی هاشم [illegible]

[illegible]

صحابه

[illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] اهل البیت علیهم السلام [illegible]

[illegible] زکوة [illegible] انما الصدقة [illegible]

[illegible] بنی هاشم [illegible] خمس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] انما الصدقات للفقراء والمساکین والعاملین علیها والمؤلفة قلوبهم وفی الرقاب والغارمین وفی سبیل الله

وابن السبیل [illegible]

[illegible] مساکین [illegible]

[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible] بنی هاشم [illegible]

[illegible] قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] خمس [illegible]

خمس [illegible] ان کنتم آمنتم بالله وما انزلنا علی عبدنا یوم الفرقان [illegible]

[illegible]

و ما فی وسعه نموده جهت دفع ستم تاراج نقود و جهود کشوده [illegible] و درین هنگام [illegible] اهل اسلام [illegible]
صبر و سکون المقدمة الجیش نموده افواج [illegible] از صف [illegible] امواج [illegible] مانند ابر طوفان بار
آتش غضب [illegible] دمار از روزگار اعدا بر آورده [illegible] عادل [illegible] کشور دل عالم [illegible] از [illegible] بر خواسته [illegible]
کر آن مایه که [illegible] گذشته بود چون ماه [illegible] از کتاب [illegible] اهل سنت [illegible] آورده [illegible]
خمس [illegible] ظاهر شد که [illegible] بعد الاتفاق بر آنکه در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله خمس غنایم بر شش سهم مقسوم [illegible]
[illegible] از وفات آنحضرت در تقسیم آن [illegible] ابو حنیفه [illegible] خلیفه اول [illegible] سهم شده [illegible]
بنی هاشم [illegible] از عبارت کشاف مفهوم [illegible] اکثر [illegible] خمس حق [illegible]
حق او و حق ذوی القربی را ساقط [illegible] بنی هاشم [illegible] که از فقر و فاقه [illegible] از خمس [illegible] صدقه و زکوة
[illegible] باکثر [illegible] و [illegible] بالتسویه [illegible] زمخشری [illegible] در حاشیه آن [illegible]
باین [illegible] که [illegible] مستفاد میشود که چون خمس را از اولاد رسول صلی الله علیه و آله و سایر بنی هاشم قطع کرده [illegible] اهل
[illegible] بوده [illegible] خلیفه [illegible] به خلفا [illegible] آمده [illegible]
[illegible] آیه و الذین یؤذون المؤمنین و المؤمنات بغیر ما اکتسبوا فقد احتملوا بهتانا و اثما مبینا [illegible]
مؤمنین [illegible] اهل البیت [illegible] المؤمن [illegible]
[illegible] منحصر [illegible] الا [illegible] از این عبارت [illegible] مستفاد [illegible]
[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible] حضرت [illegible]
آنحضرت [illegible] حضرت الصدیق [illegible] اولاد [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] الکریم [illegible] المؤمن [illegible]
رسوله امرا ان یکون لهم الخیرة من امرهم [illegible] شافعی و احمد حنبل [illegible]
برای تبرک [illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible] آنحضرت [illegible]

جهت جهاد

جهاد و بنای مساجد [illegible] و غیر آن است و این [illegible] تقسیم [illegible] از معادن [illegible] پنج سهم قرار داده [illegible]
[illegible] رسول الله و یک سهم [illegible] بنی هاشم و بنی عبد المطلب که ذوی القربی عبارت از آنهاست [illegible] بنی عبد شمس [illegible]
[illegible] بنا بر حدیث مشهور متفق علیه [illegible] صلی الله علیه و آله ان بنی المطلب [illegible] فی جاهلیة و لا اسلام و بنو هاشم و بنو عبد المطلب [illegible]
[illegible] فرزندان عبد المطلب [illegible] اسلام [illegible] اولاد هاشم [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible] بنو هاشم و عبد المطلب
[illegible] شافعی و احمد حنبل [illegible] تقسیم تفاوت میان [illegible] استحقاق [illegible]
[illegible] اولاد و بنات سادات [illegible]
و فقرا و مساکین و ابناء السبیل [illegible] مستحقین خمس [illegible]
[illegible] ولایت [illegible]
[illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] حضرت سید المرسلین [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible]
[illegible] اهل البیت علیهم السلام [illegible] تقسیم [illegible]
[illegible] اهل بیت [illegible] بنی هاشم [illegible] حدیث ان الله [illegible]
الصدقة انزل الخمس فالصدقة علیهم حرام و الخمس لهم حلال [illegible] اهل البیت علیهم السلام [illegible] حضرت [illegible]
حضرت [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] امام [illegible]
[illegible] دوم معادن [illegible]

وزبرجد و مانند آن و طلا و نقره و سرب و مس و آهن و کبریت و قیر و نمک [illegible] و مانند آن [illegible]
جمیع [illegible] سوم گنج [illegible] زمین پنهان کرده باشند [illegible] اسلام [illegible] باشد
چهارم [illegible] پنجم [illegible]
دارد [illegible] پنجم ارباب [illegible] ششم زمینی که
ذمی از مسلمان خریده باشد [illegible] هفتم
مال حلال [illegible] به حرام [illegible] خمس [illegible]
[illegible] خمس [illegible]
[illegible] سهم الله و سهم الرسول و ذی القربی [illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] خلیفه [illegible]
[illegible] مناظره کردن
با [illegible] مناظره [illegible]
مناظرات [illegible] شاه جهان آباد [illegible] پادشاه [illegible] حضرت عالمگیر
پادشاه [illegible] الله تعالی [illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] الشاتم مسلما [illegible] اهل الکتاب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

ابو المنصور

ابو المنصور [illegible]
[illegible] روایت صحیح است [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت امیر المؤمنین [illegible]
[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible] اهل سنت [illegible]
[illegible]
[illegible] اهل سنت [illegible] حضرت رسول [illegible]
[illegible] ابن الخطاب [illegible]
[illegible] حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible] اهل سنت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

و فلان حدیث ... فلان ... شبهه آورده بود ... و فلان شخص ... فلان ... مشکل آورده بود ... و فلان را [illegible]

و فلان ... [illegible] ... الزام ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

... آیه کریمه ان اکرمکم عند الله اتقیکم ... [illegible]

[illegible] ... حسن التقیه ... [illegible]

[illegible]

ویل یومئذ للمکذبین و سوره الرحمن که فبای آلاء ربکما تکذبان ... [illegible]

... حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... [illegible]

[illegible]

گفتم جواب این حدیث پیش از این معلوم بیان فرموده و حضار مجلس شاهد اند که هیچ یک از ایشان نگفت حاشا که من در ما نحن فیه عقیده فاسده داشته باشم
چه هر دو کلام حضرت سید الانام علیه و آله الصلوة در وقت مرض موت نیز از وحی بود گفتم از کجا که وحی نبود و طرف وحی داشتند در نفی تلک
اطاعت و مرجع ضمیر و ما ینطق عن الهوی نبود و حال آنکه حق تعالی در کلام خود از مخالفت امر آنحضرت تحذیر و تهدید و تخویف فرموده قوله تعالی
فلیحذر الذین یخالفون عن امره ان تصیبهم فتنة او یصیبهم عذاب الیم آنگاه اهل مجلس را مخاطب ساخته گفتم ای یاران انصاف دهید و اقیموا الشهادة لله
شهادت بدهید که چرا از کلام حق فراموش نموده اید و در مضمون کلام معجز نظام وحی الهی حضرت سید الانام علیه و آله الصلوة و السلام و جواب
عمر بن الخطاب تامل نمائید از چه جهت حضار مجلس خجل و سر به زیر افکندند گفتم بحث من در این بیت که چون باتفاق جامع احادیث
صحیح بخاری و مسلم و غیرهما حضرت سید الثقلین از نبوت شفقت و عنایت ... سلام جهت ازاله ضلالت فرمودند ائتونی بدوات
و قرطاس اکتب لکم کتابا لن تضلوا بعده ابدا ابن الخطاب نوشتن نداد و آنحضرت را بهجر و هذیان منسوب ساخته مانع نوشتن وصیت شد
دوات و آلات و ادوات کتابت نشد بنابر این کسی نسبت به آنحضرت اشفاق نمود تا آنکه آن سرور بمرتبه رنجیده و بخشم آمده فرمود که از من دور شوید
فعلم ایشان را از حجره طاهره اخراج فرموده از شما الضغینة مطلوب است آیا این کلام جواب کلام و نقض القصه بهذا بیان می نماید کجا گفته بود یا دلالت
کمال عقل و شعور آنحضرت که بنابر اتفاق گفته حاشا و کلا که این قسم کلام را بهذیان نسبت کنیم گفتم این مسلمانان بنابر وجوه از
دینی و دنیا که با حضرت رسول داشت از آنجا که معاندان و حق فهم بوده هر چند خواست که کلام آنحضرت را هجر و هذیان نسبت مکتوب است
خوف خدا که از تشنیع مخالفان در کار نیست حوالت کرده و سکوت شان کلام محمد از آن ابن حجر که گستاخی شان این حرف نسبت
القشعریره ازینجمله سخنان فی الجمله منتظم گشته از آن مخالف مستعد نمود که حجه او در واقع محمد از آن وصیت شد و الحکم و تحسبونه هینا
اگر بفضل الله مرتبه افاده فرمایند تا آنکه خود را حاصل آید جواب او که بجهة ایشان رسید که بجهت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که معتقد بآیه قل انما انا
بشر مثلکم از جهت بشریت و لازم نفس بشری آنست که در حالت مرض تغییر در مزاج و تبدیل در ارکان بدن و جوارح و حواس و قوی راه می یابد و از حالت
بی ادراکی در آن وقت رسید که میاد اوراق اشیای کتابت وصیت آنحضرت را نیز عارض شود و چیزی چند بنویسد که در او مصلحت نباشد و موجب فتنه
منازعت گردد و لهذا الفتنه اشد من القتل کتب حسبنا کتاب الله بعد از آنکه نه ابن الخطاب نیاورد آن وقت سعی جمیع کتب در آن نوشتن وصیت الاتمام
تحصیل حاصل است منع نمود گفتم بحر به را که خود قابل باشد بگو پیوسته هر چه بجهت لسان شد خود در اقوال و افعال که در حضرت رسول فرمودند فاتقوا

چنانکه صاحب صحیح مسلم در صحیح تصریح نموده که قال لهم ما شککت فی نبوة محمد کشکی یوم حدیبیه و علی هذا از رسول خدا خلق محض و شرک است
و مستلزم غضب و سخط و لعن و دخول نیران و سوء خاتمت و خسارت عاقبت است کما قال جل جلاله و یعذب المنافقین و المنافقات و المشرکین
و المشرکات الظانین بالله ظن السوء علیهم دائرة السوء و غضب الله علیهم و لعنهم و اعد لهم جهنم و ساءت مصیرا چه از این تقریر چنانچه مشهور که
در اقوال و احوال ذات جلیل و عنصر بدیل از آن دلیل خیر البشر و اهل حق تحلیل از استیلای شدت مرض ضعف عن و سیر تغایر کی
موهوم تهم و مریدان او است مرید او و پیش از این تحاشی قبل قول آنحضرت انکار در واقعیت امر او از وقوع فتنه نرسیده و تصدیق آیه ان هو الا وحی یوحی
نمودن و خیر البریه القصوی که سیر آن راسخ و تحریر امور آنحضرت نه نهفتن و اثبات الحکم خود که و اینها و حقایق را و وشته و حلقات
انه حق و از طریق هدایت برطرف و در امکنه و نفس خود را مستحسن و الفتن و آیة ان بعض الظن اثم نشنیده و دلیل بر عدم ایمان
نمود با الله من ذلک فی عقیده و الله اعلم بالعیب کما قال الله تعالی و من یعص الله و رسوله و یتعد حدوده یدخله نارا خالدا فیها و له عذاب مهین
و کمال نحو در این مقام استدلال شما بآیه قل انما انا بشر مثلکم توجیهی بیت نامعقول بنابر آنکه لم بجواز و اقتضا وجه حضرت رسول صلی الله علیه و آله
قریب بیست و سه سال زنده بود و چرا در آن مدت خود اظهار این توجیهات نکرد و گفت بعض جهت البته اللهم انا نعوذ بک گفتم بر بسیار از ضمائر شریفه
کی و قوف حاصل شده و حال آنکه حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله بهترین کاینات بوده و بر طبق آیه کریمه و ان تقولوا النبی لقولهم بل انه خبیر
منافقین مطلع نموده گفت پس آیه قل انما انا بشر مثلکم را معتقد شده چه معنی دارد گفتم افتؤمنون ببعض الکتاب و تکفرون ببعض فما جزاء من
یفعل ذلک منکم الا خزی فی الحیوة الدنیا و یوم القیمة یردون الی اشد العذاب و ما الله بغافل عما تعملون گفت معنا سکوت کدام آیه از قرآن
کفر ان و در زیدیم گفتم آیه قل انما انا بشر مثلکم را گوش دادن و از یوحی الی فراموش کردن و وحی ما ینطق عن الهوی را بیاد ندادن و خطاب
ارجعیه رعایت ابن الخطاب منظور نه داشتن و کلام الهی را بقول او اهل سیاه منسوخ دانستن و از عناد و جهل و استقیم شیخ و محو عاطفه نیت
طریق حضرت پیغمبر منحرف شدن و در او مخالفت او جهد ورزیدن و از او بعدا کرسی شرح سیف و قوم ابن الخطاب پیوستن و قول او بر قول رسول ترجیح
و قبحت اشنعی التعصیدن و در همه لسان حق کوشیدن از شما که مطلوب معرفت را ظن کرده اید و مبتدیت و جماعتی از جهل
گمراهی و ضلالت بیراهی خود و جهلات باطل بمنزله تحیرت عادل بجهل سوای هم و فضل که رسیده گفت هرگز رسول را نظیر بود شاید که بر این نظیر
در منع تحریر وصیت دیده باشد گفتم اگر پای تعصب انسیان بر جزیره و الطاف بطبع با اتفاقات نفس آمیزه و وثاقت و هوس دلیل ادراک در آمیزد

رتبه تحصیل الفقه آنحضرت نیز بحکم آیه و اجعل لی وزیرا من اهلی هرون اخی درباره حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که بمصداق حدیث صحیح انا
علی انت منی بمنزلة هرون من موسی صاحب مرتبه [illegible] حضرت رسول شده [illegible]
عبارت صحیحین چنان [illegible] ابن عباس [illegible]
[illegible]
[illegible]
والفتنة اشد من القتل قال النبی صلی الله علیه و آله الفتنة نائمة لعن الله من ایقظها [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] آیه کریمه و ما آتیکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

اکثر شیعه

اکثر شیعه علم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

... است گفت شده و نقیل را نمی رسد که [illegible] و طعن در عقاید جمعی کثیر از طایفه اهل سنت و جماعت [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] و حال آنکه [illegible] در شرق و غرب [illegible]
[illegible] و تصدیق براهین باهره و فرقه ناجیه [illegible]
[illegible] قوله تعالی و ما آمن معه الا قلیل [illegible] الا قلیلا فشربوا منه الا قلیلا منهم [illegible]
و ان کثیرا من الناس لفاسقون و ان تطع اکثر من فی الارض یضلوک عن سبیل الله ان یتبعون الا الظن [illegible]
اکثرهم یجهلون و قوله ام تحسب ان اکثرهم یسمعون او یعقلون ان هم الا کالانعام بل هم اضل سبیلا [illegible]
[illegible]
[illegible] از قرآن [illegible]
[illegible] آیه کریمه الم تر الی الذین نافقوا یقولون لاخوانهم الذین کفروا [illegible]
بلکه هیچ یک از طغاة و جبابره چون نمرود و عاد و فرعون و شداد [illegible] دعوی الوهیت [illegible]
[illegible] از حدیث متواتر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
صلوات الله علیهم اجمعین [illegible]
[illegible]
[illegible]
حضرت [illegible] آیه کریمه من یطع الرسول فقد اطاع الله [illegible]
نسبت بجناب حضرت پیغمبر [illegible]

مگر با اعتقاد ایشان در خلفای ثلثه [illegible] احتمال ضلالت [illegible]
[illegible] لن تضلوا ابدا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] یا ایها الذین آمنوا لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی و لا تجهروا له بالقول کجهر بعضکم لبعض ان تحبط اعمالکم
و انتم لا تشعرون [illegible]
[illegible] آیه الرضوان [illegible] بیعة الرضوان [illegible]
[illegible] بیعة الرضوان [illegible]
[illegible]
[illegible] و الذین یدعون ربهم بالغداة و العشی [illegible]
[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

احد الايمان حتى تعرفني كنه معرفتي بالنورانية فاذا عرفني بهذه المعرفة فقد عرفني ومن عرفني امتحن الله قلبه للايمان وشرح صدره للاسلام وصار عارفا مستبصرا
ومن قصر عن ذلك فهو شاك ومرتاب يا سلمان ويا جندب قالا لبيك يا اخا رسول الله قال معرفتي بالنورانية هو الدين الخالص الذي قال الله تعالى وما
امروا الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء ويقيموا الصلوة ويؤتوا الزكوة وذلك دين القيمة يقول ما امروا الا بنبوة محمد وهو الدين الحنيفية
المحمدية السمحة وقوله ويقيموا الصلوة فمن اقام الصلوة ولايتي واقامة ولايتي صعب مستصعب لا يحتمله الا ملك مقرب او نبي مرسل او مؤمن امتحن قلبه
للايمان فالملك اذا لم يكن مقربا لم يحتمل ولا نبي صعب والنبي ان لم يكن مرسلا لم يحتمله والمؤمن ان لم يكن ممتحنا لم يحتمله قلت يا امير المؤمنين
المؤمن الممتحن وما نهايته وما حده حتى اعرفه قال يا ابا ذر يا عبد الله قلت لبيك يا امير المؤمنين قال المؤمن الممتحن هو الذي لا يرد عليه من امرنا
شيء الا من شرح صدره لقبوله ولم يشك ولم يرتب اعلم يا ابا ذر يا عبد الله ان الله عز وجل جعلني امينا على عباده وخليفة في بلاده ولا تجعلونا
اربابا وقولوا فينا ما شئتم فانكم لا تبلغون كنه ما فينا ولا نهايته من الرب فان الله تعالى اعطانا اكثر واعظم مما يصفه واصفكم او يخطر على قلب احدكم فاذا
عرفتمونا هكذا فانتم مؤمنون قال سلمان يا اخا رسول الله اقامة الصلوة هي اقامة ولايتك قال نعم يا عبد الله وتصديق ذلك قوله تعالى في الكتاب العزيز
واستعينوا بالصبر والصلوة وانها لكبيرة الا على الخاشعين فالصبر رسول الله صلى الله عليه وآله والصلوة هي اقامة ولايتي فمنها قال الله تعالى وانها لكبيرة
ولم يقل وانهما لكبيرة لان الولاية كبير حملها الا على الخاشعين هم شيعتنا والقدرية والخوارج من الناصبية يقرون بنبوة محمد وانه ليس بينهم اختلاف وهم مختلفون
في ولايتي منكرون لذلك وجاحدون بها الا القليل وهم الذين وصفهم الله عز وجل في كتابه العزيز وانها لكبيرة الا على الخاشعين وقال
في ذكره في موضع آخر في كتابه في نبوة محمد صلى الله عليه وآله وفي ولايتي وبئر معطلة وقصر مشيد فالقصر المشيد محمد صلى الله عليه وآله والبئر المعطلة
ولايتي عطلوها وجحدوها ومن لم يقر بولايتي لم ينفعه الاقرار بنبوة محمد صلى الله عليه وآله لانهما مقرونان وذلك ان محمدا نبي مرسل وهو امام الخلق
وانا من بعده امام الخلق ووصيه كما قال لي النبي صلى الله عليه وآله انت مني بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي واولنا محمد واوسطنا محمد
وآخرنا محمد فمن استكمل معرفتي فهو على الدين القيم كما قال الله تعالى وذلك دين القيمة وسابين ذلك يا سلمان ويا جندب قالا لبيك يا امير المؤمنين
قال كنت انا ورسول الله نورا واحدا من نور الله عز وجل فامر الله تبارك وتعالى ذلك النور ان يشق نصفين فقال للنصف كن محمدا وقال للنصف
كن عليا فمنها قال النبي صلى الله عليه وآله علي مني وانا منه ولا يؤدي عني الا علي حين وجه ابو بكر بالسورة فنزل الامين جبرئيل عليه السلم
فقال يا محمد ان ربك يقرئك السلم ويقول لك لا يؤدي السورة الا انت او رجل منك فوجهني في اثر ابو بكر فرددته فوجد في نفسه وقال يا رسول الله

انزل

انزل في القرآن قال لا ولكن جبرئيل امرني ان لا يؤدي الا انا او علي يا سلمان ويا جندب قالا لبيك يا اخا رسول الله فمن لا يصلح ان يؤدي
صحيفة يؤديها من رسول الله صلى الله عليه وآله كيف يصلح للامامة يا سلمان ويا جندب قالا لبيك يا اخا رسول الله قال انا ورسول الله فصار رسول الله
محمد المصطفى وصرت انا علي المرتضى وصار محمد الناطق وصرت انا الصامت ولابد في كل عصر من الاعصار ان يكون فيه ناطق وصامت يا سلمان
ويا جندب قالا لبيك يا امير المؤمنين قال فصار محمد المنذر وانا الهادي الله يعلم وذلك قوله تعالى انما انت منذر ولكل قوم هاد فرسول الله صلى
الله عليه وآله المنذر وانا الهادي الله يعلم ما تحمل كل انثى وما تغيض الارحام وما تزداد وكل شيء عنده بمقدار عالم الغيب والشهادة الكبير المتعال سواء
منكم من اسر القول ومن جهر به ومن هو مستخف بالليل وسارب بالنهار له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه من امر الله فضرب بيده
على الاخرى وصار محمد صاحب الجمع وصرت انا صاحب النشر وصار محمد صاحب الجنة وصرت انا صاحب النار اقول لها خذي هذا وذري هذا وصار محمد صاحب
الرجفة وصرت انا صاحب الهدة وانا صاحب اللوح المحفوظ الهمني الله عز وجل علم ما فيه يا سلمان ويا جندب قالا لبيك يا اخا رسول الله قال
صار محمد يس والقرآن الحكيم وصرت انا ن والقلم وما يسطرون وصار محمد طه ما انزلنا عليك القرآن لتشقى وصرت انا
وصار محمد صاحب الدلالات وصرت انا صاحب الآيات وصار محمد خاتم النبيين وصرت انا خاتم الوصيين وانا الصراط المستقيم وانا
النبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون ولا احد اختلف الا في ولايتي وصار محمد صاحب الدعوة وصرت انا صاحب السيف وصار محمد نبيا مرسلا
وانا صرت انا صاحب امر النبي صلى الله عليه وآله وقال الله عز وجل يلقي الروح من امره على من يشاء من عباده وهو روح الله لا يعطيه ولا يلقي هذا
الروح الا على ملك مقرب او نبي مرسل او وصي منتجب فمن اعطاه الله هذا الروح فقد ابانه من الناس وفوض اليه القدرة واحيى الموتى وعلم بما كان
وما يكون من المشرق الى المغرب ومن المغرب الى المشرق في لحظة واحدة وعلم ما في الضمائر والقلوب وعلم ما في السموات والارض يا سلمان ويا جندب
قالا لبيك يا اخا رسول الله وصار محمد الذكر الذي قال الله عز وجل انا ارسلنا اليكم رسولا الخ نعلمون اني اعطيت علم المنايا والبلايا و
فصل الخطاب واستودعت علم القرآن وما هو كائن الى يوم القيمة ومحمد صلى الله عليه وآله اقام الحجة حجة للناس وصرت انا حجة الله جعل لي ما لم
يجعل لاحد من الاولين والآخرين الا لنبي مرسل وملك مقرب يا سلمان ويا جندب قالا لبيك يا امير المؤمنين قال انا حملت نوحا في السفينة
بامر ربي وانا الذي اخرجت ابراهيم من النار بامر ربي وانا الذي اخرجت ماء البحار وانا الذي اجريت انهارها وانا الذي فجرت انهارها
عيونا وغرست اشجارها بامر ربي وانا عذاب يوم الظلة وانا الذي ينادي من مكان قريب يسمع الثقلان الجن والانس وانا الذي اسمع

الجبارين والمتعظمين على طغيانهم وانا الخضر معلم موسى وانا معلم سليمن بن داود وانا ذو القرنين باذن الله عز وجل يا سلمان ويا جندب
انا محمد وانا من محمد ومحمد مني قال الله تعالى مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان يا سلمان ويا جندب [illegible] الميت [illegible]
[illegible] لم يغب وان قتلنا لم نقتل يا سلمان ويا جندب انا امير كل مؤمن ومؤمنة من مضى وبقي وايدت بروح القدس وانا تكلمت على لسان
عيسى بن مريم في المهد وانا نوح وانا ابراهيم وانا موسى وانا محمد صلى الله عليه وآله وعليهم اجمعين انقلب في الصور كيف شاء الله من رآهم
وقد ظهرت للناس في صورة واحدة لهلاك الناس [illegible] ولا تقولوا فينا ربا وقولوا في فضلنا ما شئتم
فانكم لن تبلغوا في فضلنا كنه ما جعله الله لنا ولا معشار العشر لانا آيات الله ودلائله وحجج الله وخلفاؤه [illegible] من خلقه
[illegible] وجنبه ولطفه ولو قال قائل لم وكيف كفر واشرك [illegible] يا سلمان ويا جندب فقلنا لبيك يا امير المؤمنين
فقال من آمن بما قلت وصدق بما بينت وفسرت وشرحت واوضحت فهو مؤمن امتحن الله قلبه للايمان وشرح صدره للاسلام وهو عارف
[illegible] يا سلمان ويا جندب فقلنا لبيك يا اخا رسول الله انا أحيي
واميت باذن ربي وانا اخلق وارزق باذن ربي وانا اعلم ضمائر قلوبكم والائمة من ولدي يعلمون ذلك ويفعلون [illegible]
[illegible] باذن ربي والائمة من ولدي يعلمون ذلك ويفعلون هذا اذا احبوا وارادوا لانا كلنا واحد اولنا محمد وآخرنا محمد [illegible]
[illegible] فلا تفرقوا بيننا فانا نظهر في كل زمان ووقت واوان في اي صورة شئنا باذن الله عز وجل ونحن اذا شئنا شاء الله [illegible]
[illegible] ولمن ينكر فضلنا [illegible] ربنا وما اعطانا الله من الكرامات [illegible] قدرة الله [illegible]
ويا جندب فقلنا لبيك يا اخا رسول الله قال لقد اعطانا الله ما هو اجل واعظم واكبر من هذا كله فقلنا يا امير المؤمنين وما هو قال [illegible]
ومن علينا بالاسم الاعظم الذي لو شئنا لخرقنا السموات والارض والشمس والقمر والنجوم والجبال والشجر والبحر [illegible]
الاعظم الذي [illegible] ونأكل ونشرب ونمشي في الاسواق [illegible] باذن ربنا وهم عباد الله المكرمون لا يسبقونه بالقول
وهم بامره يعملون وجعلنا معصومين مطهرين وفضلنا على كثير من عباده المؤمنين [illegible] الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله
وحقت كلمة العذاب على الكافرين [illegible] ما اعطانا الله من الفضل يا سلمان ويا جندب فقلنا لبيك يا اخا رسول الله فقال [illegible]
[illegible] بالنورانية [illegible] حتى يعرفني بالنورانية فاذا كان مستبصرا [illegible]

بحرا من العلم والتقى [illegible] من الفضل [illegible] ثم الجبرة [illegible]
[illegible] ثم واو ثم
[illegible]
[illegible] من الكنوز في خواص القرآن فالعاديات [illegible]
والجوع والعطش [illegible] البينة [illegible]
[illegible] العصر [illegible]
من كتبها [illegible] التكاثر [illegible] الهمزة [illegible]
[illegible] التوحيد [illegible]
[illegible] الفلق [illegible]
[illegible]
[illegible] الصف [illegible]
[illegible] الصف [illegible]
في النجم [illegible]
ان [illegible] عن النبي صلى الله عليه وسلم [illegible]
[illegible] من مفاتيح النجاة در بعضی کتب [illegible]
[illegible]
العجائب ذو الآلاء كل غائب يا جامع الشتات يا من مقاليد الامور بيده اجمع على كذا فانه لا جامع الا انت
[illegible]
[illegible] فتعالى الله الملك الحق [illegible] سنقرئك فلا تنسى [illegible]

الله يعلم الجهر وما يخفى ... لا تحرك به لسانك لتعجل به ثم ان علينا جمعه وقرآنه فاذا قرأناه فاتبع
قرآنه هذه ابيات قالها قيس بن عاصم مضمون موعظة من كلام رسول الله صلى الله عليه وآله تحرز خليلا من فعالك انما قرين الفتى في
القبر ما كان يفعل ولا بد بعد الموت من ان تعده ليوم ينادي المرء فيه فيقبل فان تك مشغولا بشيء فلا تكن بغير الذي يرضى به الله
تشغل فلن يصحب الانسان من بعد موته ومن قبله الا الذي كان يعمل الا انما الانسان ضيف لاهله يقيم قليلا بينهم ثم يرحل
اوتوا ... بسم الله الرحمن الرحيم روي عن ابن مسعود وسلمان الفارسي رضي الله
عنهما قالا دخل النبي صلى الله عليه وآله الى منزل امير المؤمنين فاطمة عليها السلام فلما نظرت اليه ... فقال
النبي صلى الله عليه وآله يا بنية ما الذي يبكيك قالت يا ابي ... كلام ... ولم ...
... فقال النبي
يا بنية والذي بعث اباك بالحق نبيا ... الزوج ...
... يا بنية ... زوجها ...
... يا بنية افضل اعمال المرأة طاعة الزوج ... افضل من ...
يا بنية ... زوجها ...
الدنيا حتى ترى الجنة يا بنية المرأة ... زوجها ... الجنة ...
يا بنية المرأة ... يا بنية ... زوجها ...
... زوجها ...
... اسماعيل بن ابراهيم عليهما السلام
وايما امرأة ... زوجها ...
... الله تعالى ...
المرأة زوجها ... من السموات السبع ... المرأة زوجها ... من عبادة الف سنة

... امرأة ... زوجها ...

من الركن والمقام ... امرأة ... النهار ... الليل ... زوجها ... الله النار مع المنافقين في الدرك الاسفل
ومرجع ... اليه بسم الله الرحمن الرحيم ابو حازم رضي الله عنه قال خرجت ... الحرام ... زيارة النبي صلى الله
عليه وآله ... السلام ... يا ابا حازم ...
فقال ... رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول ...
وقال صلى الله عليه وآله ...
... يا ابا حازم ... الله تعالى ...
... الله ... الاسلام ...
... فقال صدقت يا ابا حازم ثم قال ... الاسلام ... الله ...
... الله قال صدقت يا ابا حازم ثم قال ...
صدقت يا ابا حازم ثم قال ... رسول الله صلى الله عليه وآله ... الصلوة ...
... رسول الله صلى الله عليه وآله فقال صدقت يا ابا حازم كم فرض الله عليك ... الصلوة ...
فقال ... القبلة ...
صدقت يا ابا حازم فقال ... الصلوة ...
... صدقت يا ابا حازم قال ... القبلة ...
... صدقت يا ابا حازم ... في الصلوة ...
... صدقت يا ابا حازم ... الصلوة ...
... صلوة ...
... صدقت يا ابا حازم ثم قال ...
يا ابا حازم قال ... الصلوة ... قال ...

واتيا امرأة ... زوجها ... الجنة ...

فما شفعها قلت تشهدها قال فما تشهدها قلت الاحتساب بمواقع السجود قال فما تحريمها قلت التكبير قال فما تحليلها قلت التسليم قال فما
استغفارها قلت الدعاء بعد الانقضاء قال صدقت يا ابا حازم فما تركت عليك لاحد حجة ثم قال فما مفتاح ذلك كله قلت الوضوء قال فما
مفتاح الوضوء قلت النية قال فما مفتاح النية قلت التسمية قال فما مفتاح التسمية قلت التوكل قال فما مفتاح التوكل قلت اليقين قال فما مفتاح
اليقين قلت الخوف قال فما مفتاح الخوف قلت الاقرار قال فما مفتاح الاقرار قلت الاعتراف بالوحدانية قال صدقت يا ابا حازم قال فما الفرض
وما فرض الفرض وما فرض يؤدي الى الفرض وما فرض يتم به الفرض وما سنة تدخل في الفرض وما سنة يتم بها الفرض قلت اما الفرض فهي الصلوة واما
فرض الفرض فهي الطهارة واما فرض يؤدي الى الفرض اخذ الماء باليمين وصبه على الشمال واما الفرض الذي يتم به الفرض فهو النية واما السنة الداخلة
في الفرض فهو تخليل الاصابع بالماء واما السنة التي يتم بها الفرض فهي الجنابة قال صدقت يا ابا حازم قال كم يجب عليك في مالك الزكاة قلت
في كل مائتي درهم خمسة دراهم وفي كل اربعين مثقالا مثقال وفي كل ستة وثلثين من الابل ابنة لبون وفي كل اربعين شاة شاة وفي كل
اربعين بقرة تبيع او تبيعتين وفي كل سنة صوم شهر رمضان وفي العمر كله حج بيت الله الحرام من وجد الى ذلك الاستطاعة قال فما الاستطاعة قلت
الزاد والراحلة والطريق السابلة قال صدقت يا ابا حازم قال كم يجب عليك عند الطعام من فرض وسنة قلت اربع فرايض واربع سنن و
اربع مكارم واربع آداب قال بين لي ذلك يرحمك الله قلت اما الفرايض فالتسمية والحمد والشكر ومعرفة ... [illegible] من الحرام
واما السنن فالجلوس على ... [illegible] واكل بثلاث اصابع وغض الطرف من الجليس ... [illegible] واما الآداب فتصغير اللقمة وتجويد المضغ
ومص الاصابع ولعق الاناء واما المكارم فغسل اليدين في الابتداء وبعد الانتهاء والتطويل على المائدة ... [illegible]
... [illegible] لقول النبي صلى الله عليه وآله ... [illegible] قال صدقت يا ابا حازم قال كم صدق
وعدد قلت اربعة صدق ... [illegible] قال بين لي ذلك يرحمك الله تعالى قلت ... [illegible]
او موت ... [illegible] والشرق والغرق والجوع والعطش والهدم والرجم ... [illegible] والعقل
... [illegible] قال صدقت يا ابا حازم قال فيما استعدت التعليم قلت بالعقل قال فيما استعدت العقل قلت العقل عقلان عقل ... [illegible] وعقل ... [illegible]
العقل راس الايمان ... [illegible] قال صدقت يا ابا حازم ... [illegible] قال فيما استعدت ... [illegible]
قلت بالتوفيق من الله تعالى قال ... [illegible]

كالشمس

كالشمس في ... [illegible] ذوالنون العابدين علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب صلوات الله عليه وعليهم اجمعين وهذا ما كان من حديث ابي حازم
وعلي بن الحسين عليه افضل الصلوة والسلام ❀ بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لوليه والصلوة على نبيه محمد صلى الله عليه وآله وسلم اما بعد بدانكه
متعه چیزیست که حضرت محمد را صلی الله علیه وآله ... [illegible]
... [illegible] وثواب بسیار وفضیلت بشمار است ... [illegible]
حضرت رسالت پناه ... [illegible] ائمه معصومین علیهم السلام ... [illegible]
... [illegible] روایات واحادیث بسیار وارد شده واز حضرت امام جعفر صادق مرویست که ... [illegible]
... [illegible] جبرئیل علیه السلام ... [illegible] یا محمد قال الله تعالی ... [illegible]
... [illegible]
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود ... [illegible]
... [illegible] المتمتع والمتمتعة ... [illegible]
من ... [illegible]
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود ... [illegible]
حضرت امام جعفر صادق ... [illegible] سؤال کرد از ثواب ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله ... [illegible]
النبي ... [illegible] حضرت رسول ... [illegible] فرمود که ... [illegible] روز قیامت ... [illegible]
... [illegible] بهشت ... [illegible] چهل هزار ... [illegible]
... [illegible] چهل هزار ... [illegible] چهل هزار ... [illegible]

از طعام و شراب بهشت و همچنین در هر خانه چهل هزار تشت از طلا و در هر یکی از آن هزار نوع طعام و در هر حجره حوری از حور العین و هر حوری هزار کنیز پیش

مشک و عنبر معطر کرده و هر یکی از ایشان ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق و عمل شصت هزار زاهد بیابد و از برای ایشان

و ماه و وحوش و طیور و هر سنگی و کلوخی استغفار کنند حتی ماهیان دریا و برگ درختان و خدای تعالی برای او ثواب هفتاد حج و عمره بنویسد

که حج و عمره با پیغمبری یا صدیقی کرده باشد و هر کس احیای این سنت نماید ... و انکار این کند خدای تعالی او را در روز حشر

حشر کند و هر کس برای تقاضای این حاجت برود و در احیای این سنت تاخیر کند میان ثواب و عذاب ... روز قیامت ابن الخطاب

اللعنة والعذاب ... در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله حلال بود و من آن را حرام میکنم و معاقب کننده بر آن ...

و یکی متعه زنان و دیگری حی علی خیر العمل در نماز ... رساله منظومه در تجوید کلام الملک العلام

بسم الله الرحمن الرحیم

ای کلام از انتظام نام ذاتت در نظام ❁ وی ز شهد شکرت شکر زبان شیرین بکام ❁ و ز ختام سلسلهٔ پیغمبران

انبیا خاصه بر روح محمد باد و بر آل عبا ❁ بعد حمد و نعت و مدح آل پیغمبر بدان ❁ نزد من بعد از خداشناسی علم ترتیل قران

در تعلم کوش و در تعلیم جهد و جهد کن ❁ خیره شو از ظن بغض خان ... ❁ در زمان شاه جم جاه سلیمان بارگاه

خسرو صاحبقران عباس ثانی پادشاه ❁ پرتو خورشید شاهنشاهیش تابنده باد ❁ مهر عدلش بر سر خلق جهان پاینده باد

شد بدرگاهی ظهیر ... ❁ حفظ آن کن تا توانی کرد بی جور و کلام ❁ تحفه ابرار نام این رساله و سال تاریخ

گشت این نظم شد پر لؤلؤ ای نیکو خصال ❁ لؤلؤ بی عقد آن نظم آلی نام و سال ❁ ناظمش سید ابو القاسم ...

اطلبوا الکلم ... ❁ خیزد ... ❁ از نوای پرده ترتیل آهنگی بر آر

خوان بحکم ورتل القران ترتیلا مراد ❁ ذاک اکمل ... ❁ معنی ترتیل ادای حق حرف و وقوف

چون صفات و حرکت و ادغام و اخراج ... ❁ در بیان حروف تهجی و مخارج آن ❁ بیست و نه حرف تهجی و انچه اینست

در شمار مخرج ... در عدد دندان و اقسام آن ❁ ...

چهار پیشین را ثنایا دان دو زیر و دو زبر

زیر و بالا از دو جانب ... چهار دیگر کن بدین دستور ...

بیست دندان دیگر ... ❁ از دو جانب ... چهار دیگر

شش طواحن دان زهر جانب سه زبر و سه زیر دیبا خالص ابتدا از حروف حلقیه و شجریه بعضی را نواجذ چهار دان باشد اگر

همزه و ها از اقصای حلق از وسط آن عین و حا

و آخر شدان غین و خا حرف مدا زجوف هوا

[illegible]

[illegible]

حروف شجریه

از میان کام و از وسط زبان شین جیم و یا قبل شین دانند و اخراج اکثر جیم را

حروف شفهیه ... از بن دندان کرسی ضاد پهلوی زبان خواه از چپ گوی و خواه از راست یا ...

حروف ذلقیه ... بعد ضاد است از کنار بعد کرسی همه از کام از دو جانب ذا من وزا ... لام

[illegible]

نون ز بعد لام از فوق ثنایا شد عیان — واو زبین نون و لب با فوق آن پیشه زبان

در بیان حروف ذلقیه و نطعیه که ذلقیه نیز گویند از سر دندان فوق پیش و بفرق زبان — ظا و ذال و ثا است طا و دال و تا از بیخ آن

اسلیه که بعضی ذلقیه نیز گویند شد چو ذلق اطراف ثنایا متصل طرف زبان — فرجه ای شد و طرف آن جای زا سین صاد دان

شفویه و هوائیه از لب زیرین و اطراف ثنایا فا طلب — کن ادای حق میم و واو و با از هر دو لب

انتها دارد و میم و با زبیرون دهن — غنه از خیشوم دان و میم و با اظهار و نون

صفات حروف مستعلاة و مهموسه و مجهوره و مطبقه و منفتحه همس شد جمع حرف فحثه شخص سکت — صاد و ضاد و طا و ظا اطباق و هند منفتح

حروف بين الشدة والرخوة نودها بلی

قطبك احداث شد بجد واق رخاو مطابق

حروف مذکوره بین [illegible]

[illegible]

حروف استعلا واستفال واطلاق واصمات

حرف مستعلی وضده مستفل قظ خص ضغط

قد من لب فرفذ دان مصمت صتش

[illegible]

حروف ساکنه ومقلقل ومضغوط نفثی ومجهوره ومهموسه

شد لکی مقلقل مضغوط جد قطب

بعث حاشر هفتی حادو سبق واصفیر

[illegible]

حروف مد ولین وجوف وهوا

دالف یا حرف مد ولین جوف وهوا

تیزهمز و نقی تا عجزیده خاطفو هزیا

[illegible]

حروف مهموره ومنفوشه ومجزوره ومنفوخه

حروف مخفیه ومعتله وحرف مذکر ومشتبل

هاده حرف مدیو ومخفیه اوری اعتلال

رامکرر مفخر دا لام دراضادم طال

[illegible]

حرف غنوب ٹ

غنوی دان میم ونون ساکن وتنوین

حال ادغام واخفاده چون شاقربن

بیان استعاذه که جنود اجتناب شد   در اصح قبل از قرائت استعاذه مستحب
تابع قرآن بود در جهر و اخفا بی حجب

[illegible]

حکم بسمله که مالکی و بعض علمای   بسمله از مصحف دیجهود دانند آیتی
در اصح جزو بود جزو اول هر سوره ای
حنفی از قرآن نه بدانند

[illegible]

قرائت بسمله بعد از استعاذه بنا بر مذهب   بسمله در افتتاح سوره ها جزو بود
اندر اجزای مخیر مجاهد فضل آن

[illegible]

یا بنا بر مختصد باشد اجزای قرآن   نام شیطان است یا مظهر بود یا مضمر آن

بسمله با اول و اولی از دوم مستحسن است   گر نه این و آن بود بودن مخیر احسن است

[illegible]

وجوه جایزه بسمله میان   استعاذه و سوره

بسمله بین استعاذه و سوره وجهش چهار دان   وصل اول قطع طرفین و عکس این و آن

وجوه جایزه بسمله و وجه ممتنع آن بین السورتین   باشد وجه آخرین دان بسمله ای عزیز
وصل اول قطع آخر نیز بین السورتین

[illegible]

استحباب وصل بسمله با سوره هر   وصل میم الله به میم   الحمد و رحمن مستحب با قرا یا حاقه یا قارعه یا اقترب

[illegible]

یا قرآن وصل میم الله سنت شد یا   حا قه و رحمن و میم الحمد تابع ابتدا
عدم جواز وصل بسمله با سوره توبه

با محمد یا تکاثر وصل میم الله مکن   یا عبس نیست و لا اقسم دو و یل لم یکن
احکام ضمیر ابن هاء کنایه

هر ضمیر ار که ساکن پیش قبل و بعد آن   چون پس از اینش بی صله مکن در آن

در جز ابن عاصم چو در یرضه لکم با مضمرها   با سلسله [illegible] باشد حفص را

[illegible]

حروف مد قوی و ضعیف که آن را حرف مد نیز گویند

حرف مد دان واو الف با راو دآنوقت بخوبین   واو و یا را نیز در حو لین بی شک حرف لین

مدّ متصل ومنفصل

همزه را با حرف مد با بی مقارن هرکجا   مدّ واجب دان و جایز هر دو چون جاثا با مدّ سکون لازم مدغم و مظهر

حرف مدّ قبل از سکون لازم آید مدغم   خواه مدغم خواه مظهر هر دو چون دانم

کهیعص ۵ حمعسق الم الله   در خواتم حین در حالتین با توسط باحلال طول وقصر میم وصل المستند

مد سکون عارض مظهر   حرف قبل ساکن عارض ساکن هم جواز مدّ ولین   خوان چو خوف و نعبد و نستعین و حوف

مقدار کشش انواع مد یکانه | هر کجا همزه است موجب یا سکون لازمی | مد چهار و پنج الف کشش چو باشد عارضی

ادغام صغیر از متماثلین | ساکن است اول کز متماثلین حرف غیر بعد | در دو میم مدغم بوجه هل لکم من باسند

ادغام صغیر از متجانسین | دال ساکن کن بتا ادغام و ذال اذ بظا | تای ساکن نیز مدغم میشود در دال و طا

بافت

بافت بابیت ذلک ارکب مع ادغام ورود | ثا بذال و با بمیم ادغام در اعراف و هود

دال حطت و در بسطت ادغام و مافرطت دو جا | طای ساکن با بقای وصف اطباقش بتا

ادغام صغیر از متقاربین | را بلام و قاف نخلقکم بکاف ادغام کرده بی خلاف | با بقا و بی بقای وصف استعلای قاف

ذال ساکن را بتا در اتخذ و اخذ مدغم کن بتا | حفص با اظهار میخواند ولی در هر دو جا

ادغام لام تعریف نزد حروف شمسیه
واظهار لام نزد حروف قمریه

لام قل بل هل شود مدغم رسد هر کجا را — سکت واظهار است در بل ران لیکن حفص را

لام ال مدغم شود در چهارده حرف هجا — تا و ثا و لام و نون از دال با ضا تا ظا

احکام میم ساکن نزد حروف هجا

میم ساکن نزد میم ادغام و اظهر نزد فو — نزد با اخفا احق اظهار با دیگر حروف

حکم نون ساکن و تنوین نزد حروف هجی

حکم نون ساکن و تنوین نزد حرف هجا — قلب و ادغام است و اظهار است و اخفا چارها

قلب نزد با بمیم ادغام نزد یرملون — نزد آنچ حلقیة اظهار است و اخفا نزد دیگر

ادغام با غنه و اظهار نون نزد واو و یا

با غنه دان غنه و اظهار نون کن چار جا — دنیا و بنیان قنوان و صنوان مطلقا

اظهار نون ساکنه بروایت حفص نزد را و واو

حفص را اظهار و سکت نون من راق آمد عیان — حال وصل اظهار نون یٰس و نٓ والقران

در تفخیم و ترقیق الفات — هست تفخیم الف با انتصاب پیش حرف — بعد استعلا و لام و را بتغلیظ اذا کر

در تغلیظ لامات و ترقیق آن — قبل لام الله و اللهم بود کسر اگر — هست با تغلیظ و با ترقیق باشد کسر اگر

ترقیق راآت و تفخیم آن — را بود با فتح و ضم یا بعد هر یک با سکون — جمله با تفخیم دان ترقیق مکسور است چون

[illegible]

را رقیق ساکن مسبوق با کسر است اگر — قبل استعلا و بعد همزه وصل نبود آن

[illegible]

احکام وقف بر راء متطرفه — بعد کسر یا یا ساکن بست وقفا را اگر — خوان مفخم مصر و قطر آیا دو وجهست

[illegible]

احکام وقف بر آخر کلمه و اقسام آن — وقف مستعمل ثلاث اشمام و اسکان و روم — نقل و تضعیف و اثبات و الحاق و ادغام [illegible]

[illegible]

احکام همزه حرف موقوف علیه — حرف موقوف علیه ار همزه دارد ای عزیز — جایز است اشمام نزد وقف اسکان و روم

[illegible]

کر بجز با شد از ان مختار اسکانست و روم — غیر اسکان نیست حکم همزه آن نزد قوم

[illegible]

وجوه جایز در حرف مد و لین در حال اسکان و اشمام
و روم

روم دارد حکم وصل و باشد مد لین مد   جایز است اشمام اسکان بود در وصل لا

با جواز و امتناع روم و اشمام هما   با هم و ساکن و فتح الف ها بود آن
چون علیه امروز بدانند و حش اسکان معین

امتناع روم و اشمام حرکت عارضین   میم و کسر عارض و ثانی کو وضحی
همچو صحف مکشاد و صغر اسکان

و ثانی کو وقفها است

معنی روم و اشمام و اختلاس   در تلفظ ثلث حرکت روم ثلثین اختلاس
حیز دا اشمام اندهان بهر معنی است

رموز وقف و سکت و وصل   وقف و جزو است صلی صب جرف و ط م و ق لا اصل زصل ج قف س ق

حکم مرج و ط وقف و وصل و قلا و لا

وقف لازم م و جایز ج و مطلق ط وقف   صد قف صل قبل لا وقف قلا لا اقف

حکم ز و صلی و س و قف   ز مجوز اصل وصل اولی بوصل آمد صلی   سکت س صد قد صر زیبات وصل است اندکی

حکم ص و ق و ک   ص روان وقف رخص قیل فیه الوقف ق   همچو ما قبل است اندر وقف عبر حکم ک

حکم صق و صب و ج   صق ولیل وقف دان اما بشرط وصل قیل   صب بشرط وصل معه بر طیل ققد
وصل

وقف اختیاری و اضطراری کلمه که بر لا   وقف در جائی که لا با آیه باشد مطلقا   بی اعاده یکند و مکند جو بود عنز لا
مرقوم است

حکم سنتی بودن تهلیل و تکبیر   تا بآخر سوره با تکبیر ختم از والضحی   باید ما لا اوتکبیر خوان تهلیل را
تکبیر فقط

زلزلت قبل و غوغا بش و عصر با و بل لکل | قارعه ما هون لهب کوثر علق الم ترکل

اختتام رساله

بلبل نظم پی توضیح جو بند فراز | راست آهنگ است در گلزار تحقیق اینیان

گر پریشان با بی اودان گل تو با وه ام

از جفای خار نیشتر زبان خامه ام

گرچه باشد رسم خار و گل گلی بخار کو

با صلاح آرش بپوشد خامه درکش عفو آن

بعد از اهدای دعای از دیار عرش شاه | روح ناظم را بحمد و سوره یاد آرد گاه

جامع این رساله و ناظم

خادم قاربان ابو القاسم

مولدش مشهد امام رضا

بر رضا بخشنده دکن بر رضا

[illegible]

اعتقادات | بسم الله الرحمن الرحیم | علامه باقر مجلسی

الحمد لله الذی سهل لنا سلوک شرایع الدین واوضح اعلامه وبین لنا مناهج الیقین واکمل بذلک علینا انعامه وخصنا من بین الامم باشرف انبیائه واکرم اصفیائه فاستنقذنا به من شفا جرف الهلکات وهدانا به الی طریق الله تعالی واعلی الدرجات واکرمنا باهل بیته سادات البشر وشفعاء یوم المحشر فنور قلوبنا بانوار هدایتهم وشرح صدورنا باسرار محبتهم صلوات الله علیه وعلیهم ابد الآبدین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین اما بعد فیقول الفقیر الی رحمة ربه الباری الغافر ابن محمد تقی محمد باقر اوتیا کتابهما یمینا وحوسبا حسابا یسیرا انه قد استدعی منی بعض من هداه الله تعالی الی طلب مسالک الحق والرشاد واودع قلبه حزن المعاد ان ابین له ما هدانی الله تعالی الیه من طریق النجاة فی هذا الزمان الذی اشتبهت علی الناس الطرق واظلم علیهم الافق واستحوذ الشیطان علی اهل الملة فاوردهم المهالک بمتابعة الشیطان واعوانه من الجن والانس من طریق لا یرضی الله تعالی فخوفتهم وحذرتهم یمینا وشمالا وسلکوا بهم عن سبیل الحق بدعة وضلالا فوجب علی ان ابین له مناهج الحق والنجاة باعلام مقاتل واضحة وان کنت علی وجل من فراعنة اهل البدع وطغاتهم فاعلموا یا اخوانی ان الوکم لفی والله الهوی عنکم کشفی فی بیان ما هو الحق وان اعرضت منه المراغم فلا اخاف فی الله لومة لائم یا اخوانی الله یبوا اشماله ویمینه واعلموا یقینا ان الله تعالی اختار محمدا صلی الله علیه وآله واهل بیته سلام الله علیهم اجمعین وفضلهم علی جمیع خلقه وجعلهم معادن رحمته وعلمه وحکمته فهم المقصودون فی ایجاد عالم الوجود والمخصوصون بالشفاعة الکبری والمقام المحمود ومعنی الشفاعة الکبری انهم وسایط فیوض الله تعالی فی هذه النشأة والنشأة الاخری اذ هم القابلون للفیوض الالهیة والرحمات القدسیة وبتطفلهم تفیض الرحمة علی سایر الموجودات وهذه هی الحکمة فی لزوم الصلوة علیهم والتوسل بهم فی کل حاجة لانه اذا صلی علیهم لا یرد لان المبدء فیاض والمحل قابل ببرکتهم تفیض علی الداعی بل علی جمیع الخلق الا تری انه تقربا الی الاقدمین مثلا اذا احد کرد وآوی من جهل عزت اهل الدنیا السلطان ... بسط الموائد وانواع الکرامات والعزة العقلاء لا یلق العقل وصنعا فی الرای کمالا فی البسط ذلک للاحد من مقربی حضرته او وزرائه وامرائه او عنده هو الکردی او الله عوالی تلک الاغذیة فاکل معهم یکون سحتا ... بل اولی منه ... جماعة ... غنیه ... الا انه غایة البعد من جناب تعالی وحریم ملکوته ... بعضهم ... وجبره ... جهات قدسیة حالکة بشریة ... بالجهات الاول ارتباط بالجناب الاعلی لما یاخذون عند الله حکم والحکم ویکون لهم بالجهات البشریة مناسبة للخلق یلقون الیهم ما یاخذوا

من بينهم فلذا احيل الله تعالى امره اليه واختاره من جنس البشر وبالمناسبة بينهم في الصورة والاخلاق والنفوس وقد بينا تمام مقدمة

وما يمنون فاتلون انما انا بشر مثلكم لئلا يتنفر عنهم امتهم ويقبلوا منهم ويأنسوا بهم ولكونهم من جنسهم وشكلهم واليه اشار بقوله تعالى ولو جعلناه

ملكا لجعلناه رجلا وللبسنا عليهم ما يلبسون ويمكن تفسير الخبر المشهور في العقل بان يكون المراد بالعقل نفس النبي صلى الله عليه وآله وامره بالاقبال

عبارة عن بلوغه الى مراتب الفضل والكمال والقرب والوصال وادباره عن التوجه بعد وصوله اقصى مراتب الكمال الى التنزل عن تلك المرتبة والتوجه الى

تكميل الخلق ويمكن ان يكون قوله تعالى قد انزل الله اليكم ذكرا رسولا [illegible] بان يكون انزال الرسول كناية عن تنزله عن تلك الدرجة

القصوى التي لا يسعها ملك مقرب ولا نبي مرسل الى معاشرة الخلق ومجالستهم ومؤانستهم فلذلك في افق سائر الخلق [illegible] ثم وسائط بين

بينهم وبين سائر الموجودات في كل فيض وجود حيث انهم صلوات الله عليهم ثم تقسيم على سائر الخلق [illegible] عليهم استجلاب المعرفة منها

الفيوض الى [illegible] على سائر الناس ثم ان الله تعالى [illegible] صلى الله عليه وآله قال ما اتيكم الرسول فخذوه وما نهيكم عنه فانتهوا

يجب [illegible] بحسب قوله تعالى متابعة النبي صلى الله عليه وآله في اصول ديننا وفروعه وامور معاشنا ومعادنا وفي جميع امورنا عنه وانه تعالى اودع علم

ومعارفه واحكامه وآثاره وما انزل عليه من الآيات القرآنية والمعجزات الربانية عنده صلى الله عليه وآله وسلم عند اهل البيت صلوات الله

عليهم فقال بنقل المتواتر اني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي اهل بيتي لن يفترقا حتى يردا علي الحوض وقد ظهر من الاخبار المستفيضة ان

علم القرآن عندهم صلوات الله عليهم وهذا الخبر متواتر [illegible] ثم انهم صلوات الله عليهم تركوا بين [illegible] اخبارهم [illegible] في هذا الزمان

[illegible] باخبارهم [illegible] ثم ان اكثر الناس في زماننا [illegible] فمنهم من سلك مسلك الحكماء الذين ضلوا

واضلوا ولم يقروا بنبي ولم يؤمنوا بكتاب [illegible] على عقولهم الفاسدة [illegible] فهم يأولون النصوص الصريحة

الصحيحة عن ائمة الهدى صلوات الله عليهم بما يوافق مذهب الحكماء [illegible]

[illegible]

ومعاذ الله [illegible] في اصول العقائد [illegible]

القادرة من اهل البيت العصمة والطهارة [illegible]

[illegible] بالتصوف [illegible] صلى الله عليه وآله [illegible]

والاجتماع مع المؤمنين في مجالسهم وهداية بعضهم وتعلم احكام الله تعالى وتعليمها وعيادة المرضى وتشييع الجنائز وزيارة المؤمنين والسعي في

حوائجهم والامر بالمعروف والنهي عن المنكر واقامة حدود الله ونشر احكام الله تعالى والرهبانية التي ابتدعها المتصوفة ترك جميع تلك النواميس

والسنن [illegible] الرهبانية احدثوا عبادات مخترعة منها الذكر الخفي الذي [illegible] لم يرد [illegible]

ولا اثر [illegible] قال رسول الله صلى الله عليه وآله كل بدعة ضلالة وكل ضلالة سبيلها الى النار ومنها الذكر

الجلي الذي يتغنون فيه بالاشعار ويشهقون [illegible] ويزعمون ان [illegible] تعالى عبادة سوى

[illegible] الذين [illegible] ويتركون جميع السنن والنوافل [illegible] من الصلوة [illegible] خوف العلماء [illegible]

رهبانيتهم [illegible] اصول الدين ويقولون بوحدة الوجود والمعنى المشهور في هذا الزمان [illegible]

بالله العظيم ويقولون بالجبر وسقوط العبادات [illegible] من اصول الفاسدة [illegible] فاحذروا [illegible]

[illegible] الشياطين [illegible] والزموا طريقة اهل البيت [illegible]

من الاخبار المتواترة من اصول المذهب [illegible] ربكم [illegible]

[illegible] واتقوا الحكيم ما اردت ايراده في بابين الباب الاول فيما يتعلق باصول العقائد اعلم ان [illegible] سبحانه

قد [illegible] وصفاته [illegible] في آفاق السموات والارض وفي انفسكم من [illegible]

[illegible] فاذا علمتم وتفكرتم [illegible] ثم ان [illegible] بالآيات

والمعجزات الباهرة [illegible] العقل [illegible] على الله ان يجري [illegible] الآيات والمعجزات [illegible]

واعتقدوا [illegible] في اصول الدين وفروعه فما ثبت في الدين بالآيات والاخبار المتواترة [illegible]

واحد لا شريك له [illegible] في العالم [illegible] ذاته [illegible] خارجية ولا وهمية ولا عقلية وانه احدي

المعنى ليس له صفات زائدة بل صفاته عين ذاته وانه [illegible] ابدي [illegible] وانه ليس

بجسم ولا جسماني ولا مكان له ولا زمان وانه حي [illegible] وكيفية [illegible] وانه فاعل بالاختيار [illegible]

في افعاله وانه على كل شيء قدير وانه لو اراد خلق الف امثال هذا العالم [illegible] الحكيم انه لا يكون خلق العالم

الاعتبار تامة قديمة واستعداد وانه تعالى عالم بجميع الاشياء جزئياتها وكلياتها وان علمه بالاشياء ما يكون على نحو واحد ولا يتغير علمه بالشيء بعد ايجاده
وانه لا يعزب عن علمه مثقال ذرة في الارض ولا في السماء لا على ما زعم الحكيم انه لا يعلم الجزئيات والقول بكفره لا يجزم بل لا يجوز التفكر في
كيفية علمه انه حصول حقايق او حصول صور وفي ساير صفاته اكثر مما قرروا [illegible] فانه يرجع الى التفكر في ذاته تعالى وقد نهينا عن التفكر فيه في
اخبار كثيرة وانه تعالى لا يفعل شيئا الا لحكمة ومصلحة وانه لا يظلم احدا ولا يكلف احدا ما لا يطيق وانه كلف العباد لمصالحهم ومنافعهم [illegible] الاختيار في
الفعل والترك وانه لا جبر ولا تفويض بل امر بين الامرين فالقول بان العباد مجبورون في افعالهم يستلزم الظلم وهو على الله تعالى محال والقول
بكفره والقول بان لا مدخل لله تعالى مطلقا في اعمال العباد كفر لان لله تعالى مدخل في الهدايات والتوفيقات وتركها وهو المعبر عنه في لسان الشرع
بالخذلان ولكن تلك الامدادات لا يصير العبد مجبورا بالفعل ولا [illegible] في الترك كما اذا كلف السيد عبده بتكليف واوعد على تركه عقوبة [illegible]
[illegible] فعل العبد لاثقة العقلا عقابه حسنا ولو اكد السيد هذا التكليف بكيفيات [illegible] وملاطفات [illegible]
لا يجبره عليه فعل عليه انه لم يصر مجبورا بذلك على الفعل وهذا القدر من الاحاطة ما دلت عليه الاخبار وليس لك التفكر في شبه القضاء والقدر
الخوض فيها فان الائمة عليهم السلام قد منعوا عن التفكر فيها فان فيها شبها قوية يعجز عقول اكثر الناس عن حلها وقد ضل فيها كثير من الناس
فباب التفكر والتعمق فيه فانه لا يفيد الا الضلالة ولا يزيد الا الحيرة ثم يجب ان يؤمن بحقية جميع الانبياء والمرسلين مجملا وبعصمتهم
وانكار نبوتهم او سبهم او الاستهزاء بهم او القول ما يوجب [illegible] كفر واما المشهورون منهم كآدم ونوح وموسى وعيسى وداود وسليمان
وساير من ذكره الله في القرآن فيجب ان يؤمن بهم على الخصوص وبكتبهم ومن انكر احدا منهم فقد انكر الجميع وكفر بما انزل الله ويجب ان يؤمن بحقية
القرآن وما فيه مجملا وكونه منزلا من عند الله تعالى وكونه معجزا وانكاره والاستخفاف به كفر وكذا فعل ما يستلزم ذلك [illegible]
كفر والا فلا وكذا يجب تعظيم الكعبة والاستخفاف بها وفعل ما يوجب استخفافها كفر كالحدث فيها اختيارا او قول ما يوجب [illegible] وكذا [illegible]
النبي صلى الله عليه وآله والائمة عليهم السلام وبغضهم يخرج من دين الاسلام وكذا يجب الاعتقاد بوجود الملائكة وكونهم اجساما لطيفة وبعضهم ان
اجنحة ولهم صعود ونزول وانكار [illegible] منهم كجبرئيل وعزرائيل وميكائيل واسرافيل [illegible] كفر ويجب القول بعصمتهم [illegible] ويجب تعظيمهم
والاستخفاف بهم وسبهم والقول ما يوجب ازدراءهم كفر وكذا عبادة الصنم والنجوم لغير الله تعالى مطلقا بقصد العبادة كفر والقول بحلوله تعالى في غيره
كما قاله بعض الصوفية والغلاة او اتحاده مع غيره كما قال بعضهم او ان له تعالى صاحبة او ولدا او شريكا كما قاله النصارى او انه تعالى جسم او مركب

كالوش

كالوش وغيره او انه له صورة او جزء او عضوا فهو كله كفر واعلم انه لا يمكن رؤيته تعالى بالبصر في الدنيا ولا في الآخرة وما ورد من ذلك
مأول بالرؤية القلبية ولا يمكن الوصول الى كنه حقيقة ذاته وصفاته وان التعطيل ونفي جميع صفاته تعالى عنه باطل كما يرد على القائلين بالاشتراك اللفظي
بل يجب اثبات صفاته تعالى على وجه لا يتضمن نقصا كما نقول انه عالم لكن لا كعلم المخلوقين من ان يكون حادثا او يمكن زواله او [illegible]
او بآلة او [illegible] فاثبتنا له تعالى الصفة ونفينا عنه ما يقارنها فينا من صفات النقص [illegible] حقيقتها وكذا القول انه تعالى قادر
على كل ممكن والقدرة فينا صفة زائدة [illegible] وآلات وادوات [illegible] فنقول قادر بذاته لا بصفة زائدة ولا بكيفية حالة
ولا بآلة فذاته البسيطة كافية في الايجاد وكذا نقول انه تعالى مريد والارادة فينا تتضمن امورا فيها نقص كتصور الفعل وفائدته ومنفعته والتصديق
بحصولها والترجيح عليه مع تردد [illegible] حتى يحصل العزم فيثبت في النفس شوق [illegible]
الفعل وارادته تعالى ليست الا علمه القديم الذاتي بالشيء او بما فيه من المصلحة ثم الايجاد في زمان تكون المصلحة في الايجاد فالارادة اما [illegible]
الشيء كما ورد في الاخبار او علمه بكونه صحيحا كما قاله المتكلمون وكذا القول انه سميع بصير [illegible] السمع والبصر وهو العالم بالمسموعات
والمبصرات [illegible] السمع والبصر [illegible] الآلات [illegible] بالمبصرات
والمبصرات [illegible] البسيطة من غير حدوث [illegible] صفات النقص وكذا الحي [illegible]
[illegible]
البسيط تقوم مقام الصفات والآلات [illegible] وادوات [illegible] الايجاد والاصوات [illegible]
[illegible] ثابت له تعالى [illegible] الكيفيات [illegible] وكذا القول انه متكلم والكلام فينا
يكون بآلات وادوات [illegible] الايجاد [illegible] الكلام [illegible]
او غير ذلك فلا يقوم به [illegible] حادث وهو من صفات فعله تعالى [illegible] قدرته تعالى على
ايجاد الكلام او علمه [illegible] من صفاته الذاتية [illegible] على انه تعالى [illegible] جميع صفاته تعالى [illegible]
الصدق ولا [illegible] انه تعالى صادق لا يجوز عليه الكذب [illegible]
[illegible] في الازل [illegible]

متكاثرة

اليقين والاخبار به مستفاضة متواترة والقول بقدم العالم وبالعقول القديمة كما يقول به الحكماء كفر ثم اعلم ان الخارج ما علم ثبوته من الدين
ضرورة بحيث لا يخفى على احد من المسلمين الا من شذ كما يستحق سكره اصلا وهي كثيرة كوجوب الصلوة الخمس واعداد ركعاتها واوقاتها في الجملة
واشتمالها على الركوع والسجود بل على تكبيرة الاحرام والقيام والقراءة على الاظهر واشتراطها بالطهارة مجملا ووجوب الغسل من الجنابة و
الحيض بل النفاس على الاظهر بل كون البول والغائط والريح ناقضا للوضوء على احتمال ولا وجوب غسل الاموات والصلوة عليهم ودفنهم
ووجوب الزكوة وصوم شهر رمضان وكون الاكل والشرب بالمعتادين والجماع في قبل المرأة ناقضا له ووجوب الحج واشتماله على الطواف
بل السعي بين الصفا والمروة والاحرام والوقوف بعرفات والمشعر بل الذبح والحلق والرمي على احتمال من الوجوب الاستحبابي على احتمال ووجوب
الجهاد في الجملة على الطهر ورجحان الجماعة في الصلوة والصدقة على الكتب وفضل العلم الجد وفضل الصدق النافع ومرجوحية الكذب الغير
النافع وحرمة الزنا واللواط وشرب الخمر دون النبيذ لانه مما يحمل عليه المسلمون واكل لحم الكلب والخنزير والدم والميتة وحرمة نكاح
الامهات والاخوات والبنات وبنات الاخ وبنات الاخت والعمات والخالات بل ام الزوجة واختها معا على الاظهر وحرمة الربا
في الجملة على احتمال وحرمة الظلم واكل مال الغير بلا حجة في الجملة وحرمة القتل بغير حق بل مرجوحية عقوق الوالدين بل رجحان صلة الرحم على احتمال
وغير ذلك مما اشتهر بينهم بحيث لا يشك فيه الا من شذ منهم واما الكفار بما علم ضرورة من مذهب الامامية فهو ملحق في الاحكام الدنيوية
بغيره عن التصديق بدين الائمة الطاهرين صلوات الله عليهم كامامة الائمة الاثني عشر عليهم السلام وفضلهم وعلمهم ووجوب طاعتهم
وفضل زيارتهم واما مودتهم وتعظيمهم في الجملة فمن ضروريات دين الاسلام ومنكره كافر كالنواصب والخوارج ومما عده من ضروريات
دين الامامية استحلال المتعة وحج التمتع والبرائة من ابي بكر وعمر وعثمان ومعوية ويزيد بن معوية لعنهم الله وكل من حارب امير المؤمنين
صلوات الله عليه او غيره من الائمة عليهم السلام ومن جميع قتلة الحسين صلوات الله عليه وقول حي على خير العمل في الاذان ثم لا بد ان
تعتقد في النبي والائمة عليهم السلام انهم معصومون من اول العمر الى آخره من صغائر الذنوب وكبائرها وكذا في جميع الانبياء والملائكة
وانهم اشرف المخلوقات جميعا وانهم افضل من جميع الانبياء وجميع الملائكة وانهم يعلمون علوم جميع الانبياء وانهم يعلمون علم ما كان
وعلم ما يكون الى يوم القيمة وان عندهم آثار الانبياء وكتبهم كالتورية والانجيل والزبور وصحف آدم وابراهيم وشيث وعصا موسى
وخاتم سليمان وقميص ابراهيم والتابوت والالواح وغير ذلك وانه كان جهادا من جاهد منهم وقعود من قعد من الجهاد وسكوت

من سكت

من سكت ونطق من نطق وجميع احوالهم وافعالهم واقوالهم بامر الله تعالى وان كل ما علمه رسول الله صلى الله عليه وآله علمه عليا عليه السلام
وان الامام في كل حق يعلم جميع علم الانبياء عند الامامة وانهم لا يقولون برأي واجتهاد بل يعلمون جميع الاحكام من الله تعالى وانهم يعلمون جميع
الالسنة ويعلمون جميع اللغات وجميع اصناف الناس بالايمان والكفر ويعرض عليهم اعمال هذه الامة كل يوم ابرارها وفجارها ولا تعتقد انهم
خلقوا العالم بامر الله فانا قد نهينا في صحاح الاخبار عن القول به ولا عبرة بما رواه البرسي وغيره من الاخبار الضعيفة ولا يجوز عليهم السهو
والنسيان وما ورد من الاخبار محمولة على التقية ويجب عليك ان تقر بالمعراج الجسماني وانه عرج بجسده الى ما فوق السموات ولا تصغ الى شبهة
الحكماء في نفي الخرق والالتيام على الافلاك فهي واهية ضعيفة والمعراج من ضروريات الدين وانكاره كفر وان تكون في مقام التسليم في كل ما
وصل اليك من اخبارهم فان ادرك فهمك ووصل اليه عقلك تؤمن به تفصيلا والا فتؤمن به اجمالا وترد علمه اليهم واياك ان ترد شيئا من اخبارهم
لضعف عقلك لعله يكون منهم وردته لسوء فهمك فكذبت الله فوق عرشه كما قال الصادق عليه السلام واعلم ان علومهم عجيبة واحوالهم غريبة
لا يصل اليها عقولنا فلا يجوز ان نرد ما وصل الينا من ذلك ثم اعلم انه يجب الاقرار بحضور النبي صلى الله عليه وآله والائمة الاثني عشر صلوات
الله عليهم عند موت الابرار والفجار والمؤمنين فينتفعون المؤمنون بشفاعتهم في تسهيل غمرات الموت وسكراته عليهم ويشددون على
المنافقين ومبغضي اهل البيت صلوات الله عليهم وورد في الاخبار ان الماء الذي يسيل من عين المؤمنين عند الموت هو من شدة
فرحهم وسرورهم برؤية النبي صلى الله عليه وآله والائمة عليهم السلام ويجب الاقرار بذلك مجملا ولا يلزم التفكر في كيفية ذلك انهم يحضرون في
الاجساد الاصلية او المثالية او بغير ذلك ولا يجوز التأويل بالعلم او انكشاف الصور في القوى العالية فانه تحريف لما ثبت في الدين وتضييع
لعقائد المؤمنين ويجب الايمان بان الروح باق بعد مفارقة البدن ويتعلق بجسد مثالي في البدن ومع جنازته ويطلع على مشيعيه فان كان مؤمنا
يناشدهم في التعجيل ليصل الى ما هيأ الله له من الدرجات العالية الرفيعة والنعم العظيمة وان كان منافقا يناشدهم في عدم التعجيل هذا لما هيأ الله له
من العقوبات وهو مع غاسله ومقلبه ومشيعه حتى ادخل في قبره ورجع مشيعوه فيتعلق الروح بجسده الاصلي في جنة الملكين منكر ونكير
في صورة مهيبة ان كان معذبا ومبشر وبشير في صورة حسنة ان كان منعما فيسألانه من عقائده ومن يعتقده من الائمة وعداوة اعدائهم
فان لم يجب من واحد منهم يضرباه بعمود من نار يمتلئ قبره نارا الى يوم القيمة وان اجاب بشراه بكرامة الله ويقولان له نم كنومة العروس
قرير العين واياك ان تأول نكير الملكين وسؤالهما فانه من ضروريات الدين واياك ان تصغي الى تأويلات الملاحدة في جميع الملائكة

بالعقول والنفوس الفلكية فانه قد تواترت الآيات وتواترت الأخبار بكونهم أجساماً لطيفة يقدرون على التشكل بأشكال مختلفة ويراهم رسول الله
والأئمة صلوات الله عليهم وأنهم أولوا أجنحة مثنى وثلاث ورباع وأنهم أكثر خلق الله عدداً وقد وردت الأخبار الكثيرة من كل وجه من
الأئمة عليهم السلام في كيفية خلقهم وعظمتهم وغرائب خلقهم وشؤونهم وأشغالهم وأطوارهم ويجب أن تعتقد أن السماوات غير متطابقة بين كل سماء والأخرى
خمسمائة سنة وأنها جميعاً مملوة من الملائكة وقد ورد في الحديث أنه ليس موضع قدم في السماوات إلا وفيها ملك يسبح الله ويقدسه ولابد أن
تعتقد بعصمة الملائكة وما شاع إلى الاشتهار بين عوام الناس في التواريخ والتفاسير المأخوذة من كتب العامة وهم أخذوا من تواريخ اليهود من قصة
هاروت وماروت فمخالفة للأخبار فانه قد ورد في أخبار الرد عليها وتفسير الآيات الواردة فيها على وجه لا يتضمن فسقهم وخطاءهم ولا يسع هذه الرسالة
ذكر تفاصيلها ثم اعلم أن من لوازم الإيمان وأصوله أن تعتقد بالجنة والنار وأنهما حاضرتان مخلوقتان كما قال أمير المؤمنين عليه السلام من الأخبار إلى ذلك
ويجب أن تعتقد أن النطفة التي يخلق منها الإنسان ... والنطفة يتنقلون الأرواح المثالية ... على قبورهم ويطلعون
على أهاليهم ويأنسون بهم ويتنعمون بزيارتهم إن كانوا مؤمنين وقد ينتقلون إلى وادي السلام وهي الجنة التي في شرفها إلى الجنة وقد ينتقلون إلى جنة
الدنيا فيتنعمون بنعيمها ويأكلون من فواكهها ويشربون من أنهارها كما قال الله تعالى ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله أمواتاً بل أحياء عند
ربهم يرزقون فرحين بما آتاهم الله من فضله وإن كانوا كافرين معاندين يعذبهم في نار الدنيا فيعذبون إلى يوم القيامة وإن كانوا مستضعفين
بعض الأخبار أنهم يتركون إلى يوم القيامة لا يتنعمون ولا يعذبون ويجب أن تعتقد أن لله تعالى جنة ونار أسوى جنة الخلد ونار الخلد ورد الخبر من الرضا
أن جنة آدم أيضاً كانت جنة الدنيا لا جنة الخلد ويجب الإذعان بالجنة على حسب ما ورد من صاحب الشرع مجملاً وإنها بالعلومات المقررة
والحشر والرجعة كوّن والإيمان بالرجعة الحمد من كون نصر محمد ... وقد ورد من الرضا عليه السلام أنه من أنكر ذلك فليس منا
الآيات ... النبي صلى الله عليه وآله ... من ضروريات الشيعة واشتهر بينها من الأئمة عليهم السلام ... الأخبار
وقد روى عنهم عليهم السلام ليس منا من لم يؤمن بكرتنا والذي يظهر من الأخبار هو أنه يحشر الله تعالى في زمن القائم عليه السلام جماعة من
المؤمنين ليقر أعينهم برؤية أئمتهم ودولتهم وجماعة من الكافرين والمخالفين للانتقام عاجلاً في الدنيا وأما المستضعفون من المخالفين
إلى يوم القيامة الكبرى وأما رجعة الأئمة عليهم السلام فقد وردت الأخبار الكثيرة على رجعة أمير المؤمنين صلوات الله عليه وكثير منها على رجعة الحسين
صلوات الله عليه ودل بعض الأخبار على رجوع النبي صلى الله عليه وآله وسائر الأئمة عليهم السلام وأما كون رجعتهم في زمان القائم عليه السلام أو قبله أو بعده

فالأخبار

فالأخبار فيه مختلفة فيجب أن تقر برجعة بعض الناس والأئمة عليهم السلام مجملاً وترد علم ما ورد من تفاصيلها إليهم عليهم السلام وقد وردت أخبار
الواردة فيها في كتاب بحار الأنوار وكتبت رسالة منفردة أيضاً في ذلك ويجب أن تعتقد أن الله تعالى يحشر الناس في القيامة ويرد أرواحهم إلى الأبدان
الأصلية وإنكار ذلك وتأويله بما يوجب إنكار ظواهره كما يسمع في زماننا من بعض الملحدين كفر وإنكار لضروري الدين والقرآن وارد في إثبات ذلك بحيث لا
يمكن تأويله ولا تلتفت إلى شبه الحكماء في ذلك من نفي إعادة المعدوم وتأويل الآيات والأخبار بالمعاد الروحاني ويجب أن تؤمن بحقيقة الحساب وتطاير الكتب
بيناً وشمالاً وأن الله تعالى وكّل بكل إنسان ملكين أحدهما عن يمينه وآخر عن شماله ويكتب صاحب اليمين الحسنات وصاحب الشمال السيئات
في اليوم ملكان يكتبان عمل اليوم فإذا أمسى أتاه ملكان يكتبان عمل الليلة وإياك أن تؤول بما شاع في زماننا من أنكر ذلك
ويؤمن بشفاعة النبي صلى الله عليه وآله والأئمة عليهم السلام وأن الله تعالى لا يخلف وعده بالثواب لمن أطاعه ويمكن أن يخلف الوعيد بالعفو عن
عصاة المؤمنين من غير توبة ولا شفاعة ويقبل التوبة بمقتضى وعده وأن الكفار والمعاندين من أهل الخلاف مخلدون في النار إلا المستضعفين
من أهل الخلاف يرجون لأمر الله يحتمل أن الله يتفضل عليهم فالمستضعفون لم يصلوا إلى العقول ومنهم ضعفاء العقول والنساء
والذين لم تتم عليهم الحجة كما أن المؤمنين يدخلون الجنة ويخلدون فيها إلا أنه قد ينالهم عذاب في عالم البرزخ أو في النار ويعلم أن الشفاعة
مختصة بالمؤمنين ويجب تقدم الصراط والميزان والمكتوبة عند الحشر بجميع معانيها والكيفيات الدالة عليها ولا شك فيما ورد من الأخبار
الدالة الواردة على تفصيلها مجملاً لا حاجة إلى التدبر فيها ولا بد أن تؤمن بجملة ما ورد عن الشرع من الصراط والميزان وجميع أحوال القيامة وأهوالها
وعقباتها يسمى القيامة ويرد من صاحب الشرع فإن أهل الكفر والضلال والتعرف في النصوص الشرعية بالعقول الضعيفة والجهل الردية أعاذنا الله
وسائر المؤمنين منها ومن أمثالها والسلام على من اتبع الهدى باب في فيما يتعلق بكيفية العمل وصحته وجميع ما يتعلق به اعلم أيها الطالب لطريقة
أهل البيت العصمة سلام الله عليهم في أقوالهم وأفعالهم والتدبر في أخبارهم وآثارهم فيعلم أن الخير كل الخير في اتباعهم وفي أخبارهم إذ ليس حكمة من الحكم الإلهية
إلا وهي فيها مقررة مرشدة لمن أتى الله بقلب سليم وعقل مستقيم لم يعوج بتقليد سلوك طرق الضلال والعمى ولم يدنس نفسه بآراء أهل الزيغ والأهواء
وطريق الوصول إلى النجاة والفوز بالسعادات ظاهرة بينة فيها لمن رفع غشاوة الهوى عن بصيرته وتوسل إلى ربه في تصحيح نيته فقد قال
وقد قال الله تعالى والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا وحاشا أن يخلف الله تعالى وعده إذا أتى العبد من أبواب الحق أمر الله تعالى ...
فالذي يجب أولاً ... الله تعالى أن يصحح نيته ... حال ... والعمل وأعماله ... مراتب النيات ... إلا ...

التام بجنابه تعالى والاستعاذة من شر الشياطين وحضرة البيت [illegible] ثم يتفكر في عظم هذا المقصد [illegible] ويتفكر في انه بعد ذلك [illegible]
[illegible] الى الرجوع [illegible] من الحسرة العظمى والمصيبة الكبرى ثم يتفكر في [illegible] هذه الدنيا وتقلب احوالها وعدم البقاء [illegible]
[illegible] من الائمة الهدى [illegible] الامام [illegible]
[illegible] الكلام [illegible] بالعلم [illegible]
[illegible] اليه [illegible] الناس [illegible]
الانسان [illegible] في النفس [illegible] الله [illegible] الدين [illegible] النفس [illegible]
[illegible] الدنيا [illegible]
كان رجل [illegible] حب الدنيا [illegible] من اعمال الخير [illegible] عبادة الدنيا [illegible]
[illegible] العبادة [illegible]
[illegible] اعمال الخير [illegible]
[illegible] ان الناس [illegible] درجات [illegible]
[illegible] الدنيا [illegible]
[illegible] الدنيا وحب الآخرة [illegible] حب الدنيا [illegible]
من هذه الدرجة [illegible] الاول والثالث [illegible] عقاب [illegible] الدنيا [illegible]
[illegible] من الاعمال [illegible] وهذه العبادة [illegible] درجة الكمال وقد ورد [illegible]
انه عبادة العبيد والرابع [illegible] الامام [illegible] وقد وردت في الخبر انها عبادة [illegible]
وهذا قريب من السابق [illegible] الله [illegible] العبادة وهذه درجة [illegible] وقد قال امير المؤمنين عليه السلم ما عبدتك خوفا من
نارك ولا طمعا في جنتك ولكن وجدتك اهلا للعبادة فعبدتك وقد ورد عن الصادق عليه السلم انها عبادة الاحرار [illegible]
[illegible] العبادة [illegible] الجنة [illegible]

اعرابه

[illegible] العبادة [illegible]
[illegible] العبادة [illegible] الثواب والعقاب [illegible]
[illegible] الله [illegible]
[illegible] الجنة [illegible]
[illegible] القرب [illegible] الكمال [illegible]
[illegible] القرب [illegible]
[illegible] في الحقيقة [illegible] القرب [illegible]
[illegible] العبادة [illegible]
[illegible] الله [illegible]
[illegible] الشيطان [illegible] النفس [illegible]
[illegible] الله [illegible]
[illegible] البيت [illegible]
[illegible] الله [illegible]
[illegible] العلم [illegible] اهل الزمان [illegible]
[illegible] اهل البيت عليهم السلم [illegible]
[illegible] اهل البيت عليهم السلم [illegible]
[illegible] عن الصادق عليه السلم ان العامل على غير بصيرة كالسائر على غير الطريق لا يزيده سرعة السير الا بعدا [illegible]
[illegible] العلم [illegible]

[illegible]

يبين من الحلال والحرام ويزيد في العلم فينبغي ان يقتصر على [illegible] ثم في هذا اليوم حتى يطلب الرزق الحلال [illegible] ويعجز عن طلب العلم [illegible] في شغل
بالقرآن والسنن والنوافل وينبغي ان يحصل نبذة من العلوم الادبية بقدر فهم الحديث كعلم الصرف والنحو وقليلا من المنطق وقليلا من علم
الاصول وبعض الكتب الفقهية ثم تبذل غاية الجهد في علم الحديث وتتبع الكتب الاربعة وغيرها من تصانيف الصدوق وغيره [illegible]
سوى الكتب الاربعة [illegible] في كتابنا [illegible] فعليك بالنظر فيه [illegible]
اعلم ان لكل عبادة روحا وجسدا وظاهرا وباطنا فجسدها الحركات المخصوصة وباطنها الاسرار المقصودة منها ولا تحصل تلك الثمرات الا بذلك
والثمرات المترتبة عليها وروحها حضور القلب والاقبال عليها [illegible] هو المقصود منها ولا تحصل تلك الثمرات الا بذلك كالصلاة التي
هي عمود الدين جعلها الله تعالى افضل الاعمال البدنية ورتب عليها آثارا جليلة قال الله تعالى ان الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنكر وقال رسول الله
الصلاة معراج المؤمن [illegible] تلك الثمرات [illegible] حضور القلب التي هي روحها [illegible] ولا يترتب عليها [illegible] الصلاة لا تنهى عن
الفحشاء والمنكر ولا يحصل لها العروج من تلك الدركات الدنية الى الدرجات العلية فان الصلاة [illegible]
[illegible] لجميع الامراض النفسانية والروحانية فيلزم ان يكون الانسان متذكرا في كل فعل من افعال الصلاة سر ذلك الفعل والغرض
المقصود منه [illegible] الاشتغال بالامور الدنيوية التي [illegible]
ليكون [illegible] الشرع [illegible] قبل العمل [illegible] والورع [illegible]
الله تعالى انما يتقبل الله من المتقين [illegible] قبول الصلاة [illegible]
[illegible]
[illegible] ومعرفة [illegible] الاخلاص في نيته [illegible] العبودية [illegible]
[illegible]
[illegible] ثم التبري من الحول والقوة [illegible] في جميع الامور [illegible]
صراط المستقيم وهو صراط النبي والائمة عليهم السلام في جميع العقائد والاعمال والاخلاق والطرق [illegible]
المطالب العالية ثم الاستعاذة من صراط [illegible] في جميع العقائد الباطلة والاخلاق الردية والطرق [illegible]

[illegible] والتواضع [illegible] الركوع والسجود [illegible] الله تعالى [illegible] من التكبر [illegible]
[illegible] وكذا في كل فعل من افعال الصلاة [illegible] ومصالح [illegible] الكتب [illegible]
من افعال الصلوة [illegible] في هذا المقام [illegible]
[illegible] الاخبار الواردة [illegible] في اسرار جميع العبادات وحكمها [illegible] كل فعل من [illegible]
[illegible] اقرب الطرق [illegible] من الآيات والاخبار [illegible]
[illegible] حضور القلب [illegible] والتوجه [illegible]
[illegible] والادعية المأثورة [illegible] المقررة في كل يوم وليلة [illegible] العقائد [illegible]
[illegible] حضور القلب والتوجه [illegible]
المناجاة وهي الادعية المشتملة على صنوف الكلام في التوبة والاستغاثة [illegible]
ان يقرأ [illegible] البكاء والتضرع والخشوع التام [illegible]
[illegible] اهل البيت عليهم السلام [illegible]
الشيخ الطوسي والكفعمي [illegible] وكتاب [illegible] التعقيبات والادعية [illegible]
[illegible] الكتب [illegible] الادعية [illegible] الصحيفة [illegible]
[illegible] حالة الرجاء [illegible]
[illegible] فينبغي ان يقرأ [illegible] البكاء [illegible]
[illegible] اقرب الطرق [illegible] الدنيا والآخرة [illegible] سعادات النفس [illegible]
[illegible] الاخلاق [illegible]
من [illegible] والكبر والعجب [illegible]
[illegible]

ا

وسيره وطرايقهم وايام الغيب اذا وجدت من نفسي ميلا الى [illegible] خلاف الرؤية وتقبل اعماله [illegible] الى ان [illegible]
معه ان يحكم معهم بحق [illegible] وتقوى [illegible] بحيث يطلبون انهم [illegible] من [illegible] يحفظون جميع [illegible] منهم وكذا
سيرة [illegible] ذلك بحق [illegible] وطرق [illegible] ان يتوسل [illegible] الا الله [illegible] رفع [illegible]
[illegible] واقبه [illegible] ما ينبغي الرعاية [illegible] ثم يعالج كل [illegible] النفس [illegible] احق [illegible]
[illegible] ذلك [illegible] الاخبار الواردة في [illegible] والكفر من [illegible]
[illegible] التوسل اليه [illegible] والتفكر في [illegible] الموت [illegible] ان الله [illegible] الاخبار الواردة
في [illegible] على العطاء [illegible] ان [illegible]
[illegible] ان [illegible] والتوسل [illegible] في الصحيفة [illegible]
الاخلاق [illegible] من [illegible] الاخلاق [illegible] العبادات الشرعية [illegible]
[illegible] النوافل اليومية وصلوة الليل [illegible] من سنن النبي صلى الله عليه وآله [illegible]
ان [illegible] من القوم [illegible]
[illegible] صلوة الليل [illegible] فان هذا الوقت من الليل [illegible] العبد من الرب [illegible]
[illegible] الليل [illegible] وعليك في [illegible]
[illegible] المؤمنين [illegible] وعليك في تعقيب صلوة الفجر [illegible]
[illegible] وعليك [illegible] لا اله الا الله [illegible] سبحان الله والحمد
[illegible] العبادة [illegible] ثم الصلوة على النبي واله [illegible] الواردة في
القرآن والاخبار [illegible] ولا قوة الا بالله [illegible] حسبنا الله ونعم الوكيل [illegible]
[illegible] الظالمين [illegible] الدنيا [illegible] امري الى الله ان الله بصير بالعباد [illegible]
[illegible] كل يوم [illegible] مرة [illegible] يوم الجمعة [illegible] كل يوم [illegible] مرة [illegible]

الحمد

الحمد لله رب العالمين [illegible] كل يوم [illegible] مرة [illegible]
مرة والاكثار من الاستغفار [illegible] الرزق [illegible] كل يوم [illegible] مرة [illegible]
التسبيحات الاربع كل يوم [illegible] مرة وعقيب كل صلوة [illegible] مرة لا اله الا الله الملك الحق المبين [illegible]
[illegible] مرة [illegible] كل يوم [illegible] لا حول ولا قوة الا بالله [illegible] لا اله الا الله وحده لا شريك له [illegible]
احد صمد لم يتخذ صاحبة ولا ولدا [illegible] طلوع الشمس [illegible] لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت
وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير [illegible] اعوذ بالله السميع العليم من همزات الشياطين واعوذ بالله ان يحضرون ان الله هو السميع
العليم [illegible] صلوة المغرب [illegible] بسم الله الرحمن الرحيم
لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم [illegible] سورة قل هو الله
احد وانا انزلناه في ليلة القدر [illegible] انا انزلناه [illegible] آية الكرسي وشهد الله وقل اللهم [illegible]
بعد كل صلوة [illegible]
[illegible] البيت عليهم السلام [illegible] جعفر بن ابي طالب [illegible]
[illegible]
[illegible] رسول الله [illegible]
[illegible] الاعمال الكثيرة [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] يوم القيمة [illegible]

٧٩

الربانيين وتأخذ عنهم معالم دينك وتلاق الزاهدين والمتعبدين كثيرا ليعظك كلامهم واقوالهم واطوارهم واياك ان تظن بالمؤمنين الا خيرا
واجتهد ان تحمل كلما ترى منهم على المحمل الصحيح [illegible] وعليك بذكر الله سيما في الليالي [illegible] وعند النوم [illegible] وعند الطعام [illegible]
وعند الصحبة [illegible] وعليك بمطالعة الاخبار الواردة في صفات المؤمنين المتقين خصوصا خطبة امير المؤمنين [illegible]
[illegible] وقد كتب والدي العلامة قدس الله روحه [illegible] ثم [illegible] الى ان [illegible] في هذه [illegible]
[illegible] النبوة وما اقول من [illegible] وايكان [illegible] العلامة نور الله ضريحه انه كان من الصوفية [illegible]
[illegible] وكيف يكون كذلك وهو كان آنس اهل زمانه باخبار اهل البيت [illegible] وكان [illegible]
[illegible] الى هذه الطائفة [illegible] من [illegible] الفاسدة [illegible] اكثر [illegible]
[illegible] احزاب الشيطان [illegible]
[illegible] في ذلك [illegible] في هذه الرسالة [illegible]
من فضل الله تعالى ان ينفعك بالقيت اليك [illegible] اياك
ويرزقني وجميع [illegible] الذكرى والسلام على متبع الهدى [illegible] محمد وآله

الحديث بسم الله الرحمن الرحيم القدسي

هذه هدية جليلة وموعظة جميلة وهي اربعين سورة منتخبة من التورية التي كلم الله تعالى بها موسى ابن عمران عليه السلام ترجمتها **السورة الاول**
عجبت لمن ايقن بالموت كيف يفرح وعجبت لمن ايقن بزوال الدنيا كيف يطمئن اليها وعجبت لمن ايقن بالحساب [illegible] وعجبت لمن ايقن بالآخرة ونعيمها كيف يستريح
وعجبت لمن هو عالم باللسان جاهل بالقلب وعجبت لمن هو مطهر بالماء وغير طاهر القلب وعجبت لمن اشتغل بعيوب الناس وهو غافل عن عيوب
نفسه وعجبت لمن يعلم ان الله تعالى مطلع عليه كيف يعصيه وعجبت لمن يعلم انه يموت وحده ويدخل القبر وحده ويحاسب وحده كيف يستأنس بالناس لا اله الا انا
تبارك وتعالى لا اله الا انا حقا وان محمدا عبدي ورسولي **السورة الثانية** شهدت نفسي لنفسي ان لا اله الا انا وحدي لا شريك لي وان محمدا عبدي
ومن لم يرض بقضائي ولم يصبر على بلائي ولم يشكر على نعمائي ولم يقنع بعطائي فليطلب ربا سواي ومن اصبح حزينا على الدنيا فكأنما اصبح ساخطا علي
ومن اشتكى مصيبة نزلت به فكأنما شكاني ومن دخل على غني فتواضع له لاجل غناه ذهب ثلثا دينه ومن لطم وجهه على ميت فكأنما اخذ رمحا

يقاتلني به

يقاتلني به ومن كسر عودا على قبر فكأنما هدم بيت كعبتي بيده ومن لم يبال من اين ماكله لم يبال الله من اي باب ادخله جهنم ومن لم يكن في الزيادة في دينه فهو في النقصان ومن
كان في النقصان فالموت خير له ومن عمل بما علم زاده الله علما الى علمه ومن طال امله قل عمله **السورة الثالثة** يا ابن آدم من قنع استغنى ومن ترك الحسد
استراح ومن اجتنب الحرام اخلص دينه ومن ترك الغيبة ظهرت محبته في قلوب الناس ومن اعتزل عن الناس سلم منهم ومن قل كلامه كمل عقله ومن
رضي بالقليل من الرزق [illegible] بالقليل من العمل يا ابن آدم انت بما تعلم لا تعمل فكيف تطلب علم ما لا تعلم يا ابن آدم [illegible]
[illegible] الدنيا [illegible] **السورة الرابع** يا ابن آدم من اصبح حريصا على الدنيا لم يزدد من الله الا بعدا
وفي الدنيا الا كدا وفي الآخرة الا جهدا والزم الله قلبه هما لا ينقطع ابدا وشغلا لا يفرغ منه ابدا وفقرا لا يبلغ غناه ابدا يا ابن آدم كل يوم ينقص من عمرك
وانت لا تدري وآتيك كل يوم برزقك وانت لا تحمدني فلا بالقليل تقنع ولا بالكثير تشبع يا ابن آدم ما من يوم جديد الا ويأتيك من عندي رزقك
وما من ليلة جديدة الا وتأتيني الملائكة من عندك بعمل قبيح تأكل رزقي وتعصيني وانت تدعوني فأستجيب لك وخيري اليك نازل وشرك الي صاعد
فنعم المولى انا لك وبئس العبد انت لي تسألني فاعطيك واستر عليك سيئة بعد سيئة وفضيحة بعد فضيحة وانا استحيي منك وانت لا تستحيي مني
تنساني وتذكر غيري وتخاف الناس وتأمن مني وتخاف مقتهم وتأمن من غضبي **سورة الخامس** يا ابن آدم لا تكن ممن يطلب التوبة بطول الامل
ويرجو الآخرة بغير عمل تقول قول الزاهدين وتعمل عمل المنافقين ان اعطيت لم تقنع وان منعت لم تصبر تأمر بالخير ولا تفعل وتنهى عن الشر ولا تنتهي
تحب الصالحين ولست منهم وتبغض المنافقين وانت منهم تقول ما لا تفعل وتفعل ما لا تؤمر [illegible] يا ابن آدم ما من يوم جديد
الا والارض تخاطبك وتقول يا ابن آدم تمشي على ظهري ومصيرك في بطني تأكل الشهوات على ظهري ويأكلك الدود في بطني انا بيت
الوحدة انا بيت الظلمة انا بيت الوحشة انا بيت الحيات والعقارب [illegible] **سورة السادس** يا ابن آدم ما خلقتكم
لاستكثر بكم من قلة ولا لاستأنس بكم من وحشة ولا لاستعين بكم على امر عجزت عنه ولا لجر منفعة ولا لدفع مضرة بل خلقتكم لتعبدوني طويلا وتشكروني كثيرا
وتسبحوني بكرة واصيلا ولو ان اولكم وآخركم وحيكم وميتكم وصغيركم وكبيركم وحركم وعبيدكم وانسكم وجنكم اجتمعوا على طاعتي ما زاد ذلك في ملكي مثقال ذرة
ولو ان اولكم وآخركم وحيكم وميتكم وصغيركم وكبيركم وحركم وعبيدكم وانسكم وجنكم اجتمعوا على معصيتي ما نقص ذلك من ملكي مثقال ذرة ومن جاهد فانما
يجاهد لنفسه ان الله لغني عن العالمين [illegible] **سورة السابع** يا ابن آدم يا عبيد الدراهم
والدينار اني ما خلقت لكم الدراهم والدنانير الا لتأكلوا بها رزقي وتلبسوا بها ثيابي [illegible]

لعلمن يرى [illegible] فتنة [illegible] حسبتي [illegible] فوق [illegible] وجعلت كتابا [illegible] سورة [illegible]
[illegible] سورة [illegible] الدنيا [illegible] كمثل القبور [illegible]
[illegible] اليوم [illegible] وبالشكر [illegible] يا بن آدم [illegible] المصباح [illegible]
[illegible] يا بن آدم [illegible] سورة
الجن يا بن آدم [illegible] حتى [illegible]
[illegible] يا بن آدم [illegible] الا من [illegible]
[illegible] الا من [illegible] الجنة [illegible] سورة
نوح يا بن آدم لا تغفلوا [illegible] يا بن آدم [illegible]
[illegible] يا ايها الناس [illegible] القلوب القاسية يا بن آدم كيف [illegible]
[illegible] الميزان [illegible]
[illegible] العذاب [illegible] سورة [illegible] يا بن آدم
قد جاءتكم موعظة من ربكم وشفاء لما في الصدور [illegible]
[illegible] الذين آمنوا بالله ورسوله [illegible] اليوم [illegible]
[illegible] سورة [illegible] يا ايها الناس [illegible] الدنيا [illegible]
[illegible]
[illegible] يا بن آدم كيف [illegible]
[illegible] سورة [illegible] يا بن آدم اذكروا نعمتي التي انعمت عليكم واوفوا بعهدي اوف بعهدكم [illegible]
[illegible] الجنة [illegible]
[illegible]

يا موسى

[illegible] يوم القيامة [illegible]
[illegible]
[illegible] سورة [illegible] يا بن آدم [illegible] الدنيا [illegible]
[illegible]
[illegible] الدنيا [illegible]
[illegible] الدنيا [illegible]
[illegible] الدنيا [illegible] سورة [illegible] يا بن آدم [illegible]
[illegible] يا بن آدم [illegible]
[illegible] سورة [illegible] يا ايها الذين آمنوا
لم تقولون ما لا تفعلون يا بن آدم [illegible]
[illegible] المصباح [illegible] الدنيا [illegible]
[illegible] الرزق [illegible]
[illegible] التقوى [illegible]
[illegible] سورة [illegible] يا اهل الكتاب لم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] يا بن آدم [illegible]
[illegible] يا بن آدم [illegible] الدنيا [illegible]
[illegible] سورة [illegible] يا بن آدم [illegible] يا بن آدم [illegible]

لا الموت [illegible] يا ابن آدم واذا [illegible] شيبت [illegible] يا ابن آدم واذا [illegible] [illegible] من [illegible] واذا [illegible]
عليها والملائكة [illegible] من اهل [illegible] الله والذين آمنوا [illegible] الله [illegible] يا ابن آدم [illegible] من [illegible]
[illegible] من الشهوات [illegible] [illegible]
الشقيق [illegible] ان [illegible] ان [illegible] سورة [illegible] يا ابن آدم [illegible] التي [illegible]
والذي [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] فضل الله [illegible] من السماء [illegible]
[illegible] الذي [illegible] [illegible] قال [illegible]
[illegible] الزكوة [illegible] الصلوة [illegible] [illegible]
ابليس [illegible] سورة [illegible] يا ابن آدم تواضع [illegible] واشكر [illegible] واستغفر [illegible]
[illegible] الوحدة [illegible]
الزهد في [illegible] يا ابن آدم كيف [illegible] وكيف [illegible] النوم وكيف [illegible]
الخوف من الله [illegible] وكيف [illegible] الدنيا وكيف [illegible]
كيف [illegible] وكيف [illegible] في السماء [illegible] سورة [illegible] يا ايها الناس [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] يا ابن آدم [illegible] رزق [illegible]
[illegible] يا ابن آدم [illegible] من [illegible]
[illegible] يا ابن آدم [illegible]
[illegible]
[illegible] سورة [illegible] يا ابن آدم الموت [illegible] واذا [illegible]

فلا شغل

فلا [illegible] ولكن انظر الى من [illegible] ولكن انظر الى من [illegible]
[illegible] الذنب الصغير [illegible] ابواب السماء [illegible]
[illegible] يا ابن آدم هل [illegible] المساكين [illegible]
[illegible] من [illegible] من [illegible]
[illegible] سورة [illegible] يا ابن آدم انظر [illegible]
[illegible] التوبة والعمل الصالح [illegible]
[illegible] يا ايها الذين آمنوا اذكروا نعمة الله عليكم [illegible] واتقوا يوما [illegible]
[illegible] يوم [illegible] يوم لا ينطقون ولا يؤذن لهم فيعتذرون [illegible]
يوم لا تملك نفس لنفس شيئا والامر يومئذ لله يوم الندامة يوم [illegible] يوم القارعة [illegible]
[illegible] سورة [illegible] يا ايها الذين آمنوا اذكروا الله
ذكرا كثيرا وسبحوه بكرة واصيلا يا موسى بن عمران [illegible]
[illegible] يا ابن آدم [illegible]
[illegible] يا ابن آدم [illegible] يا ابن آدم [illegible]
[illegible] الشيطان [illegible] يا ابن آدم [illegible] سورة [illegible]
يا ابن آدم ان الشيطان لكم عدو فاتخذوه عدوا [illegible] اليوم الذي [illegible]
[illegible]
لا اله الا انا [illegible]
[illegible] الرب [illegible]
[illegible]

سورة الخامس والعشرون شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم واعلموا ان الدين عند الله
الاسلام ومن يتبع غير الاسلام دينا فلن يقبل منه وهو في الآخرة من الخاسرين يا ابن آدم كل محسن بالجنة ومسيئ في النار وهو كل شيء الا
الا وجهه وانما يهلك من عصاني ومثل ابليس من عصى فطاعتي ومن عرفني فطاعتي ومن عرف الشيطان فعصاه ومن عرف الحق فاتبعه ومن
عرف الباطل فاتقاه فاز ومن عرف الدنيا فرفضها ومن عرف الآخرة فطلبها وعمل وان الله يهدي من يشاء واليه تقلبون يا ابن آدم
ان كان ربك قد تكفل برزقك فاهتمامك لماذا وان كان الرزق مقسوما فالحرص لماذا وان كان الخلف من الله حقا فالبخل لماذا وان كان الحساب
قد يجزي فالنفقة لماذا وان كان المرور على الصراط حقا فالعجب لماذا وان كان عقاب الله في النار حقا فالمعصية لماذا وان كان ثواب الجنة
حقا فالاستراحة لماذا وان كان كل شيء بقضائي وقدري فالجزع لماذا الكيلا تاسوا على ما فاتكم ولا تفرحوا بما آتاكم ان الله لا يحب كل مختال
فخور **سورة السادس والعشرون** يا ابن آدم اكثر من الزاد فان الطريق بعيد وجدد السفينة فان البحر عميق وخفف الحمل فان الصراط دقيق واخلص العمل
فان الناقد بصير واخر نومك الى القبور وفخرك الى الميزان وشهواتك الى الجنة وراحتك الى الآخرة ولذتك الى الحور العين وكن لي اكن لك وتقرب
الي باستهانة الدنيا وتبعد عن النار ببغض الفجرة وحب الابرار فان الله لا يضيع اجر المحسنين **سورة السابع والعشرون** يا ابن آدم كيف تقصد واثم تحرقون
من حر الشمس المحرقة وان جهنم لها سبعة ابواب سبع طبقات فيها نيران بكل بعضها بعضا وفي كل طبقة منها سبعون الف واد وفي كل واد
سبعون الف شعب من نار وفي كل شعب سبعون الف حية وفي كل حية سبعون الف قصر وفي كل قصر سبعون الف دار وفي كل دار سبعون
الف بيت من نار وفي كل بيت سبعون الف بئر وفي كل بئر سبعون الف تابوت من نار وفي كل تابوت سبعون الف عقرب من نار وفي كل
سبعون الف شجرة من الزقوم تحت كل شجرة سبعون الف قبة من نار وفي كل قبة سبعون الف سلسلة من نار وفي كل سلسلة سبعون الف
من نار طول كل ثعبان سبعون الف ذراع وفي كل جوف ثعبان بحور من السم الاسود وسبعون الف عقرب من نار وفي كل عقرب سبعون الف
طول كل ذنب سبعون الف ذراع وكل ذنب سبعون الف فقار من السم وفي كل فقار سبعون الف رطل من السم الاسود فيتفلت على اهل النار والطور
وكتاب مسطور في رق منشور والبيت المعمور والسقف المرفوع والبحر المسجور ان عذاب ربك لواقع يا ابن آدم ما خلقت هذه الا لمن يكفر
ويبخل ويعق والديه ويأكل الربوا والزنى والذي في دفع الزكوة من ماله وشرب الخمر وظلم اليتيم والصغير والغادر والذي يمنع عن الحرام وسمي
القرآن ولكل في جهنم يومئذ الجيران الا من تاب وعمل صالحا فاولئك يبدل الله سيئاتهم حسنات وكان الله غفورا رحيما فارحموا انفسكم يا عبادي

فان الابدان

فان الابدان ضعيفة والسفر بعيد والحمل ثقيل والصراط دقيق والمنادي جبرئيل والنافخ اسرافيل والنار لظى والقاضي رب العزة ذلكم الله
سورة الثامن والعشرون يا ايها الناس كيف في دنيا فانية ونعيم زائل وحيوة منقطعة فمن عصاني طبقين الجنان ابوابها الثمانية وفي كل جنة سبعون
الف روضة من الزعفران وفي كل روضة سبعون الف مدينة من الكافور وفي كل مدينة سبعون الف قصر من اللؤلؤ والمرجان وفي كل قصر سبعون
الف من الياقوت وفي كل قصر سبعون الف دار من الزبرجد الاخضر وفي كل دار سبعون الف بيت من الذهب الاحمر وفي كل بيت سبعون الف
من الفضة على كل دكان سبعون الف مائدة من العنبر على كل مائدة سبعون الف صحفة من الجوهر وفي كل صحفة سبعون الف لون من الطعام وعلى
كل دكان سبعون الف سرير من الذهب الاحمر وعلى كل سرير سبعون الف فراش من الحرير والديباج والسندس والاستبرق وعلى جانب كل
سرير سبعون الف نهر من الماء والعسل والخمر واللبن المصفاة وفي وسط كل نهر سبعون الف شجر من انواع الثمار كذلك في كل بيت سبعون
الف خيمة من الدرجات وفي كل خيمة سبعون الف فراش على كل فراش حوراء من الحور العين بين يدي كل حور سبعون الف وصيفة كانهن
بيض مكنون وعلى راس كل قصر من تلك القصور سبعون الف قبة من الكافور وفي كل قبة سبعون الف هدية من الرحمن ما لا عين رأت ولا اذن
سمعت ولا خطر على قلب بشر وفاكهة مما يتخيرون ولحم طير مما يشتهون وحور عين كامثال اللؤلؤ المكنون جزاء بما كانوا يعملون لا يموتون فيها ولا يهرمون
ولا يحزنون ولا ينامون ولا يعبدون ولا يصومون ولا يمرضون ولا يتغوطون ولا يبولون وهم فيها خالدون لمن طلب فيها دارا ابتغى جوارا
وخلق بالمعيشة عن ترك الدنيا والقشف بالقليل شهدت نفسي ان لا اله الا انا وعيسى روحي وعبدي ومحمد حبيبي الا ما اتخذه رسولي من كل
سورة التاسع والعشرون يا ابن آدم الا لي اذا انت عبدي وليس لك الا ما اكلت فافنيت وما لبست فابليت او تصدقت فابقيت وما فوت فلك
فيها منفعة يا ابن آدم انا لك كتبت قسم فواحدة لي وواحدة لك وواحدة بيني وبينك فما لي الدعاء ومني الاجابة يا ابن آدم تورع تورعك تحي وتزداد وعيشة
فقيرا والغني بالجنة يا ابن آدم انا لا اشاء الخصال يدخل بالتجبر والتكبر والعامة بالعصبية والعلماء بالحسد والفقراء بالفقر والتجار بالخيانة والصناع
والتجار بالربوا والاغنياء بالكبر ومنع الزكوة والفقراء بالكذب والحراث بالجهالة فتبين من يطلب الجنة **سورة الثلثون** يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله
حق تقاته ولا تموتن الا وانتم مسلمون فمثل العلم بلا عمل كمثل الرعد والبرق بلا مطر ومثل العلم بلا عمل كالشجر بلا ثمر ومثل العلم بلا عمل كمثل
القوس بلا وتر ومثل العلم بلا عمل بلا زكوة كمثل من يزرع الحب على الصفا ومثل العلم عند الاحمق كمثل الدر والياقوت عند البهيمة ومثل
القلب القاسي مع العلم كمثل الحجر المرضوع في الماء ومثل الموعظة عند من لا يرغب فيها كمثل الريحان عند اهل القبور ومثل الصدقة من الحرام

[illegible]

[illegible] كمثل الحب [illegible] ومثل العمل [illegible] فاعملوا [illegible]

الا القوم الفاسقون سورة [illegible] يا ابن آدم [illegible] اخرج حب [illegible] من قلبك [illegible] حب الدنيا [illegible] يا ابن آدم

[illegible] يا ابن آدم اذكرني [illegible]

اذكرك [illegible] اذكرني [illegible] اذكرك [illegible] اذكرني [illegible]

[illegible] اذكرك بالمغفرة اذكرني في [illegible] اذكرك في [illegible] اذكرني [illegible]

[illegible] اذكرك [illegible] اذكرني [illegible] اذكرك [illegible]

[illegible] يا ابن آدم ادعوني استجب لكم ادعوني [illegible]

استجب لكم [illegible] ادعوني [illegible] يا ابن آدم

[illegible] غير الله [illegible] غير الله [illegible] غير الله [illegible]

[illegible] غير الله [illegible] الاستغفار [illegible]

[illegible] سورة [illegible] يا ابن آدم [illegible]

[illegible]

[illegible] الحياة الدنيا [illegible]

[illegible] يا ابن آدم اعلم ان الموت [illegible]

[illegible] يا ابن آدم [illegible]

[illegible]

[illegible] اربع اموات موت [illegible] وموت [illegible] الموت [illegible]

[illegible] فلا تتبع الهوى فيضلك عن سبيل الله سورة [illegible]

يا ابن آدم [illegible] بالليل والنهار [illegible]

والشمس

والشمس والقمر [illegible]

[illegible] يا ابن آدم [illegible]

[illegible] سورة [illegible] يا ابن آدم [illegible]

[illegible] بالبلاء [illegible] الدنيا [illegible]

[illegible]

[illegible] يا ابن آدم [illegible]

[illegible] يا موسى بن عمران [illegible]

[illegible] الدنيا [illegible]

[illegible] سورة [illegible] يا ابن آدم [illegible]

[illegible] يا ابن آدم [illegible]

[illegible] الدنيا [illegible]

القبر يا ابن آدم من اشتاق الى الجنة سارع الى الخيرات [illegible] الدنيا [illegible]

[illegible] يا موسى بن عمران [illegible]

[illegible] سورة [illegible] يا ابن آدم [illegible]

[illegible]

يا ابن آدم اذا رايت الفقر مقبلا فقل مرحبا بشعار الصالحين واذا رايت الغنى مقبلا فقل ذنب عجلت عقوبته [illegible]

[illegible] يا ابن آدم [illegible] يا ابن آدم

[illegible] يا ابن آدم [illegible]

[illegible] يا ابن آدم [illegible]

غضب

يا ابن آدم لا تحل على مخلوق مثلك [illegible]

[illegible]

سورة السابع والعشرون

يا ابن آدم [illegible]

[illegible]

سورة الثامن والعشرون

يا ابن آدم [illegible]

[illegible]

فان

سورة التاسع والعشرون

يا ابن آدم [illegible]

[illegible]

يا ابن آدم ... وعقيدة ... وتزود ... الله ... وليقوله ...

رفعت مفاتح غضبك بالصدقة واذا اصابتك مصيبة فقل انا لله وانا اليه راجعون سورة الطلاق يا ابن آدم تعصيني وتستغني المغفرة
يا ابن آدم احكم السفينة فان البحر عميق اكثر من الزاد فان العقبة كؤود يا ابن آدم اعمر ان الذي تبنيه للخراب وان عمارتك العارية للخراب
وجمعك للتراب وما جمعت لوارثه في تنعيم لغيرك وان ربحك لغيرك والعقاب عليك والعجب لمن يكنز القبر العمل في قلب لنفسه قبل ان يأتيه يا ابن آدم
ما من واحد يعصيني وارض بما اتيتك وكن من الشاكرين يا ابن آدم ذنب وهو ضحك ادخلته النار وهو يبكي ومن يحبني اليه من خشيتي ادخلته
الجنة وهو ضاحك يا ابن آدم كم من غني شقي الفقر يوم حسابه وكم من جبار اذله الموت وكم من علوم رده الموت وكم من مسرور سقيته كدر القبر
وكم من وزر اورثت خوفه طويلا يا ابن آدم لو تعلم البهائم ما تعلمون من الموت لا تشبعت من الاكل والشرب حتى تموت جوعا وعطشا يا ابن آدم
لو لم اقدر عليك الا الموت لكان يجب عليك ان تسلم بالحيل ولا تقرب النار فكيف وما بعده شديد يا ابن آدم اجعل سرورك بما شاءلت من نعم اوتيتك
ليكن همك بما فوقك وما اتيتك فلا تفرح به وما فاتك فلا تاس عليه ولا تغتر بشبابك فكم من شاب قد سبقك الى الموت يا ابن آدم
خلقتك من التراب والى التراب اعيدك ومن التراب اخرجك فلا يغرنك الدنيا ولا تنسى الموت واعلم اني اذا احببت عبدا اذقته عيب
الاخرة واريته عيوب الدنيا فيحذرها ويعمل بعمل اهل الجنة حتى اذا انفقت عبدا استغنى بالدنيا واستغفره بعيده فيكون من اهل
في دخلته النار يا ابن آدم كل عمر يفنى وان طال والدنيا كظل الظلال يذهب قليلا ثم يذهب فلا يعود اليك يا ابن آدم انا الذي رزقتك وانا
الذي اميتك وانا الذي احييك وانا الذي احاسبك فان عملت خيرا رايته وان عملت شرا رايته مع انكما تملك لنفسك ضرا ولا نفعا ولا
حياة ولا نشورا يا ابن آدم اطعني واعذني ولا تهتم بالرزق فقد كفيتك امره ولا تحمل هم شيء فقد كفيتك يا ابن آدم كيف اخشى ولم تعقد لم
تزل كلا اكلهم وتاخذ نوره بعمل لعقد يا ابن آدم ومن كان سبيله الموت فكيف يفرح بالدنيا ومن كان بيته القبر فكيف يسر فيها بيته وانا الدنيا
يا ابن آدم الرزق قليلا وانت شاكر خير من كثير غير شاكر يا ابن آدم خيرك ما قدمت وشرك ما خلفته في الدنيا فقدم نفعك بيدك كتبه وعنده
قبل ان ياخذك الموت يا ابن آدم من كان همه فان الذي يتبعه ومن كان نعيمه فالذي يكسوه ومن كان خائفا فالذي يخشيه ومن كان
راجيا فالذي يرجوه واذا كان عبدي على طاعتي اعطيته امري ليس به ... يا موسى من يستغني باموال الفقراء
او يعينه ومن بقي بقوة الفقراء والضعفاء بنا اعقبت يا ربه النار يا موسى من يستغني عن الله العبد يعمل في الدنيا حتى يدركه
الموت فيندم على ما سلف من الذنوب والخطايا وياسف الرحمة ربنا اغفر لنا وارحمنا فضل على الفقراء اذا الفقير والتي في العفو على العريضة والمؤمن

صلى

علو ... اني انا موقنون فيه ... لا يرد احد ابدا يا موسى من امن بي واتقى حتى اطيعه الجنة يا موسى ان الدنيا لعب ولهو وزينة وليس الخير من ...
حظ الا العبادة والعلم والعمل وفي الدعوة الجنة يا موسى ان القيمة يوم شديد لا يغني والد عن ولده ولا مولود عن والده شيئا كم من فقير قد ترك
في الدنيا وحرج الى الاخرة وهو فقير حقير وحيد من ماله تام على جهد وجمع المال ورثته وكان بين الناس عذابا يوم القيمة ذا هم عذابا فوق العذاب
يا ابن آدم تفرح لحياتي ولا امل ونيل ... قبلك ... وحيدك ... وعجب ... ذلك ... ورزقك
اعلم يا ابن آدم جعل قلبك سوافقا على امرك ... فما احب غيري فانا الغيور لا اقبل الاخالصا وان ... الشافي
فارق لسانه والسنة في لعب احمد ... الله تعالى صدق الله العظيم وصدق رسوله الكريم ونحن على ذلك من الشاهدين والحمد لله رب العالمين و
صلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين وسلم تسليما كثيرا في الرضاع بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة
على سيد الانبياء والمرسلين واشرف الاولين والاخرين وعترته الطاهرين اما بعد چنين گويد احوج المربوبين الى رحمة ربه الغني محمد تقي
الاصفهاني که چون در این عصر افراط و تفریط بسیار در امر رضاع واقع شده بود و در میان علماء این رساله را نوشته تا آنچه وسط است معلوم
شود و بعضی الاستقامة والتوضیح قال الله تبارك وتعالى ولا تنكحوا ما نكح آباؤكم من النساء یعنی نکاح خود در مباورید و جماع نیز نکنید
زنانی را که پدران شما آنها را عقد نموده باشند یا کنیزان را که جماع نموده باشند بلکه یعنی انجه زنان ذکر شد حلاله پس ... بر ایه کریمه
زن پدر و زن جد پدری و زن جد مادری و زنان اجداد پدری واجداد مادری و همچنین موطوئهای آبا واجداد پدری و مادری هر چند بالا روند
بر فرزندان حرام اند خواه بعقد دوام یا متعه یا تحلیل شده خواه بملک یمین ایشان باشد پس معقودهای آبا واجداد و موطوئهای ایشان
فرزندان حرامند اگر چه بعد از عقد وطی نکرده باشند و همچنین موطوئهای ایشان بر فرزندان حرامند اگر چه عقد نکرده باشند پس عقد آبا واجداد هر چند
بالا روند و وطی ایشان سبب حرمت بر فرزندان هر چند پائین روند و موطوءه حرام است خواه وطی ایشان در قبل کرده باشند و خواه وطی در دبر
اگر عقد کرده باشند زن را که آن را کنیزه دیگران را وطی کرده باشند حرمت بیشتر میشود و اگر آبا واجداد او کنیزی را مس نموده باشند یا بوسیده باشند
یا کسی میان بخشیده باشد بجهة حلیت بر آبا و اجداد و بر فرزندان حرام میشود تا وطی نکنند آیا اگر نظر کرده باشند بروی کنیز از دست کنیزان ایشان
بدست کنیزان رسیده و ما از روی شهوت بر فرزندان حرام میشود مطلقا اگر از روی شهوت نیز نظر کرده باشند یا دو دست رسانیده باشند یا دست
حرام میشود نه مطلقا هر گاه آبا و اجداد کنیز را بوسیده باشند یا نظر بسوی بدن ایشان نموده یا مس کرده باشند یا دست بسوی بدن ایشان رسانیده باشند

٨٦

خوف است اگر عدم ... [illegible] ... و همچنین کنیزی را ... [illegible]
و دانسته که ... [illegible] ... باشند ... [illegible]
... [illegible] ... فرزند ... [illegible] ... قبول ... [illegible]
بسیار در این باب در قرآن و حدیث وارد شده است و ذکر آن سبب طول میشود و دیگر حق سبحانه و تعالی فرموده است که حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ
حرام است بر شما مادران شما یعنی هر چند بالا روند مثل مادر خود و مادر پدر و مادر مادر ... [illegible] ... پس در مرتبه
اول یک مادر است و در مرتبه دوم دو و در مرتبه سیم چهار شوند و در مرتبه چهارم هشت شوند و در مرتبه پنجم شانزده شوند و در مرتبه ششم سی و دو و هر چند بالا میروند مضاعف
میشوند وَبَنَاتُكُمْ یعنی حرامند بر شما دختران شما هر چند پائین روند ... [illegible] ... متولد شده باشد
... [illegible] ... و همچنین دختران پسر و دختران دختر و در مرتبه سیم ... چهار ... دختر پسر پسر باشد و دختر دختر پسر و دختر
و دختر دختر دختر و در مرتبه چهارم هشت طبقه‌اند و در پنجم شانزده‌اند و در ششم سی و دو و همچنین هر چند پائین میروند مضاعف میشوند
وَأَخَوَاتُكُمْ و حرامند بر شما خواهران شما ... [illegible] ... خواه پدری تنها خواه مادری تنها ... [illegible]
... [illegible] ... حق سبحانه و تعالی جدا فرموده است وَعَمَّاتُكُمْ و عمه عبارت است از خواهر پدر ... [illegible]
... [illegible] ... و هر چند بالا روند مثل عمه پدر و عمه مادر ... [illegible] ... و همچنین ... [illegible]
... [illegible] ... وَخَالَاتُكُمْ و حرامند بر شما خاله‌های شما هر چند بالا روند ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... و همچنین ... [illegible]
... [illegible] ... خواهر ... [illegible]
میتواند خواست مثل آنکه شخصی زنی گیرد که آن زن دختری از شوهر سابق داشته باشد ... [illegible]
میتواند خواست و اگر از این زن دختر بهم رسد ... [illegible]
... [illegible] ... و همچنین ... [illegible]

... [illegible] ... عمه و خاله ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... و همچنین ... [illegible]
... [illegible] ... وَبَنَاتُ الْأَخِ و حرام است بر شما دختر برادر شما خواه برادر ... [illegible]
... [illegible] ... و همچنین دختران ... [illegible]
وَبَنَاتُ الْأُخْتِ و حرام است بر شما دختران خواهر شما خواه پدری باشند یا مادری ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
و برادران ... [illegible] ... حق سبحانه و تعالی ... [illegible]
... [illegible] ... وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ یعنی حق سبحانه و تعالی حرام کرده است
بر شما مادرانی که شما را شیر داده اند وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ حرام است بر شما خواهران ... [illegible]
حدیث صحیح متواتر از حضرت سید المرسلین ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
اکثر ... [illegible]

٨٧

باشد خواه بعقد دوام و خواه بعقد متعه و خواه بتحلیل [illegible] و شیر هم رسیده باشد بنابر قول مشهور پس اگر شیر [illegible] یا شخص [illegible] از زن
بهم رسیده باشد بدون وطی یا از زنا بهم رسیده باشد سبب حرمت نمیشود دویم آنکه زن زنده باشد [illegible] در حال [illegible] زن خورده باشد
[illegible] خورده باشد حرمت نمیکند [illegible] سیم آنکه [illegible] ولادت باشد پس اگر [illegible] قبل از ولادت [illegible]
[illegible] حرمت نمیکند [illegible] مشهور [illegible] چهارم آنکه شیر [illegible] پس اگر شیر [illegible]
[illegible] حرام نمیشود [illegible] شیر داده [illegible]
[illegible] پنجم [illegible] از پستان [illegible] بعنوان شیر [illegible] طفل [illegible]
نمیکند [illegible] ششم [illegible]
[illegible]

[illegible]

یعنی از آدم که جمیع بنی آدم و غیر ایشان را از آن ایجاد فرموده است خطاب شده که بعضی از مفسران ذکر کرده اند و از این نوع شبه یا از آن نسب
نسب مقرر فرموده و این نوع وجه منقبت کلام است و مقرر فرمود که نکاح واقع سازند تا خویشاوندی سببی نیز بهم رسد و دوران نسبی این جمله
زود پیدا کردن پس حضرت صلی الله علیه وآله در جواب او فرموده که حق سبحانه و تعالی از آن شیرین طینت حضرت آدم را بقدر رستگار معجون
حضرت طینت آدم حوا را آفرید و زوجه او شد حوا را از ماده او آفرید و در نسل او هم از زمین شوره آفرید از ماده استخوان از پهلوی
پهلوی چپ و بسبب این خلقت خویشی نسبی و سببی بهم رسید یعنی میل بزنان و قابلیت ازدواج بهم رسید پس حضرت حوا را جفت حضرت آدم گردانید
و بسبب این نکاح خویشی سببی بهم رسید پس آنچه نسبت است از طرف مردان است و آنچه سببی است از راه کدخدایی زنان است بر هر یک
زمانه یعنی قول حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله را که حرام می‌شود از شیر دادن آنچه حرام می‌شود از نسب این وجه مطابقه است
خود و پوشیده باشد بسبب آنچه حضرت فرموده اند که هرگاه کسی شیر خورد از شیر شوهر فرزندان زن دیگر خواه پسر باشد خواه دختر این ضابطه
که حضرت فرموده اند که سبب نسبی می‌شود و این حقیقت نسب حاصل می‌شود هر دو که شیر بدهد و طفل او هر یک از شیر شوهر را از این جهت نسب
هم میرسد میان این دو فرزند اگر چه طفل بشوهر زن اسباب هم نرسیده و طفل فرزند زن می‌شود و هم فرزند آن شوهر می‌شود که شیر از او
نوشیده است و خویشی او با آن زن حاصل می‌شود و خویشی هم است نسبی چون نسب از جانب زوج است و سبب از جانب زوجه است و بعضی گفته
معنی حدیث ظاهر خواهد شد ان شاء الله تعالی و احادیث صحیحه بسیار رسیده در تحریم اولاد فحل بر پدر طفل شیر خوار و فرزندان دیگر
و این مسأله عجیب است که نقل شده است و تا آنجا که ما تحقیق کرده ایم دلالت دیگر ذکر کرده است و از بعضی از مضمون حدیث چنین ظاهر است که از
روایت که حدیث صحیح ندارد و آنکه هست حدیث صحیح دارد و روایت حسن معروف که صحیح روایتی است که شرح آن بر این معنی دلالت میکند
مسأله و قائل بسبب این اعتبار نیست و جواب این دلیل پس این احادیث تخصیص داده است احادیثی را که دلالت است بر آنکه هرچه حرام است از نسب
بسبب رضاع حرام می‌شود و الله یعلم که خواهر رضاعی که شیر خورده باشد از هر طرف حرام شود و همچنین خواهر و برادر رضاعی
خواه او خاله رضاعی و در این باب چند مسئله است اول هرگاه رضاع محقق شود پدر طفل رضیع را جایز است که فرزندان صاحب شیر را به زنی بخواهد
خواه اولاد نسبی باشند خواه اولاد رضاعی و همچنین اولاد نسبی مرضعه را روایت صحیح وارد شده است اولاد فحل و دو در اولاد
گرفته اند خواستن اگر چه ممکن است که حمل کنیم نهی را بر کراهت چنانچه فقها روایات معتبره و اصول قواعد است چون نسب اصل رضاع است

نسب

نسب نیست چیزی که بسبب حرمت باشد و در نسب شیر آن فرزندان و فرزندان زن در رضیع و حق فرزند رضاعی می‌شود اگر شیر این کس را
خورده باشند و این اولاد شیر این کس را نخورده اند و فرزندان مرضعه هم مادر است نسب فحل است که بعد از تزویج رضاع
بوده است ولیکن احتیاط آن است که نخواهند و اگر چنین امری واقع شده باشد طلاق بگویند دوم آیا حرام می‌شود این اولاد فحل نسبا و رضاعا
و اولاد نسبی مرضعه بر فرزندان پدر طفل که شیر نخورده باشند از این اکثر بعضی گفته اند که حرام اند چون بمنزله اولاد پدر شده اند و چون بمنزله
اولاد و پدر اند پس بمنزله خواهران و برادران اولاد پدر شیر خوار باشند ظاهر اخبار و اقوال عدم حرمت است چون جایز است خواهر خواهر
نسبی را خواستن چون جایز نباشد خواهر خواهر رضاعی را خواستن و خواهر رضاعی نیست که حرام باشد خواهر و برادر رضاعی آنست که شیر
هم را خورده باشند پس دو کس که شیر هم را نخورده باشند حرام بهم نباشند ولیکن احوط آنست که اگر خواسته باشند نخواهند و اگر خواسته
باشند و طفل باشد مفارقت طلاق بگویند و الله یعلم
باشند خواهر و برادر مانند نیست که اولاد نسبی و رضاعی اولاد نسبی مرضعه این طفل که شیر خورده است نمیتوانند خواستن
خواسته باشد بعد از آنکه طفل شیر خورده جدا می‌شوند و احتیاج بطلاق نیست و اگر فرزندی هم رسیده باشد حکم حلال زاده دارد و شیرش
نیز میکند در حرمت اما اگر دانسته باشند که بر هم حرام اند و عقد کنند زنا خواهد بود و فرزندی که بهم رسد ولد الزنا خواهد بود
شیری که از زنا بهم رسد سبب حرمت نمیشود
اگر شیر زنا سبب حرمت نشود سوم
شوهر می‌شود و همچنین کنیز ام ولد
و اولاد غیر
دخول کرده
زوجه را دختر حرام می‌شود و اگر زن برادر زوج دختر برادر زوج می‌شود و عقد باطل می‌شود
شیر داده باشد حرام می‌شود بر شوهر و نمیتوانند ایشان را خواستن چهارم خلاف است در اینکه
شده است آیا حرام می‌شود

نمی‌شوند چون نسب حرمت باز رسیده است بعضی گفته‌اند که چون به رضاع فرزند فحل شد خواهران به رضاع بمنزلهٔ فرزندان او می‌شوند چنانکه
دختران فحل نظر به رضاع مانند فرزند شده‌اند بعضی حق هست که قیاس است و در هر حال این سخن است چنانکه مذکور شد و همچنین مادر و
به رضاع دلیلی ندارد سوای قیاس و اگر در هر دو احتیاط کنند بهتر است و در این باب چند مسئله ذکر می‌کنیم اول هرگاه زنی از شیر فحل
یا خواهر پدر یا مادر خود را یا پدر یا مادر را شیر دهد چون مادرش فرزند شوهرش شد زن بمنزلهٔ فرزند شوهر می‌شود چون خواهر فرزند است
نیست که خواهر فرزند وقتی حرام است که فرزند باشد یا ربیبه و در رضاع وقتی خواهر می‌شود که شیر کامل خورده باشد و در اینجا هیچ یک نیست
زیرا که ربیبه هم نیست نسبا حضرت فرموده است که هر چه به نسب حرام است به رضاع نیز حرام می‌شود نه ربیبه چنانکه گذشت
خواهر فرزند را می‌توان خواست مثلا اگر زنی بچه‌ای داشته باشد و مردی دختری داشته باشد دختر او بمنزلهٔ فرزند زوج و خواهر فرزندان زوج است
از دخول زن را طلاق دهد آن دختر را می‌تواند خواست و مخفی است در این صورت که زن شیر دهد خواهر یا برادر را مادرش در خانهٔ شوهر
حرام می‌شود چون بمنزلهٔ مادر زن می‌شود و چون زنش مادر رضاعی او است مذکور شد که این زن مادر زن نسبی و رضاعی است و منزله را
اعتباری نیست با آنکه در مادر زن رضاعی نیز سخن است چنانکه خواهد آمد انشاء الله تعالی دویم آنکه شیر دهد فرزند برادر خود را پس
فرزند فرزند عمه شده و عمه فرزند بر شوهر حرام است پس زنش بمنزلهٔ خواهرش می‌شود و جواب همین است که عمه ولد اگر خواهر شوهر باشد حرام
بودن حرام است و در کتاب فقیه هست رسول الله صلی الله علیه و آله جایز و واقع شده است که عمه ولد حرام شد مادر وقتی که خواهر رضاعی
نسبی باشد و در اینجا هیچ یک نیست و مخفی است که در این صورت زن برادر خود را در خانهٔ شوهر حرام می‌شود چون بمنزلهٔ خواهرش می‌شود و جواب
آن است که زن برادر نه خواهر نسبی است و نه رضاعی و منزله را اعتباری نیست سیم آنکه زن شیر دهد دختر خواهر خود را پس زن بمنزلهٔ خواهر
می‌شود و خواهر زن حرام است جواب آن است که خواهر زن حرام نیست مگر وقتی که با زن جمع شود با آنکه و خواهر نسبی یا رضاعی را اعتبار جمع نمی‌شود
عقد و در اینجا چنین نیست و همچنین است در فحل بر شوهر حرام نمی‌شود هر چند خواهر او در رضاعی فحل است جایز نیست چهارم آنکه عقد شیر دهد
پسر خود را یا فرزند دختر خود را پس فرزند پسر زن پسر بمنزلهٔ مادرش می‌شود و مادر حرام است و در صفحه بمنزلهٔ زن پسر شوهرش می‌شود
منزله دخل است حرام نیست و اگر فرزند دختر را شیر دهد دختر در خانهٔ شوهرش بمنزلهٔ مادر زن می‌شود و جده در خانهٔ شوهر بمنزلهٔ دختر و
عروس می‌شود و در صورتی که فرزند دخترش را شیر دهد شوهر جده و جده مادری اولاد فحل است و دخترش که از اولاد فحل است بر شوهر حرام

بنابر احادیث که گذشت و مشهور چنین است که اولاد فحل بر اب مرتضع حرام اند و بمنزله چون احادیث وارد شده احتیاط لازم است
اما بمنزلهٔ جده اصلی ندارد مگر قیاس و آن باطل است مجملا پس در این صورت جده در خانهٔ شوهرش حرام نمی‌شود اما دخترش در خانهٔ شوهرش
حرام می‌شود پنجم هرگاه زنی شیر دهد عم خود را یا عمه خود را یا عمهٔ فرزند شوهر آن زن می‌شود و دختر برادر یا خواهر فرزند فرزند
و فرزند فرزند حرام است جواب آنکه فرزند فرزند نسب یا رضاع حرام است و در اینجا هیچ یک از دو نیست و منزله چنین است شایع باز رسیده است
که حرام بودن و همچنین اگر بگوید که او هم در حکم جده است پس زن بمنزلهٔ جدهٔ زن است و جدهٔ زن حرام است جواب آن است که مذکور شد که جده رضاعی
کلام است و بر تقدیری که ثابت حرمت جده هم است و در صحبت هم دلیلی نیست ششم آنکه زن شیر دهد خال یا خالهٔ خود را در این صورت زن
دختر خواهر فرزند شوهرش می‌شود چنانکه گذشت که بمنزلهٔ جده مادری یا بمنزلهٔ شوهر مادر می‌شود و جواب آن است که مذکور شد هفتم آنکه شیر دهد
فرزند عم یا عمهٔ خود را یا زن دیگر شوهرش شیر دهد فرزند عم زن را شوهرش بمنزلهٔ عم زن می‌شود هشتم آنکه شیر دهد فرزند خال یا فرزند خالهٔ خود را
در این هر دو صورت فرزندان فرزند فحل می‌شوند و فحل بمنزلهٔ عم و خال می‌شود و در عم و خال اما در عمه و خاله بمنزلهٔ شوهر عمه و شوهر خاله می‌شود و این
حرام نیست باتفاق و در عم و خال که شوهر بمنزلهٔ ایشان می‌شود جواب همان است که مذکور شد که منزله را معتبر نیست مشهور و عم و خال پیش گذشت
از نسبی و رضاعی که کدام است و فحل در این صورت هیچ یک از ایشان نیست نهم هرگاه زنی شیر دهد برادر شوهر را یا خواهر شوهر را از شیر شوهر
زن بمنزلهٔ مادر برادر یا مادر خواهر می‌شود و مادر برادر و خواهر یا مادر است یا زن پدر و هر دو حرامند بر شوهر و جواب که از شیر متعلق شده است که
مادر برادر یا مادر خواهر حرام است بلکه مادر نسبی یا رضاعی یا زن پدر نسبی یا رضاعی حرام است و در اینجا هیچ یک از اینها نیست دهم
اگر شیر دهد زن فرزند برادر شوهر یا فرزند خواهر شوهر را و فرزند برادر که هیچ یک از اینها نیست زیرا که زن بمنزلهٔ زن برادر شوهر می‌شود و آن حرام
نیست همچنین اگر شیر دهد فرزند خواهر شوهر را اگر چه بمنزلهٔ خواهر شوهر می‌شود و خواهر شوهر بر شوهر حرام است اما خواهر نیست نه نسب و نه رضاع
منزله معتبر نیست یازدهم اگر زن شیر دهد فرزند فرزند شوهرش را اگر فرزند پسر شوهر باشد زن بمنزلهٔ زن پسر می‌شود و اگر فرزند دختر باشد زن
بمنزلهٔ دختر شوهر می‌شود و هر دو بر شوهر حرام و اصل زن حرام شود جواب آن است که دختر نسبی یا رضاعی حرام است و زن پسر نسبی حرام است و زن
پسر رضاعی خلاف است و در اینجا هیچ یک نیست منزله دلیلی ندارد مگر قیاس دوازدهم اگر زن شیر دهد عم شوهرش یا عمه شوهرش را یا خال
یا خالهٔ شوهرش را پس زن بمنزلهٔ مادر ایشان می‌شود و مادر عم و عمه مادر یا جده پدری است یا زن جد و در خال و خاله جده مادری است

یا زن جد مادری و هم بر فرزند زاده حرام است جواب آنکه اینها بر فرزندان فرزندان حرام‌اند و در اینجا زن پیش از جده شده است نظر
بشوهر بر زن جده است برضیع بالنسبه شوهر فرزند زاده است برضیع بالنسبه منزله اعتبار ندارد مسئلهٔ سیزدهم اگر کسی دو زن داشته
باشد یکی از این دو زن فرزند دیگری را شیر دهد کفایه [illegible] که هر دو زن در خانهٔ شوهر حرام میشوند آنکه شیر داده است بجهت آنکه مادر زن
شوهر میشود و آن زن دیگر بجهت آنکه فرزند شوهر میشود و هم حرام و جواب آنست که راه حرمت بالنسبت اورضیع و در اینجا [illegible]
این دو صیغه منزله در حکم هم است مسئلهٔ چهاردهم هرگاه دو زن صغیره داشته باشد و هر دو شیر کبیره را خورده باشند شیر [illegible]
شیر پانزده [illegible] از یک پستان [illegible] فارغ شوند هر دو بر شوهر حرام میشوند بنابر قول [illegible] بعقد هر دو باطل میشود و
بعد از آن هر یک را که خواهد عقد تازه میکند و اگر بدفعات خورند و از اول پانزده تمام شد عقد هر دو صحیح است و [illegible] از زن دوم پانزده تمام
میشود عقد هر دو باطل میشود بنابر مذهب [illegible] و اگر این [illegible] اعتبار کرده و همچنین اگر دو زن داشته باشد
ظاهر شود که اینها خواهر رضاعی بوده‌اند [illegible] بعقد خواسته باشد کاشف [illegible] العقد هر دو باطل بوده است و اگر یکی را پیشتر خواسته باشد
دومی باطل خواهد بود مسئلهٔ پانزدهم اگر دو زن داشته باشد و یکی از این دو زن شیر داده باشد زن دیگر را خورد سال به شیر خود آن زن دیگر را
خورده باشد [illegible] از اینها عمه خواهر بوده و دیگر دختر برادر و یکی خاله خواهر بوده و دیگر دختر خواهر رضاعی در اینجا [illegible] خلاف است مشهور آنست
که جمع میشود در عمه با دختر برادر و خاله با دختر خواهر رضاعی بنابر حدیث صحیح که با زن عمه و خاله [illegible] عمه و خاله راضی باشند که با دختر برادر و
دختر خواهر رضاعی جمع باشند هر دو عقد صحیح است باتفاق علمای شیعه و اگر راضی نباشند پس اگر اول دختر برادر یا دختر خواهر را خواسته باشد
و بعد از آن عمه و خاله را و عمه و خاله پیش از عقد دانسته باشند که رضاع متحقق شده است عقد صحیح است و هیچ یک را اختیار فسخ عقد نیست
و اگر اول عمه و خاله رضاعی خواسته باشد و بعد از آن دختر برادر و خواهر را با رضای عمه و خاله مشهور آنست که عقد دختر برادر و خواهر
و عقد عمه و خاله صحیح است و اگر پیشتر [illegible] رضاع واقع شده است و بعد از عقد دانسته باشند مشهور آنست که عقد عمه و خاله صحیح است
و خاله که راضی نباشد عقد دختر برادر و خواهر باطل میشود مسئلهٔ شانزدهم اگر زن صغیره را [illegible] مادر شوهر یا خواهر شوهر یا زن برادر شوهر
یا جده شوهر یا دختر شوهر این زن صغیره را شیر دهند و پانزده شیر کامل تمام شود زن بر شوهر حرام میشود و خواهر شوهر یا دختر خواهر
یا دختر برادر شوهر یا عمه شوهر یا خاله شوهر یا فرزند فرزند شوهر میشود و اگر زن شوهر از شیر شوهر شیر دهد صغیره را صغیره دختر شوهر میشود و

و در این صورت اجماع زن صغیره بر شوهر حرام میشود و اگر ظاهر شود بعد از عقد که اینها زن را شیر داده بوده‌اند کاشف میشود که زن حرام بوده است
بر شوهر پس اگر دانسته باشد که رضاع متحقق شده بوده است [illegible] اینها [illegible] اگر [illegible] خواسته و قیمت [illegible] از هم جدا میشوند
و فرزندی که بهم رسیده است در حکم حلال زاده است و نسبت بایشان خود است و اگر زن از شیر شوهر دیگر شیر داده این صغیره را پس این شوهر
جماع کرده است این زن را و هر دو حرام میشوند بر شوهر زیرا که بزرگ مادر زن است و کوچک دختر زن و اگر جماع نکرده باشد بزرگ حرام میشود و کوچک
صغیره عقدش باطل میشود و شوهر مختار است در عقد یکی را که خواهد مسئلهٔ هفدهم هرگاه شخصی لواط کند با پسری و العیاذ بالله بعقد او
اند که از مسئله که در حکم بر شوهر حرام میشود و بر لواط کننده مادر آن پسر هر چند بالا رود و دختران آن پسر هر چند پایین رود و خواهران آن پسر و همچنین
حرام میشود مادر رضاعی و دختر رضاعی او و خواهر رضاعی او بنابر قول مشهور بین العلماء بنابر آنکه حکم رضاع حکم نسب است مسئلهٔ هجدهم
هرگاه شخصی مالک شود یکی از عمودین یعنی پدر و مادر را یا اولاد را از محارم نسبی خود را آزاد میشوند باجماع اصحاب و همچنین است در رضاع بمقتضای
حدیث پس اگر مالک شود فرزندان را هر چند پایین روند و از فرزندان رضاعی و مرضعه و فحل را و پدران و مادران ایشان را هر چند بالا روند
و پایین [illegible] و همچنین خواهران رضاعی را یا عمه‌های رضاعی و خاله‌های رضاعی را هر چند بالا روند علی المشهور یا دختران برادران رضاعی یا
دختران خواهران رضاعی را هر چند پایین روند علی المشهور هر گاه آزاد میشوند چنانکه در نسب آزاد میشوند مسئلهٔ نوزدهم هرگاه رضاع متحقق
شود بر فرزند رضاعی محرم میشوند مادری که شیر داده باشد و فحل هر چند بالا روند و اولاد نسبی و رضاعی فحل و اولاد نسبی مرضعه هر چند پایین
روند چون هم خواهر او شده‌اند و همچنین عمه او و خاله او هر چند بالا روند و دختران برادران و دختران خواهران هر چند پایین روند علی الاولی که
بر او حرام میشوند بر رضیع محرم میشوند و خلوت میتوان کرد با محارم رضاعی چنانکه خلوت میتوان کرد با محارم نسبی چون حرام است خلوت کردن با اجنبیه این
معنی که مرد و زن اجنبی در حجره باشند که در حجره [illegible] که ثالثی در آنجا نباشد علی المشهور و با محارم نسبی و رضاعی خلوت جایز است و سیم
آنکه رضاع میراث نمیرساند و مستحق نفقه نمیشود و پدر رضاعی ولایت ندارد بر فرزند رضاعی و مادر رضاعی حضانت ندارد و گواهی رضیع بر فحل
مسموع است و اگر فحل او را بکشد در عوض کشته میشود فحل از شان پدر نسبی نیست که در عوض فرزند نتوان کشت و همچنین استیفای حد و از فحل [illegible]
نمود و در قسمت دیه داخل نیست و حکم آنست که اگر قذف کند باشد بر فحل حد جاری شود بجهت قذف قسم [illegible] [illegible] میتواند نمود و جایز است حکم
پدر رضاعی که فحل است مانند پدر نسبی است در آنکه علیه دخول زن و اتیان [illegible] بر طرف شد بتحلیل یا بموطوئه بملک نمیتوان خواستن

و حرام است علی المشهور بین الاصحاب و همچنین جده پسر رضاعی حرام است بر فحل علی المشهور و احوط آن است که پدر مرتضع مادر مرضعه را
نخواهد و برابر او نگردد و همچنین خواهر مرضعه را و مشهور آن است که اولاد مرتضع بر فحل حرامند و محرم‌اند اما فرزندان در روی پدر مرتضع بر فحل خلاف است
و روایات صحیحه بر عدم حرمت بر فحل دلالت دارد و حتی اگر بعضی نقل اجماع نموده‌اند بر حرمت پس احتیاط آن است که نخواهد و برابر ایشان نگردد اما اولاد
نسبی و رضاعی فحل نسبی مرضعه بر پدر مرتضع حرامند بمقتضی اخبار صحیحه چنانکه گذشت و اگر برابر نگردد و ضرورت احتیاط خواهد بود و بسبب حد دوم هرگاه
کسی فرزند آن آقا را شیر داده باشد که دو دختر داشته باشد و آن فرزند بر شوهر آن زن حرام میشود و فرزند است بسبب حد سیم اگر مالک شود شخصی مادر رضاعی خود را
یا پدر رضاعی یا پسر خواهر رضاعی یا پسر عمو یا پسر عمه یا پسر خال یا پسر خاله رضاعی اگر او حرام است که ایشان را ببندد که فرمایند یا نفروشد هشتم آنکه
که ایشان را آزاد نماید بسبب حد چهارم مشهور است که زنی رجوع کننده از شیر دادن هم از سن چون بسیار است که شیر میدهند و فراموش
کنند و فرزندان هم میدهند و بعد از وقت هر چه شود که خواهر خود را از بست آن و بنابر آنکه مذکور شد که در شیر عقد نشود و اگر دو شیره خشنه
میان زن و مرد طفل شیره بود اگر از شیر حیض به خیر نشد و بعد از آن پاره اعیان شود و هرگاه شخصی دایه گرفت و بعد فرزند او را
داده و دیگری را از آن دایه باز گرفت و فرزند او را شیر داد هرگاه شوهر دایه در هر دو حال بیک کس شد این هر دو طفل بر هم حرام شده خواهر و برادر
شده ممکن است که ایشان هر را نخواهند چون غالب ایشان فراموش میشود و فرزندان ایشان خواهر و برادر اند این نظر بر رضاعی حرام شوند و نسبی
که عقد واقع میشود و فرزندان هم بهم میرسد و آخر مطلع میشوند اما چون مذکور شد که ظاهر عدم حرمت است فرزندان دو شیکن بعد احتیاط را
از دست نباید داد و حضرت سید المرسلین و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم امر باحتیاط فرموده‌اند مثلاً در عدد رضعات خلاف
ابن جنید یکبار شیر را سبب حرمت میداند و ابن بابویه که صحیح است اقلا یک سال علوم میداند و اکثر یک سال ابن ولید که است ابن ابی
پانزده شبانه روز را علوم میدانند و اکثر قدما ده شیر را علوم میدانند و اکثر متاخرین پانزده شیر را و آنچه این شکسته اظهار اهل بیت است حدیث یک
شیر را اکثر صحیح است محمول است بر تقیه و احادیث متواتره از طرق خاصه و عامه وارد است که یکشیر و دو شیر حرمت ندارد و احادیث ده شیر معارض
با احادیث صحیحه که ده شیر سبب حرمت نمیشود و احادیثی که وارد است که ده شیر سبب حرمت میشود ظاهر آن تقیه است پس اگر احتیاط نماید که از ده شیر
اولی است و حدیث پانزده شیر که حدیث دلالت بر حرمت میکند و حدیث موثق است و حدیث موثق دلالت دارد که پانزده شیر سبب حرمت میشود و
یک شبانه روز و آن حدیث پانزده شیر است که موثق است و عجب است این است که اکثر اصحاب که ده شیر را سبب حرمت میدانند قایل یک شبانه روز شده‌اند

و در عیون الرضوی که مصنف شیخ صدوق محمد بن بابویه بوده است و جزم داشته که تصنیف حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه است
اتفاق رضع یک شبانه روز است و ابن بابویه بصحت حدیث اعتماد بر ابن ولید داشته است و دور اکثر امور تابع او است و نقل کرده است مستمع که شیخ
ابن ولید عمل بحدیث پانزده شبانه روز میکرده اما در حدیث دیگر وارد است که یک سال که صحیح است و تهذیب و من لا یحضره الفقیه و هم سال است
قوی است بحسن و در تهذیب صحیح است و ابن بابویه در من لا یحضره الفقیه در حدیثی ذکر کرده است و لیکن ظاهر آن است که اتفاق آن که یک سال میدهند
و این اخبار دلالت دارد بسبب و متصرف است که ده و پانزده حکم است که کنند پس احتیاط آن است که به پانزده دورتر از سابقه رضع واقع شده باشد
آن زن را نخواهد و اگر خواسته باشد طلاق بدهد و جمعی از اصحاب تمسک به آیه کریمه کرده‌اند چون احادیث متعارضند عمل بظاهر قرآن مجید
میکنیم و ظاهر قرآن مستمر شیر است و چنین است ظاهر بظاهر اسلوب آیه و تغییر عبارت و امهاتکم اللاتی ارضعنکم یعنی حرام
بر شما مادران شما که شما را شیر داده باشند و ظاهر است مستمر و امهاتکم اللاتی ارضعنکم اما آنکه
حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله در حدیث متواتر فرموده‌اند که من از میان شما میروم دو چیز بزرگ در میان شما میگذارم کتاب خدا
و اهل بیت خود را و هرگز از هم جدا نمیشوند کتاب خدا و اهل بیت تا در حوض کوثر بر من وارد شوند و معنی حدیث متواتر آن است که معرفت کتاب خدا
که نازل شده است معنی کتاب الله نزد اهل بیت من است پس رجوع بایشان کنید و رجوع باخبار ایشان بجمیع ایشان است و همچنین حدیث متواتر
که آنحضرت صلی الله علیه و آله فرموده‌اند که من شهرستان علم و حکمتم و علی ابن ابی طالب در آن شهرستان یعنی علوم مرا از علی تعلیم گیرید و اخبار بسیار
وارد است پس احادیث متواتر باشد و در این باب وارد است و میتوان جزم کردن چون تقیه عظیم بوده است و این جمله دلالت دارد است بر آنکه
جزم کردن که یکی از پانزده رضع حرمت هم نمیرسد و در تقی متحیر باشد هر چند عمل باخباری که دور تر است از مذهب عامه مینمودن بهتر است
در هر باب عمل بخود نمودن بهتر است اگر چه جایز نباشد اما نمودن هر چیزی که باشد و هرگاه هر چیز جایز باشد میان اقوال مشهوره عمل جایز
بهتر باشد و احتیاط پانزده مطلقه را نیز ترک نباید نمود و انقلا احادیث صحیحه متواتره از طرق خاصه و عامه که حضرت سید المرسلین و ائمه معصومین
صلوات الله و سلامه علیهم فرموده‌اند که رضاعی حرام است که استخوان را محکم کند و گوشت بروید یا خون برویند جمعی از اصحاب گفته‌اند که
رجوع با هر حضرت باید نمود و هرگاه ده دو دل گویند یکشیر ایشان عمل نتوان نمود و معلوم نیست که این علم را غیر معصوم تواند دانست چون علم آن
که ده شیر ظاهر میشود و روشن میشود و دانستن علم دو بدست علم دوم آنکه ظاهر میشود و ظاهر آن است که قدر پیش از این مراد است

[illegible] بغیر از معصوم [illegible] و این اجمال [illegible]

بخاری و مسلم و ابوداود [illegible] از عایشه ملعونه که گفت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند که حرام نمی‌شود به یک رضعه و دو رضعه

مسلم [illegible] از ام الفضل [illegible] روایت کرده‌اند و از آنحضرت ده رضعه و پنج رضعه روایت کرده‌اند و در صحاح سته [illegible]

رضعه مذکور است و در صحیح [illegible] که حضرت پنج رضعه فرموده [illegible] و این احادیث [illegible]

[illegible] چون اکثر این احادیث این [illegible]

فرموده‌اند و این اختلاف [illegible] رضاع ثابت می‌شود [illegible]

[illegible]

ضمیمه

[illegible]

[illegible] و الحمد لله رب العالمین [illegible]

[illegible]

٩٣

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نیز در وقف حسنه که آن را وقف ... [illegible] ... شیخ الاسلام ابن

حجر سلطان القراء ... [illegible]

[illegible]

تمت الرسالة ... [illegible]

[illegible]

٩٤

٩٧

[illegible]

٩٩

١٥

بسم الله الرحمن الرحيم

الناس من جهة التمثال اكفاء
ابوهم آدم والام حواء
فانما امهات الناس اوعية
مستودعات وللاحساب آباء
فان يكن لهم من اصلهم شرف
يفاخرون به فالطين والماء
وان اتيت بفخر من ذوي نسب
فان نسبتنا جود وعلياء
لا فضل الا لاهل العلم انهم

فالناس موتى واهل العلم احياء

ولا تصحب اخا الجهل واياك واياه
فكم من جاهل اردى حليما حين آخاه
يقاس المرء بالمرء اذا ما المرء ماشاه
وللشيء من الشيء مقاييس واشباه
وللقلب على القلب دليل حين يلقاه

تغيرت المودة والاخاء
وقل الصدق وانقطع الرجاء
واسلمني الزمان الى صديق

كذاك البؤس ليس له بقاء
وكل مودة لله تصفو
ولا يصفو مع الفسق الاخاء
اذا انكرت عهدا من حميم
ففي نفسي التكرم والحياء
وكل جراحة فلها دواء
وسوء الخلق ليس له دواء
ورب اخ وفيت له بحق
ولكن لا يدوم له الوفاء
يديمون المودة ما راوني
ويبقى الود ما بقي اللقاء

١٠١

اذا ما راس اهل البيت ولى
بدا لهم من الناس الجفاء

ودع ذكرهن فما لهن وفاء
ريح الصبا وعهودهن سواء
يكسرن قلبك ثم لا يجبرنه
وقلوبهن من الوفاء خلاء

وما طلب المعيشة بالتمني
ولكن ألق دلوك في الدلاء
تجئك بملئها يوما ويوما

فتاج تجمع الاموال جمعا
ليورثه اعاديه شقاء
وما يبقى ذو حظ بصير
واخر جاهل لقيا سواء
ومن يستعتب الحدثان يوما
يكن ذاك العتاب له عناء
ومن يرتب بالغنى الاعداء
متى يصل القتال بقل

ليس من مات فاستراح بميت
انما الميت ميت الاحياء

فاذا نالك منها
منه ولته قفاها

يا عاشق الدنيا الغرور حبيبها
والله من اذا اراك قفاها

خيرة من الدنيا
محل فناء لا محل بقاء
صفوتها ممزوج بكدورة
وراحتها مقرونة بعناء

١٠٠

ان الممات ملتقى في غائب

في الملمات صخرة صماء

عالم بالبلاء علماً بأن ليس

يدوم النعيم والأسواء

باب الخاء ... مقبول مطبوع

فنعم اليوم يوم السبت حقاً

لصيد ان اردت بلا امتراء

وفي الاحد البناء لان فيه

تبدى الله في خلق السماء

وفي الاثنين ان سافرت فيه

ستظفر بالنجاح وبالثراء

وفي يوم الخميس قضاء حاج

ففيه الله يأذن بالدعاء

وفي الجمعات تزويج وعرس

ولذات الرجال مع النساء

وهذا العلم لا يعلمه الا

نبي او وصي الانبياء

دعاء مستجاب ... الحاجات

لبيك لبيك انت مولاه

فارحم عبيداً اليك ملجاه

يا ذا المعالي عليك معتمدي

طوبى لمن كنت انت مولاه

اذا خلا في الظلام مبتهلاً

اجابه الله ثم لباه

سألت عبدي وانت في كنفي

وكل ما قلت قد سمعناه

صوتك تشتاقه ملائكتي

فذنبك الآن قد غفرناه

في جنة الخلد ما تمناه

طوباه طوباه ثم طوباه

سلني بلا حشمة ولا رهب

ولا تخف انني انا الله

... حضرت ... طلب الآله

وكان لنا كالحصن من دون اهله

له معقل حرز حريز من العدى

وكنا بمرآه نرى النور والهدى

صباح مساء راح فينا او اغتدى

لقد غشيتنا ظلمة بعد موته

نهاراً فقد زادت على ظلمة الدجى

فيا خير من ضم الجوانح والحشا

ويا خير ميت ضمه الترب والثرى

كأن امور الناس بعدك ضمنت

سفينة موج حين في البحر قد سما

وضاق فضاء الارض عنهم برحبه

ويطلب اقوام مواريث هالك

وفينا مواريث النبوة والهدى

باب ... [illegible] ... عالى

ضربنا غواة الناس عنه تكرماً

ولما رأوا قصد السبيل ولا الهدى

ولما اتانا بالهدى كان كلنا

على طاعة الرحمن والحق والتقى

نصرنا رسول الله لما تدابروا

وثاب اليه المسلمون ذوو الحجى

... [illegible] ... الملك العلام

احسن [illegible] بواعظ ومؤدب

عليك بالاجمال فيما تطلب

لا تحسبن المال بالكسب مفرداً

ولكن الحظ ما حظي بالكسب

كفل الاله برزق كل برية

والمال عارية تجيء وتذهب

والرزق اسرع من تلفت ناظر

سبباً الى الانسان حين يسبب

ومن السيول الى مقر قرارها

والطير للاوكار حين تصوب

ابني ان الذكر فيه مواعظ

فمن الذي بعظاته يتأدب

واتبع الملك ذا التاج مخلصا
واضرب له الامثال فيما تقوله
واذا امرت بابه عتبه
صيف الفعال بعفة فعلك
يا من يعيب من بات بفعله
لا تجعلن في الذين تعذب
اني ابو معرفي وخطيتي
هربا وهل الا الا الكهرب
واذا مررت بالتي في ذكرها
وصف الوسيلة والنعيم الطيب
فاسئل الملك بالاباب مخلصا

ومثال ملك كرامة الانسب
نادي هو الراداهم بصالح
حرف الغوالب تجري وتذهب
واذا اهم تجي اعرض له
وتجنب الامر الذي تجتنب
واخفض جناحك للصديق وكن
كابيك للاولاد تتحدب
والضيف اكرم ما استطعت
حتى يعدك دار ما تنتسب
واجعل صديقك من ذا الكتب
حفظ الاخاء وكان دونك يغضب

وائل الكذب في قربه تجود
ان الكذب ملاطم من يعجب
يعطيك من قول المقال بلسانه
ويروغ منك كما يروغ الثعلب
واحذر ذوي الملق اللئام فانهم
في النائبات عليك ممن يخطب
يسعون حول المرء ما طمعوا به
واذا نبا دهر جفوا وتغيبوا
ولقد نصحتك ان قبلت نصيحتي
والنصح ارخص ما يباع ويوهب

صحبت الاحنف بن قيس رحمه
خويلد الاكرم

عذيري من عشق بالادب
فيبليك ... الذي من طلابها
فلا تمرحن لاوداد ها
ولا تخبرن لاوصابها
ولكنها اسلام امر الا له
فاحرى ... يا انبابها
من الفقد بالاسى كن تتبعها
فلا تتبع شيء ذيابها
كاني بقبوح اعقابها
وبالمكر بلده وبحرابها
فتصبح يا الحو بالتهابها

فاعدد لها قبل ما بها
سقى الله ما نبا صاحب
القيمة والناس في بها
هو العدل الثابت الحسن
فل لك فاصبر لانقابها
لكل دم الف الف وما
تنتضر في قبل احرابها
فالله لا نفع الظالمين
قول بعد دعابها
حسبن فلا تنصرن للمراد
فدنيا ان اصبحت بها

لنا بعد القهر في حكمها
وصلت عليها بابرابها
فصل على حبك الصلوة
وسلم عليه لطلابها

صحبت البرمة المكرمة

تعد بهاة القبر عند النوائب
تسل من جميل الصبر جنن العواقب
وكن صاحب الحلم في كل مشهد
وكن حافظا عهد الصديق
تدوم كمال الحفظ ... التجارب
فما الحلم الا خير خدن وصاحب

وكن شاكراً لله في كل نعمة ... ما الفخر حسب الآداب تكمل
يثيبك على النعمى بكل الكرامة ... اذا بدو حوى الآداب الصبا
وما المرء الا بالعمل بنفسه ... فاطلب هديت بك علما واكتب
فكن طالبا في الناس اعلى المراتب ... تظفر بها الرتبة واستجل القلبا
وكن طالبا للرزق من باب حله ... لله در فتى انسابه كرم
يضاعف عليك الرزق من كل جانب ... يا حبذا كرم اضحى له نسبا
وصن منك ماء الوجه لا تبذلنه ... هل المروءة الا ما تقوم به
ولا تسأل الانذال الفضل الثرى ... من الفعال وحفظ الجار ان عتبا
وكن موجبا حق الصديق اذا اتى ... من لم يؤدبه دين المصطفى ادبا
الباب برجاء دين منك زائرا ... محضا تحير في الاحوال واضطربا
وكن حافظا للوالدين وناصرا

قال المطرب ... وانشد

انها مع الطالب ...

اني اقول لنفسي وهي ضيقة
وقد اناخ عليها الدهر بالعجب
صبرا على شدة الايام ان لها
عقبى وما الصبر الا عند ذي الحسب
سيفتح الله عن قرب بنافعة
فيها لمثلك راحات من التعب

باب ... وفيه ... تابع عشر

اذا اشتملت على اليأس القلوب
وضاق لما به الصدر الرحيب
واوطنت المكاره واطمأنت
وارست في اماكنها الكروب

ولم ار لا كتاب للفقر وجه ... ولا اعنى بحيلة الاديب
اتاك على قنوط منك غوث ... يمن به اللطيف المستجيب
وكل الحادثات اذا تناهت ... حرجت على الاقربين كآبة
فموصول بها فرج قريب ... فيتبعها ... حبيب

قال ... في ...

لا تطلبن معيشة بمذلة ... اذا جادت الدنيا عليك فجد بها
وارفع بنفسك عن دني المطلب ... على الناس طرا انها تتقلب
واذا افتقرت فداو فقرك بالغنى ... فلا الجود يفنيها اذا هي اقبلت
عن كل ذي دنس كجلد الاجرب ... ولا البخل يبقيها اذا هي تذهب
فليرجعن اليك رزقك كله

باب الكاف ... عقل كامل ...

لو كان ابعد من محل الكوكب ... تغطى عيوب المرء كثرة ماله

ثالث كل شديدة فعليها
والفقر بالبؤس ... عليه
ان البؤس ... ابدي
... يفتح بعده من صاحب

... وقال ... رحمات

فلو كانت الدنيا تنال بفطنة
وفضل وعقل نلت اعلى المراتب
ولكنما الارزاق حظ وقسمة
بفضل مليك لا بحيلة طالب
... يكسب
... في سعادة ...
فالفضل ...

وأفضل قسم الله للمرء عقله
فليس من الخيرات شيء يقاربه
إذا أكمل الرحمن للمرء عقله
فقد كملت أخلاقه ومآربه
يعيش الفتى في الناس بالعقل إنه
على العقل يجري علمه وتجاربه
يزين الفتى في الناس صحة عقله
وإن كان محظورا عليه مكاسبه
يشين الفتى في الناس قلة عقله
وإن كرمت أعراقه ومناسبه
ومن كان غلابا بعقل ونجدة

ليس الجمال بأثواب تزيننا
إن الجمال جمال العلم والأدب
ليس اليتيم الذي قد مات والده
إن اليتيم يتيم العقل والحسب

كن ابن من شئت واكتسب أدبا
يغنيك محموده عن النسب
فليس يغني الحسيب نسبته
بلا لسان له ولا أدب
إن الفتى من يقول ها أنا ذا
ليس الفتى من يقول كان أبي

أم حديد أم نحاس أم ذهب
هل تراهم خلقوا من فضة
هل سوى لحم وعظم وعصب
إنما الفخر لعقل ثابت
وحياء وعفاف وأدب

أدبت نفسي فما وجدت لها
بغير تقوى الإله من أدب
في كل حالاتها وإن قصرت
أفضل من صمتها عن الكذب
وغيبة الناس إن غيبتهم
حرمها ذو الجلال في الكتب

إن كان من فضة كلامك يا
نفس فإن السكوت من ذهب

سليم العرض من حذر الجوابا
ومن داري الرجال فقد أصابا
ومن هاب الرجال تهيبوه
ومن يهن الرجال فلن يهابا

وذي سفه يواجهني بجهل
وأكره أن أكون له مجيبا
يزيد سفاهة وأزيد حلما

واصبر على ظلم السفيه
وللزمان على خطوبه
ودع الجواب تفضلا
وكل الظلوم إلى حسيبه

ذهب الوفاء ذهاب أمس الذاهب
والناس بين مخاتل وموارب
يفشون بينهم المودة والصفا
وقلوبهم محشوة بعقارب

على جهده ... في ...

يا رب ثبت قدمي وقلبي
سبحانك اللهم أنت حسبي

فرج القلب من وهج الذنوب
نحيل الجسم ...
أضر بجسمه سهر الليالي
فصار الجسم منه كالقضيب
... خوف ...
لما يلقاه من طول الكروب
ينادي بالتضرع يا إلهي

فرضنا الى الخلان من سيفنا
ولم ار في الخلان من يجب
وانت عجيب من بعد ذو كرب
وكيف يعيش عبد لبيب
وما في العيش والدنيا نصيب
ومن لم يبل الخلق باللبيب

منع معاودة من بنادرست مو دوستيد
در صاحب

اذا شئت ان تعلو تميز وتسموا
فان شئت ان تروا وتجاهر
منادمة الانسان حسن ترى
وان اكثر والادنا بها ان دوا

بأهل الجحيم في الكتاب
تفوق الحب في القرب جهلا
كان الموت كالنوم الجار
وسوى الله في الخلق حتى
حق الله فيه له عجائب
له ملك ينادي كل يوم
لدوا للموت وابنوا للخراب

بيت عظام من عظيم مواجها

فلم ار كاللذات بها الغير اهلها
وكنا الفتى ليس نوى اللهو
اثر على شم القريب تما

الدهر عنه بعيد ٥
عجلت دهرا كل يوم نوادر
ارشاد ارباب بفهم الالباب
فرض على الناس ان يتوبوا
لكن ترك الذنوب اوجب
والدهر في صرفه عجيب
وغفلة الناس فيه اعجب
والصبر في النائبات صعب
لكن فوت الثواب اصعب

يطلب التعالي والمنع عن ندامت مال

لقد شاب الموت ولم ارض هواي

باقه

بالله تلك كم بقية من ثيبة
لقد كان يغري باللذات والقرار
طار من عقاب المنايا فخوايته
فصار من بعدها القول الحجر
احذر منها ان لا تخرج بدلنا
فلا ويل لما الاكدار والتكلف
فذا كل المال عن اجل نا جلة
وترك المال من قد حل في بيته

منع بنصحيحة نفس وعدم ترحيح دنيا ورحيقا

الا ام تجر اذيال التصابي
وشيبك قد نضا برد الشباب

طمعت باقامة في دار ظعن
فلا تطمع فرحلك في الركاب
وارخيت الحجاب فسوف ياتي
رسول البين يحجب بالحجاب
اعامر قصرك المرفوع انقض
فانك ساكن القبر الخراب

شكايت از بي وفاي دنيا
يا من خلقت تعادين دنياها

تحسب اني حي باشتغال حياتي
فاظلم عيني اذا اصاب بها
ابا بوعة قد غشت فوق ما
على النعيم حتى جن طارقها

دهرا عمر المرء قبل شيبه
وقد ذهب نفس قول شبابها
اذا اصفر وجه المرء وابيض راسه
تنقص من ايامه مستطابها
وادركني الحباء واعلم انها
كمثل زكوة المال تم نصابها
واحسن الى الاحرار تملك رقابها
فخير تجارات الكريم اكتسابها
ومن يذق الدنيا فاني طعمتها
وسيق الينا عذبها وعذابها
فلم ارها الا غرورا وباطلا

فان تحبيها ... الا هلها — عتاب حتى تودنا بد عاب — ... الحبيب فلم ... جوابي

وان تحبيها ان ... كلا — لم يبلغا الغنا من حقهما — الحبيب ... لا ... جوابا

فقطع عنك ... الامور — فقد الشباب وفرقة الاحباب — ... خلة الاحباب

حرام على نفس ... ابكاها — الحارث ... — حوالة ... عنها

ولا تمتين في ... — وما الدهر والايام الا كما ترى — قال الحبيب كيف ...

فما قليل ... ترابها — رزية مال او فراق حبيب — وانا رهين جنادل وتراب

فطوبى لنفس ... — وان امرا ... الدهر لم — اكل التراب محاسني فنسيتكم

مغلقة الابواب ... — فقلب ... لبيب — وحجبت عن اهلي وعن اترابي

... — الحارث ... — فعليكم مني السلام تقطعت

كنا كروح ... — حبيب ... لحبيب — عني وعنكم خلة الاحباب

... وشباب — وما السوا ... — ...

ما ... عندنا ... — طويل اللسان على الشاتمين — عليك ... النبي ...

الا ... — قصير اللسان على الظالمين — ولولا ... الامام ...

واذا ذكرتك ... — ... الرسول ... — ... بالرماح والقضب

... — ... ما ... بالعائب — ولن ... حوله

... حلت به — وكذ ... السماء — رجال ... الحروب ...

عن ان ... — الا لعنة الله على الكاذبين — ...

... — ... — تبا وتعسا ... عتبه

... بالعظيم الوليد — ابا لهب تبت يداك ابا لهب — ... الترب

فقلت انا ابن ابي طالب — وصخرة ... — ولا ابالي ...

انا ابن ... — خذلت ... — ...

وبالبيت ... غالب — ... — ...

ولسنا من اهلها اذا ما بها

والصبر من اربابها نهابها

ابية من خيبها انتسابها

جواب ابي [illegible]

والخيل جالت يومها عقابها

بمرتقطين بالها ترابها

وسط منا بابنها احقابها

اليوم حتى تجلي جلبابها

خطابا [illegible]
وخطاب [illegible]

اعلى تقحّم القوارح هكذا

حتى فقتم ادروا اعطابي

ان لا تصدّ ولا تهاب نالنعي

رجلان مضطربان كل مزاب

قصد منى من ناية مستقطر

كالجذع بين دكادك وقعدا

ومقفعة عن اوابد لواتها

كنت القطر بين اوابد

عبد الحجارة من سفاهة

وعبدت رب محمد بصوابي

عرفا ابن عبد حين لعمر [illegible]

بهز ان الامر غير لعابي

اردتيهم الا الحق بمهند

ستهيه بالكر والطعن له

خائف بها القهر التي الهة

وتعلم اني في الحرب ليد النظ

يبراتها الالف الموس المجرب

ومثل لاق الهول في مقطعانه

وقل له الجيش الخميس العطط

وقد علم الاحياء ان نعيمها

وانى لدعا الحرب العتيد له

[illegible]
[illegible]

قد علمت خيبر اني مرحب

شاكي السلاح بطل مجرب

إذا القوم اهلت تلهب

واحمت من سواد المحب

خلت حياتي ابدا لا [illegible]

الحرب احيانا وحينا الضرب

ان غلب الدهر فاني اغلب

والقرن عندي بالدماء مخضب

جواب [illegible]
[illegible]

انا علي وابن عبد المطلب

مهذب ذو سطوة وذو غضب

غذيت في الحرب وعصيان النوب

من بيت عز ليس فيه منشعب

هذا الكريم من الغلام الغالب

من ضرب صيقل قضا الاوتار

وفالق الهامات والمناكب

احمي به قوادم الكتائب

خطاب [illegible]
[illegible]

هذا الكريم معاشر الاحزاب

من فالق الهامات والرقاب

فاستعجلوا الطعن والضراب

واستقبلوا القوبة والمآب

صبرا كم تسبق الى العذاب

يعوذ ربنا الوليد الوهاب

خطاب [illegible]

انا علي وابن عبد المطلب

مهذب ذو سطوة وذو حسب

قرن اذا لاقيت قرنا لم اهب

من يلقني يلقى المنايا والكرب

جواب [illegible]
[illegible]
[illegible]

اني الغلام العربي عند النسب

اخي حواري داد عن حسب

وامثل القرن الجوع عند الغضب

للضرب والطعن الشديد المنتصب

من انا ان كنت كريما فاقرب

أنا علي وابن عبد المطلب
أخو النبي المصطفى المنتجب
رسول رب العالمين قد غلب
بيّنه رب السما في الكتب
وكلهم يعلم لا أقول كذب
ولا يزيد حين [illegible]
ما في الأديم [illegible]
اليوم أرضيهم ضربا وغضب
ضرب غلام أريب من العرب
ليس بخوار يوم عند النكب
فانتبه الضرب من حليم [illegible]

ستعلم أبرار [illegible]
إذا [illegible] الكتيبة كل يوم
إذا ما الحرب [illegible]
[illegible]
يرجون الغنيمة [illegible]
ولا يخون [illegible]
سؤال المال منها [illegible]
[illegible]
إذا [illegible]
[illegible] وغضبان
أنا علي وأعلى الناس في النسب

هبت عليك رياح الموت [illegible]
فاستيقظن بعدها للويل والحرب
خطاب [illegible]
أنا الغلام القرشي المنتجب
من خير صوت في مصاص المطلب
يا أيها العبد اللئيم المنتدب
إن كنت للموت محبا فاقترب
واثبت رويدا أيها الكلب الكلب
أو لا فول هاربا ثم انقلب
جواب [illegible]
أبي تخوفني الوغا ابن [illegible]

إن لست في الحرب العوان بالأدب
وعن قليل غير سلب المنقلب
خطاب [illegible]
أنا علي وابن عبد المطلب
نحن وبيت الله أولى بالكتب
والنبي المصطفى غير الكذب
أهل اللواء والمقام والحجب
نحن نصرناه على كل العرب
[illegible]
أبى الله إلا أن صفين دارنا
ودارك ما لاح في الأفق كوكب

إن كنت تبغي خبر الصواب
أنبئك عنه غير ما تكذاب
بأنهم أوعية الكتاب
صبر لدى الهيجاء والضراب
فسل بذاك معشر الأحزاب
[illegible]
ألم تر قوما إذا دعاهم قومهم
أجابوا وإن أغضب على القوم يغضبوا
هم حفظوا غيبي كما كنت حافظا
لقومي أخرى مثلها إن تغيبوا
بنو الحرب لم تقعد بهم أمهاتهم

قوم إذا فاجئوا أوفوا وإن غلبوا
لا يجحدون ولا يدرون ما الهرب
قوم لبوسهم في كل معترك
بيض رقاق وداودية سلب
البيض فوق [illegible]
وفي الأنامل سمر الخط والقضب
البيض تضحك والآجال تنتحب
والسمر ترعف والأرواح تنتهب
وأي يوم من الأيام ليس لهم
فيه من الفعل ما من دونه العجب
الأزد أزيد من يمشي على قدم

والأوس والخزرج القوم الذ
وفوا فما ضعفوا يوم ما دهموا
يا معشر الأزد أنتم معشر أنف
لا يضعفون إذا ما اشتدت الحقب
وفيتم ووفاء العهد شيمتكم
ولم يخالط قديماً صدقكم كذب
إذا غضبتم يهاب الخلق سطوتكم
وقد يهون عليكم منهم الغضب
يا معشر الأزد إني من جميعكم
راضٍ وأنتم رؤوس الأمر لا الذنب
لا ييأس الأزد من روح ومغفرة

والأزد جرثومة إن سوبقوا سبقوا
أو فوخروا فخروا أو غولبوا غلبوا
أو كوثروا كثروا أو صوبروا صبروا
أو سوهموا سهموا أو سولبوا سلبوا
صفوا فأصفاهم المولى ولايته
فلم يشب صفوهم لهو ولا لعب
من حسن أخلاقهم طابت مجالسهم
لا الجهل يعروهم فيها ولا الصخب
الغيث إن رضوا من دونها نعم
والأسد ترهبهم يوماً إذا غضبوا
أندى الأنام أكفاً حين تسألهم

بر الرسول وما من صالح كسبوا
خطاب بعثمان بن عفان ...
فإن كنت بالشورى ملكت أمورهم
فكيف بهذا والمشيرون غيب
وإن كنت بالقربى حججت خصيمهم
فغيرك أولى بالنبي وأقرب
تنبيه بر ... خشية ...
قد رأيت القرون كيف تفانت
درست ثم قيل كان وكانت
هي نفس الحياة نفث السم
فإن كانت الحياة لانت

كم امور

كم أمور لقد تشددت منها
ثم هونتها على هانت
وصف دنيا ...
إنما الدنيا فناء ليس للدنيا ثبوت
إنما الدنيا كبيت نسجته العنكبوت
ولقد يكفيك منها أيها الطالب قوت
ولعمري عن قليل كل من فيها يموت
يا عين أحوال ... لونها
ألم تر أن الدهر يوم وليلة
يكران من سبت جديد إلى سبت
فقل لجديد الثوب لا بد من بلى

حرّ بالإفناء بيت
فابن دار البقاء بيتا
ارشاد ...
بيت يوم وقوت يوم
تكفي لمن في غد يموت
وربما مات نصف يوم
والنصف من قوته يفوت
تنبيه بر ...
بيت يواري الفتى وثوب
يستر من عورة وقوت
هذا بلاغ لمن تحقق

ما أكثر القوت لمن يموت
...
صبر تعز القلب لما تولى
والرزق ...
وما المرء الأحب ...
فإن الحمد ... والأكل
...
أول العفو ...
ولا تنظر ...
فكم نظرة قادت إلى القلب ...
فما صح منها القلب في ...

تنكين طاى ... و
مذاب صبر كى شكوه

خليلي لا والله ما من ملمة
تدوم على حي وإن هي جلت
فإن نزلت يوما فلا تخضعن لها
ولا تكثر الشكوى إذا النعل زلت
فكم من كريم يبتلى بنوائب
فصابرها حتى مضت واضمحلت

نبى خاموش كى كثيرى [illegible]
[illegible]

إن القليل من الكلام بأهله
حسن وإن كثيره ممقوت
ما زل ذو صمت وما من مكثر

تقدمت أقوام فما مات تكلوا
وعاش أقوام وهم فيها كالموات

مرثية حضرت فاطمه عليها السلام

نفسي على زفراتها محبوسة
يا ليتها خرجت مع الزفرات
لا خير بعدك في الحياة وإنما
أبكي مخافة أن تطول حياتي

استغاثة حارثه رضي الله عنه

هل ينفع القيع الحسين [illegible]
يوما إذا الحضرت [illegible]

أملي ... لا ... [illegible]
مواد [illegible]
فالموت حق والبقاء شريعة
... والركوات

هذه [illegible]
[illegible]

يا جامع [illegible]
قد [illegible]
ارجع [illegible]
[illegible]

خطاب [illegible]
[illegible] الثبات
[illegible]

دعوا [illegible] لا تغزوا
واضحوا في حربكم وتبوا
كما [illegible] الذين [illegible]
أو لا فإني طالما [illegible]
قد قلتم لو جئتنا [illegible]
ليس لكم ما شئتم [illegible]
بل ما يريد المحيي المميت

بيان [illegible]
[illegible]

إذا [illegible]
وكادت [illegible] المهج
وحل البلاء وبان العزا

ولي فرس للحلم بالحلم ملجم
ولي فرس للجهل بالجهل مسرج
فمن شاء تقويمي فإني مقوم
ومن شاء تعويجي فإني معوج
وما الجهل لا أرضى ولا هو شيمتي
ولكنني أرضى به حين أحوج
فإن قال بعض الناس فيه سماجة
فقد صدقوا والذل بالحر أسمج
ألا ربما ضاق الفضاء بأهله
وأمكن من بين الأسنة مخرج

خطاب [illegible]

وردا اليوم [illegible]
من جيوش كالبحر ذي الأمواج
[illegible]
والبيض [illegible]
[illegible]
[illegible] ولا ج
سوف [illegible]
[illegible]
من [illegible] الإسلام [illegible]
[illegible] الأفواج

شكوى [illegible]

كل عليل لي غا للنه
لا تركن الله لذوا حجة
تكلهم آدوغ من تغلب
ما اشبه الليلة بالبارحة
نبيلته عا اللهم بغير طريق
مباسط
اصحب خيار الناس تنج سالما
ومن صحب الاشرار يوما تجرح
فانا الدنيا ان شاء ج جلها
فلقى الذي لا تشتهي حين تفرح
ولا تك عريضا فتنام من نفخ
مقتبه كلبا بالسفاهة ينبح

[illegible]

سنا ابن مى ربة صلاح
كم وقت بخاص صلاح
الرفق يمن والاناة سعادة
فتان في امر تلاقي نجاحا
عفانا الهلال المحمد بن بشير
فلا تغش بيترك الا الباك
فان لكل نصيح نصيحا
فاني رايت غواة الرجال
لا يتركون اديما صحيحا
اربكم عبان سنن نجيحو
كفن
اعتنم ركعتين زلفى الى الله
اذا كنت فارغا مستريحا

[illegible]

يطاح اسد ما الرا فاتصطلح
اسد من في الافاء فمدح
منها نيام وفريق مستبح
فمن نجا براسه فقد ربح
حسن كذخان ومراقب
وجه الاعف
افلح من كانت له مزحة
يزجها ثم ينام الفحمة
نصحت ابنة المؤمنين جزاه الله بكن
العفر
عليك ببر الوالدين كليهما
وبر ذوي القربى وبر الاباعد
ولا تصحبن الا تقيا مهذبا

وقال

وقائل اذا ما شئت حركنموذ بالا
تمن من نجيا الكواكب من الثا
وكفا الاذى واحفظ لسانك
تعدبك تخير الجليل الساعد
وغض عن المكروه طرفك
ادى الجار واتمس ليحمل الحا
وكن واثقا بالله في كل حادث
يصنك مدى الايام من عين حاسد
وبالله فاستعصم ولا ترج غيره
ولا تك للنعماء عنه بجاحد
وناوس سبيل المال في طلب العلى

[illegible]

فناد عليه هل من مزايد
فيح نصر الطاهر جبل فضائلها
وذي همة لم يرض الضيم نفسه
فاصبح ممتاهيريا مجدا
اذا غاره بالسيف ارعبه
تخال اميرا الرمح فيه تودد
ابى قلبه الا ان يكون معظما
فما ماكريما بالذخ المجد اصيدا
لقد سابر الايام حزما وحيلة
فاصبح الايام ترمي اعقبا
وحل باعلى ذروة الفخر ساميا

[illegible]

وكم من عجائب الله اخوي موقدا
الا ابتغات الكريم اعزامه
فصار على الاعداء سيفا مهندا
وما السيف ما قد كان في بطن جفنه
بسيف ولكن ما انتضى مجردا
ارشاد موقف اعتاب يستقام
دهر
اعاذلتي على اتعاب نفسي
ودعوتي في السرى ترفض السهاد
اذا شام الفتى برق المعالي
فاهون فائت طيب الرقاد
فيح مشقت سفر اسنادن حضر

تغرّب عن الأوطان في طلب العلى
وسافر ففي الأسفار خمس فوائد
تفرّج همّ واكتساب معيشة
وعلم وآداب وصحبة ماجد
فإن قيل في الأسفار ذلّ ومحنة
وقطع الفيافي وارتكاب الشدائد
فموت الفتى خير له من حياته
بدار هوان بين واشٍ وحاسد
[illegible]
إذا لم يكن عون من الله للفتى
فأكثر ما يجني عليه اجتهاده
[illegible]

وغاب نحس وبدا سعد
واعتدل الدهر إلى أهله
واتصل السؤدد والجد
لكنها تجري على سمتها
كما يريد الواحد الفرد
[illegible]
ما أكثر الناس لا بل ما أقلهم
والله يعلم أني لم أقل فندا
إني لأفتح عيني حين أفتحها
على كثير ولكن لا أرى أحدا
[illegible]

وفاء للصديق وبذل مالي
وكتمان السرائر في الفؤاد
[illegible]
صديق عدوي داخل في عداوتي
وإني لمن ودّ الصديق ودود
فلا تقربن مني وأنت صديقه
فإن الذي بين القلوب بعيد
[illegible]
ما ودني أحد إلا بذلت له
صفو المودة مني آخر الأبد
ولا قلاني وإن كان المسيء بنا

١١١

ألا أدعو له الرحمن بالرشد
ولا أنحت على من يحث به
ولا معتذر إلى الخير الجميل بنبي
ولا أقول نعم يوماً فأتبعه
بلا ولو ذهب بالمال والولد
[illegible]
همومُ رجالٍ في أمور كثيرة
وهمّي من الدنيا صديق مساعد
يكون كروح بين جسمين قسّمت
فجسماهما جسمان والروح واحد
[illegible]

وحولك أكباد تحن إلى الفقد
يا مؤثر الدنيا على دينه
والتائه الحيران عن قصده
أصبحت ترجو الخلد فيها وقد
أبرز ناب الموت عن حدّه
هيهات إن الموت ذو أسهم
من يرمه يوماً بها يرده
لا تفرح الواعظ قلب امرئ
لم يعزم الله على رشده
[illegible]
صفو لسان المسلم يا معه لا

ولا ترج فعل الخير يوماً إلى غد
لعل غداً يأتي وأنت فقيد
وتوملك إن عالبته عادة
البنات وما في الأرض لغيرها
[illegible]
ذهب الذين عليهم وجدي
وبقيت بعد فراقهم وحدي
لو كشف الخلق الغطاء لأدرك
لم يعرف الحر من العبد
من كان لا يعطى الفوائد
بطاء القرابين بأيام الحمد

١١٢

فلو كان الشباب يباع بيعاً
لأعطيت المبايع ما يريد
ولكن الشباب إذا تولى
على شرف فمطلبه بعيد

تمنى رجال أن أموت وإن أمت
فتلك سبيل لست فيها بأوحد
ولست الذي يبغي خلاف الذي مضى
ولا موت من قد مات قبلي بمخلد
وإني [illegible]
[illegible]

إن الذين بنوا فطال بناؤهم
واستمتعوا بالأهل والأولاد
جرت الرياح على محل ديارهم
فكأنهم كانوا على ميعاد

حتى يجافي عن الوساد
خوفاً من الموت والمعاد
من خاف من سكرة المنايا
لم يدر ما لذة الرقاد
قد بلغ الزرع منتهاه

لو خلد الله خلقاً قبل خلقنا
[illegible]
من مات اليوم [illegible]

أرقت لنوح آخر الليل غرّدا
لشيخي ينعى والرئيس المسودا
أبا طالب مأوى الصعاليك ذا الندى
وذا الحلم لا خلفاً ولم يك قعددا
أخا الملك خلى ثلمة سيسدها
بنو هاشم أو يستباح فيهمدا
فأمست قريش يفرحون بفقده

ولست

ولست أرى حياً النبي محمدا
أرادت أموراً بينها حلومهم
ستوردهم يوماً من الغي موردا
يرجون تكذيب النبي وقتله
وأن يفتروا بهتاً عليه ومجحدا
كذبتم وبيت الله حتى نذيقكم
صدور العوالي والصفيح المهندا
ويبدو منا منظر ذو كريهة
إذا ما تسربلنا الحديد المسردا
فإما تبيدونا وإما نبيدكم
وإما تروا سلم العشيرة أرشدا

نبي أتى من كل وحي بخطة
فسماه ربي في الكتاب محمدا
أغر كضوء البدر صورة وجهه
جلا الغيم عنه ضوؤه فتوقدا
أمين على ما استودع الله قلبه
وإن كان قولاً كان فيه مسددا

[illegible] بيتك يا بنت أحمد
بإظهار ما أخفيته قد بدا بدا
ولكن لأمر الله [illegible]
ولبس على أمر الإله جليد

أفي هذه الحزن [illegible]
لموت [illegible]

فاطم يا بنت النبي أحمد
بنت نبي سيد مسود
[illegible]
هذا اسم النبي المهتدي
فكل في فعله مقتدي
تبكوا آل النبي [illegible]
من يطعم اليوم يجده في غد
عند العلي الواحد الموحد

لم يبق لي مما جنت غير صاع
قد ذهب الكهف مع الوداع
ابناي والله من الجياع
ابوهما المخبر ذو الاصطلاع
يقطع المروف بالابتلاع

ارتجاز [illegible]

لا يستوي من يعمر المساجدا
ومن يبيت راكعا وساجدا
يدأب فيها قائما وقاعدا
ومن يكر هكذا معاندا
ومن يرى عن الغبار حائدا

منع [illegible] هند بنت ابي سفيان در مقتل حمزة و شهداى احد

الا ان هندا لحى مخبر
دعت دركا وحزب الهنودا
فان تفخر بحمزة حين ولى
مع الشهداء محتسبا شهيدا
فانا قد قتلنا يوم بدر
ابا جهل وعتبة والوليدا
وقتلنا سراة الناس طرا
وغنمنا الولائد والعبيدا
وشيبة قد قتلنا يوم ذاكم
على اثوابه علقا جسيدا

ومن هو في الجنان يدور فيها
عليه الرزق مغتبطا حميدا

[illegible] عليه الصلاة والسلام

يا شاهد الله علي فاشهد
اني على دين النبي احمد
من شك في الدين فاني مهتدي
يا رب فاجعل في الجنان موردي

[illegible]

الله حي قديم قادر صمد
وليس يشركه في ملكه احد

القوسون

والمؤمنون سجيتهم كما وعدوا
هو الذي قرب الكفار منهم
فان يكن دولة كانت لنا عظة
فهل عسى ان يرى في غيها رشد
وينصر الله من والاه ان له
نصرا ويمثل بالكفار اذ عندوا
فان نطقتم بفخر لا ابا لكم
فيمن تضمن من اخواننا اللحد
فان طلحة غادرنا بمنجدل
وللصفائح نار بيننا تقد
والمرء عثمان اردته اسنتنا

لم يشكوا من باس الوادي [illegible]
كانوا الذوائب من فهر واكرمها
ثم العرانين حين العز والفند
[illegible]
فحامل قطعة منهم ومقتعد
ومن قتلتم على ما كان من عجب
منا فقد صادفوا خيرا وقد سعدوا
لهم جنان من الفردوس طيبة
لا يعتريهم بها حر ولا صرد
صلى الاله عليهم كلما ذكروا
فرب مشهد صدق قبله شهدوا

ليسوا كقتلى من الكفار ادخلهم
نار الجحيم على ابوابها الرصد

[illegible]

قريش بدتنا بالعداوة اولا
فجاءت لتطفي نور دين محمد
بافواههم والبيض بالبيض تلتقي
بايديهم من كل عضب مهند
وخطية قد ثقفت سمهرية
اسنتها قد [illegible]
فقلنا لهم لا تبتغوا الحرب واحلموا
ودينوا الملك دين المبارك احمد

فقالوا كفرنا بالذي قال احمد
وعقنا بالحشر والحكم في غد
فقتلهم والله افضل قربة
لله ربنا البر العظيم الممجد
[illegible]
وكانوا على الاسلام الباً ملبداً
فقد خرج من تلك الفتنة [illegible]
وقد ابو عمرو هبيرة لم يعد
ولكن اخو الحرب المجرب عائد
فقتلهم سيوف الهند ان يقفوا لنا
غداة التقينا والرماح بصائد

بنعي براهيم النبي محمدا
فاعلم بانك ميت ومحاسب
قالي نحو تبغي الضلالة والردى
اقبل الى الاسلام انك جاهل
وعجب العزى وتلك ناعبدا
واللات والجرات ناهجر انني
اخشى عليك عذاب يوم منكد
[illegible]
انا اخو المصطفى لا شك في نسبي
معه ربيت وسبطاه هما ولدي
جدي وجد رسول الله منفرد

التوب العبد والباقي بلا امد
[illegible]
قالي قد حلت ببلاد قوم
هم الاعداء والاكباد سود
هم ان يظفروا بي يقتلوني
فان قتلوا فليس لهم خلود
[illegible]
الحق لحق ابيك محمد
لا خير في حرب اذا لم توقد
بالمشرفي والقنا المسدد
[illegible]
[illegible]

[illegible]

ادبك جوهرة تريد مثل
عدوك من خليلك من مراد
[illegible]
الا ايها المقر بالقول الوتد
ومن حال عن سبيل الله القصد
[illegible]
خلوا سبيل المؤمن المجاهد
في الله لا يعبد غير الواحد
ويوقظ الناس الى المساجد
[illegible]
اغض عينا على القذى

يقول من معا انا المستجير
انا العبد المقر بكل ذنب
وانت السيد الصمد الغفور
فان عذبتني فالذنب مني
وان تغفر فانت به جدير
[illegible]
دعاؤك بيتك فما اشعر
دعاؤك منك فما تبصر
وتحسب انك جرم صغير
وفيك انطوى العالم الاكبر
وانت الكتاب المبين الذي

والجهل بالله جامع الكفر
[illegible]
اذا المشكلات تصدين لي
كشفت غوامضها بالنظر
وان برقت في مخيل الظنون
عمياء لا تجتليها البصر
مقنعة بغيوب الامور
وضعت عليها صحيح الفكر
مع اجتمع كلهن المعنا نا
يا فريب عن بلد القبر
لسان كشقيقة الارحبي

١١٥

[illegible]

وقلب اذا استعطفته للهوى
ثم ادنى عليها بواهي الكدر
ولست بانسه في الرجال
اسائل مذا ودا ما الخبر
ولكنني مذنب الاسعرين
ايبس بما قد مضى ما غبر
وفي الجهل قبل الموت موت لاهله
واجسادهم قبل القبور قبور
فان امرء لم يحيى بالعلم ميت
وليس له حتى النشور نشور

فاذا اصبت بسهم لم يثمر
حرص بنيك على الآداب في الصغر
كيما تقر بهم عيناك في الكبر
وانما مثل الآداب تجمعها
في عنفوان الصبا كالنقش في الحجر
هي الكنوز التي تنمو ذخائرها
ولا يخاف عليها حادث الغير
ان الاديب اذا زلت به قدم
يهوى الى فرش الديباج والسرر
الناس اثنان ذو علم ومستمع

حتى يواصل في آفاق مطلبه
عزا يجد واعطا بالبعد به
خاطر بنفسك لا تقعد بمعجزة
فليس حر على عجز بمعذور
ان لم تنل في مقام ما تحاوله
فابل عذرا بادلاج وتهجير
اصبر على تعب الادلاج والسهر
وبالرواح على الحاجات والبكر
لا تضجرن ولا تعجزك مطلبها

فالنجح يتلف بين العجز والضجر
اني وجدت وفي الايام تجربة
للصبر عاقبة محمودة الاثر
وقل من جد في امر يطالبه
فاستصحب الصبر الا فاز بالظفر
اصبر قليلا فبعد العسر تيسير
وكل امر له وقت وتدبير
وللمهيمن في حالاتنا نظر
وفوق تدبيرنا لله تقدير

رب مغلقة تشكو بعلته
ومشتكيك ما ينام من سهر
كم من معان على تهوده
ومبتلى ما ينام من حذر
وفارح في هنا لبلته
وتباليه البلاء في سحر
من صحب الدهر لم تصحبه
ونال من صفوه ومن كدر
يا طالب الصفو في الدنيا بلا كدر
طلبت معدومة فايئس من الظفر

في الجبن عار وفي الاقدام مكرمة
ومن يفر فلن ينجو من القدر
عسى نهل بصفو العيش وطيبه
[illegible]
عن الحبوب العار باستكفي
وبالسند ل المستقام [illegible]
عسى جابر العظم الكسير بلطفه
سيرتاح للعظم الكبير تجبير
عسى الله لا تيأس من الله انه
تيسر عليه ما تعسر وتعسير

[illegible]

[illegible]

لئن ساءني دهر عزمت تصبرا

فكل بلاء لا يدوم يسير

وإن سرني لم أبتهج بسروره

فكل سرور لا يدوم حقير

[illegible]

لئن ساءني دهر فقد سرني دهر

وإن مسني عسر فقد مسني يسر

لكل من الأيام عندي عادة

فإن ساءني صبر وإن سرني شكر

[illegible]

[illegible]

وهون عليك فإن الأمور

بكف الإله مقاديرها

فليس بآتيك منهيها

ولا قاصر عنك مأمورها

[illegible]

أي يومي من الموت أفر

يوم ما قدر أو يوم قدر

يوم ما قدر لم أخش الردى

وإذا قدر لم يغن الحذر

[illegible]

للناس حرص على الدنيا بتدبير

وصفوها لك ممزوج بتكدير

كم من ملح عليها لا تساعده

وعاجز نال دنياه بتقصير

لم يرزقوها بعقل حين ما رزقوا

لكنهم رزقوها بالمقادير

لو كان عن قوة أو عن مغالبة

طار البزاة بأرزاق العصافير

[illegible]

سبحان رب العباد والوبرة

وداوني المتقين والفجرة

لو كان رزق العباد من جلد

ما نلت من رزق دنياك مدة

[illegible]

رأيت الدهر مختلفا يدور

فلا حزن يدوم ولا سرور

وقد بنت الملوك به قصورا

فما بقي الملوك ولا القصور

[illegible]

جميع فوائد الدنيا غرور

ولا يبقى لمسرور سرور

فقل للشامتين بنا أفيقوا

[illegible]

وإني لأرجو [illegible] القريب

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تؤمل في الدنيا طويلا ولا تدري

إذا جن ليل هل تعيش إلى الفجر

فكم من صحيح مات من غير علة

وكم من مريض عاش دهرا إلى دهر

ولم تخف سوء ما يأتي به القدر

وسالمتك الليالي فاغتررت بها

وعند صفو الليالي يحدث الكدر

[illegible]

تغير حال [illegible]

وما الزمان [illegible]

وإن النهار علينا يكر

أرى الليل يجري كما هو

ولم يحبس القطر عنا السماء

ولم تكسف الشمس والقمر

فقل للذي [illegible] الزمان

[illegible]

ظلمة الزمان قدم البشر

فمن حق دنياه موفورة
ليس لها من بعدها آخرة
وآخر دنياه مذمومة
يتبعها أخرى فاخرة
وآخر فاز بكلتيهما
قد جمع الدنيا مع الآخرة
وآخر محروم بكلتيهما
ليس له الدنيا ولا الآخرة

وواحد دنياه محمودة
ليس له من بعدها آخرة
وواحد فاز بكلتيهما
قد جمع الدنيا مع الآخرة
وواحد من بينهم ضائع
ليس له دنيا ولا آخرة

يكون معروفا الفقر من فخر
وحوبت حالته من الفقر والبشر
فلم أر بعد الدين خيرا من الغنى
ولم أر بعد الكفر شرا من الفقر

وفي الفقر المذلة والصغار
كذاك الفقر بالأحرار يزري
كما أزرت بسادتها القفار

سألني أهل الفقر حتى يقودهم
عليها إلى اللذين المعابر

دليلك أن الفقر خير من الغنى
وأن قليل المال خير من المثري
لقاؤك مخلوقا عصى الله بالغنى
ولم تر مخلوقا عصى الله بالفقر

فقر

تفنى اللذاذة ممن نال شهوتها
من الحرام ويبقى الإثم والعار
تبقى عواقب سوء من مغبتها
لا خير في لذة من بعدها النار

النار أهون من ركوب العار
والنار يدخل أهله في العار
والعار في رجل بيت دجاجة
فادع الحمامة من الأطهار
والعار في هضم الضعيفة

وعلى القرابة كالجمر الصالي
والعار إن لم يك في الأنام مفقدا
وتكون في الجماعة الفراد
جاهدة على طلب الحلال وتكن
تغدو بالأسواق والبلدان
إلا لأهليها والضعفاء والجار
بكوا إليك مصاحبة الأصحاب

ذهب الرجال المقتدى بفعالهم
والمنكرون لكل أمر منكر
وبقيت في خلف يزين بعضهم

ولا خير في الشكوى إلى غير مشفق
ولا بد من شكوى إذا لم يكن صبر
ألم تر أن البحر ينضب ماؤه
ويأتي على حيتانه نوب الدهر
ألم تر أن الفقر يرجى له الغنى
وأن الغنى يخشى عليه من الفقر

إذا نزحت دار وصبرا كأنما
هو المسك ما بين الصلاية والفهر
لأن فتيت المسك يزداد طيبه
على السحق والجمر اصطبارا على الكسر

[illegible]

أبعد بنانكم أن تخشوا الطلق

وإن تكن بعد الدفا حل

وإن تصوب في المجالس دهم

فإن كنت منهم عابا الحنو

[illegible]

عليك بإخوان الصفاء فإنهم

عماد إذا استنجدتهم وظهور

وما بكثير ألف خل وصاحب

وإن عدوا واحدا لكثير

[illegible]

[illegible]

إلى كم تكون العذل في كل بلدة

[illegible] الأغلين القطيعة والهجرا

دونك إن الدهر فيه كفاية

لتفريق ذات البين فانتظر الدهرا

[illegible]

أفلح من كان له قوصرة

يأكل منها كل يوم مرة

[illegible]

كذا كذا العبد إن لم ينتصح

وأطع الأمر من العالم الحر

إذا المرء لم يرفع [illegible] وانتصرت [illegible]

ندمت على التفريط في زمن [illegible]

وما إن ليوم البعث [illegible]

تقدم حتى القبر والحشر

[illegible]

فلا أنا أقعدت [illegible] به

كما أقعدت الأطفال في الصغر

فمات والدهر من كان يكلم

في الآباء [illegible] الأسفار [illegible]

[illegible]

الشيب عنوان المنية

دقوا دبخ الكبير

وبياض شعرك موت شعر

لك ثم أنت على الأثر

فإذا رأيت الشيب عم

الرأس فالحذر الحذر

[illegible] صلى الله عليه وسلم

كنت السواد لناظري

فبكى عليك الناظر

من شاء بعدك فليمت

فعليك كنت أحاذر

[illegible]

[illegible]

وقيت بنفسي خير من وطئ الحصى

ومن طاف بالبيت العتيق وبالحجر

رسول إله الخلق إذ مكروا به

فنجاه ذو الطول الكريم من المكر

وبت أراعيهم متى ينشرونني

وقد وطنت نفسي على القتل والأسر

وبات رسول الله في الغار آمنا

موقى وفي حفظ الإله وفي ستر

أقام ثلاثا ثم زمت قلائص

قلائص يفرين الحصى أينما تفري

ألا إن الذئب في الكهف ثائر

وصارم أبيض مثل المها

يبرق في الراحة [illegible]

مع حسام قاطع بتار

تقطع من تقرأ به الثار

إنا أناس ديننا صادق

إنا على الحرب لصبارة

[illegible]

نعم الذي حكمته بيننا

فاشهد بحماك الله يا جابر

ففي حسبي ما ذق اسمر

من داسه فليس التاد
قد خضب البيضة وانسوقا
اطعم عضا فيه مقدار

خطاب جبابر شاعر وهو يحذر من الشجاعة والمبالغة

نحن بنو الحرب بنا سعرها
حرب عوانا حتى ما ندبرها

جواب جبابر شاعر وهو يدعي الشجاعة والتفاخر

انا اناس ولدنا عبهرة
لباسنا الوشي ونعطره
ابنا حرب لبس فيما عده

خطاب الحارث بن جبير وهو حماد
جواب ابا الحاذة لا يردد

اكيلكم بالسيف كيل السندرة
اضربكم ضربا يبين الفقرة
واترك القرن بقاع جزرة
اضرب بالسيف قاب الكفرة
ضرب غلام ماجد حزورة
من يترك الحق بقوم صغرة
اقتل منهم سبعة او عشرة
فكلهم اهل فسوق فجرة

رجز باخيبري وهو بحماس وسيف

قد علمت خيبر اني باسر
شاكي السلاح بطل مغامر

انا علي هادم العساكر
انا الذي لمعتكم وناصري
الله حتى وله مما جري
اضربكم بالسيف في الصاغر
اجود بالطعن فضرب ظاهر
معي ابن عمي والسراج الزاهر
حتى تموتوا بالعلق القادر
ضرب غلام صارم مناهر

جواب مرحب ونظيره بعج كلام

بنصر ربي خير ناصر
امنت بالله بقلب شاكر

اضرب بالسيف على المغافر
مع النبي المصطفى المهاجر

رجز ابو البلبه وهو في البر

انا ابو البلب واسمي عنتر
شاكي السلاح وبلادي خيبر
اشجع مفضال هزبر انزر
جم عبوس باسه ممر
عند اللبوث للبوث خور

جواب وهو عنتر بالمفاخر

انا علي البطل المظفر
غشمشم القلب بذا اذكر

اخشانه الله العلي الاكبر
اليوم يرضيه ويخزي عنتر

كلاما من القتل حق لكن يرتضي ويشجع

لما رايت الامر امرا منكرا
او فلد بجد دعوت قنبرا
ثم احتفر حفرا وحفرا
وقنبر يحطم حطما منكرا

مدح اهل بيت سيد عالم صلى الله عليه وسلم

قد يعلم الناس بانا خيرهم نسبا
ونحن اكرمهم بيتا اذا افتخروا
رهط النبي فهم ساداتنا [illegible]

والبيت ذو الستر لو شاء الجليل
نادى بنا الله ركن البيت والحجر

بانهم عجائب فوق كرامات
كرمن فوق ورقت

اذا اجتمعت علينا معد ومذحج
بمعركة يوما فانا نبيرها
مسلمة اكفالها خيل في الوغا
ومكلومة لباتها ونحورها
حرام على ارماحنا طعن مدبر
وتندق منها في الصدور صدورها

فاخواني العزيز الكريم كثيره

اتعلم فوق الموت كثيره
وانا على ذلك النعوض قد يحز

فما ابن عمي اعصي ولكن ربما
تعالى واعصى المرء وهو بصير
واسكت عن اشيا لو اشا لقلتها
وليس علينا في المقال امير
اصبر نفسي باجتهادي وطاقتي
واني بامثالي الجميع خبير
[illegible]
الكم قرين [illegible]
فلا وربك ما بروا ولا ظفروا
[illegible] لكم
بباب [illegible] لا يعفوها اثر

قد [illegible] ولم [illegible]
وما [illegible] في الاعداء [illegible]
وما صبوت في حرب [illegible]
ما لم يدان ابو بكر ولا عمر
[illegible]
اشكو الى الله عجري وبجري
ومعشرا اضوا على بصري
اني قتلت معشري بمعشري
جدعت انفي وقتلت معشري
[illegible]
صبرت على مر الامور كراهة

تبرق الشمس ويمشي القمرا
ما كان يرضى احمد لو خبرا
ان تقدموا وصيه والا تبرا
شاني النبي واللعين الاخرا
كلاهما جنينه قد عسكرا
قد باع هذا دينه اذ فجرا
بملك مصر ان اصاب الظفرا
من ذا بدنيا ببيعه قد خسرا
يا ذا الذي يطلب مني الوترا
ان كنت تبغي ان تزور القبرا
حقا وتصلى بعد ذاك الجمرا

بطلك

استطعم الموت [illegible] اصبرا
لا تحسبوا ابن [illegible]
سل [illegible] خبرا
كانت قريش يوم بدر جزرا
اني اذا ما الحرب [illegible] حضرا
[illegible]
تقدم [illegible] لا [illegible] حذرا
لن ينفع الحاذر مما قد حذرا
ولا [illegible] عما قدرا
ان الحذار لا يرد القدرا
لما رايت الموت موتا احمرا

[illegible]
لهف نفسي وقليل ما اسر
ما اصاب الناس من خير وشر
لم ارد في الدهر يوما حربهم
وهم الساعون في الشر الشر
[illegible]
[illegible]
لا تنكروا فالحرب ترمي بالشرر
انا جميعا اهل صبر لا خور
[illegible]
انا علي فاسئلوني تخبروا

له جناح في الجنان اخضر
وفاطم زوجة بها افخر
هذا لهذا وابن هند محجر
مذبذب مطرد مؤخر
[illegible]
لقد عرفت الحرب من لو يفتقد
سوف اكبس بعدها واستعر
ارفع من ذيلي ما كان يجر
قد يجمع الامر الشتيت المنتشر
[illegible]
[illegible]

معنى نفس منها التقصير
وتحسبك ما يغنيك في كل حالة
وتجد ذلك حاجة ما يريد
تصبح في تقيد حتى تصير
وما الدين يفضل بحسن دينه

مباحثه حسنة كرامة مستحقة
ودلبرى عقد ... جاهل ...

ولقد بحث من الشتا بجميع ما
ووصفا ادهن الحجاج نحو الكلام
وكذلك اقدام الرعشة عاجز الهراهر
ان الشهادة والشهادة في الفتح القران

حامد موابن عم محمد بلسبنه
وابن اشارات

تعليك بتقوى صادقا كالحج
اني اوقل ان قوم عليك المحرم
من تحير فلا تسرع كرها عند

نصح اماها مجد المهذب
حسن لطيفة الكلم

العلم زين فكن للعلم مكتسبا
وكن له طالبا ما كنت معتنيا
واركن اليه وثق بالله واغن به
وكن حليما رزين العقل محترسا
لا تأمنن فاما كنت منهمكا
في العلم يوما واما كنت منغمسا
وكن فتى ماسكا محض التقى ورعا

ابغي لطالبه من فضله سلبا

هو لها لامن سرضا ... ونحو
باجمع خلاف من

لانهم ذلك فيما مضى
وهون الامر وطيبقا
لكل هم فرج عاجل
بات على الصبح والممسى

شكاية انطوال ومحنة نفس
من فتا من قال

الحمد لله حمدا لا شريك له
وانى في صبحه وفي غلسه
لم يبق لي مونس فيونسني
الا انيس اخافه من انسه

زهل

ما غرني الناس ما استطعت ولا
ولكن لمن تخاف من هيبة
ما العبد يحوما ليس بدركه
والموت ادنى اليه من قبه

من بعض ... كما ... وبناه
طهارة كرهه ... ات

لا تأمن الموت في طرف ولا نفس
ولو تمنعت بالحجاب في الحرس
واعلم بان سهام الموت نافذة
في كل مدرع منها ومترس
ما بال دينك ترضى ان تدنسه
وثوب نفسك مغسول من الدنس

كانهم لم يحلبوا في المجالس
ولم يشربوا من بارد الماء شربة
ولم ياكلوا من كل طيب ...

مفاخرة الحجاج من ... بهيد
ومباهات بلا ... رجال ...

اعتب اولاد البها له اتنا
على الخيل لسنا نسلم في الفوارس
تنابل يغني يديدنوا ما لقيتهم
يقللي ذوي الاقران يوم التمارس
واما الناس لا يرى الحرب سبة
ولا تشتكي عند الرماح المداعس
وهذا رسول الله كالبدر بيننا

السيف والخنجر ريحانا
اف على النرجس والآس
شرابنا من دم اعدائنا
وكاسنا جمجمة الراس

خطاب حجاج ... ذلك ... بطل
... من احد ... شعار

اني انا الليث الهزبر الاشوس
والاسد المغضنفر المتاسد
اذا الكروب اقبلت تفترس
والحلقت عند النزال الانفس
ما هالني وقع الرماح الاشوس

... عليا ... وعنده ... احمد
... طمر ...

سوف يحيى لقهم صوت الغافلين

ولفضة قد شد ها الكبو القوارير

البو اشعرهم ما تعاظمه في الغابر

حتى ترى قرنائها افجر للعاصين

حكايت نتعلم كسبه بعض مشاة دنياى كتب باحكام ادراخته

الا ترى الى كتبنا مكتبا

بقيت بعدنا فيح مخبيا

حسنا حسبنا وابينا كتبنا

نعم عيش كيم غاب كه هوى بكيم غايب

انتم الناس اعرفهم بنقصه

واقهم لتهويته وخرصه

وحل القصص ما استغضب نقشه

نكم مستقبل عطا بحصه

بيانه مرجان عاد صقين مخلف اوانشيوانه معركه ده

لا تصحبن العاصي ابن العاصي

ستعين الفاغا يدعى التواضح

مستحقين حلق البلاص

قد حيوا الحبل مع الفلاص

اسا دخيل حين لا منا ص

جابر حرص عاص وانحراف اولان جاده اخلاص

ما انا بالعاصي وتحي العاصي

من معشر في غالب مناص

لغالكل ها رب خلا صي

رغيب باقاني والغضب خواهيم وخواه برخسيس

ساقح مالي كل من جاء طالبا

واجعله وقفا على القرض والكرم

فاما الكريم صنت المال عرضه

واما اللئيم صنت عن لوم عرضه

بيانه انكه حصول مطلعه فيه وحشم مانشد بعضا عن جلالت

اذا اذن الله في حاجة

اتاك النجاح بها يركض

وان اذن الله في غيرها

اتى دونها عارض يعرض

نصيحت القلب موجبا باله احمرها

لما ما تكون بغير حق

اذا ميز الصحاح من المراض

عرفتم حقنا فجحد تموه

كما عرف السواد من البياض

كتاب الله شاهدنا عليكم

وقاضينا الاله فنعم قاضي

بيانه عوض ابصا بر حصه مقيده كنا

لا تقعدن سابق احيا معرض

والله لا يغلب بها قد قضى

تصيحه ترمان مرعى ابجر طلع تخص عبادة عنه بعضاى اوله

تولك فيما له دحضا

ات علينا ما تلى بعضا

يورثه من نسل عند بعضا

طالب مرتفع عمام حسنا له حرب وبكل باخلاص

عليك بامرو تجري المرضا

والشر قد يعرضه من فرضا

لا تخلق لعلق عرضا

بيانه فتحه خلق باوساط واجتنابه افراط وافراط

خير امر القصد الاوسطا

لستا كمن قصر او افرطا

نالارض واسعة والرزق مبسوط

ترجح خلاب تجيا بربك دوكاكنا

توم امره خير له من تغطيه

لم يرض بها الكاتبين الحفظه

وفيه معي الدهر للمرء عظه

سنح ارلسا بلادك ونرحب ماله اهل

لا تضع المعروف في ساقط

فان الصنع ساقط ضايع

وضعه في حر كريم تكن

عرابك منكا عرفه ضايع

ارشاد يجلو امرا نه اهل نقل وهيك باصال درجت وعلان

[illegible]

١٢٣

تكن حمدا بالحلم والصفح عن الأذى
فإنك راء ما عملت وسامع
وأحبب إذا أحببت حبا مقاربا
فإنك لا تدري متى أنت نازع
وأبغض إذا أبغضت بغضا مقاربا
فإنك لا تدري متى أنت راجع

إن أخاك الصدق من يسعى معك
ومن يضر نفسه لينفعك
ومن إذا ريب الزمان صدعك
شتت فيه شمله ليجمعك

والشر أصرع جز ... ...
من جزيز الماء السريعة
زاد التعاهد للصديق
ويكون داعية القطيعة
لا تقطع يوم بيعة
في الناس تلطف أو وضيعة
إن الطلاق ليس يمنع
كن أن تؤول إلى الطبيعة
جبل الأنام من البلا
وعلى الشريعة والوضيعة

وداو عدوا داؤه لا تداويه
فإن مداراة العدو ليس تنفع
فإنك لو داويت ماءتين عقربا
إذا أمكنت يوما من الدهر تلدغ

لا تجزعن إذا نابتك نائبة
واصبر ففي الصبر عند الضيق متسع
إن الكريم إذا نابته نائبة
لم يبد منه على علاته الهلع

مع الحرص على الدنيا
وفي العيش فلا تطمع
ولا تجمع من المال
ولا تدري لمن تجمع
ولا تدري أفي أرض
أم في غيرها تصرع
فإن الرزق مقسوم
وكد المرء لا ينفع
فقير كل من يطمع
غني كل من يقنع

... لم تقرن ... أنصفا ...
أم أي مستمتع ينفع
ثم ثم له أنينا ...
يا بؤس للدهر الذي
ما زال مختلفا طباعه
قد قيل في أمثالهم
يكفيك من شر سماعه

ومن البلاء على البلاء علامة
أن لا يرى لك عن هواك نزوع
وكفاك من خير الحوادث أنه ...

وجانب صغار الذنب لا تركبنها
فإن صغار الذنب يجمع فاسمع

ذنوبي وإن فكرت فيها كثيرة
ورحمة ربي من ذنوبي أوسع
فما طمعي من صالح قد عملته
ولكنني في رحمة الله أطمع
فإن يك غفران فذاك برحمة
وإن تكن الأخرى فما أنت تصنع
مليكي ومعبودي وربي حافظي
وإني له عبد أقر وأخضع

سبيل سعادة ...

لك الحمد إما على نعمة

فإما على نقمة تدفع

تشاء فتفعل ما شئته

وتمنع من حيث لا تمنع

تضرع ومناجاة باب الحاجات

لك الحمد يا ذا الجود والمجد والعلى

تباركت تعطي من تشاء وتمنع

إلهي وخلاقي وحرزي وموئلي

إليك لدى الإعسار واليسر أفزع

إلهي لئن جلت وجمت خطيئتي

وأنت مناجاتي الخفية تسمع

إلهي فلا تقطع رجائي ولا تزغ

فؤادي فلي في سيب جودك مطمع

إلهي أجرني من عذابك إنني

أسير ذليل خائف لك أخضع

إلهي فآنسني بتلقين حجتي

إذا كان لي في القبر مثوى ومضجع

إلهي لئن عذبتني ألف حجة

فحبل رجائي منك لا يتقطع

إلهي أذقني طعم عفوك يوم لا

بنون ولا مال هنالك ينفع

إلهي لئن أخطأت جهلا فطالما

رجوتك حتى قيل ما هو يجزع

إلهي ينجي ذكر طولك لوعتي

وذكر الخطايا العين مني تدمع

إلهي أقلني عثرتي وامح حوبتي

فإني مقر خائف متضرع

إلهي أنلني منك روحا وراحة

فلست سوى أبواب فضلك أقرع

إلهي لئن أقصيتني أو أهنتني

فمن ذا الذي أرجو ومن ذا أشفع

إلهي لئن خيبتني وطردتني

فما حيلتي يا رب أم كيف أصنع

إلهي حليف الحب بالليل ساهر

يناجي ويدعو والمغفل يهجع

وكلهم يرجو نوالك راجيا

برحمتك العظمى وفي الخلد يطمع

إلهي يمنيني رجائي سلامة

وقبح خطيئاتي علي يشنع

فإلا فبالذنب المدمر أصرع

إلهي فإن تغفر فعفوك منقذي

إلهي بحق الهاشمي وآله

وحرمة أبرار هم لك خشع

وصل عليهم ما دعاك موحد

وناجاك أخيار ببابك ركع

نصائح ... مصالح معاد ...

قدم لنفسك في الحياة تزودا

فلقد تفارقها وأنت مودع

واهتم للسفر القريب فإنه

أنأى من السفر البعيد وأشنع

واجعل تزودك المخافة والتقى

وكأن حتفك من مسائك أسرع

واقنع بقوتك فالقناعة هو الغنى

والفقر مقرون بمن لا يقنع

لا تفشين سرا ما استطعت إلى امرئ

يفشي إليك سرائرا تستودع

فكما تراه بسر غيرك صانعا

فكذا بسرك لا محالة يصنع

وإذا امرؤ ... لتنيلها

واستر عيوب الخلق حين تطلع

لا تبتدئ منطقا في محفل

قبل السؤال فإن ذلك يشنع

فالصمت يحسن كل ظن بالفتى

ولعله خرق سفيه أرقع

ودع المزاح فرب لفظة مازح

جلبت لبك بلا بلا لا ابرع
وحفاظ جارك لا تضيعه فانه
لا يبلغ الشرف الجسيم بضيع
والضيف اكرمه بجهد مجهدا
عمن يجود ومن يضن ويمنع
واذا استقالك ذو الاساءة عثرة
فاقله ان ثواب ذلك اوسع
لا تحزنن من الحوادث انما
خرق الرجال على الحوادث يجزع
واطع اباك بكل ما وصى به
ان المطيع اباه لا يتضعضع

لعذاب الامر ذي الحسب الثاب
ب والباع والفناء الرحب
ان نصبنا الموت فالبلى يرى
نصيب منها وغير مصيب
كل حي وان تملى عيشا
اخذ منها منها بنصيب
ياخدا دنجك ديني نصيحت
انا امرؤ بالصبر في صبر لعيب
فواقفنا ملك الذي ملك جاره
ولكني احببت ان تو نصر
لتعلم اني لم ازل لك حافظا

اذ حرنارك في الوغى تسطع
والخيل لاحقه الاباطل ترتب
قب البطون غيثها والاورع
يجول فرسانا كراما في الوغا
لا ينكلون اذا الرجال تكعكعوا
اني امرؤ احمي حماي بعزة
واذا يكون شديد لا اجزع
وانا المظفر في المواطن كلها
وانا شهاب في الحوادث لامع
من لطف ابن اللبه والرجى
محاص موت ليس عنه مدفع

فاحذر عصا ولو حان يوما
اني لدى الهيجا اضر وانفع
باخى رجوع افصح عثمان ولو الشما
يا امرؤ قد جرى الوطيس واشتب
نانعلبك وصلح امر مقطع
وتنامي الابطال كاس منيه
فيها ذنابيع وسم منقع
فانك مني لا ابالك مخلوب
ستكون كالامر الذي لا يرجع
اني امرؤ احمي حماي بعزة
والله يخفض من يشاء ويرفع

فينا رسول الله ليكمل المكي
فلو اوقه حول الفيئة بلمع
حكايت خيل الفيئ بنيخ خوشنا
اودى باشتم دهر كان باملد
فمر سجدلا في الارض صرعه
قد كان يكثر في الكلام تنمعا
حتى بما يحامله ترد بعا
فعلوه بيض غير بيض فابيا
ماكان يوما في الحرب حدها
من كان ينكر فضلنا وسنانا
فانا علي للاله مطيعا

على اعداء غداة الروع والربع
الهاسكوا لمد انوريه خناسكوا
بالمصطفى نولك دبيعه
دبيعة الشامعة المطبعة
حقنها كانت بها الوقيعه
بين محافي سوقها والبقعه
فما بها نقص ولا وضيعه
ولا الامور الرديه الشنيعة
كانت تقدمها عصبة منيعة
ترجوا ثواب الله بالصنيعة
وحرم الناجها وليعه

فالوقت اصونها وينفعه
لبث كما صوان من الضيعة
وما حكيم وقوع منفعة
من خير ما يطلق ولا خديعة
نال بها المنزلة الرفيعة
في الشرف العالي من الله سعة
باب الكلام اشتغال به بنا وحاصل
ادب المرء والعقبا كما في ختا
نعم عليه الكف والكفاف
الاصحاب الذنب لا تقنط

ثم ارعوى ثم انتهى ثم اعترف
ابشر بقول الله في آياته
ان ينتهوا يغفر لهم ما قد سلف
ان كنت تطلب رتبة الاشراف
فعليك بالاحسان والانصاف
واذا اعتدى احد عليك فخله
والدهر فهو له مكافي كافي
لا تحلفن بقربها وهي مقيلة
فلبس بعضها السيرة والشرف

ولا تراني عليه ابدا لتهف
ما قدر الله لي فليس له
عني الى من سواي منصرف
فالحمد لله لا شريك له
ما لي عون وفوق الشرف
انا راض بالعسر واليسار فما
تم خلق فيه له ولا صلف
كم من عليم قوي في تقلبه
مهذب اللب عنه الرزق منحرف
كم من ضعيف ضعيف العقل مختلط

كم

كم من جليم الخير تعترف
جزى الله عنا الموت خيرا فانه
ابر بنا من والدينا وارأف
يعجل تخليص النفوس من الاذى
ويدني من الدار التي هي اشرف
فكنت باشد الي القلب مغرفا
ولم تزل تستعيد بالحق موصوفا
وكنت اذ لبس يوم تستفتا به
ولا ظلام على الانام معكوفا

وفي المعارج تلقى روح مقدم
موجا يعارض صوت الريح مكفوفا
فاترك لنا جليل العبث
والكراما من مولا محفوفا
استوى بكيل الملك في الارض مستترا
وفي السماء جميل الحال معروفا
عرفت ومن جميل يعرف

يعني المصطفى احمد
فاصبح احمد فينا امرا
عزيز المقامة والموقف
الستم تخافون يوم العذاب
وما امن الله كالاخوف
فيا ايها الموعد وسفاهما
ولم يأت جودا ولم يخف
فان تصعوا لحب لنا فما
كمصرع كعب ابن الاشرف
غداة راى الله طغيانه
واعرض كالجمل الاجنف

مَا نَزَلَ جِبْرِيلُ فِي فَضْلِهِ
بِوَحْيِ الْمُعْتَمَدِ الْمُلْطَفِ
فَقَدْ نَالَ الرَّسُولُ سُؤْلًا لَهُ
بِأَنْ هَتَفَ [illegible]
فَبَاتَ يَعُودُونَ لَهُ مَعُولَاتٍ
مَتَى يَبْعَثُ كَعْبٌ لَهَا تَذْرِفُ
فَقَالُوا الْإِحْمَادَ دِينًا قَلِيلًا
فَأَنَا مِنَ النَّوْحِ لَمْ نَشْتَفِ
فَخَلَّاهُمُ قَالَ الْعَنُوا
دَعُونَا عَلَى [illegible]
وَأَجْلِ التَّعْبِيرِ الْمُعْرِبِ [illegible]

الدَّعِيُّ الْبَاسِرُ بِذَا الرِّيفِ
أَفْلَتَ مِنْ ضَرْبٍ خَفِيفِ
عَيْرٌ كَرِيمُ الْجَدِّ آمِ الظَّرِيفِ
الْهَا شُوقٌ بِكُوبِهِ مُسْتَعْلِي
بِالْجِنَاسِ بِأَرْضِ الْكُوفَةِ
أَوْضَ لَنَا مَا لَوْ فِيهِ مَعْرُوفُهُ
نَظَرَتُهَا جِئْنَا الْمَعْلُوفَةَ
عَجِبَ حَيَاتًا وَأَسْلُبَ الْوَقْفَ
نَفْسٌ نَفْسٌ يَتَوَكَّلُ وَتَفْوِيضٌ
تَعْنِي عَنِ الْمَخْلُوقِ بِالْخَالِقِ
تَعْنِي عَنِ الْكَاذِبِ بِالصَّادِقِ

ذَلَّ تِيهِ الْغِلْمَانِ مِنْ خَالِقِي
الْهَا كِلْسٌ [illegible]
لَوْ كَانَ بِالْحِيَلِ الْغِنَى لَوَجَدْتَنِي
بِنُجُومِ أَقْطَارِ السَّمَاءِ تَعَلُّقِي
لَكِنَّ مَنْ رُزِقَ الْحِجَى حُرِمَ الْغِنَى
ضِدَّانِ مُفْتَرِقَانِ أَيَّ تَفَرُّقِ
الْهَا [illegible] الطَّاقِ [illegible]
وَحَسْبِي بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لِي
وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى خَالِقِي
لَقَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ فِيمَا مَضَى
كَذَلِكَ يُحْسِنُ فِيمَا بَقِي

[illegible] مَالِ بِخَالِ
عَلَى تَعَجَّبَ أَنَّهَا قَدْ كُنْتَ تَبْتَغِي
عَلَى مَوْعِدِ الدَّلَاحَوْتِ صُنْدُوقِي
إِنْ كُنْتَ فِي الْبَيْتِ كَانَ الْعِلْمُ [illegible]
أَوْ كُنْتَ فِي السُّوقِ كَانَ الْعِلْمُ فِي
[illegible]
أَرَى الدُّنْيَا سَتُؤْذِنُ بِانْطِلَاقِ
مُشَمِّرَةً عَلَى قَدَمٍ وَسَاقِ
فَلَا الدُّنْيَا بِبَاقِيَةٍ لِحَيٍّ
وَلَا حَيٌّ عَلَى الدُّنْيَا بِبَاقِ
[illegible]

تَعَجَّبَ أَسْأَلُ مَنْ حَقَّ لِي
مِنَ النَّاسِ هَلْ مِنْ صَدِيقٍ صَدُوقِ
فَقَالُوا عَزِيزَانِ لَا يُوجَدَانِ
صَدِيقٌ صَدُوقٌ وَبَيْضُ الْأَنُوقِ
شَكَا [illegible]
تَرَاكَ عَلَى أَيِّ الْحَالِ [illegible]
[illegible]
فَكُلُّ صَدِيقٍ بِغَيْرِ هَوًى [illegible]
وَكُلُّ صَدِيقٍ بِغَيْرِ صِدْقِهِ
[illegible]
مَا مِنْ صَدِيقٍ وَإِنْ عَتَقْتَ صُحْبَتَهُ

رَضِينَا بِكُرُونِ النَّاسِ [illegible]
حِكَايَةٌ [illegible]
مَا تَرَكَ بَدْرٌ لَنَا صَدِيقًا
وَلَا لَنَا فِي خَلْقِنَا طَرِيقًا
[illegible]
دُونَهُمَا مُتَرْعَرِعٌ [illegible]
كَأَنَّمَا [illegible]
[illegible]
أَنْعَمَ [illegible]
وَهَمَّ [illegible]
تَرَكَ [illegible]

١٢٨

وأعتقت سلمان من [illegible]

وفارقت خير الناس بعد محمد

لمال قليل لا محالة ذاهب

ستعطيك [illegible]

وأنت بحمد الله غير موبخ

كمطعمة الرمان مما زنت به

جرت مثلا للخائن المتصدق

فقال لها أهل البصيرة والتقى

لك الويل لا تزني ولا تتصدقي

فحسبي [illegible]

[illegible]

لا شيء إلا الله فارفع همكا

يكفيك رب الناس ما أهمكا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

محققة أن تجد في [illegible]

أتسأل اليوم [illegible]

أيوب إذ حل به بلاكا

[illegible]

رب فإن [illegible] من لقاكا

[illegible]

حملوا الصدور لها مسالك

[illegible]

[illegible]

هب الدنيا تواتيك

أليس الموت يأتيك

وما تصنع بالدنيا

وظل الميل يكفيك

[illegible] يأتيك الموت

فإن الموت لا [illegible]

ولا تجزع من الموت

إذا حل بواد بكى

فإن الدمع و[illegible]

[illegible] يوم الروع يكفيكا

كما أضحك الدهر

لقد خاب من غرته دنيا دنية

وما هي إن غرت قرونا بطائل

أتتنا على زي العزيز بثينة

وزينتها في مثل تلك الشمائل

فقلت لها غري سواي فإنني

عزوف عن الدنيا ولست بجاهل

وما أنا والدنيا فإن محمدا

رهين بقفر بين تلك الجنادل

وهبها أتتنا بالكنوز ودرها

وأموال قارون وملك القبائل

وقد [illegible]

فشأنك يا دنيا وأهل الغوائل

فإني أخاف الله يوم لقائه

وأخشى عذابا دائما غير زائل

إنما الدنيا كظل زائل

أو كضيف بات ليلا فارتحل

أو كنوم قد يراه نائم

أو كبرق لاح في أفق الأمل

يا من بدنياه اشتغل

فغرّه طول الأمل
الموت يأتي بغتة
والقبر صندوق العمل
ولم تزل في غفلة
حتى دنا منك الأجل

ومنه ارتجالاً فقال

هب الدنيا تساق إليك عفواً
أليس مصير ذاك إلى الزوال
وما ترجو لشيء ليس يبقى
وشيكاً قد تغيّره الليالي

[illegible]

وإن تكن الأموال للترك جمعها
فما بال متروك به المرء يبخل
وإن تكن الأبدان للموت أنشئت
فقتل امرئ بالسيف في الله أفضل

[illegible]

ودنيا تحاول [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

إذا [illegible]

وتشغل بالمكاسب والعيال
وما في العمر إسقام وشيب
وهمّ بارتحال وانتقال
فجدّ المرء طول العمر جهل
وقسمته على هذا المثال

[illegible]

بقي الدهر والأيام والذنب حاصل
وأنت بما تهوى من الحق غافل
غرور [illegible] في الدنيا [illegible]
وعيشك في الدنيا محال [illegible]
تزوّد من الدنيا [illegible]

وبادر

وبادر فإن الموت لا شك نازل
ألا إنما الدنيا كمنزل راكب
أراح عشياً وهو في الصبح راحل

[illegible] وزاد آخر

لا تجزعنّ من المنية إنما
[illegible]
واعمل [illegible] للتواضع [illegible]
إن التواضع بالشريف جميل
وإذا وليت أمور قوم ليلة
فاعلم بأنك بعدها مسؤول
يا صاحب القبر المنقّش سطحه

الملك يفنى والنعيم يزول

خطب جابر بن عبد الله الأنصاري [illegible]

ما أحسن الدنيا وإقبالها
إذا أطاع الله من نالها
من لم يواس الناس من فضله
عرّض للإدبار إقبالها
فاحذر زوال الفضل يا جابر
وأعط من دنياك من سالها
فإن ذا العرش جزيل العطا
يضعف بالحبة أمثالها
وكم رأينا من [illegible]

مقالة الشكر النعم لها
لئن شكرتم لأزيدنكم
لكنما كفرهم غالها

[illegible]

باتوا على قلل الأجبال تحرسهم
غلب الرجال فلم ينفعهم القلل
واستنزلوا بعد عز عن معاقلهم
إلى مقابرهم يا بئس ما نزلوا
ناداهم صارخ من بعد ما دفنوا
أين الأسرّة والتيجان والحلل
أين الوجوه التي كانت محجبة

من دونها تضرب الأستار والكلل	أين العبيد التي أرصدتهم عددا	لم يسلموك لما بالقوم ما فعلوا
فأفصح القبر عنهم حين ساءلهم	أين الحديد وأين البيض والأسل	ما بال قبرك لا يأتي به أحد
تلك الوجوه عليها الدود تنتقل	أين الفوارس والغلمان ما صنعوا	ولا يطوف به من بينهم رجل
قد طالما أكلوا فيها وهم شربوا	أين الصوارم والخطية الذبل	ما بال ذكرك منسيا ومطرحا
فأصبحوا بعد طول الأكل قد أكلوا	أين الكفاة ألم يكفوا خليفتهم	وكلهم باقتسام المال قد شغلوا
وطالما كنزوا الأموال وادخروا	لما رأوه صريعا وهو مبتهل	ما بال قصرك وحشا لا أنيس به
فخلفوها على الأعداء وارتحلوا	أين الكماة التي ماجوا لما غضبوا	يغشاك من كنفيه الروع والوجل
وطالما شيدوا دورا لتحصنهم	أين الحماة التي تحمى بها الدول	لا تنكرن فما دامت على ملك
ففارقوا الدور والأهلين وانتقلوا	أين الرماة ألم تمنع بأسهمهم	إلا أناخ عليه الموت والوجل
أضحت مساكنهم وحشا معطلة	لما أتتك سهام الموت تنتضل	وكيف يرجو دوام العيش متصل
وساكنوها إلى الأجداث قد رحلوا	هيهات ما منعوا ضيما ولا دفعوا	وروحه بحبال الموت متصل

وجيههم

وجيههم لتباب الردى عرض	وإني لمشتاق إلى من أحبه	إذا غبت عنه سواي بدل
وملكه زائل عنه ومنتقل	فهل لي إلى من قد هويت سبيل	ولكن خليلي من يدوم وصاله
حكاية أنشد ... [illegible]	وإني وإن شطت بي الدار نازح	ويحفظ سري قلبه ودخيله
ألا هل إلى طول الحياة سبيل	وقد مات قبلي بالفراق جميل	إذا انقطعت يوما من العيش مدتي
وأنى وهذا الموت ليس بحائل	فقد قال في الأمثال في البين قائل	فإن بكاء الباكيات قليل
وإني وإن أصبحت بالموت موقنا	لكثرته يوم الفراق رحيل	يريد الفتى ألا يموت حبيبه
فلي أمل من دون ذلك طويل	لكل اجتماع من خليلين فرقة	وليس إلى ما يبتغيه سبيل
وللدهر ألوان تروح وتغتدي	وكل الذي دون الفراق قليل	وليس خليلا لا يزال يفنده
وإن نفوسا بينهن تسيل	فإن افتقادي فاطما بعد أحمد	ولكن ذو الأكرمين خليل
ومنزل حق لا معرج دونه	دليل على أن لا يدوم خليل	لذا الحب لولا بوابه مفجع
لكل امرئ منها إليه سبيل	وكيف هناك العيش من بعد فقدهم	وفي القلب من حر الفراق غليل

[illegible]

فما هكذا ... سهلاً ...

واستودع الله الفتى رحل

ترحّل الشباب كأنه لم يكن

وحلّ المشيب كأن لم يزل

كأنّ الشباب ... بدا

وأمّا الشباب ...

سقى الله ذاك ...

فنعم المولّى ونعم البدل

[illegible]

... ذو العقل في نفسه

وذو الجهل آمن ...

ويلقى مصائب من قد خلا

فإن بدهته صروف الزمان

ببعض مصائبه لم ...

ولو قدّم الحزم في نفسه

لعلّمه الصبر عند البلا

[illegible]

إذا اجتمع الإنسان ...

... من الفعل الواحد ...

ولا خير في وعد إذا كان كاذبًا

ولا خير في قول إذا لم يكن فعل

ألا إنما الإنسان غمد لعقله

ولا خير في غمد إذا لم يكن نصل

[illegible]

... الجبار فينا

لنا علم وللأعداء مال

فإنّ المال يفنى عن قريب

[illegible]

إنّ الغنيّ هو الغنيّ بنفسه

ليس الغنيّ هو الغنيّ بماله

وكذا الكريم بخلقه

ليس الكريم بقومه وبماله

وكذا الفقيه هو الفقيه بحاله

ليس الفقيه بنطقه ومقاله

[illegible]

فلا تكثر ... القول ...

فأدمن على الصمت المزيّن للفتى

يموت الفتى من عثرة بلسانه

وليس يموت المرء من عثرة الرجل

فلا تك مبيانًا لقولك مفشيًا

فتستجلب البغضاء من زلّة النعل

[illegible]

وفي الخلق ...

وللناس قال بالظنون وقيل

أجلّك قوم حين صرت إلى الغنى

وكلّ غنيّ في العيون جليل

وليس الغنى إلا غنى زيّن الفتى

عشيّة يقري أو غداة ينيل

ولم يفتقر يومًا وإن كان معدمًا

... ولم يستغن قطّ بخيل

[illegible]

صن النفس واحملها على ما يزينها

تعش سالمًا والقول فيك جميل

ولا ترينّ الناس إلا تجمّلا

يغطّي عيوب المرء إن قلّ ماله

ويغشى غنيّ المال وهو ذليل

ولا خير في ودّ امرئ متلوّن

إذا الريح مالت مال حيث تميل

جواد إذا استغنيت عن أخذ ماله

وعند احتمال الفقر عنك بخيل

فما أكثر الإخوان حين تعدّهم

ولكنّهم في النائبات قليل

[illegible]

فلا تجزع إذا أعسرت يومًا

فقد أيسرت في دهر طويل

ولا تيأس فإن اليأس كفر
لعل الله يغني عن قليل
ولا تظنن بربك ظن سوء
فإن الله أولى بالجميل
رأيت العسر يتبعه يسار
وقول الله أصدق كل قيل
فما اعتاض باذل وجهه بسؤاله
عوضا ولو نال الغنى بسؤال
وإذا السؤال مع النوال وزنته
رجح السؤال وخف كل نوال

بلوت الناس قرنا بعد قرن
فلم أر مثل مختال بمال
ولم أر في الخطوب أشد هولا
وأصعب من معاداة الرجال
وذقت مرارة الأشياء طرا
فما طعم أمر من السؤال
لنقل الصخر من قلل الجبال
أحب إلي من منن الرجال
يقول الناس لي في الكسب عار

وأفضل قسم الله للمرء عقله
فلا يرى في [illegible] الكحل
وذو العيب [illegible] لمن قد ترى له
وذو العيب [illegible] لمن قد [illegible]
أقلهم ما عندنا [illegible]
وإن لم يكن عندي غنى وتجمل
فأما الكريم فراض به
وأما اللئيم فما إن أبالي
صبر الفتى لفقره يجمله

وبذله لوجهه [illegible] له
يلقى الفتى من عيشه أقله
الخبز للجائع أدم كله
إن امرءا بالله عز [illegible] كله
وورث المكارم آخرين من أوله
وإذا اصطنعت صنيعة أتبعتها
بصنيعة أخرى وإن لم أسأل
وإذا الضعيف [illegible]
آثرته بالزاد حتى [illegible]
وإذا [illegible] لكريم [illegible]

[illegible] ما بين النار والمنزل
وحفظته في أهله وعياله
يتعاهدني وكما أسأل
ودع ذوي الأصغار [illegible]
[illegible] الظلمي [illegible]
فإن أمرضوا كرها في نكرها
وإن تحسبوا عنك الحديث
فإن الذي يؤذيك منه سماعه
وإن الذي قالوا وراءك لم يقل

لا تخدعن بطلعة [illegible]
ولعيبن من نحوي الحبيب [illegible]
منها نعم بما [illegible]
وسروره في كل ما هو فاعل
فالمنع منه عطية [illegible]
والفقر إكرام ولطف عاجل
ومن الدلائل أن يرى متقشفا
متقشفا في كل ما هو نائل
ومن الدلائل أن تراه مشمرا
في خرقتين على شطوط الساحل

ومن الدلائل ذهنه بما يرى
من دار ذل والنعيم الزائل
ومن الدلائل أن يرى من عزمه
طوع الحبيب وإن ألح العاذل
ومن الدلائل أن يرى من شوقه
مثل السقيم وفي الفؤاد غلائل
ومن الدلائل أن يرى من أنسه
مستوحشا من كل ما هو شاغل
ومن الدلائل أن يرى متبسما
والقلب فيه مع الحبيب بلابل
ومن الدلائل ضحكه بين الورى

بسؤاله من حظه لعبيد السائل
ومن الدلائل أن تراه باكيا
أن قد رآه على قبيح فعال
ومن الدلائل أن تراه مسافرا
نحو الجهاد وكل فعل فاضل
ومن الدلائل أن تراه مسلما
كل الأمور إلى المليك العادل

امرا في محرم وكنا منتظر فضل الحق

أخاف وأرجو عفوه وعقابه
وأعلم حقا أنه حكم عدل
فإن يك عفوا فهو منه تفضل

تبيد الجبال الصم من عظم
كمر السحاب ترى حالها
وتنفطر الأرض من نفخه
هنالك تخرج أثقالها
ولا بد من سائل قائل
من الناس يوم سيذماله
تحدث أخبارها ربها
وربك لا شك أوحى لها
ويصدر كل إلى موقف
ييم الكهول وأطفالها
يرى الناس ما عملت مضمرا

ولوددة كان منها لها
فحاسبها ملك قادر
فإما عليها وإما لها
يرى الناس سكرى بلا خمرة
ولكن ترى العين ما هالها
ذنوبي بلاء فما حيلتي
إذا كنت في النعيم حالها
نسيت المعاد فيا ويلها
وأعطيت للنفس ما لها

خطاب بجارية ... اوبقبض ...

يا خاطبا همدان من بعث يرف

أقول للنار حين توقف للعرض
خذ ذيه لا تقربي الرجلا
ذريه لا تقربيه إن له
حبلا بحبل الوصي متصلا
استقبلني بارد على ظما
تخاله في الحلاوة العسلا
قولي على الحادث عجيبة
كم ثم أعجوبة له حملا

نفي ما عد وأحكام ... وصف ستاره ...

ومعي منجم أخو جبل
تراجع المريخ في بيت الحمل

خبر ... ومطالع مسعود

يوم إذا ما جلس الترك فانتظر
ولاية مهدي يقوم فيعدل
وذل ملوك الأرض من آل هاشم
ويويع منهم من يلذ ويهزل
صبي من الصبيان لا رأي عنده
ولا عنده جد ولا هو يعقل
فثم يقوم القائم الحق منكم
وبالحق يأتيكم وبالحق يعمل
سمي نبي الله نفسي فداؤه
فلا تخذلوه يا بني وعجلوا

١٣٤

تعلم ابا بكر ولا تك جاهلا
بان عليا خير حاف وناعل
وان رسول الله اوصى بحقه
وان كذبته قولوا بالفضائل
ولا تجهلنه حقه واندوا لورى
للبه فان الله ليس بغافل

وفرزدن ازكال دلير خواهد وجهل وخواهد در بحر

انا الصقر الذي حدثت عنه
عتاق الطير تجدل بالجدال
وقاسيت الحروب انا ابن سبع

صبري الفؤاد من في القفار وانني
عند الوغا الغضنفر ما ال
امر سعاد ما آل بكنا نجا ومالونا
عليكم بالسلام فاكتموها
نجاتكم وعلمكم وما ال
فان الناس اعداء لهذا
ولا بر فيهم الا الزوال

مرثية خديجة وابي طالب رضي الله عنهما

اعيني جودا بارك الله فيكما
على هالكين لا ترى لهما مثلا
على سيد البطحاء وابن رئيسها

صبا بجمالا دحى الحجو والهوا
لقد نصر في الله دين محمد
على من بغى في الدين قد رضيا
الهاد السلام ابي وصدقت او حرمني
اتت عبد الطاع رتا جليلا
وقحط الداع البوق الربو
تصلوع الاله يزوى عليه
في دجا الليل بكرة واصيلا
ان ضرب الفداء بالسيف نهضي
ستبدا قادرا ونبتغي عليلا
ليس من كان قاصيا مستقيما

مثل من كان هاديا وذليلا
حسبي الله عصمة لامور
وحبيبي محمد لي خليلا

دم ندنما يجب رسولكم هو وفقه همه عنايه

اقيك بنفسي ايها المصطفى الذي
هدانا به الرحمن من عمه الجهل
وبفديك حوبائي وما قد ملكته
لمن انتمي معه الى الفرع والاصل
ومن كان مثلكت لهاديا راحما
وانت من العلم منه والتهمل
ومن جلالة جدي ومن محمد ابنه

لاخيار ما اوليت يا خاتم الرسل
حاله من او يقد مصح رسول الله
الم تر ان الله ابلى رسوله
بلاء عزيز ذي اقتدار وذي فضل
بما انزل الكفار دار مذلة
ولاقوا هوانا من اسار ومن قتل
فامسى رسول الله قد عز نصره
وكان امين الله ارسل بالعدل
فجاء بفرقان من الله منزل
مبينة اياته لذوي العقل
فآمن اقوام كرام واتقنوا

وقوما غضابا فعلهم ليس بالفعل
بايديهم بيض خفاف قواطع
وقد حادثوها بالجلاء وبالصقل
فكم تركوا من ناشئ دي حمية
صريعا ومن ذي نجدة منهم كهل
وتبكي عيون النائحات عليهم
تجود باسبال الرشاش وبالوبل
نوائح تبكي عتبة الغي وابنه
وشيبة تبغاه وتبغي ابا جهل
وذا الذحل تبغي وابن جدعان فيهم
مسلبة حرى مبينة الثكل

...منهم في بني بديعا
ذوو نجدات في الحروب وفي الحيل
ومن الجمع منهم من دعا ما اجابه
ولقى اسباب مقطعة الوصل
فما ضوا الدعاء والجحيم بمعزل
عن النجي في العندان في شغل

حكاية غزاة احد ...

رأيت المشركين بغوا علينا
ولجوا في الغواية والضلال
وقالوا نحن اكثر اذ نفرنا
غداة الروع بالاسل الطوال

وقد فللت جمعهم ببدر
فاتبعت الهزيمة بالرجال
وقد غادرت كبشهم جهارا
بحمد الله طلحة في المجال
فخر لوجهه فرفعت عنه
رقيق الحد حودث بالصقال
كأن الملح خالطه اذا ما
تلظى كالعقيقة في الظلال

...

انا ابن عبد الدار ذي الفضول
وانك عندي باهل مقتول

ولا اهاب القول بل اصول
الحق عن الاعداء لا ازول
يوما الذي الهيجا ولا احول
والقرن عندي في الوغا مقتول
اوغاله بالسيف او مغلول

...

يا مرحبا بفارس معكم
اذ جاءنا في حومة القطل
يرجو اقرانا قاصدا نحونا
نسقيه من ماء الصفا المنحدل
ما عندنا شيء سوى ما نري

٥

من حادث بالعهد بالمستقبل
ذاك الذي يفري جيوب الوغا
واللاي للاصحاب في المنزل

جواب ...

ايها عليك اللعن من جاحد
يا ابن لعين لاح بالارذل
اليوم اعلوك بذي رونق
كالبرق في المحلولك المسبل
يفري شؤون الراس لا ينثني
تعدد راس الحاجب الاعزل
اخوبدك القوم في جنة

بالضربة على الفوارس الجهل
كم نعمة لا استطيع بلوغها
حمدا ولو اطيقت طاقة مولي
لله اصبح فضله متظاهرا
منه على سائلتم لم تسئل
قد كان من الاحزاب في نائبه
حقد النبي وذي الكتاب المرسل
ما فيه موعظة لكل مفكر
ان كان ذا عقل وانتم يعقل

حكاية ...

لقد كان ذا اسد وحيد لكفره

طلب الامر الشقي الخلد بزل

...

الا يا عبد الله اهل التعاني
واهل الاراجيف والباطل
يقولون لي قد قتل الرسول
فخلاك في الحال قبل الخاذل
وماذا الذي لاكان الشقي
جفاك وما كان بالفعل جل
فرنت وسبقي على غاربي
الى الراحم الحاكم الفاضل
فلما راني هفا قلبه

وقال فقال الأخ السائل
أثم ابن عمي فأنبأته
بإيمان ذي الحسد الخاذل
فقال أخي أنت من دونهم
كهارون موسى ولم آتل

[illegible]

قد طال ليلي في الحزن موكل
بجناد يوم عاجل ومؤجل
والناس تقرعهم أمور جمة
مر مذاقتها كطعم الحنظل
تبكي على بيوتهم ونوائح

إن يومي من الزبير ومن ٥
طلحة فيما يسوء لطويل
ظلماني ولم يكن علم الله
إلى الظلم لي بخلقي سبيل

[illegible]

ألا من ذا مبلغ ما أقول
فإن القول يبلغه الرسول
ألا أبلغ معوية ابن صخر
لقد جاوزت لو نفع الجدل
وناطحت الأكارم من رجال
هم الهام الذين لهم الفضول

متى تكشفها لما وارى
على الأعقاب عنكما طويل
إذا ما الحرب أهدت عارضها
وأبدت طارقا منها مخيل
فبؤسا لك أن تجول الخيل فيها
عليك وأنت متجدل قتيل

جواب معوية [illegible] قال

لا تحسبني يا علي غافلا
لأوردن الكوفة القبائلا
والشجر والقنا الذوابلا
في عامنا هذا وعاما قابلا

جواب جواب [illegible]

أصبحت والحق يمحق الباطلا
لا يوردن شامك الصواهلا
أصبحت يا ابن هند جاهلا
لا يبقى منكم أكلوا هالا
يضربن الفاد [illegible]
من دعون الحزن والصواهلا
بالحق والحق يزيح الباطلا
هذا لك العام وذرني قابلا
هم نصروا النبي وهم أنالوا
رسول الله إذ خذل الرسول

غداة الزلزال ٥
تكيد الكذوب [illegible]
وتروى الكعوب [illegible] القنا

[illegible]

شربت بأمر لا ينال حقيقة
حياة ولو أن الحياة طويل
جزى الله الناس خيرا وعندت
بذاك بفضل ما أهل الرجل

[illegible]

ألا أيها الموت الذي ليس تاركي
أرحني فقد أفنيت كل خليل

من [illegible]
وخالت [illegible] الرماح [illegible]
وأصحت بعد اليوم [illegible]
ونحن أناس لا نصيد [illegible]
إذا ما لقينا القوم غير اللقاء
تبكي على نجل لما ناح [illegible]
وليس إلى يوم الحساب بغافل

دعاي مجرب در [illegible]

يا سامع الدعاء ويا رافع السماء
ويا دائم البقاء ويا واسع العطاء

حروف لذي الفاقة العديم [illegible]

١٥٧

ويا عالم الغيوب ويا غافر الذنوب
ويا ستار العيوب ويا كاشف الكروب
حرف عن امره هو الكظيم الثاء
ويا فالق الصبح ويا مخرج النبات
ويا جامع الشتات ويا محيي الرفات
حرف من الاعظم الرحيم الثاء
ويا مرسل النبات من اللجج العذبات
على الحرث والنبات للحجج الغرات
حرف من الحرم الكريم الجيم
ويا خالق البروج سماء بلا فروج
مع الكبير بالولوج على الشوامخ العلوج

[illegible]

ويا مرسل الرياح لقاحها النتائج
في السوابح الجواد ما الولج
حرف من صنعه القديم الدال
ويا فاطر الرشاد ويا ملهم السداد
ويا بارئ العباد ويا محيي البلاد
حرف ويا فارج الهموم الذال
ويا من به اعوذ ويا من به الوذ
ومن حكمه النفوذ فاصلب [illegible]
حرف تباركت من حليم الراء
ويا مطلق الاسير ويا جابر الكسير
ويا مغني الفقير ويا عادي الصغير

[illegible]

حروف السين
ومن حمد وانس لذكر المجالس
القلب عنه معرض ومن حرم حرس
حرف وسبطها الرحيم الشين
ويا منزل الغيث على النابت الحرش
والافراح في العطاش من الغيم [illegible]
حرف تقدست من عليم الصاد
ويا مالك النواصي للخلائق العواص
فاعف من ناصيتي لعيدي الخلاص
حرف لناصري لا عظيم الضاد
ويا خير مستعاض بحمل اليقين [illegible]
بما هو [illegible] من [illegible]

مقابل

حرف تعاليت من عظيم الطاء
ويا من به احيط وفتا الاذى يحط
ومن ملكه البسط ومن عدله القسط
حرف على القوي والاسم الظاء
ويا رازق اللحوظ ويا سامع اللفوظ
ويا قاسم الحظوظ بالصيانة الحفظ
حرف بعدل من الفتوح العين
ويا من هو السميع ومن حسنه الرفيع
ومن خلقه البديع ومن جاره المنيع
حرف من الظالم الفتوح الغين
يا من حبا فاسبغ ما قد حبا صبغ

[illegible]

حرف حبيبنا كريم القاف
ويا من سمى الحق على كل مخلوق [illegible]
ومالنا بحل الى [illegible] فاسبغ النوع
حرف من الحي والحي الكاف
توالي ولا اراك ولا رب ليحيي
فلك الى هذا السر ولا تسنيد [illegible]
حرف تيوصفك السوم اللام
ويا متعلي الجلال وذا العز والجمال
وذا الكبرياء والحال وذا المجد والنوال
حرف تعاليت من رحيم الميم
اجرني من الجحيم ومن هولها الاثيم

[illegible]

الى جنة النعيم حروف الواو
الى خيره وطهر [illegible]
ولا بادكاد حجي ولا باعتداد [illegible]
حروف سقيم ولا عليم الهاء
الى السطر القربة الدنيا [illegible]
هنيئا لما كينة [illegible]
حروف ذوي المدخل الكريم اللام الف
الى منزل تعالى بالحسن قد تلالا
بالنور قد دنا الى [illegible]
حروف قد حفنا التنيم الياء
الى القربة [illegible] لا الكبر [illegible]

إلى الملك الشهير إلى المرء الحكيم
من التسلسل الحميم
[illegible]
لئن يمضي عقيب تعد خاتم
على أربابها مثل السنان المقوم
وبينهم قميص أبيض ثم سلم
إلى كل مأمول ولبس بسلم
وأربعة مثل الأصابع صففت
تشير إلى الجراب من غير معصم
وهاتيك قوس ثم وتر مقوس
عليها إذا ابتدأ كأنبوب محجم

[illegible]
كيفية المرء ليس المرء يدركها
فكيف كيفية الجبار في القدم
هو الذي أنشأ الأشياء مبتدعا
فكيف يدركه مستحدث النسم
[illegible]
كم من أديب فطن عالم
مستكمل العقل مقل عديم
ومن جهول مكثر ماله
ذلك تقدير العزيز العليم
[illegible]

فقد كان آدم والخلائق في العدم
[illegible]
قال المنجم والطبيب كلاهما
لن تحشر الأموات قلت إليكما
إن صح قولكما فلست بخاسر
إن صح قولي فالخسار عليكما
[illegible]
ما الدهر إلا يقظة ونوم
وليلة بينهما ويوم
يعيش قوم ويموت قوم
والدهر قاض ما عليه لوم

[illegible]
أنا بالدهر عليم وأبو الدهر وأم
ليس إن الدهر يوما أدبر فيه
فإذا أسرك يوما ففدا ناب همه
[illegible]
فمن يحمد الدنيا لعيش يسره
فسوف لعمري عن قليل يلومها
إذا أقبلت كانت على المرء فتنة
وإن أدبرت كانت كثيرا همومها
[illegible]
[illegible]
إذا كنت في نعمة فارعها

وكن موسرا شئت أو معسرا
فما تقطع العيش إلا بهم
حلاوة دنياك مسمومة
فلا تأكل الشهد إلا بسم
فما يمد دنياك مذمومة
فلا تكسب الحمد إلا بذم
إذا تم أمر دنا نقصه
ترقب زوالا إذا قيل تم
وكم قد ترى في غفلة
فلم يشعر الناس حتى هجم
[illegible]

ولا تحسد على المعروف قوما
وكن منهم تنل دار السلام
وثق بالله ربك ذي المعالي
وذي الآلاء والنعم الجسام
وكن للعلم والطلب في محب
ونافس في الحلال وفي الحرام
وبالعوراء لا تنطق ولكن
بما يرضي الإله من الكلام
وإن كان الصديق فلا تخنه
ودم بالحفظ منك وبالذمام
ولا تحمل على الإخوان ضغنا

وعند الشيخ تضح بين الانام | قد ضاع مفتاحه والباب مختوم | ولبس الحلل الذهب ...

بيان نفاست احسان وكريم و خساست ... | ... | عليك امور ثقل الجبال لا انما

ارى الاحسان عند الحر دينا | لا تظلمن اذا ما كنت مقتدرا | الجاد ... اركان ...

وعند النذل منقصة وذما | فالظلم موقعه يفضى الى الندم | ليبك على الاسلام من كان باكيا

كقطر صار في الاصداف درا | فاحذر دعوة المظلوم ... | فقد تركت اركانه ومعالمه

وفي بطن الافاعي صار سما | كيلا يصيبك سهام الليل في الظلم | لقد ذهب الاسلام الا بقية

... | تنام عيناك والمظلوم منتبه | قليل من الناس الذي هو ...

واذا الطلب الى كريم حاجة | يدعو عليك وعين الله لم تنم | ...

فلقاؤه يكفيك والتسليم | منع ... | ذوى جرم ... ما

فاذا اراد التسليم ذكر الذى | لا تمزحن مع الرجال ان مزحوا | ... وفا تما

خلقه فكانه ملزوم | ... | ويصبح الدهر ... تما

وقد خشيت ان يكون ... تما | اقصر للبلوى ... وحسبه | من قبل العمل ... سليم

لا ... لى ... غما | ... | وصاحب العمل ...

... | خلفنا رجالا للجلد والاهم | يهوى به في وسط الجحيم

لا ابتغ الدهر ... | وتلك القوانين للبكاء والمأتم | شرابه الصديد والحميم

ولا اكون ... | ... ابو طالب ... | هذا صراط الله مستقيم

لا بل ... | ابا طالب عصمة المستجير | ...

فقد اكون للذنوب ... | وغيث المحول ونور الظلم | انى اعطيه ولا ابالى

بالبغى ... منها ... | لقد هد فقدك اهل الحفاظ | فاوثر الله على عيالى

... | وقد كنت المصطفى خير عم | استوا ... وهم ...

مهلا فقد ... | ... | اصغرهم ...

لك الصلوة ... | ... | للقائل الويل مع ...

در وصف ... ملوک و اصحاب ...
از افلاس و احتقار

أشجع بين الهموم والهمم
هموم بحر وهمة الكرم
طوبى لمن نال قدر همته
أو نال عز القنوع بالقسم

مباهات بعلم ابن عم و ... از مردم اجنبی

لقد علم الأناس بأن سهمي
من الإسلام يفضل كل سهم
فأحمد النبي أخي وصهري
عليه الله صلى وابن عمي
وأني قائد الناس طرًّا

كما هرون من موسى أخوه
كذاك أنا أخوه وذا النبي
لذاك أقامني لهم إماما
وأخبرهم به بغدير خم
فمن منكم يعادلني بسهمي
وإسلامي وسابقتي ورحمي
فويل ثم ويل ثم ويل
لمن يلقى الإله غدا بظلمي
وويل ثم ويل ثم ويل
لجاحد طاعتي ومريد هضمي
وويل للذي يشقى سفاها

مباهات ... بر ... عطايا ...

وأقررنا بالنصر والإقدام
ويعود جبريل في أبياتنا
بفرائض الإسلام والأحكام
فنكون أول مستحل حله
ومحرم لله كل حرام
نحن الخيار من البرية كلها
ونظامها وزمام كل زمام
الخائضوا غمرات كل كريهة
والضامنون حوادث الأيام
والمبرمون قوى الأمور بعزمهم
والناقضون مرائر الإبرام

٧٤

في كل معركة تطير سيوفنا
فيها الجماجم عن فراخ الهام
إنا لنمنع من أردنا منعه
ونجود بالمعروف للمعدام
ونرد عادية الخميس سيوفنا
ونقيم رأس الأصيد القمقام

شکوی از ارباب نفاق و اصحاب شقاق

أطلب العذر من قومي فقد جهلوا
فرض الكتاب ونالوا كل ما حرما
حبل الأمانة لي من بعد أحمدنا
كالدلو علقت التكريب والوذما

رجز در شان حارث بن ... و مدح او ...

لاهم إن الحارث بن جبله
كان وفيا فبدا وبدله
أقبل في مهامه مهمله
في ليلة ليلاء مدلهمه
بين رماح وسيوف جمه
يبغي رسول الله فيها غمه
لا بد من يلقى ملمه

مباهات بشجاعت و افعال ستوده
در ... از ...

أنا علم ما إلى السيف بغير فهيم
فلست بمعبد ولا بلئيم

وكنت امرأ أسمو إلى قرن مقرب
وقامت على ساق بغير مليم
أتمّ ابن عبد الدار حتى ضربته
بذي رونق يفري العظام صميم
فغادرته بالقاع فارفضّ جمعه
عباديد من ذي قائظ وكليم
وسيفي بكفي كالشهاب أهزه
أجذّ به من عاتق وصميم
فما زال حتى فضّ رب جموعهم
واتبعت منهم صعدك كل حليم

رجز ... ظریف بن ... و ...

١٤١

اني مظفر بغنم وابن جشم
انا زل الموت اذا الموت جثم
انا ساقي الشفرة محو القسم
وفي الوغا اول ليث مقتحم
انت لحاك الله للبيت ظلم

جواب ابو الفضل ... شاكيه

انا على الرهج دون العلم
مرتهن الحين بوفي الذمم
افضل خير الناس مجدا وكرم
نبي صدق جا وقد علم
اني ساشفي صدرة وانتقم

خطاب ... عمر بن عبد ود

يا عمرو قد لاقيت فارس بهمة
عند اللقاء معاود الاقدام
من ال هاشم من سناء باهر
ومهذبين متوجين كرام
يدعو الى دين الاله ونصره
والى الهدى وشرايع الاسلام
بمهند عضب رقيق حده
ذي رونق يفري الفقار حسام
ومحمد فينا كان جبينه
شمس تجلت من خلال غمام

رجز ... فارس ...

يا ايها الجاهل بالترغم
ماذا تريد من فتى غشمشم
ادرع مفضال هصور بهقم
ماذا ترى بنازل معصم
وقاتل الفرد الجري المقدم
والله لا اسلم حتى تخترم

جواب ... نظار

ابعث لحاك الله انت تسلم
لوقع سيف مجهز في خضرم
تحمله يمنى بنان المعصم

اجبى

احمي به كتائبي واجتني
اني وبيت الحجر المكرم
قد جعلت لله لحمي ودمي

خطاب ... نبغ ظفر يكر

هذا لكم من الغلام الهاشمي
من ضرب صدق في ذرى الجماجم
ضرب يفلق شعر الجماجم
بصارم ابيض اي صارم
احمي به كتائب الفاطم
عند مجال الخيل بالاقادم

... كال ...

خطاب ... بعجل ... از شتاب وعجل

لا تعجلن واسمعن كلامي
اني وبيت الله ذي الصيام
اذا المنايا اقبلت خيامي
حلت حل الاسد الضرغام
يا ابن ... حسام
يجد قطع اللحم والعظام

خطاب ... بعزم ...

اما والله ان الظلم شوم
ولا زال المسيء هو الظلوم
الى الديان يوم الدين نمضي

من الدنيا وينقطع الهموم
لامر ما تصرفت الليالي
لامر ما تحركت النجوم
سل الايام عن امم تقضت
ستخبرك المعالم والرسوم
تروم الخلد في دار المنايا
فكم قد رام مثلك ما تروم
تنام ولم تنم عنك المنايا
تنبه للمنية يا نؤوم
لهوت عن الفناء وانت تفنى
فلا شيء من الدنيا يدوم

تموت غداً وأنت قريب عهدٍ
من الخطاب في لجج تعوم

خطاب على ابن عمه ومعاش بمناقب غالبه

محمد النبي أخي وصهري
وحمزة سيد الشهداء عمي
وجعفر الذي يضحي ويمسي
يطير مع الملائكة ابن أمي
وبنت محمد سكني وعرسي
منوط لحمها بدمي ولحمي
وسبطا أحمد ولداي منها
فأيكم له سهم كسهمي

[illegible]

وأوصاني النبي على اختيار
لأمته رضى منكم بحكمي
ألا من شاء فليؤمن بهذا
وإلا فليمت كمداً بغمِّ
أنا البطل الذي لم تنكروه
ليوم كريهة أو يوم سلم

[illegible]

فلو أني المحصب [illegible]
إلى ركن اليمامة أو شآم
ولكني إذا أبرمت أمراً
[illegible] الطعام

[illegible]

جباه لنا بأعقل الموت [illegible]
تراه إذا ما كان يوم كريهة
أبى غيره الإمرة [illegible]
وأحمل صبراً حين [illegible]
إذا كان أصوات الرجال [illegible]
وتقصف عنك [illegible]
لنعج حتى أورد [illegible]
ونادت حلام بالمدعج [illegible]
جزى الله عنا [illegible]
أما تتقون الله [illegible]
وما قرب الرحمن منا [illegible]

جزى الله همدان [illegible]
لدى الموت قدماً ما أعز وأكرما
وبيجلة أيضاً إنهم أهل نجدة
وباسوا ذا الأمر [illegible]
إذ قال ابن هند [illegible]
بأسيافنا حتى تولى وأحجما
وقلت ينادي [illegible] ابن ظالم
وذا الكلع يدعو كرباً وأنعما
وعمراً وعماناً [illegible]
وحوشب والداعي معاً [illegible]
وكرداً ابن نبهان [illegible]

[illegible]

فأقبل [illegible] في السماء كأنه
غمامة دجن [illegible]
ونادى ابن هند [illegible] الكلاع [illegible]
وكندة في لخم وحي جذام
تيممت همدان الذين هم هم
إذا ناب أمر جنتي وسهامي
وناديت فيهم دعوة فأجابني
فوارس من همدان غير لئام
فوارس من همدان ليسوا بعزل
غداة الوغى من شاكر وشبام
ومن أرحب الشم المطاعين [illegible]

[illegible]

إذا اختلف الأقوام [illegible]
يقودهم حامي الحقيقة منهم
سعيد بن قيس والكريم [illegible]
فخاضوا لظاها واصطلوا [illegible]
وكانوا لدى الهيجا كشرب مدام
جزى الله همدان الجنان فإنهم
سمام العدى في كل يوم خصام
لهمدان أخلاق ودين يزينهم
ولين إذا لاقوا وحسن كلام
متى تأتهم في دارهم لضيافة
تبيت عندهم في غبطة وطعام

أتأمرُ صفوانَ النبيَّ وَدَ هطله
سواعُ لَما لهجاء غير كهاء
إذا كنتُ قوّاماً على بابِ جنّة
أقول لهمدانَ ادخلوا بسلام

حكايت كلمات نظمة مفيدة ولها
شرف جمع حسب

فضربته بالسيف وسط الهامة
بشفرة صارمة هذا مه
فبتكت من جسمه عظامه
وبينت من أنفه إرغامه
أنا علي صاحب الصمصامة
وصاحب الحوض لدى القيامة

هيبة هاشم وبالد مجتبا آينه
كرسيًا انتهاد بافتد دوقيه

جزى الله خيراً عصبةً أي عصبة
حسان وجوه صرعوا حول هاشم
شقيق وعبد الله منهم ومعبد
ونبهان وابنا هاشم ذي المكارم
وعروة لا يبعد فقد كان فارساً
إذا الحرب هاجت بالقنا والصوارم
إذا اختلف الأبطال واشتبك القنا
وكان حديث القوم ضرب الجماجم

ضربته سلطة من وحشيته ماد
خودن القنا أرباب حسب

فما ظلّي وأنا جلده حازم

والأزد حين تعد لنا دعائم
والحق في الناس قديم دائم

الهار بلال وانه كما از ...
قبلة شيبان

وسحت على شيبان فلم تحبني
تعز على ما ألقت شبام

مدت جوانب ما ... ب
بين الحمدان جب

وأبعد من حلم وأقرب من جنا
وأحمد بنوا أنا وأبدل اجما
موالي آبائي من وطئ الحصا
موالي بقين لا أنوف ولا فما
فما سبقوا قوماً بوتر ولا دم

ولا تعصوا وتراً ولا أدركوا دما
ولا قام منهم قائم في جماعة
ليحل صنيما أو ليدفع مغرما

انهال وصانا بأحوساجا

إلهي أنت ذو فضل ومنّ
وإني ذو خطايا فاعفُ عنّي
وظنّي فيك يا ربي جميل
فحقق يا إلهي حسن ظنّي

مصرع ومناجات سعرتباري

إلهي لا تعذبني فإني
مقرٌّ بالذي قد كان منّي

فلم أر الناس مخبراً وإني
لست الناس إن لم تعف عني
وبين يدي محتبس طويل
كأني قد دعيت له كأني
أجنّ بزهرة الدنيا جنوناً
وأفني العمر فيها بالتمنّي
فلو أني صدقت الزهد فيها
قلبت لأهلها ظهر المجنّ

خصصة الغبا ... حسن

ومن كرهت طبائعه تحلّى
بآداب متصلة حياة ...

فإن عضدت بك الأيام فاصبر
وكن بالله محمود المعاني
ولا تك شاكياً في نار ذل
فإن الذل تعرف بالهوان
وإن أولاك ذو كرم جميلاً
فكن بالشكر منطلق اللسان

المعينة كمسلم ... وعضبا
ما دبت

الصبر مفتاح ما يرجى
وكل خير به يكون
فاصبر وإن طالت الليالي
فربما طا وع الحرون

ودع التمايل بالاصطياد | ولا تدع السكون متى يكون | فانما الامر بين الكاف والنون
ما قيل هيهات لا يكون | شكايت از بی‌وفایی روزگار و دعوی تحمل و اصطبار | إن الذي أنت ترجوه وتامله
[illegible] | تنكر لي دهري ولم يدر أنني | من البرية مسكين ابن مسكين
لا تكره المكروه عند نزوله | أعز وأحداث الخطوب تهون | ما أحسن الدين والدنيا إذا اجتمعا
إن الحوادث لم تزل متباينة | فظل يريني الخطب كيف اعتداؤه | لا بارك الله في الدنيا بلا دين
كم نعمة لم تستقل بشكرها | وبت أريه الصبر كيف يكون | لو كان باللب يزداد اللبيب غنى
لله في طي المكاره كامنة | [illegible] | لكان كل لبيب مثل قارون
[illegible] | الدهر أدبني واليأس أغناني | لكنما الرزق بالميزان من حكم
هون الأمر تعش في راحة | والقوت أقنعني والصبر رباني | يعطي اللبيب ويعطي كل مأفون
قل ما هونت إلا سيهون | وأحكمتني من الأيام تجربة | [illegible]
ليس أمر المرء سهلا كله | حتى نهيت الذي قد كان ينهاني | ما لا يكون فلا يكون بحيلة

أبدا

أبدا وما هو كائن سيكون | [illegible] | هذا زمان هكذا أهله
سيكون ما هو كائن في وقته | ن وادخلتها المخرج منها | بالود لا يصدقك إنسان
وأخو الجهالة متعب محزون | [illegible] | يا أيها المرء كن مفردا
[illegible] | [illegible] | دهرك لا تأنس بإنسان
حظا ويحظى عاجز ومهين | [illegible] | [illegible]
[illegible] | دنيا تحول بأهلها في كل يوم مرتين | لا تأمنن على النساء أخ أخا
إذا المرء لم يرض ما أمكنه | [illegible] | ما في الرجال على النساء أمين
ولم يأت من أمره أزينه | [illegible] | كل الرجال وإن تعفف جهده
وأعجب بالعجب [illegible] | هذا زمان ليس إخوانه | لا بد أن بنظرة سيخون
[illegible] | يا أيها المرء بإخوان | والقبر أوفى من وثقت بعهده
[illegible] | إخوانه كلهم ظالم لهم | ما للنساء سوى القبور حصون

[illegible]

[illegible]

لئن حلفت لا تنقض الناس عهدها
فليس لمخضوب البنان يمين
وإن هي أعطتك الليان فإنها
لغيرك من خلانها ستلين
تمتع بها ما ساعفتك ولا تكن
عليك شجى في الصدر حين تبين

[illegible]

قالوا احتسبك ...
وأنت ذو ولد في الحجر
فقل قد تحمل الماء الطهور

تلاد المعرجي بابي ...
ولا المعرجي ولو عاشا ...

[illegible]

يا قوم لا تزهدوا في غيره أبدا
إن الغريب غريب حيثما كانا

[illegible]

لولا الذين لهم ورد يقومونا
وآخرون لهم سرد يصومونا
لدكدكت أرضكم من تحتكم
لأنكم قوم سوء ما تطيعونا

[illegible]

فقال بما هوى يكن تكلما
يقال ليتني كان الا ...

[illegible]

نحن الكرام بنو الكرام
وطفلنا في المهد يكنى
إنا إذا قعد اللئام
على بساط العز قمنا

[illegible]

الأخذ وعد موسى ...
ووضع أصل الكتاب ...
وسكنا ... قد هدها

واميح

وأدرج بين ذي الله ...
فما لك لم من هواه قلبي
وقلب جميع من في الخافقين

[illegible]

فاطم ذات المجد واليقين
يا بنت خير الناس أجمعين
أما ترين البائس المسكين
قد قام بالباب له حنين
يشكو إلى الله ويستكين
يشكو إلينا جائعا حزين
كل امرئ بكسبه رهين

شرابه الحميم والغسلين
يمكث فيه الدهر والسنين

[illegible]

أمرك سمع يا ابن عم وطاعة
أطعمه ولا أبالي الساعة
أرجو إذا أشبعت ذا المجاعة
أن أدخل الخلد ولي شفاعة

[illegible]

أين تذكر قوم غير مطعون
أضحت مكنيا تبكي لحزون

الأمر ونقاتل ...
إنا غضبنا لعثمان بن مظعون
أن يظلمون ولا يخشون مغلقة
... ولا تعرفوا غير موهون
... غير مغبون
أو ينتهون عن الأمر الذي فعلوا
... بالقدر
وتمنع الضيم من يرجو هضيمتنا
بكل مطرد في الكف مسنون
... خالطها

تنحى به الكماة من هام الجابين
حتى تقر رجال لا علوم لهم
نعم الصعود بالاسماح واللين
او يومنوا بكتاب منزل عجب
على نبي كموسى او كذي النون
يأتي بأمر جلي غير ذي عوج
كما تبين في آيات ياسين
قد عرف الحرب العوان اني
بازل عامين حديث سني
سنحنح الليل كاني جني

سيفه رسول الله في يميني
وفي يساري قاطع الوتين
وكل من بارزني يجيني
اضربه بالسيف عن قريني
محمد وعن سبيل الدين
هذا قليل عن طلاب العين
اليوم ابلو حسبي و ديني
بصارم تحمله يميني
عند اللقا احمي به عريني

اقم تلن سالك الاسنة
وان للموت عليك جنة
يا قادة الكوفة من اهل الفتن
يا قاتلي عثمان ذاك المؤتمن
كفى بهذا حزنا من الحزن
اضربكم ولا ارى ابا الحسن
انا الامام القرشي المؤتمن
الماجد الابلج ليث كالشطن
يرضى به السادة من اهل اليمن

من ساكني

من ساكني نجد ومن اهل عدن
ابو حسين فاعلمن ابو حسن
الا احذروا في حربكم ابا الحسن
ولا تروموه فما ابن العبن
فانه يدقكم دق الطحن
ولا تخافن في الهياج من قرن
وتعرفن في الناس من ...
اضربكم ولا ارى ابا الحسن
ذاك الذي يطل الى النار

ارى حربا ترى تعلقت ...
ولست اجبا عاطلا الدهر احد
ولست فتى ما بالوغى ...
وقوما لقيا ما ناكل الحق والتلوي
...
ولبس على ... القضا ...
ومن ... الدهر ...
تصبر للبلوى ولم يظهر الشكوى
اضربكم ولا ارى معوية

فقلت يوما لا ترى ما تكره
ولربما استر الفتى فتنافس
بين العيون وانه لمموه
ولربما اخزن الكريم لسانه
حذر الجواب وانه لمفوه
ولربما ابتسم الوقور من الاذى
وفؤاده من حره يتاوه
اصم عن الكلم المحفظات
واحلم والحلم بي اشبه
واني لا ترك حل المقال

لئن لا الحاجب بما أكره
إذا ما اجترت بها الكتف
على ما في أنا الأسقه
فلا تغترر بزي الرجال
وإن زخرفوا لك أو موهوا
فكم من فتى يعجب الناظرين
له ألسن وله أوجه
ينام إذا حضر المكرمات
وعند الدناءة يستنبه

هطابت بهطاب [illegible]

ليس الكريم الذي [illegible]

يا أكرم الخلق على الله
والمصطفى بالشرف الباهي
محمد المختار مهما أتى
من مذنب مستشفع ناهي
فما ذنب له حجة ولا هي
تلبس بالفجور ولا اللاهي
زعيماء الكفر من سفهه
منكسا بالجلد واهي
قل العبد الأدنى بعوث
مع كل ناس نفسه ساهي
سبحانه الجمع على عقبه

والجود غاسلها والفضل بانيها
والبر سايسها والصبر نايمها
والشكر نايبها واللين [illegible]
والنفس تعلم إلا إذا أصادفها
ولست أرشد الأجيرن أعصيها

ذكر صفات [illegible]

ومخترس من نفسه خوف أنه
تكون عليه حجة هي ما هيا
فخلص عن تدبير وأصفو قلبه
لما البر والتقوى فنال الأمانيا
وجانب أسباب السفاهة والخنا

عفافا

عفافا وتنزيها فأصبح ماليا
وصان عن الفحشاء نفسا كريمة
أبت همة إلا العلى والمعاليا
تراه إذا ما طاش ذو الجهل والصبا
حليما وقورا صائن النفس هاديا
له حلم كهل في صرامة حازم
وفي العين إن أبصرت أبصرت ساهيا
يزين صفاء الماء منه بوجهه
فأصبح منه الماء في الوجه صافيا
سيوروا على [illegible]
كفى ما لإسراء القصير [illegible]

مدح [illegible]
قناعت [illegible]

النفس تجزع أن تكون فقيرة
والفقر خير من غنى يطغيها
وغنى النفوس هو الكفاف فإن
أبت فجميع ما في الأرض لا يكفيها

[illegible]

الفوز في النفوس والفقر [illegible]
إن تجرأت فقل ما يجر بها
على النفس بالقنوع وإلا
طلبت منك فوق ما يكفيها
ليس فيما مضى ولا في الذي لم

إذا ما شئت أن تحيى حياة حلوة المحيا
فلا تحسد ولا تبخل ولا تحرص على الدنيا

منع [illegible]

إذا أطماعك أكف الرجال
كفتك القناعة شبعا وريا
فكن رجلا رجله في الثرى
وهامة همته في الثريا
أبيا لنائل ذي ثروة
تراه بما في يديه أبيا
فإن إراقة ماء الحيوة
دون إراقة ماء المحيا

صفات نفس ... بالطاعت رضا

لا تعتبن على العباد فإنما
يأتيك رزقك حين يؤذن فيه
سبق القضاء بوقته فكأنه
يأتيك حين الوقت أو تأتيه
فثق بمولاك الكريم فإنه
للعبد أرأف من أب ببنيه
واقنع بذاك ولكن لفقرك [illegible]
تقضي حياتك وأنت لا تبديه
فالحر يجعل حاجة [illegible]
فكأنه من نفسه يخفيه

الا التي كان قبل الموت يبنيها
فإن بناها بخير طاب مسكنها
وإن بناها بشر خاب بانيها
أين الملوك التي كانت مسلطنة
حتى سقاها بكأس الموت ساقيها
لكل نفس وإن كانت على وجل
من المنية آمال تقويها
فالمرء يبسطها والدهر يقبضها
والنفس ينشرها والموت يطويها
أموالنا لذوي الميراث نجمعها
ودورنا لخراب الدهر نبنيها

لكان الموت راحة كل حي
ولكنا إذا متنا بعثنا
ونسأل بعده عن كل شي

آمده و كردن عدم از خطاب ...

[illegible]
[illegible]

شكايت ... از بي‌وفائي ...

عجبا للزمان في حالتيه
وبلاء دفعت منه إليه
رب يوم بكيت منه فلما
صرت في غيره بكيت عليه

برانگيختن

برانگيختن نفس بجانب عبادت ... سعادت

يا نفس قومي فقد قام الورى
[illegible]
وأنت يا عين دعي عني الكرى
عند الصباح يحمد القوم السرى

استدلال ...

من لم يكن عنصره طيبا
[illegible]

[illegible]

[illegible]

وادعني لما استهل منادبا
[illegible]
[illegible]
[illegible]
وكان خليلي [illegible]
فوالله ما [illegible]
في العيش يوما ما وجاوزت [illegible]
وكنت من أهبط من الأرض بقعة
[illegible]
[illegible]
[illegible]

هو الليث [illegible]
لبيك رسول الله [illegible]
[illegible]
لبيك رسول الله [illegible]
إذا كان ضرب الهام [illegible]

مفاخرت ... فاطمه و حسن و حسين ...

[illegible]
[illegible]
[illegible]
ولي السبقة في الإسلام [illegible]
ولي القربة [illegible]

نحن بالعلم رتائبه قد ضربتها
فلنا الفخر على الناس بصحبتها
ثم فخري برسول الله اذ زينها
لي مقامات ببدر حين خار الناس
ولاحد وحنين لصولات لها
وانا الحامل للراية حقا نحوها
وانا القاتل عمرا يوم خان الناس
واذا القوم من الحمد تكتبها
واذا نادى رسول الله فخرا
وانا الساقي كاسات الاصفى بها
هذه الله ففي مثلي في العباد بها

[illegible]

يا سامع النجوى دعوة طالب الحمية

خطابكي از اهل عالم اولمشكل
مقصود ابرا بشتاق

اغثنا بكم ولا ارى غيبا
اليه ابغض شر فينا

جواب او بالفاظ [illegible]

يا ايها المتقي علينا
اني اراك خا هلا عجبا
قد كنت من لقا بعيدا
هل قادر منهما الباقي

[illegible]

وكم لله من لطف خفي

[illegible]

وتأتيك المسرة بالعشي
اذا ضاقت بك الاحوال يوما
فثق بالواحد الفرد العلي
توسل بالنبي فكل خطب
يهون اذا توسل بالنبي
ولا تجزع اذا ما ناب خطب
فكم لله من لطف خفي

[illegible]

اسماء شهور	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

... اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا ... صلى الله عليه و آله و سلم ...

[illegible]

عدد آيات كلام الله مجيد

[illegible]

قد تشبثت من الجنتين بحبل و تعلق

[illegible]

ومن الشيخ العقل المستحق لا مري

[illegible]

[illegible]

هذه رسالة الموسومة بسم الله الرحمن الرحيم بمظاهر المحمودية في معرفة تجويد الكلام الالهية

الحمد لله الذي انزل القرآن [illegible]

ووردت في صحاح الاخبار والروايات [illegible]

والآيات والحروف [illegible]

[illegible]

و نیز فرموده اند که قرآن عروة الوثقی و ریسمان محکم خداست [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] قل لئن اجتمعت الجن والانس علی ان یأتوا بمثل هذا القرآن
لا یأتون بمثله [illegible] قرآن مجید [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] كان خلقه القرآن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
من القرآن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] القرآن [illegible]
و القرآن [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

هم بکند فقط معنی ترتیل [illegible] حفظ وقوف [illegible] صفات [illegible] حروف [illegible] معلوم است ترتیل [illegible]

[illegible] الفاظ و کلمات [illegible]

[illegible] ترتیل [illegible] قراءت و تقویم [illegible]

[illegible] حروف [illegible] صفات [illegible]

[illegible] ترتیل [illegible] حروف [illegible]

[illegible] قرآن خواندن است [illegible] قرآن خواندن است و تقویم [illegible]

[illegible]

١٥٣

[illegible]

القرآن [illegible]

[illegible] قرآن [illegible]

١٥٤

[illegible]

من لم يتغن بالقرآن [illegible]

[illegible]

مطلب دوم [illegible]

[illegible]

شده ... [illegible] ... الف ... مثل این ... [illegible] ... است مثل و اقا الشجره ... [illegible]

... [illegible] ... الذین ... [illegible] ... نون الف ... الف ... [illegible]

سکون ... المغضوب ... [illegible] ... سکون میم ... [illegible]

و ... [illegible] ... سوره ... [illegible] ... الف ... [illegible]

... [illegible] ... است ... [illegible] ... الف ... [illegible]

و استعمال الف ... [illegible] ... الف ... عاصم ... [illegible]

... [illegible] ... الف ... الف ... [illegible] ... یعقوب ... [illegible]

... [illegible] ... الف ... [illegible] ... تحقیق ... [illegible]

... [illegible] ... الصاد ... حمزه ... [illegible] ... یعقوب ... [illegible]

... [illegible] ... قرآن ... [illegible] ... قراءت ... [illegible]

... [illegible] ... یعقوب ... [illegible] ... اجماع ... [illegible]

... [illegible] ... قراءت ... [illegible] ... قراءت ... [illegible]

... [illegible] ... قراءت ... [illegible] ... حمزه ... [illegible]

... [illegible] ... قراءت ... [illegible]

قراءت ... [illegible] ... قرآن ... [illegible]

... [illegible] ... قراءة القرآن ... [illegible]

... [illegible] ... تحقیق ... [illegible]

[illegible]

حرکت ... [illegible] ... وقف و وصل ... [illegible]

... [illegible] ... قراءت ... [illegible]

... [illegible] ... قراءت ... [illegible]

... [illegible] ... وقف ... [illegible] ... قراءت ... [illegible]

... [illegible] ... علم قراءت ... [illegible]

... [illegible] ... قواعد ... [illegible] ... کلام ... [illegible]

القرآن ... [illegible]

... [illegible] ... ذلک فضل ... [illegible]

... [illegible] ... قراءت ... [illegible]

... [illegible] ... قراءت ... [illegible]

... [illegible] ... ابن کثیر ... [illegible]

... [illegible] ... قرآن ... [illegible]

... [illegible] ... قرآن ... [illegible]

... [illegible] ... قراءت ... [illegible]

... [illegible] ... یعقوب ... [illegible]

... [illegible] ... قراءت ... [illegible]

... [illegible] ... قراءت ... [illegible]

ختم قرآن در [illegible] ختم کرده و در [illegible] سال [illegible] از حسن [illegible] و ابن معین [illegible]
عاصم روایت حفص ابن سلیمان المغیرة الاسدی الکوفی [illegible] شعبه [illegible] سال [illegible]
روایت کرده [illegible] روایت حفص [illegible]
[illegible]
[illegible] خشوع و خشیع [illegible] قرآن [illegible]
خضوع [illegible]
[illegible] نظم [illegible] نظم [illegible] پس [illegible] قرآن [illegible]
[illegible] شیطان رجیم [illegible]
قرآن از مصحف و نظر کردن در مصحف [illegible] قرآن [illegible]
پس عبادت است و تعظیم مصحف [illegible] قرائت [illegible] و تدبر در معانی قرآن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فصل [illegible] و تحقیق [illegible]
[illegible] کلام [illegible]
[illegible]
و منظم نظم [illegible]
[illegible] القرآن [illegible]
[illegible]

جز بنام المتقین [illegible] قراءة القرآن [illegible] وتشرح الصدور وتنیر القلوب وقال الباقر
[illegible] وقال الله تعالی [illegible] افلا یتدبرون القرآن
[illegible]
[illegible] القرآن [illegible]
[illegible]
[illegible]
نظم حال از زبان دوست شنیدن چه خوش بود * یا از زبان آنکه شنید از زبان دوست * [illegible] احوال [illegible]
و گاهی احوال دوستان خود [illegible] نظم [illegible]
گر [illegible] دوستان [illegible] احوال [illegible]
[illegible]
از روی [illegible] قرآن خوانده [illegible]
در [illegible] قرآنی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible] عوض ... تحت ... [illegible]

در غیر موضع سجده البته باید [illegible] [illegible] از [illegible]

این معنی [illegible] اعوذ [illegible] اعوذ بالله [illegible]

[illegible] اعوذ [illegible] قول [illegible] اعوذ [illegible]

[illegible] قرائت [illegible]

[illegible] قرآن خواندن [illegible]

[illegible] نزد [illegible] [illegible] الشیطان الرجیم [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible] مفاتیح الغیب [illegible] سوره [illegible]

[illegible] امیر المؤمنین [illegible]

[illegible] از قرآن مجید [illegible] سوره [illegible]

[illegible] سوره [illegible]

[illegible] سوره [illegible] بسم الله [illegible]

[illegible] شیطان [illegible] الشیطان الرجیم [illegible]

[illegible] سوره [illegible]

[illegible] سوره [illegible]

بنیز بسمله را اعاده کنند ... از سوره توحید ... [illegible] ... جایز است

و اما ... مثل سورهٔ ... [illegible] ... سوره ...

توحید ... [illegible] ... سوره ...

سوره فیل و سوره قریش و در ... سوره والضحی و سوره الم نشرح ... بسمله ... [illegible]

... جایز ... ممنوع است ... [illegible] ... بسمله ... از اول سوره ...

اول سوره ... [illegible] ...

افتتاح ... استعاذه ... بسمله ... سوره ... [illegible]

سوره ... [illegible] ...

... [illegible] ... بسمله ... سوره ... وصل ...

استعاذه بسمله سوره	
[illegible]	٥ ٥ ٥
[illegible]	ـ ـ
[illegible]	ـ ٥ ـ
ممنوع	ـ ـ ٥

... [illegible] ... سوره توحید ...

... [illegible] ... سوره ...

... [illegible] ... سوره توحید ...

... [illegible] ... سوره ...

من ... [illegible] ... سوره ... قرآن ...

الکتاب ... الفاتحة ... البقرة و آل عمران ... المائدة ... الانفال ... سورة

... التوبة ... [illegible] ... سورة ...

... سورة ... [illegible] ...

سورة ... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ... سورة ... [illegible]

الملك ... سورة ... [illegible]

و سورة ... [illegible] ... سورة ...

... [illegible] ...

القرآن ... [illegible] ... سورة ...

سورة ... الثالث ... [illegible] ... الرابع ... [illegible]

الخامس ... السادس ... [illegible] ... السابع ...

... [illegible] ... الثامن ... [illegible] ... التاسع ...

... [illegible] ...

... [illegible] ... سورة ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ... ابن عباس ... سورة ... [illegible]

من ... [illegible] ... سورة الانعام ... [illegible]

... [illegible] ... سورة ... [illegible]

[illegible]

در بیان مخارج حروف و صفات آن [illegible]

[illegible]

یازدهم [illegible] نون [illegible]

[illegible] حروف [illegible] نطع [illegible]

[illegible] دوازدهم [illegible]

[illegible] سیزدهم [illegible]

[illegible] نطع [illegible] چهاردهم [illegible]

[illegible] نطع [illegible]

[illegible] پانزدهم [illegible]

[illegible] شانزدهم [illegible]

[illegible] نطع [illegible]

[illegible] هفدهم [illegible] میم و نون [illegible]

[illegible]

[illegible] بین بین یعنی بین الهمزة والالف وبین الهمزة والواو وبین الهمزة والیاء [illegible] القانتا [illegible]

[illegible]

[illegible] الصلوة والطلاق [illegible]

و الاسی ... دندان پس آن ها بر چهار قسمند **اول** ثنایا و آن چهار است دو از زیر و دو از بالا **دوم** رباعیات و آن نیز چهار است دو از زیر و دو از بالا متصل به ثنایا **سیم** انیاب و آن نیز چهار است متصل به رباعیات **چهارم** اضراس و آن بر سه قسمت **اول** ضواحک و آن چهار است از هر طرفی یکی **دوم** طواحن و آن [illegible] از هر طرفی شش دندان سه از زیر و سه از بالا **سیم** نواجذ و آن [illegible] و این ها دندان عقل نیز گویند [illegible] و آن نیز چهار است دو از زیر و دو از بالا **فقط** [illegible] چهار دندان را [illegible] زیرا که اول ضواحک [illegible] بعد از چهل سال [illegible] شمرده [illegible] و [illegible] در آن است [illegible] **و** [illegible] امتحان حروف آن است که هر حرفی را ساکن [illegible] پیش از آن همزه [illegible] شده [illegible] **قطع** [illegible] و [illegible] مخرج آن حرف را [illegible]

تقریر آن هذا جدول مخارج الحروف

من اقصی الحلق ء ه ا	من وسط الحلق ع ح	من ادنی الحلق غ خ	من اقصی اللسان ق
من اقصی اللسان ک	من وسط اللسان ج ش ی	من حافة اللسان ض	من طرف اللسان ل ط د ت
من اسلة اللسان ص ز س	من اللثة ظ ذ ث	من طرف اللسان و ل ن ر	من الشفة ف و م ب

و اما صفات حروف [illegible] صفات [illegible] صفات مشهوره حروف [illegible] مستعلیه [illegible] ق [illegible]
و [illegible] حروف [illegible] از صفات [illegible] حروف [illegible] از مخرج [illegible]

حروف [illegible] اول مهموسه حروف [illegible] در کلمات [illegible] **فحثه شخص سکت** [illegible] مجهوره [illegible] حروف [illegible]
آواز [illegible] شود [illegible] مهموسه [illegible] حروف مجهوره [illegible] شدیده و آن [illegible] **اجد قط بکت**
[illegible] حروف [illegible] و [illegible] شدیده [illegible] مخرج [illegible]
و حروف [illegible] حروف [illegible] مستعلیه و آن [illegible] **خص ضغط قظ** است [illegible] مستفله
و [illegible] حروف مستعلیه [illegible] ادای [illegible] مستفله [illegible] ادای شود [illegible]
و الف [illegible] **چهارم** مطبقه و آن **صض طظ** است [illegible] زبان [illegible]
[illegible] حروف [illegible] زبان [illegible]
[illegible] **ففتم** از صفات [illegible] **فصل** [illegible]
[illegible] حروف [illegible] مستعلیه [illegible]
[illegible] **و اما صفات** [illegible] حروف **قطب جد** [illegible] آن حروف
[illegible] حروف [illegible]
[illegible] حروف [illegible]
[illegible] حروف [illegible]
[illegible] **الحقیقه** [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حروف [illegible]
[illegible] حروف [illegible]

زبان را در ادای آن مدخلیت و آواز ضعیف و هوائی شود در دهان و در حین ادا [illegible] می باشد و [illegible] حروف [illegible]
هم [illegible] حروف [illegible] رخوت [illegible] سخت [illegible] مطبقه [illegible] و منفتحه [illegible]
[illegible] منفوخه در [illegible] در حین ادا [illegible] می رسد و [illegible] که در ادای آن [illegible]
[illegible] نظم تعقد [illegible] ساکن دان قطب جد [illegible] جوفیه و خفیه [illegible] همزه [illegible]
لام [illegible] صاد و سین و زا صفیره [illegible] اتصال [illegible] میم و را و فا و شین [illegible]
ضاد استطاله و [illegible] شین [illegible] میم و واو و فا [illegible]
در [illegible] حروف [illegible] مستفله [illegible] مستعلیه [illegible]
[illegible] قرآن خواهد شد جدول فی صفات الحروف و هی ذاتیة و عارضیة

المهموسة من الحروف فحثه شخص سكت و ضدها المجهورة	المستعلية خص ضغط قظ و ضدها المستفلة	الشديدة اجد قط بكت و ما بين الرخوة الا لم نرع و هي بينهما	المطبقة صعض طظ و الباقية المنفتحة
المذلقة فر من لب و الباقية المصمتة	الصفات الذاتية و العارضة و هي القلقلة [illegible]	الحروف الصفيرية في الصاد و السين و الزاء	الحروف الغنوية في الميم و النون الساكنين و المشددتين
المكررة في الراء و اللام المكررة في الراء فقط	و التفشي في الشين و عند بعض في الميم و الراء و [illegible]	المستطيلة في الضاد فقط	الهوائية و المدية و اللينة في الالف و الواو و الياء اذا سكنتا و حركة ما قبلهما من جنسهما و الخفيفة و هي الهاء و حروف المد يجمعها كلمة هاوي

جدول صفات الحروف فيها عشر صفات لانها متضادة و يجتمع في كل حرف خمس
صفات و ثاني بعض الحروف صفات لاشية و عارضة كالصفير و الاستطالة و القلقلة و غيرها

همزة	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ث	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
خ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ذ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
س	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ش	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ص	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ض	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ظ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
غ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ف	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ق	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ك	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
م	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ن	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ي	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

می خواهم از برای عزیزان دل ثابت ❊ تعیین کنم صفات حروف مقطعات

[illegible] مذکور [illegible] مخارج و صفات ممیزه [illegible] لازم [illegible]
[illegible] مطلب عظیم [illegible]
[illegible] نون [illegible] ساکن [illegible] حرف [illegible]
ح غ خ [illegible] حروف [illegible] مثل [illegible] من امن [illegible] الغفور [illegible]
و مثل عین [illegible] من عمل اجر عظیم و مثل [illegible] من حکیم حمید و مثل غین فسینغضون من غل [illegible]
و مثل خا و المنخنقة من خیر خبیر [illegible] نون ساکن و تنوین در قرآت [illegible]
[illegible] النون [illegible]

وغنه صوت شبیه بصوت الغزال اذا ضاع ولدها مثل من یابنه عذاب بحر بیه و من ماء مهین و من ولی ولا و من [illegible]
باتفاق چنانکه قواعد القرآن است لاکن خلف آنرا ادغام بلا غنه می کند و نون مشدده نیز همین حکم دارد و در لام و را بلا غنه است [illegible]
[illegible] ان و من لدن لهم و من ربهم و در قنوان و صنوان و بنیان و دنیا اظهار باید کرد تا رفع اجتماع حروف [illegible]
عدم اشتباه [illegible] و قلب است با میم مثل من بعد و سمیع بصیر و مراد از قلب آن بدل کردن میم و نون ساکن است با میم [illegible]
با غنه [illegible] است [illegible] چون نون ساکن و با در جوار [illegible]
[illegible] ادغام و اظهار [illegible] حروف [illegible] اخفا است [illegible]
تنوین و نون ساکن است نزد این حروف [illegible] که ت ث ج د ذ ز س ش ص ض ط ظ ف ق ک و این [illegible]
اول [illegible] نظم [illegible] زده شد [illegible] ضع [illegible]
جنات تجری [illegible] من [illegible] فلا [illegible] من [illegible]
ذال اندر [illegible] من ذکر [illegible] انزل [illegible] من [illegible]
شین [illegible] من شاء [illegible] من [illegible] القسم [illegible]
من قبل [illegible] اخفا [illegible]
میان ادغام و اظهار [illegible] حروف [illegible]
و نزد حروف [illegible] ادغام [illegible] اظهار [illegible]
[illegible] الاخفا حال بین الادغام و الاظهار [illegible] غنه [illegible]
حکم نون ساکن و تنوین [illegible] اخفا [illegible] ادغام [illegible]
[illegible] اظهار [illegible] اخفا [illegible]
ساکن [illegible] ادغام [illegible] حکم دارند [illegible]
باید کرد [illegible] شیخ محمد جزری [illegible] اظهار [illegible]

و نزد [illegible] اخفا [illegible] اظهار [illegible]
میم ساکن [illegible] اخفا [illegible] اظهار [illegible]
تالی آیه از سجده [illegible] سجده [illegible]
[illegible] سجده [illegible] سوره النجم و اقرأ [illegible] سجده
[illegible] سجده [illegible]
[illegible] سجده [illegible] لا اله الا الله [illegible] لا اله الا الله [illegible]
[illegible] الاستکفاف و لا استکبار [illegible] سجده [illegible]
[illegible] در بیان تفخیم و ترقیق [illegible]
[illegible] ترقیق [illegible] تفخیم و تغلیظ [illegible]
تفخیم [illegible] استعلا [illegible] تغلیظ [illegible] حروف مستعلیه [illegible] لام جلاله [illegible]
[illegible] تفخیم [illegible] تغلیظ لام [illegible]
[illegible] الصلوة [illegible] الطلاق و طلع [illegible] ظلم [illegible] ترقیق [illegible]
[illegible] تفخیم [illegible] ترقیق [illegible]
[illegible] تفخیم [illegible]
[illegible] حروف مستعلیه [illegible] قرآن مجید [illegible]
[illegible] کل فرق [illegible]
[illegible] تفخیم [illegible] ترقیق [illegible]
[illegible] اللفظ مرقق [illegible] تفخیم [illegible] ترقیق [illegible]
الف تفخیم و ترقیق [illegible] صالح [illegible] و الله [illegible]

را اگر بجز شد تا ... که تفخیم کرده شود و حروف مطبقه المطبق چهار است ... اطباق ... [illegible]

و تو ... صفت مستفله ... آن در نخلقکم ... [illegible] ... اعتبار ... [illegible]

... صفت مستعلیه ... و ... [illegible] ... قرآن ... [illegible]

... شده ... [illegible] ... در این جا ... [illegible]

... در قرآن ... [illegible] ... الا ... [illegible]

... اقرؤا القرآن بلحون العرب واصواتها ... [illegible]

... الالف ... [illegible] ... الیا ... [illegible]

... بین ... التفخیم ... [illegible]

... [illegible]

... نزل القرآن بالتفخیم ... [illegible] ... دوم

... قرآن ... [illegible] ... کلام ... [illegible]

... المشرکین ... التفخیم ... [illegible] ... الفتح ... [illegible]

... قرآن ... [illegible]

آن ساکن باشد ... [illegible] ... الملک ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

سوره ... [illegible]

... [illegible] ... قرآن ... [illegible]

... [illegible]

مفرده ... [illegible] ... ساکن ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... ادغام ... [illegible]

... ساکن ... [illegible] ... ادغام ... [illegible]

... ساکن ... [illegible] ... ادغام ... [illegible]

... [illegible] ... ادغام ... [illegible]

... [illegible] ... ادغام ... [illegible]

... ادغام ... [illegible] ... الرحیم ... [illegible]

... ادغام ... [illegible] ... ادغام صغیر ... [illegible]

... نخلقکم ... ادغام صغیر ... [illegible] ... ادغام کبیر ... [illegible]

یوسف ... [illegible] ... ادغام ... [illegible]

... ادغام صغیر ... [illegible]

... [illegible] ... یوسف ... [illegible]

ادغام ... [illegible] ... ادغام ... [illegible]

... [illegible]

... ادغام ... نخلقکم ... [illegible]

... ادغام ... [illegible]

... ادغام ... [illegible]

... [illegible] ... قرآن ... [illegible]

در روایت کبرا ادغام نون حفص علی شیء و القران و ن والقلم را در واو در حالت وصل لکن در وقف اظهار روا داشته است و بروایت
حفص اظهار است نظم دال در تا و ذال در ظا و طا در تا و دال [illegible] یعنی اگر کسی [illegible] مدغم اندر جیم و ذال [illegible]
[illegible] مدغم ذال [illegible] و القد [illegible] است قاف مخفی با ثبوت و سبب استعلای قاف [illegible] می شود ادغام [illegible]
[illegible] لام قبل را مدغم اندر راست [illegible] حفص را ادغام [illegible] نون [illegible] و همه قرا [illegible]
را در حروف شمسیه ادغام کرده اند [illegible] و همه حروف قمریه اظهار است [illegible]
الشمس [illegible] حروف شمسیه و قمریه [illegible] التواب [illegible]
السلام الشاهد [illegible] الضالین [illegible] نظم لام [illegible]
حفص با اظهار نون [illegible] و [illegible] ادغام [illegible]
مجتهدین [illegible] مظهر [illegible] حروف [illegible] و همزه محققه و مخففه [illegible]
قرآن [illegible] حرف [illegible] ساکن [illegible]
[illegible] قسم است لازم و واجب و جایز لازم آنست [illegible] لازم باشد [illegible]
[illegible] و اجب آنست که [illegible] جایز [illegible]
حروف [illegible] که [illegible] جایز آنست که [illegible] نزد جمیع قراء و آن در وقت که [illegible]
از همزه منفصل باشد نظم واو و یای ساکن [illegible] الف [illegible] حرف [illegible]
او [illegible] باشد [illegible] چون [illegible]
[illegible] بسبب [illegible] همزه مقدم باشد از [illegible] مثل امن و اوتی و ایمانا
[illegible] روایت [illegible] باشد از [illegible] کلمه [illegible]
واجب [illegible] جماعه [illegible] لازم [illegible]
واو [illegible] در کلمه [illegible] منفصل [illegible]

قراء ایشان

و اختلاف [illegible] قالوا امنا [illegible] نظم [illegible] الف [illegible] همزه [illegible]
[illegible] منفصل [illegible] سکون [illegible]
[illegible] و لا الضالین [illegible] لازم [illegible] سکون عارضی باشد [illegible] جایز [illegible]
و یعلمون و نستعین در حالت وقف [illegible] انواع [illegible]
و شبهه [illegible] منفصل [illegible] قالوا امنا [illegible] الا حلله و امرو
[illegible] ساکنین باشد [illegible] و لا الضالین [illegible]
[illegible] نستعین [illegible] لازم [illegible] حروف مقطعه [illegible]
باشد [illegible] حرف [illegible]
مقطعه [illegible] حرف عین [illegible]
[illegible] قرا [illegible]
باشد [illegible] قرائت حمزه [illegible]
[illegible] توحید مثل لا اله الا الله [illegible]
[illegible] الف [illegible]
الف [illegible] ضعیفست [illegible] الف [illegible]
[illegible] بالشاهد [illegible]
[illegible] همزه [illegible] ضعیف [illegible]
ضعیف [illegible] سکون [illegible]
[illegible] قراءت [illegible] الم الله [illegible] آل عمران [illegible]
[illegible] قراء [illegible] باشد [illegible]

در شش حرف همزه از عاصم اول تر است و عاصم از [illegible] ق نون از نافع و قصر ابو عمرو و ابن کثیر از همه کمتر
تر است فنظم عین را طول وسط در مریم و شوری بود میم را در آل عمران است مع قصر و قد و مد اکمل و [illegible] که دو همزه در یک کلمه
جمع شود عاصم و حمزه بتحقیق خوانده اند الاعجمی در فصلت که بتحقیق همزتین و حفص بتسهیل [illegible] فی التسهیل
کند یعنی که همزه با شد و نه الف کما اذهبتم در احقاف آن یؤتی احد در آل عمران [illegible] همزه خوانده و کلمه
امکان در یونس و آمنتم در اعراف و طه و شعراء بهمزتین بتحقیق و حفص بیک همزه خوانده [illegible] شود همزه استفهام
با الف لام تعریف جمع شده همزه و الف لام تعریف را ابدال الف کرده اند و آن کلمه الذکرین [illegible] و الآن در دو موضع
یونس و الله در یونس [illegible] این موضع اتفاق قرآء است [illegible] رفع التقاء [illegible] قرا متفق اند در تسهیل
و مراد از تسهیل همزه ثانی [illegible] الالف [illegible] تسهیل [illegible] قرا [illegible] همزه و الف خوانده اند [illegible] همزه
اول مفتوح شد بیان همزه واو و یا خوانند [illegible] همزه اول مضموم یا مکسور [illegible] دو همزه در دو کلمه جمع [illegible]
الکسر [illegible] همزه را بتحقیق خوانده و فرق [illegible] همزه و الف [illegible]
[illegible] همزه [illegible] آن الف است فنظم [illegible] همزه [illegible] الف است الف ساکن مدام
آن را [illegible] آن در آورده لازم [illegible] همزه [illegible] اقصای حلق [illegible]
کرده اند از جهت [illegible] آن از آن [illegible] همزه تحقیق است در حال [illegible] اکثر اهل حجاز [illegible] ابن کثیر و ابو
تحقیق همزه فان مادة قراءتهم عن اهل الحجاز [illegible] تخفیف همزه [illegible] من طریق عمران ابن [illegible] عن
ابی الاسود الدؤلی [illegible] اعرابی الی رسول الله صلعم فقال یا نبیء الله قال لست بنبیء الله لکن نبی الله و
[illegible] همزه [illegible] تخفیف همزه [illegible] حرکت همزه [illegible] همزه
[illegible] و آن قراءت [illegible] از طریق [illegible] است [illegible] الاسم
الفسوق [illegible] همزه [illegible] دوم ابدال همزه [illegible] حرکت [illegible]
باشد [illegible] الکتاب [illegible] سوم

تسهیل [illegible] همزه محققه [illegible] همزه [illegible]
باشند دو همزه [illegible] تسهیل [illegible] حمزه [illegible] نافع و ابن کثیر و ابو عمرو و هشام و الباقون بتحقیقهما [illegible]
اسقاط همزه اولی [illegible] قراءت ابو عمرو [illegible] و الباقون بالتحقیق فیهما [illegible] سقوط همزه [illegible]
[illegible] کتابا فی الافراد و الجمع فی القرآن [illegible] جمع ما وقع فی القرآن [illegible]
[illegible] الحوایا جمع [illegible] الانصار [illegible]
جمع [illegible] الاعضاء [illegible] الابصار [illegible] شریف [illegible] الازلام [illegible]
[illegible] اساطیر [illegible] جمع [illegible] الصور [illegible] العروة [illegible]
جمع [illegible] الاعلان [illegible]
[illegible] ابن خالویه [illegible] المثانی جمع [illegible]
جمع [illegible]
[illegible] جمع [illegible]
[illegible] جمع [illegible]
[illegible] جمع [illegible] واما الجمع الذی
لا واحد له من لفظه [illegible] و الغنم و النعم و الخیل و الابل [illegible] و الحنین
و [illegible] و الناس و الانام [illegible] و اما الاثنان [illegible] لا واحد لهما [illegible] کلا
و کلتا و اثنان و اثنتان و [illegible] و سعدیک و حنانیک [illegible]
الجمع الذی لیس بینه و بین الواحد الا الهاء و هذا الجمع [illegible]
[illegible] و نخل و نخلة [illegible] نظم چون
[illegible] فشتوا از قرآن [illegible] ثم اقررتم و انتم تشهدون [illegible] تقتلون [illegible] ایضا

انظرونا نقتبس من نوركم ۞ عسى ان ... العليم ۞ سبح اسم ربك الاعلى الذى ۞ ليس لهم طعام الا من ضريع ۞ [illegible] چون حل
مقصور شد خواه وقف نماید [illegible] ۞ [illegible] ۞ فاعلات فاعلات فاعلات فاعلات ۞
مسلمات مؤمنات قانتات تائبات ۞ [illegible] ۞ فاعبدوا ما شئتم [illegible] الباطلون ۞
فاعبدوا الله الذى [illegible] ۞ من الغيره ان انتم الا مفترون ۞ [illegible] ۞ فعلات
مفاعلن فعلان ۞ قال يا قوم هؤلاء بناتى ۞ لا يكادون يفقهون حديثا ۞ ارايت الذى يكذب بالدين ۞ فذلك الذى يدع اليتيم
فى [illegible] المقصور النار ذات الوقود ۞ اذ هم عليها قعود ۞ ايضا [illegible] ۞ [illegible]
[illegible] ۞ [illegible] ۞ [illegible] ۞ [illegible]
در بیان اقسام وقف [illegible]
[illegible] الوقوف [illegible] معرفة الوقوف [illegible] قرآن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] تام [illegible] حسن [illegible]
[illegible]
[illegible]

وحسن

وحسن آنست که [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بسم الله [illegible] الحمد لله رب العالمين [illegible] الرحمن الرحيم [illegible] المستقيم [illegible]
[illegible] المغضوب عليهم [illegible]
[illegible]
[illegible] تام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] وقال ابن الحاجب [illegible]
[illegible] فى القرآن [illegible] الوقف [illegible]
[illegible] وقال ابن الجزرى [illegible] فى القرآن من الذين [illegible]
[illegible]
فى موضعين فى الانعام والذين [illegible] البقرة والذين [illegible] التوبة [illegible]
الفرقان والذين [illegible]
[illegible] ابن كثير وحمزة [illegible] عاصم والكسائى [illegible] وابو عمرو [illegible]
[illegible]
[illegible] القرآن [illegible]
[illegible] القرآن [illegible] قرآن [illegible] تام حسن

و در قرآن وقف واجب و وقف حرام نیست آنچه علمای این فن گفته اند که وقف فلان موضع واجب مراد آنست که بدون او [illegible]
شود [illegible] مطلق وقف [illegible] از معانی قرآن [illegible] قرآن [illegible]
در [illegible] و چهار موضع و علامت وقف لازم [illegible] لکن علامت [illegible] علامت [illegible]
علامت [illegible] وقف [illegible] موضع و وقف النبی [illegible] موضع و وقف غفران [illegible]
[illegible] موضع و علامت آن [illegible] وقف [illegible]
[illegible] وقف [illegible]
[illegible] وقف [illegible]
[illegible] الصلوة والزکوة
[illegible] علامت وقف [illegible] حرکت [illegible]
[illegible] تمام حرکت وقف [illegible]
[illegible] وقف [illegible] **اول** [illegible]
[illegible] **دوم** [illegible] **سیم** [illegible]
[illegible] **چهارم** [illegible]
[illegible] علامت وقف [illegible]
[illegible] شیخ ابو جعفر سجاوندی [illegible] **اول** در علامت وقف لازم [illegible] و وصل [illegible]
[illegible] شیخ الاسلام [illegible] ابن عبد الله [illegible]
[illegible] وقف لازم [illegible] علامت وقف مطلق [illegible]
[illegible] و وصل [illegible]
[illegible] وقف و وصل [illegible] لا وقف [illegible] علامت وقف [illegible]

و وقف

و وقف [illegible] وصل [illegible] وقف [illegible]
و الاعلامت [illegible] لازم [illegible] **نظم** [illegible]
[illegible] شیخ ابو جعفر سجاوندی [illegible] م [illegible] ط [illegible] لا [illegible] ج [illegible]
[illegible] ز [illegible] ص [illegible] ج [illegible] لا [illegible]
[illegible] ق [illegible]
[illegible] قف [illegible] صلے [illegible]
[illegible] قف [illegible]
[illegible] السکتة والوقفة [illegible] الوصل [illegible] الوقف [illegible]
[illegible] الوقف [illegible] الوصل اولی من الوقف [illegible]
[illegible] تبت یدا ابی لهب [illegible]
[illegible] علامت ابتدا [illegible] علامت [illegible]
[illegible] وقف [illegible] وصل [illegible]
[illegible] **مطلب [illegible]** در بیان رسم الخط قرآن و کیفیت وقف بر آن [illegible]
در حال وقف [illegible] رسم الخط [illegible] رحمت و نعمت و سنت [illegible]
[illegible]
در جمیع قرآن [illegible] در بقره و اعراف [illegible]
و آل عمران [illegible] نعمت [illegible]
[illegible] آل عمران [illegible] یوسف [illegible]
[illegible] انعام [illegible] یونس [illegible]

بحذف الف در آل عمران و در سوفت در دخان جنت النعیم در واقعه و غرفات در سبا و آیت در یوسف و عبرت و قربت و غیبت
در قصص ابن عمران و کریم و غیابت در یوسف بقیت در هود و فطرت در روم و بقیت الله در هود و لات حین
در ص الالات و مرضات در بقره و جنات در سبا و جعلنا و معصیت در مجادله و در هر جا که واقع شود و در کلمات غرفات و ایات
و جمالات که بحذف هم نوشته شود با طرفین و لابیت با هم در نوشته شود الا دو موضع در یونس و در سوره ملک که ثانیه افعال
نوشته می شود و آن کلام ها است در اف الغوان و در کهف و طاها الکتاب و در فرقان مال هذا الرسول و در معارج فمال
الذین هم و در این چهار موضع وقف هم جایز با بلام و در کلمه ایه المؤمنون در نور و ایه الساحر در زخرف و ایه
الثقلان در رحمن هم بالف وقف کنند بخلاف ابی عمرو و کسائی و کلمه و یکان و کانه هم در این دو موضع در اول در قصص
و در ثانی بقاف زیر با بخلاف ابی عمرو و اینما انما تدعوا هم با وقف کنند بخلاف ابی عمرو و کسائی و عم و فیم و بم
و لیم و لم با وقف کنند بخلاف بزی و کاف در رسم الخط با الف مکتوبست در حال وصل هم خوانده الف از اصلا و
در حال وقف الف حذف کرده اند و کلمه لکنا هو الله در کهف و اسکن کلمات چند هستند که در رسم الخط با الف
و در لفظ بی الف خوانده شود و در تلاوت و کلمات الفاوون و تنبوون و لتستوا و قالوا و لا یئس کلمات هستند که در رسم
الخط الف با واو و یا نوشته شده و در قرائت همزه ... یا واو نوشته شده و من نبای المرسلین در انعام و من تلقای در یونس
و ایتای ذی القربی در نحل و من آنای اللیل در طه و من وراء حجاب در شوری و تلقاء اصحاب در اعراف و لا تقرب
علیه در و الذکری در ق و ساقیکم ایاتنا در اعراف غلا ولیت و لا تقولن لشای در کهف بالف نوشته شود
مکتوبست و کلمه انبئکم در انعام و لتشهدون در انعام و اشاهدون و مخلوق مکتوبست و لنکون در حم سجده و در عراف در هر جا مکتوبست
و انبئنا در رحمن و در ملک انبئنا ... مکتوبست و کلمه ابدا در انفال بحرف ... آل عمران و ما
در واو بالف نوشته و و و ... در کهف و انفکا در ... هستند ... بر رسم الخط با واو و الف مثل
الملؤ الذین و بلؤ ... الملؤا ... و کلمه انشئوا ... ما کانوا در انعام و لهم شرکاء و اشرکو ...
و شفعاؤ ... و شرکاؤ و الضعفؤا در ابراهیم و مؤمن و علمؤا در شعراء و العلماء در فاطر و بلؤا در دخان و البلؤ

در صافات

در صافات ... علمؤا در مؤمن و ... و در ... دیگر بعضی از افعال که در بعضی مواضع رسم الخط با واو و الف مکتوبست مثل تفتؤا
در یوسف تتفیؤا و تظمؤا در طه و ... در نور و یعبؤا در فرقان و یدرؤا در ... و یتبوؤا در هر جا که باشد الا
تو بنبا الذین کفروا ... در ... الف ... و در نوشتن واو و در این مواضع جهت مناسبت ... با ... بعضی ... جزاؤا
در مائده و جزاؤا الذین در ... و ذلک جزاؤا در حشر با واو و الف مکتوبست و در جزاؤا الحسنی در کهف و جزاؤا من تزکی در طه
خلاف ... و کلمه ... عوا و ندعوا و ادعوا و یرجوا و یتلوا و یبکوا و ... و اشکوا و یربوا و لیعفوا در هر جا که باشند با الف
هم با واو مکتوبست ... صیغه مفرد ... بعضی ... که با الف مکتوبست ... ماقوا ... صیغه جمع ... الف و سعوا
سعوا و عتوا در فرقان و تبوؤ الدار در حشر با الف و اولوا ... با واو و الف مکتوبست ... مثل ... و علم ...
و ذو العرش در مؤمن ... و ذو مغفرة و ذو عقاب در حم سجده و ذو الفضل در حدید و ذو العرش ... و در کلمه اولوا
و اولوا و اولات ... با لام و واو مکتوبست ... خوانده می شوند و کلمه ... در طه ... در مؤمن ...
و کلمه صلوة و زکوة و حیوة و مشکوة هر جا واقع شود با واو مکتوب ... مضاف بغیر باشند که در این ... الف ...
بود مثل صلاتهم و صلاتی و حیاتنا و حیاتکم و حیات ... هر کجا ... مثل صلوة الفجر و صلوة
العشاء مکتوب ... با ... خوانده ... افعال کلمات چند ... لام الفعل ... اجتماع ساکنین ... کتابت
نیز ... در ... الانسان و یمح الله الباطل در ... و یدع الداع در قمر و سندع الزبانیة
در علق و یؤت المؤمنین در نساء ... و یوم یأت لا تکلم ... لام الفعل ... اجتماع ساکنین ...
و دیگر کلمات ... همزه مکتوب ... الاوض ... آل عمران ... و ... در نحل و الحبا در نمل و ... کلمات چند
که بعضی ذوات الواو اند و بعضی ذوات الیا ... الف ... منقلب است از واو یا از یا ... ذوات الواو ... اول ... الف
مکتوبست مثل دعا و عفا و تلا و علا ... دوم ... مرسوم ... مثل ضحیها و ... و دحیها و القوی و طحیها و تلیها
و سجی و زکی و دنی و ذوات الیا ... اول ... مرسوم ... با یا ... مثل ... و استغنی دوم ... مرسوم
بالف است مثل عصانی و الاقصا و اقصا و طغا ... در ... ذوات الیا و ذوات الواو ...

مثل ما استحق کرده اند بر خلاف رفع کلمات مسکنت معدوده از مثل دعوت و رحمت و نعمت و [illegible] تا بیندازه [illegible]
مثل معدنات و معصوات و کلمه ابیه در اخر هر جا که باشد با مکتوبست و دیگر کلمات مقطوعه در رسم الخط بوجهی که بیان می شود
کلام من یکون و فی اسس [illegible] خلفنا در دو جا شیء فی ما نا دیم [illegible] مقطوعست و فی ان [illegible] الا [illegible]
ان لا اقول و ان لا یقولوا در اعراف و ان لا یجئوا در توبه و ان لا اله الا هو در هود و ان لا تعبدوا الا [illegible] و ان لا [illegible]
تعبدوا در یس و ان لا تعلوا در دخان و ان لا یشرکن در ممتحنه و ان لا یدخلنها در نون و کلمه یوم هم دو جا در [illegible]
و کلمه این ما تکونوا در بقره [illegible] و مجادله این ما کنتم در اعراف و مومن و حدید و این ما ثقفوا در آل عمران و این ما [illegible]
و کلمه فی ما فعلن در بقره فی ما آتیکم در [illegible] فی ما اوحی در انعام فی ما اشتهت در انبیا فی ما افضتم در نور [illegible]
شعرا و فی ما رزقناکم در روم فی ما هم فیه فی ما کانوا در زمر فی ما لا تعلمون در واقعه کل ما ردوا [illegible] کل ما
دخلت در اعراف من کل ما سألتموه در ابراهیم کل ما جاء [illegible] کل ما القی در ملک کل ما جاء [illegible] عن ما [illegible]
اعراف [illegible] عن من یشاء در نور و عن من تولی در نجم کلمه ان ما توعدون در انعام و ان ما [illegible] و لو ان ما فی الارض
در لقمان کلمه لبئس ما [illegible] در بقره ما کانوا ما قدمت [illegible] در مایده کلمه ان ما [illegible] کلمه [illegible]
کلمه فمن ما ملکت [illegible] و لکم من ما ملکت در روم مقطوعست و دیگر بعض کلمات موصوله هستند که در قرآن [illegible] کلمه الن
نجعل در کهف الن نجمع در قیامه [illegible] کلمه لکیلا تحزنوا در آل عمران لکیلا یعلم در حج لکیلا یکون [illegible]
در حدید کلمه الا تفعلوه در انفال الا تنصروه در توبه الا تعلوا [illegible] الا تقربوا [illegible]
هم و ممن و عم در تمام قرآن متصلند و چون ان [illegible] متصل [illegible] کلمه بئسما [illegible]
[illegible] کلمه [illegible] و چون [illegible] منفصل [illegible] انما توعدون [illegible] کلمه الذی و التی
و الذین بیک لام نویسند بخلاف اللذین و اللتین که از برای تثنیه است دو لام نویسند [illegible] الجمع [illegible]
لفظ [illegible] لیت و ان شاء در هر جای قرآن که واقع شود [illegible] نویسند و در [illegible] لفظ ابراهیم
و اسحق و الرحمن الف [illegible] نویسند [illegible] کلمه [illegible] هر جا که واقع شود [illegible] نویسند [illegible] اجتماع [illegible]

[illegible] لفظ انا هر جا که باشد با الف نویسند [illegible] و لکن [illegible] در رسم الخط رفع التباس
[illegible] نویسند [illegible] و لفظ [illegible]
[illegible] و ما تغنی [illegible] الاصل [illegible] و پوشیده نماند که چون کلمه [illegible] در میان دو [illegible] واقع شود
[illegible] اول باشد [illegible] الف نویسند [illegible] عیسی بن مریم [illegible]
[illegible] و چون جزو واقع شود [illegible] الف نویسند مثل و قالت الیهود عزیر ابن الله [illegible] واقع شده [illegible]
[illegible] و چون [illegible] الف نویسند [illegible]
باشد و کلمه ثم استوا [illegible] چنین نویسند [illegible] و هم چنین در [illegible] السموات [illegible]
[illegible] وقف کنند [illegible] بخلاف الذی [illegible] وقف کنند [illegible] و کلمه
[illegible] متشابها [illegible] اهل علم و دانش [illegible] رسم الخط
[illegible] قراءت [illegible] آن [illegible] تلاوت [illegible]
[illegible] الف [illegible] باشند و هم چنین [illegible]
[illegible] الف نویسند موافق رسم الخط [illegible] قرآن را از [illegible]
[illegible] قراءت [illegible] قرآن را [illegible] دانش و علم [illegible] قرآن
[illegible] مال هذا [illegible] کلام را منفصل نوشته اند [illegible]
[illegible] خط المصحف لا یتغیر [illegible]
[illegible] اقرأوا کما یقرأ الناس حتی یقوم القائم [illegible]
چون علم رسم الخط [illegible] لازم [illegible] در [illegible] مذکور شد منظومه [illegible]
[illegible] قرآن مجید [illegible] و بیان [illegible] و رموز و روات [illegible] و وفات [illegible] قراءت
[illegible] تلاوت [illegible] مخارج و صفات [illegible] قراءت

نیز دو معنی ظلام امر تیزی بجوع برخی بجز شیخ محمد جزری در منظومه خود بیان نموده نظم والضاد باستطاله ومخرج میز من الظا
ولفظهما بمعنی ضد و در ادا نیز فرق [illegible] مخرج [illegible] آنکه در قرآن [illegible] الظعن ظل الظهر عظم الحفظ ایقظ
وانظر عظم ظهر اللفظ [illegible] ظعن [illegible] در سوره نحل یوم ظعنکم وظل [illegible] در قرآن آمده در سوره [illegible]
[illegible] ظلا ظلیلا در قرآن [illegible] ظللنا وظلل [illegible] در سوره [illegible] کالظلل [illegible]
یوم الظلة [illegible] ظهر [illegible] من الظهيرة در سوره نور وظهر [illegible] در روم وعظم [illegible]
موضع اول آن فی البقرة [illegible] عذاب عظیم [illegible] در [illegible] موضع اول آن فی البقرة ولا یؤده حفظهما ایقظ
من الیقظة [illegible] وتحسبهم ایقاظا وانظر [illegible] در [illegible] موضع اول آن فی البقرة الی الطعام وظهر [illegible]
موضع اول آن فی البقرة کتاب الله [illegible] ظهورهم اللفظ در سوره ق ما یلفظ من قول نظم ظاهر لظی شواظ کاظم [illegible]
ظلام ظفر انتظر ظما اظفر [illegible] در [illegible] موضع اول فی الانعام [illegible] وبمعنی الاعتاد [illegible]
اول آن فی البقرة تظاهرون علیهم [illegible] ظهر [illegible] موضع اول آن فی التوبة لیظهره علی الدین کله [illegible]
[illegible] الاحزاب تظاهرون منهن [illegible] کلا انها لظی [illegible] شواظ در الرحمن شواظ من نار [illegible]
[illegible] موضع اول آن فی آل عمران الکاظمین الغیظ ظلم [illegible]
فظلوا [illegible] غلاظ [illegible] موضع اول آن فی آل عمران غلیظ القلب غلاظ [illegible]
[illegible] موضع اول آن فی البقرة فی ظلمات لا یبصرون [illegible] ظفر [illegible] در الانعام کل ذی ظفر انظر [illegible]
[illegible] موضع اول آن فی الانعام قل انتظروا انا منتظرون [illegible] لا یصیبهم ظما [illegible]
[illegible] لا تظمؤا [illegible] نظم [illegible] عضین [illegible]
ظفر [illegible] موضع اول آن فی البقرة الذین یظنون وعظ [illegible]
[illegible] موضع اول آن فی البقرة [illegible] عظ [illegible] عضین [illegible]
[illegible] ظل [illegible] موضع اول آن فی النحل [illegible] ظل وجهه مسودا وهو کظیم [illegible]

[illegible]

ظلتم [illegible] ظلوا [illegible] فظلوا [illegible] فظلتم [illegible]
ظلوا [illegible] فظل [illegible] فنظل [illegible] محظورا [illegible] وکنت فظا [illegible]
در شوری [illegible] محظورا [illegible]
المحتظر در سوره قمر [illegible] فظا [illegible] در آل عمران ولو کنت فظا غلیظ [illegible]
انفضوا من حولک وانفضوا الیها [illegible] در البقرة [illegible] ینظرون [illegible] موضع نظم [illegible]
[illegible] ناضرة [illegible] نضرة النعیم [illegible] ولقیهم نضرة وسرورا [illegible]
ناظرة [illegible] سوره [illegible] غضب [illegible] موضع [illegible]
فی آل عمران عضوا علیکم الانامل من الغیظ [illegible] وما تغیض الارحام [illegible] وغیض الماء [illegible]
[illegible] نظم الحض [illegible] الحظ علی طعام المسکین [illegible] وحضر [illegible]
[illegible] آل عمران [illegible] ولا یحض علی طعام [illegible]
ولا تحاضون [illegible] در سوره [illegible] ابن کثیر وابو عمرو [illegible]
[illegible] مخرج ضاد [illegible] حرف [illegible] قرآن [illegible]
[illegible] مخرج ظا [illegible] تلاوت [illegible] حروف [illegible]
[illegible] قراءت [illegible] ضاد [illegible] ظا [illegible] بعضی [illegible]
وبعض [illegible] وبعض [illegible] قراء سبعه [illegible] جدول [illegible]
بیان می شود فی احوال القراء السبعة و[illegible]
کما ذکر الشاطبی والجزری والدانی

نافع المدنی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

حطی	[illegible]	[illegible]
کلمن	[illegible]	[illegible]
سعفص	[illegible]	[illegible]
قرشت	[illegible] ابو عمرو البصری	[illegible]

فصل اذا اجتمع [illegible] المتوسط

الکوفیون [illegible] عاصم و حمزة والکسائی	العراقیون [illegible] المدینة
[illegible]	[illegible]
[illegible]	حمزة والکسائی [illegible]

[illegible] الکبیر

حمزة والکسائی [illegible]	حمزة والکسائی و حفص
نافع [illegible] و ابن عامر	نافع و [illegible] و ابن عامر
نافع [illegible]	نافع [illegible] الکوفیون

اذا اجتمع البصریون والکوفیون یقال العراقی واذا اجتمع الکوفیون والمدنیون یقال [illegible] والحجازیون [illegible]

والعراقیون [illegible] نظم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] قاری قرآن

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ولیس فی القراء [illegible] ابو عمرو

البصری و ابن عامر [illegible] کان ابو عمرو البصری [illegible]

[illegible] القراءة [illegible] فی مجالس [illegible] ان عاصم ابن بهدلة ابن ابی النجود الکوفی [illegible]

کان ماهرا فی [illegible] والنحو [illegible] فی القراءة [illegible] وکان من [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] قراآت [illegible]

[illegible] قراآت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اسحق و ادریس است فایده جدیده و لا سند قراءت عالی افضل این کتاب الحمد لله که بحر جز قرآن را خواندم بر والد ماجد خود و هو
القاری المجود الحافظ المتقن الفاضل الورع ... بطریق ... قریب یک آیه بر جد خود سید عبد القدیم
و او بر امام خود سید ... و او بر پدر خود سید ... و او بر ... و بخود زین القراء و تاج الفقهاء حافظ ... ابن ... الله
التحریر ... و او بر جد خود عماد الدین ... شریف القاری و او بر سید ... و او بر شیخ ... الجبار
در ... کوفی و او ... ابن ابی عبد الرحمن ابن جبیر السلمی و او بر امام المتقین علی ابن ابی طالب علیه السلام خوانده است

جدول القراء الثلثة الاخیرة ورواتهم ورموزهم					
ثج	ابو جعفر	ثی	عیسی ابن وردان	جم	سلیمان بن جماز
یع	یعقوب	یس	رویس	حم	روح
خل	خلف	سج	اسحق	سه	ادریس

ایضا فی الثلثة علی رای بعض القراء					
ث	ابو جعفر	خ	...	ذ	...
ظ	یعقوب	غ	رویس	ش	روح
و	خلف		اسحق		...

و از برای ... و ... سید ...

مطلب ثانی در بیان قراءات کلماتی که در قرآن مجید بسیار مکرر است و بیان قراءت ... قراءة و قراءة الاخر ...
و بعض التی ... و الروایة فی قراءة القرآن ... و اکثر ... در اکثر ... القراء ... جمله ... قراءهم ...
قراءت ... که در سوره ... قراءت کلماتی که در قرآن بسیار مکرر شده ... که بیان ...
الصراط و صراط بالسین حیث ... ترکیب باشمام الصاد الزای ... فی الاول ... ق
علیهم الیهم لدیهم ... در ... قرآن ... ف یع ... الیه ... و ...
د ... ساکن ... عبد الله و ... باشمام ... ساکن ...
... یکون ... ب ج ... الحرام ...
الذال فی ... ح ک ص ش جع خل ... فی ... ع ...
ذال ... یعنی ... الاستاذ ... ادغام ... در ... و ...

راه ساکن باشد ط النبی النبیون بالمد و همزه ... و موضع احزاب للنبی ان ... النبی الا ... ب اشمام
الصاد الدال ... ساکن و بعد از آن دال ... ش خل ... بالجمع الدال ... ادغم جع
یع ... ط ... ح ل ... ادغام الدال فی الجیم ...
ل ش ... م ف ... ج جع و ... ج ح ... السین ...
ادح ... یع خل ... ساکن الهمزة التی بعد الراء ... ج و بدل الهمزة الف ج
و ... القرآن قرآن قرآنا نقل حرکة الهمزة الی الراء و حذفها ... الف ... الیوت ...
ب ک د ص ش خل ... از ... ساکن باشد و بعد از آن همزه ... باشد قراءة ... خوانده
در ش ... الفقیر ... اللام ... ادح ک یع خل ... همزه ...
الصابئین ... النون ... ادک ... ج ... در ...
ادل ... یستهزئ ... ش خل ... م ح م جل
و ... ج ف ب ... ساکن باشد ... همزه ... جع و ...
و ... همزه ... ش ... ب ... باشد ...
... ادح ط ص ک ... الزای ... ف ... القرآن ج ص ش جع خل ...
باسکان ... الی ... الجیف ح ص ک ... جع ...
و ... التخفیف ح یع ... الانعام ... بالتخفیف فی کل القرآن ... الاسری ... القرآن ...
... الشوری ... بالتشدید ... بتشدید ...
القرآن ... ادح ک ص جع یع ... ح ... العین ...
... القرآن ... ادح ک ص ... العین ... العین ... ص ش ...
... جع ... العین ک ... جع یع ... الجمع ... ش یع خل ...

ونع بالهمزة [illegible] سورة البقرة [illegible] ملك بلا الف ادح ك ف ج [illegible] يخادعون بضم الياء وفتح [illegible]

وكسر الدال ادح يكذبون بضم [illegible] والتشديد [illegible] ادح ك للملائكة [illegible] فاز الله والف مخفف ف

ادم بالنصب كلمات بالرفع [illegible] فتح يع [illegible] جج يع [illegible] الهمزة وفتح الف اجح [illegible]

[illegible] النون [illegible] ادح [illegible] يعملون [illegible] بالياء [illegible]

[illegible] اجح لا يعبدون بالياء [illegible] حسنا بفتح الحاء والسين ش يع خل [illegible] بالتشديد ادح ك جج يع

[illegible] القدس [illegible] الدال جبريل [illegible] ميكائيل [illegible]

[illegible] الشياطين بكسر النون مخففة ورفع [illegible] ادح جج [illegible] بضم النون وكسر [illegible]

بالهمزة [illegible] النون [illegible] فتح [illegible] ولا تسئل بفتح التاء وجزم اللام

[illegible] ابن عامر [illegible] بفتح الياء [illegible] اجح [illegible] ال ع ج

[illegible] مخففة [illegible] الراء [illegible] بالالف مخفف [illegible] يقولون [illegible] ادح [illegible] تعملون

[illegible] ابن [illegible]

[illegible] عباس [illegible] ابن مسعود [illegible]

[illegible] وجزم العين [illegible] ش يع خل [illegible] ك [illegible] الراء

ادح [illegible] يع جج خل [illegible] الواو [illegible] ش يع خل [illegible] النون [illegible] الراء [illegible]

[illegible] مساكين [illegible] ادح جج [illegible] ش خل [illegible]

بالرفع والتنوين [illegible] الملائكة [illegible] جج [illegible]

ك جج خل [illegible] اللام [illegible] العفو [illegible] الله [illegible]

ش يع خل [illegible] بالرفع [illegible] ادح يع [illegible]

بالالف ش خل [illegible] ادح [illegible] بالرفع ادص [illegible]

جج يع خل

جج يع خل [illegible] بالالف التحقيق [illegible] القاف [illegible] يع [illegible]

[illegible] العين ادى جج [illegible] الدال اجح يع [illegible] ادح

يع [illegible] ابن ابراهيم [illegible] ابن موسى [illegible] الله لا اله الا هو الحي القيوم

لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات وما في الارض [illegible] عالم الغيب والشهادة [illegible] الرحمن الرحيم

من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه [illegible] رب العالمين [illegible] ابراهيم [illegible]

[illegible] ش يع خل [illegible] بالراء [illegible] ادح يع جج [illegible] الالف [illegible]

[illegible] الراء [illegible] جج [illegible] القدر [illegible] ك جج يع

[illegible] الراء ادح ش يع جج خل [illegible] الكاف ادح [illegible] بخلاف [illegible]

[illegible] النون وكسر العين [illegible] الراء [illegible] والنون [illegible] الراء [illegible]

[illegible] يع [illegible] الذال [illegible] الدال ادح ك ش [illegible] يرجعون بفتح

التاء وكسر الجيم ح يع [illegible] مخففة [illegible] الراء [illegible]

[illegible] ادح [illegible] الراء [illegible] الراء [illegible] ش [illegible]

[illegible] بالالف [illegible] آل عمران [illegible] سيغلبون ويحشرون بالياء ش خل [illegible] ادح يع [illegible]

[illegible] العين [illegible] ادح [illegible]

[illegible] والراسخون في العلم [illegible] المذهب [illegible] رضوان الله عليهم اجمعين [illegible] بالتخفيف ادح

ك جج يع [illegible] ادح ك [illegible]

[illegible] ادح [illegible] النون ادح ك ش [illegible]

[illegible] تعلمون بفتح التاء واللام مخففة ادح [illegible] بالرفع الراء ادح [illegible] اللام [illegible]

[illegible] اجح [illegible] ترجعون بالتاء ادك ص ش جج خل [illegible] ادح ك ص يع

ترجع الامور ... وتعلمون ... ادح ... بكسر القاف ... الراء ادح ... في العنكبوت ...
... من الواو ... بتشديد ... ادح ... اوقيل ... ادح ...
... بالاسكان ... بالمد والهمزة ... الفتح القاف وكسر التاء ادح ... العين ...
... اللام ... بعدون ... العين ...
... قرأ ... عليه السلام ... وكذلك ... بالتشديد ...
... القاف ... الميم ... يعيدون بالياء ادح ... بفتح الياء ...
... بفتح اللام ... بالياء ...
[illegible] ادح ص النشا
ت ... بتشديد ... بخفض الميم ... بضم الياء ... بالرفع ... ادح ...
... الاول بفتح الهاء ... الثاني بكسر الهاء ... بالنون ادح ... بتشديد النون ...
... بفتح الياء ... بفتح الهمزة ... ادح ... المحصنات ... بكسر الصاد ...
... بكسر الصاد ... بفتح الهمزة والصاد ... بالرفع ادح ... بفتح الميم ...
ادح ... بفتح ... بالرفع ادح ... بتشديد ... ادح ...
... ولا يحل ... وهو ... فتبينوا ... بالثاء ...
... السلم ... ادح ... الامام ... والدوري ...
... ادح ... من الثاني ...
[illegible] ... ادح ... والقاف واللام ... ادح ...
... بضم النون ... الراء ادح ... بفتح الراء ادح ... بالنون ادح ...
... بالياء ... بضم الزاي ... ان ما ... بالياء ... بالنون ... بكسر الهمزة
ادح ... بكسر اللام ادح ... بتشديد الياء ... الياء ...

[illegible] ادح ... والعين ... والسين ... الدال ...
ح ... بكسر اللام ... الميم ... ادح ...
... مكسورة ... ادح ... بالجمع ... ادح ... ان لا يكون
... النون ... بتخفيف القاف ... الامام ... عليه السلام ...
... بالالف ... وخفض اللام ادح ... وخفض الميم ... بضم التاء وكسر الياء
ادح ... بكسر ... الميم ... الدال ... بالالف ...
التوحيد ... ادح ... الانعام ... بفتح الياء وكسر الراء ...
... ادح ... يعقلون بالياء ادح ... بالتخفيف ...
... الهمزة ... بكسر الهمزة ادح ... بكسر الهمزة
ادح ... اللام ... بكسر الراء ... بالياء ... الالف ادح ...
... بسكون الياء ادح ... بتخفيف النون ادح ... بغير تنوين ادح
... ادح ... بالياء ... ادح ... بضم النون ادح ...
... بكسر اللام ... ادح ... بكسر القاف ادح ... الرفع ... قراءة ... ابن مسعود
... الالف ... التاء ادح ... الالف ... السين ... ادح ... بكسر الهمزة ادح ...
... بكسر القاف ... بفتح الياء ... ادح ... الفاء وكسر القاف ادح ... بضم الياء وكسر الراء
ادح ... بضم الزاي وكسر الياء ... برفع اللام ... بتخفيف الهمزة
... بالتاء ... بالرفع ... الالف ...
... بكسر ... بفتح العين ... ادح ... بالتاء ... بالرفع ...
وكسر الياء مشددة ادح ... الاعراف ... بالرفع ...

وكذا يعزوا وكذ ... انه تشديد النون ... لم يعني بفتح العين والتشديد ص ش بع خلا
والقوم الجرم ... بفتح النون ... على التوحيد ش خلا بضم النون والشين ادح وضم النون
واسكان الشين ... وفتح النون واسكان الشين ش ... ادح ... بالتنوين
... ابو عبد الرحمن السلمي ... المؤمنين ... تستطيع ربك ... بالتاء ... بزيادة واو في قصة صالح
... باسكان الواو ... بفتح اللام مشددا ادح ... بفتح النون
ك ص يكون بكسر الكاف ش خلا ... الهمزة ش خلا ... على الافراد ادح
... بفتح الراء والشين ش خلا ... بكسر الميم ك ص ش خلا ... بالرفع ادح ك ص ش ...
... يعقلون بالياء ... بالتخفيف ... بالجمع ... ان يقولوا او يقولوا
بالياء ح ... باسكان الراء ... بفتح الراء ش خلا ...
واسكان الراء والتنوين ... الف ... سورة **الانفال** ... العالمين ...
... عن ... بفتح الهمزة ... اللام ... جعفر بن
محمد الصادق ... بفتح الدال ... بتخفيف النون ورفع ... ادك
... باسكان الواو والتنوين ك ص ... بالتخفيف ادح ... بكسر الهمزة ادح ص ...
... بكسر العين ... الاولى مكسورة ... بكسر السين ...
... بالتخفيف ... بضم الفاء ادح ... بكسر الواو في **التوبة**
لا ايمان بكسر الهمزة ... في يوم الجمل بفتح الهمزة ...
... سقاية ... بفتح السين ... بفتح العين ... ادح ... على الجمع ...
ح ... بغير همزة ادح ... بفتح الياء ... ادح ك ص ح ... بضم الكاف ش خلا ان
يقبل بالياء ... باسكان الدال ... بفتح الدال ... ادح ...

مع ... باسكان الياء ... بضم السين ... بزيادة ... بكسر التاء ادح ... ابن
... ادح ك ... بضم الهمزة وكسر الشين ... بفتح النون ... باسكان الراء ك ف ص
خلا ... بضم التاء ادح ... يا ايها النبي جاهد الكفار ... بالتاء ادح ك ص
... العابدون بالرفع على المدح ... ابن ... وجعفر بن محمد عليهم السلام
... ابن مسعود ... المؤمنين ... بن ... بالقرب
... وقرأ ... عبد الرحمن السلمي ... وقرأ ... ابن ...
وروى ... القراءة المشهورة ... وقرأ ابن عباس ... وابن ...
ابن جعفر بفتح ... **يونس** الر ... ادح ك ص ش ... بالف ... ك
... ادك ص ... بفتح اللام ... ش خلا ... بالتنوين
... بالرفع ... ادح ... بكسر ...
... كان ... ادح ك ص ش ... بالتاء ... ادك ج ...
... بالرفع ... بفتح الياء ... بالتاء ... بالالف ...
... بفتح الياء ادح ك ... بكسر الهمزة ش خلا ... بالنون ص
... المؤمنين ... ادح ك ص ف **هود** الر ... بالالف ... بفتح الفاء ...
د ك ج بع ... بفتح العين وتخفيف الميم ادح ك ص ... وقرأ ... محمد ابن علي وجعفر بن محمد
... بفتح ... بكسر ... ادح ك ش ... بفتح الميم ... ك ص ...
... بسكون الياء ج ك ش ... بكسر الميم ... اللام ... وروي ... ابن ... قال
ابو عبد الله ... قال ... كان ... عن ...
القراءة ... بفتح الميم ادح ... بالتنوين ... بالفتح ... قال

١٧٦

سم بكسر السين واسكان اللام ش بصير ببغع الياء ادح مرضاة امرا كن برفع التاء ح جزه بخفض الآ... ... ... سود الا
بفتح السين ادح ك ص ان كلا بتخفيف النون ادح ل بتخفيف ادح ... وبفتح اللام ... ... [illegible]
... ادح ك ص ش **هود** ... ابتغ ... ... ادح ك ص
... بالالف ... ... [illegible] ... ...
... ... جعفر بن محمد ... ... [illegible]
في ... ... سنين المقيض بكسر اللام ادح ك ... ...
ابو عبد الله قال ... ... امير المؤمنين ... ...
... ... ادح ك ص ... ... ادح ك ص
... ... ادح ك ... ... ادح ك ص ش ... ادح ش ... ادح ك ... ... بالتخفيف
... ... ابن عباس وابن مسعود ... ... ادح ش **الرعد** ... ...
... ... ادح ش ... ...
من امير المؤمنين ... ... جعفر بن محمد ...
جعفر بن محمد الصادق ... ... ادح ك ص ...
... ادح ك ص ... ...
... ... ادح ... **ابراهيم**
... ... ادح ... ... ادح ... ...
... ... الامام محمد الباقر وجعفر الصادق عليهما السلام ...
... ... ابو جعفر محمد ... ...
... ... ادح بع **الحجر**

... ... ادح ك ش ... ...
... ... بكسر اللام ادح بع ك ... ...
... ...
... ... **النحل** ... ...
ادح ك ش ... ... الامام جعفر الصادق ... ...
... ... ادح ك ... بع ... ...
ادح ك ص ... ...
ادح ك ص ... ...
... ... ادح بع ... ...
... **الاسرى** ... ...
... ...
... ...
... ... ادح ك ... ... ادح ك ... ...
ادح ... ... ادح ك ص ...
... ...
... ... ادح ... ...
ح ك ... ...
... ...
... ... **الكهف** ... ...

من راق ورقيه ... لا من الانه وتخفيف وكسر وابن مواضع سكة ميكذ مرفقا بفتح الميم وكسر الفا اكرجع وخا ورقيه والي
ادح وباسكان الراء التي تشديد الاتي وقرء العشاق وكلاهما اسم الى ورحسب كسبهم للمهتدي التي في الوصل اح جع ولمنت
بشديد اللام ادح جع بضم العين كسر جع يع وكتم باسكان الراء ح ف من خلفي باليا في الوصل اح جع
وفي الى اللين باليا دبع ثمانية بلا نوين ش خل و لا تنزل باليا وجزم الكاف مع النهي ك بالغدوة بضم الغين وسكون الدال
وفتح الواو ك ... الكاف ادح بضم الثا والميم ادش لحل بضم الثا وسكان الميم جع ان اقل انا اكثر
باليا ح ... النية ادك جع لكنا بالالف في الوصل كرجع يس وفي الوقف لكن ابي اهد ان يبدلنا
ادح جع ترني باليا في الوصل بحجع وفي الى اللين باليا يع دبثمره بضم الثا والميم ادش ك بضم الثا وسكان الميم
ح و لم يكن باليا ش خل الولاية بكسر الواو ش خل الحق برفع القاف ح وعقبا بضم القاف ح اك برابع الرحمة
ش خل تسير بالتا المعرفة وفتح اليا الجبال برفع ح دكحل الذي كنتم ... لا الوقف ماح وابو قرن يقولون
على اللام تقول الرى ف ... بكسر القاف وفتح الباء ادح ك يع لمهلكهم بضم الميم وفتح اللام ادح يع ك تر جع خل
وبفتح الميم واللام حكم ... باتحج وكر ... ادح كش من بح باليا في الوصل اح بحجع وفي الى اللين باليا دبع
رشدا بفتح الراء والشين جع يع ليغرق اهلها بفتح اليا والراء ورفع اللام خل ش زاكية بالالف والتخفيف ادح بكسر الجيم
الكاف فسام ص جع يع لاتخذت بتشديد التاء وفتح الخاء وبالادغام اك ص ش زاده الى وابن عباس واما الغلام فكان كافرا
وابواه مؤمنين ... قراءة ... السلام ان يبدلهما بتشديد اح جع رحما بضم الحاء جع كر يع ورد ...
وما نغنه بالرمي من امري ... بوصل الالف شدد دمالقا ادح جع يع حانه بالالف ... همزة كص ش يفقهون بضم
اليا وكسر القاف ش خل ... جع ... بالهمزة ادح كش خراجا بالالف ش خل سدا بضم السين اكص جع يع ...
انتوني بكسر التنوين ... في الابتداء ... بكسر الهمزة ... قرن ردما اتوني بقطع الهمزة ... الى بين الصدفين بضم الصاد والدال
دح ك ... وبضم الصاد وسكان الدال ص قال اتوني ف ص في الابتداء بكسر الهمزة ... قال اتوني الى اللين ...
بالتنوين والهمزة ادح كجع يع ... بسكون الباء وحتم الباء ص ... يع وهذا قراءة على وابن عمر والحسن

ومجاهد وقتادة والنخعي ك يقتلوا باليا ش خل ... كما يعقوب ... والباء من ... ابن ... ابن الامام الامام
علي ابن الحسين ومحمد ابن علي والى حوت ... بفتح الخاء ... وتشديد الفاء وكسر التاء ... ابن عباس ومجاهد ابن محمد ويرثني
ويرث من ال يعقوب بزكريا ... والعرش كص برثني ويرث بالجزم فيها ح ... يا زكريا انا ...
عتيا بضم العين ادح كص ... الالف ... بكسر النون ادح ص ... من تحتها بفتح الميم
والتاء دح لحص ... التاء ... وتشديد السين ادح لحص بحج خل قول برفع اللام اد
ح ... بكسر الهمزة ادح جع ليس ... في ... بكسر اللام ...
ح وكيا بكسر ... بضم اليا وفتح الحا ... دح ص جع يع ... بتشديد الذال وفتح الكاف ...
ح جثيا عتيا صليا بكسر الجيم والعين والصاد ... بضم الميم د يوم نحشر المتقين ونسوق المجرمين في قراءة ...
عليه السلام ليوم نحشر المتقون ويساق المجرمون ... كذا ...
ولدا او ... الواو وسكون اللام ... بالتاء بكسر ... خ ... ف ...
والقه ص ش خل ... ادح ... بتشديد النون ... بالنون والالف ... في الكاف
بقطع الهمزة ... بضم الهمزة ... وكسر الميم وفتح الهاء والف بعدها ادح ك ... بكسر ...
ب د وبضم التاء ... الوقف ص ف ... بفتح الباء ... ادح كص ان بتشديد النون
... بتخفيف النون ص اك س جع خل يع ... الوصل الهمزة وفتح الميم ... بفتح اللام وتشديد الفاء
وجزم الف ادح ل ص ... بكسر التاء ... الى ش خل ... بكسر النون ...
ادح لانت ... الالف بالالف قبلها ف ... بلا الف بعد الواو ادح ... بفتح الياء ... بضم اللام
الاولى ... بكسر الميم دح ك وبضم الميم ش خل ... بفتح التاء والميم مخففة ح ص ش حم جع وقرء
جع ... بفتح النون وسكون الالف وتخفيف ... وهو قراءة على وابن عباس ... باليا في الوصل اح د وفي
الى اللين دبع ... بكسر الميم ك ص من خل ... بكسر اللام كح يع ... بكسر الهمزة ...

بضم الياء وفتح القاف ص **الانبياء** قل ربي بالف ادح كس يوحي اليهم بفتح الحاء ادح تس ص كـ يوحي اليه بفتح الحاء آدح
لتحصنكم بالنون ... بالهمزة ... جذاذا بكسر الجيم ... بفتح الالف ... ص تس خل لتحصنكم بالياء ادح
ع تس بالنون ص ... بالتاء واللام مشددة ... بالمد ص كـ ... بكسر الراء وحرم بكسر الحاء ص تس خل
الياقوت ... مخففة ... بالتاء ج ... حرم ... بالمد ... آدح كـ تس قراءة ابن عباس
حصب بالضاد ... قراءة ... طي السجل للكتاب ... آدح ... الزبور ... ص خل ... بالف
تس ... **الحج** ... بالف ... تس خل بضم الياء ادح كيس ثم ليقطع بكسر اللام ح
ح كـ ... بضم الهمزة ... بتشديد النون د ... الهمزة الاولى ... تس ... باسكان
الياء ادح ص تس ثم ليقضوا بكسر اللام ج ج ... ليوفوا باسكان اللام ... الواو وتشديد الفاء ... فتخطفه الطير
وتشديد ... آدح ... بكسر الشين تس خل ... بفتح الياء والفاء باسكان الزاي ... بالف ح بع ادن بضم الالف
كـ تس يقاتلون بكسر التاء ادح ص تس دفع بكسر الدال ... الف والف بعد ... آدح بع لهدمت بتخفيف الدال
ح وقرأ ابن مسعود وابن عباس وابو جعفر ... بالنون ... بضم الالف واللام ...
واللذ ج يعفو ... الياء ج ... بالهمزة ... ج يعدون بالياء د تس خل ... بالتاء ... وهو الاول
د ص ج ... **المؤمنون** لامانتهم بلا الف ح ... مع الافراد تس خل ... العظم بفتح العين
واسكان ... ص سيناء بكسر السين ادح ج خل تنبت بضم التاء ... د ح ... بضم النون ... ص
ج ... بفتح اللام ... بكسر الراء ... هيهات هيهات ... بضم الراء ادح
ع تس ... بفتح الهمزة ادح ... بفتح الراء ... بالالف تس خل ... الراء بلا الف ... سيقولون الله
قل لمن ... الله ح في الثاني ... ولا خلاف في الاول ... بفتح الميم ... تس خل
بضم ... **النور** ... وفرضناها بتشديد الراء د ح ... بع ... بنصب العين آدح كـ
ص ... بضم الكاف ... بكسر الفاء ... بكسر الجيم د م تس ... بنصب الراء كـ ص ج ايها المؤمنون بضم الهاء

كـ ... بالف ح د ج وفي قراءة ابن عباس ... وفي مصحف ابن مسعود ... ولا تغفر
وكذا ... ابن ... وقرأ ... محمد الباقر وجعفر ... الصادق ... ابن
وكذا عن ابن ... سعيد بن جبير ... بضم الياء ادح ص ج بع ... بضم الدال ... الهمزة ... المغيرة
الزاي مخففة ص ... بضم الياء ... خالق كل بالالف وكسر اللام ... ورفع القاف تس خل
... بكسر القاف ... ح ص ... بضم الهاء وكسر اللام ص ... الالف ... مخففا د
ص بع ثلث عورات بالنصب ص تس خل **الفرقان** ... ح ... وان ارادوا الوقف ... يقفون على اللام
ويجعل ... اللام د كـ ص ... باسكان الياء مخففة ... بالنون ادح كـ تس ... بالنون كـ ... ح بع
ان نتخذ بضم النون ... ورؤي عن جعفر ... في الاسواق بضم الياء ... مشددة
يستطيعون بالياء ادح كـ ص تس تشقق بتشديد الشين ادكـ ج بع ونزل الملائكة بالنون ادح ... ص
عن ... ولا ... بالنون ... بالياء تس ... تس خل ... الياء وكسر
ادكـ ج بضم الياء ... د ح ج بع ... بضم الالف ... بضم الدال ... ص ...
ع وقرئ ... بالف ح ص تس ... بفتح الياء ... باسكان اللام مخففة ص ... وفي قراءة ... وجمع
لاية **الشعراء** طسم ... بالادغام ص تس خل ... بكسر العين ... بتشديد القاف آدح ص كـ
تس ... بالالف آدح كـ ان اجري حيث وقع باسكان الياء د ص تس ... باسكان اللام د ح
ج بع ... بالف ... آدح ج بع كسفا ... بفتح السين ع والباقون بالاسكان ...
... الروح الامين ... ص تس خل بع ... الم آية ... بالف آدح ج وفي ...
... **النمل** طس ... تس خل بشهاب بغير تنوين ادح كـ ... بفتح
... بضم الكاف آدح ... يخفون ويعلنون بالتاء ... آدح كـ ص ... بفتح الميم واللام ص
... بكسر الهمزة آدح كـ ... الهمزة ... آدح كـ ص ... بع يفعلون بالياء د ح ع

[illegible] القصص [illegible]

[illegible] العنكبوت [illegible]

[illegible] الروم [illegible]

[illegible] لقمان [illegible]

[illegible] السجدة [illegible]

[illegible] الأحزاب [illegible]

[illegible] سبأ [illegible]

[illegible] الملائكة [illegible]

[illegible] يس [illegible]

[illegible] الصافات [illegible]

[illegible] ص [illegible]

[illegible] الزمر [illegible]

[illegible] المؤمن [illegible]

شو يكون بالنصب **المجادلة** ... [illegible] ادح [illegible] بغير الف دح صح [illegible] خلف [illegible] ... يظهرون بالنون [illegible]

ح صن يع [illegible] اللام ح صن [illegible] يصغرون [illegible] ادح صن **النجوى** [illegible] ادح [illegible] خلف [illegible]

[illegible] ادح صح يع [illegible] ادح [illegible]

[illegible]

[illegible] ادح ح [illegible] يع [illegible]

[illegible] الف [illegible] يغ الثنين [illegible] ادح [illegible]

الحشر [illegible] ادح [illegible]

ادح **الممتحنة** [illegible]

الصف [illegible] ادح [illegible]

[illegible] ادح [illegible]

[illegible] **الفتال** [illegible]

[illegible] ادح [illegible]

الفتح [illegible] دح [illegible]

ادح [illegible]

[illegible] **الحجرات** [illegible] ادح [illegible]

[illegible] **ق** [illegible]

[illegible] ادح [illegible] **الذاريات** [illegible]

[illegible] **الطور** [illegible] دح [illegible]

صح [illegible] ادح [illegible]

[illegible] ادح [illegible] **القمر** [illegible]

[illegible] **الرحمن** [illegible] ح صح [illegible]

[illegible] دح [illegible]

ح [illegible] **الواقعة** [illegible] ادح [illegible]

ح صن [illegible] دح [illegible]

[illegible] دح [illegible]

[illegible]

[illegible] **الحديد** [illegible] دح [illegible]

[illegible] **المجادلة** [illegible] ادح [illegible] دح [illegible]

ص [illegible] **الحشر** [illegible] ادح [illegible]

[illegible] **الممتحنة** [illegible] ادح يع [illegible]

[illegible] **الصف** [illegible] ادح [illegible]

[illegible]

[illegible] ادح ج **المنافقون** [illegible]

الطلاق [illegible] يع [illegible]

[illegible] **التحريم** [illegible] ادح [illegible]

[illegible] ح [illegible]

[illegible] ادش صن يع **الملك** [illegible] **ن**

[illegible]

[illegible]

... در جميع قرآن ... [illegible]

ودر قرآن مجيد الفاظ ... [illegible]

... در جميع قرآن ... [illegible]

و هم چنین است در سوره آل عمران [illegible] بتقدیم همزه [illegible] در این سوره [illegible] و القابین تقدیم [illegible] بر همزه
هم چنین است [illegible] در سوره یوسف [illegible] و در ابراهیم [illegible] ان نعبد الاصنام [illegible]
[illegible] تشدید [illegible] و در انجا [illegible] همزه [illegible] باشباع همزه [illegible] تشدید [illegible] و مشتقات
[illegible] و المطهرون [illegible] تشدید [illegible] بترک [illegible]
[illegible] بترک اشباع همزه [illegible] همزه و بترک اشباع واو [illegible] بتقدیم [illegible] و هم چنین است [illegible]
[illegible]
[illegible] در این جا [illegible] تشدید [illegible] اولی در این جا [illegible] تشدید [illegible]
در انجا و در [illegible] تشدید [illegible] در این جا [illegible]
و در [illegible] بترک اشباع همزه [illegible] تقدیم [illegible] و هم چنین است [illegible] یوسف [illegible] سورة
المرا [illegible] تشدید [illegible] تقدیم [illegible] در جمیع قرآن [illegible]
[illegible] باشباع واو [illegible]
[illegible] تقدیم [illegible] بتقدیم همزه [illegible] باشباع همزه [illegible] تشدید [illegible]
[illegible] در جمیع قرآن بتقدیم [illegible] در بقره گذشت [illegible] بترک اشباع سورة
النساء [illegible] تشدید [illegible] و هم چنین [illegible] بترک اشباع همزه [illegible] باشباع واو [illegible]
[illegible] در بقره گذشت **سورة المائدة** [illegible] تشدید [illegible] بترک اشباع همزه [illegible]
[illegible] بتقدیم [illegible] در این جا [illegible]
[illegible] بتقدیم همزه [illegible] در بقره گذشت **سورة الانعام** [illegible] بترک اشباع در انجا
[illegible] در این جا [illegible] بتقدیم [illegible] در جمیع قرآن [illegible]
[illegible] تشدید [illegible] در انجا [illegible]

درحرف [illegible] تقدیم [illegible] اولی [illegible] در بقره گذشت **سورة**
الاعراف [illegible] تشدید [illegible] باشباع همزه [illegible] باشباع واو [illegible]
[illegible] تشدید [illegible] در این جا [illegible] تشدید
[illegible] تشدید [illegible] تقدیم [illegible] در آل عمران [illegible]
[illegible] در بقره گذشت **سورة الانفال** [illegible] در بقره گذشت **سورة التوبة** [illegible]
[illegible] در بقره گذشت [illegible]
[illegible] باشباع [illegible] تشدید [illegible] بتقدیم همزه [illegible]
[illegible] بتقدیم [illegible]
[illegible] گذشت **سورة یونس** [illegible] تشدید [illegible]
[illegible] در انعام [illegible] در اعراف گذشت [illegible]
[illegible] بترک اشباع همزه [illegible]
[illegible] بترک اشباع [illegible]
[illegible] در بقره [illegible] در آل عمران [illegible] در انعام گذشت **سورة یوسف** [illegible]
[illegible] تشدید [illegible] بترک اشباع همزه [illegible] در بقره گذشت
[illegible] تشدید [illegible] در قرآن [illegible]
الرعد [illegible] در آل عمران [illegible]
[illegible] **سورة ابراهیم** [illegible]
[illegible] **الحجر** [illegible] در این جا [illegible]
در بقره گذشت **سورة النحل** [illegible] تشدید [illegible]
[illegible] در بقره گذشت **سورة بنی اسرائیل** [illegible] بترک اشباع [illegible] باشباع

رءوف در انعام گذشت [illegible] بترک الواو **الکهف** [illegible] اشباع [illegible] بترک اشباع واو [illegible] چنین [illegible]

[illegible] فتح همزه و سکون [illegible] در آل عمران [illegible] در بقره گذشت **مریم** [illegible]

بترک [illegible] بکسر [illegible] تشدید نون **طه** [illegible] بفتح [illegible] اشباع [illegible]

[illegible] در آل عمران [illegible] در بقره گذشت **الانبیاء** [illegible] بترک اشباع [illegible]

[illegible] تشدید [illegible] سین و لام **الحج** [illegible] بترک اشباع [illegible]

[illegible] بفتح لام [illegible]

[illegible] گذشت **المؤمنون** [illegible] اشباع [illegible]

النور [illegible] بترک اشباع الواو [illegible] بترک اشباع **الفرقان** [illegible] در انعام [illegible]

[illegible] المرسلین [illegible] در بقره گذشت [illegible] اشباع [illegible] بترک اشباع **الشعراء**

[illegible] در بقره [illegible] گذشت [illegible] بترک اشباع **النمل** [illegible]

در انعام گذشت [illegible] در بقره گذشت **القصص** [illegible] بفتح [illegible] سکون [illegible]

[illegible] فتح همزه [illegible] گذشت **العنکبوت** [illegible]

در انعام گذشت **الروم** [illegible] اشباع [illegible] بترک اشباع [illegible] تشدید [illegible]

[illegible] گذشت **لقمان** [illegible] بسکون [illegible] در آل عمران [illegible]

در انعام گذشت **السجدة** [illegible] در بقره گذشت **الاحزاب** [illegible] در انعام گذشت [illegible] بترک الواو **سبا** [illegible]

گذشت [illegible] تشدید [illegible] **فاطر** [illegible] بفتح [illegible] بترک الواو

[illegible] در آل عمران [illegible] در سوره [illegible]

یس [illegible] تشدید [illegible] بسکون قاف [illegible] تشدید میم [illegible] بسکون [illegible] اشباع

[illegible] **والصافات** [illegible]

در سوره [illegible] تشدید [illegible] **ص** [illegible] بترک اشباع

[illegible] گذشت **الزمر** [illegible] بترک اشباع [illegible] در آل عمران گذشت **المؤمن** [illegible]

[illegible] در سوره انعام گذشت **فصلت** [illegible] بسکون [illegible]

گذشت **الشوری** [illegible] بفتح لام [illegible] سکون [illegible]

اشباع [illegible] **الزخرف** [illegible] بفتح نون و سکون [illegible] تشدید [illegible] **الجاثیة** [illegible] در سوره [illegible]

الاحقاف [illegible] بسکون [illegible] در سوره انعام گذشت **محمد** [illegible] در آل عمران [illegible]

در بقره گذشت **الحجرات** [illegible] بسکون [illegible] **ق** [illegible] بسکون [illegible]

[illegible] تشدید قاف [illegible] گذشت **الذاریات** [illegible] بفتح [illegible] سکون [illegible] **الطور** [illegible]

[illegible] گذشت **النجم** [illegible] اشباع [illegible] **القمر** [illegible] بفتح [illegible] **الرحمن**

[illegible] بترک اشباع [illegible] **الواقعة** [illegible] در بقره [illegible] **الحدید** [illegible]

گذشت [illegible] در بقره گذشت **المجادلة** [illegible] در آل عمران گذشت **الحشر** [illegible]

[illegible] بسکون [illegible] **الممتحنة** [illegible] بترک اشباع **الصف** [illegible] گذشت **الجمعة**

[illegible] بکسر نون [illegible] بفتح [illegible] **المنافقون** [illegible]

[illegible] **التغابن** [illegible] گذشت **الطلاق** [illegible] گذشت **التحریم** [illegible]

[illegible] **الملك** [illegible] گذشت **القلم** [illegible] بفتح [illegible] در بقره گذشت [illegible] **الحاقة** [illegible]

[illegible] **المعارج** [illegible] بترک [illegible] **نوح** [illegible] در بقره گذشت [illegible]

[illegible] **الجن** [illegible] **المزمل** [illegible] بترک اشباع [illegible] بسکون [illegible] **القیامة** [illegible]

المدثر در بقره گذشت [illegible] بترک اشباع [illegible] **الدهر** [illegible] بترک الواو **المرسلات** [illegible]

[illegible] در بقره [illegible] گذشت **النبأ** [illegible] بسکون قاف [illegible] **النازعات** [illegible]

[illegible] **عبس** [illegible] در بقره گذشت **التکویر** [illegible] در بقره [illegible] گذشت **المطففین** [illegible] بسکون [illegible]

[illegible] **الفجر** [illegible] بسکون سین و کسر [illegible] تشدید [illegible] **والتین** سینین [illegible]

التكاثر [illegible] التكاثر [illegible] القرآن الكريم [illegible]

[illegible] العظيم [illegible] آيات القرآن عن ابن عباس [illegible] القرآن ٦٢١٦ [illegible]

الفاتحة ٦٢٢٩ [illegible] ٦٢٣٦ [illegible] ٦٢١٦ [illegible]

المدني ٦٢١٧ [illegible] ٦٢٢٧ [illegible] ٦٢٠٤ [illegible] الآيات [illegible]

[illegible] الموءمنين [illegible] القرآن

[illegible] عن ابن عباس [illegible]

[illegible] عدد الاعشار [illegible] عدد الاخماس عدد السجدات الواجبة [illegible] عدد الاجزاء [illegible] عدد الاحزاب ١٢٣٦

عدد [illegible] عدد الكلمات [illegible]

[illegible] عدد [illegible]

[illegible] عدد [illegible] عدد النقطات [illegible]

[illegible] القرآن [illegible]

[illegible] سورة [illegible]

الموءمنين بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انا نستعينك ونستغفرك ونثني عليك

ولا نكفرك ونخلع ونترك من يفجرك بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اياك

نعبد ولك نصلي ونسجد واليك نسعى ونحفد ونرجو رحمتك ونخشى عذابك ان عذابك بالكفار ملحق

[illegible] سورة الفيل والقريش [illegible] سورة واحدة [illegible]

[illegible] سورة [illegible]

[illegible] سورة [illegible] الانفال التوبة سورة واحدة [illegible] الفيل والقريش [illegible] عدد الالف [illegible] القرآن [illegible]

[illegible]

ع

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جدول عدد آيات و كلمات

و حروف سور قرآني من البداية الى النهاية

فاتحه ٧	كلماتها ٢٥	حروفها ١٢٣	نور ٦٤	كلماتها ١٣٣١	حروفها [illegible]	قتال ٣٨	كلماتها ٥٣٩	حروفها ٢٣٤٩	معارج ٤٤	كلماتها ٢١٦	حروفها ٩٦	والضحى ١١	كلماتها [illegible]	حروفها ١٦٢
بقره ٢٨٦	٦١٢١	٢٥٥	فرقان ٧٧	٣٩٨	٣٣١٣	فتح ٢٩	٥٦	٢٣٢٨	نوح ٢٨	٢٢٤	٩٥٩	الم نشرح ٨	٢٧	٩٣
آل عمران ٢٠٠	٣٤٨٠	١٤٥٢٥	شعراء ٢٢٧	١٢٩٩	١٢٥٥	حجرات ١٨	٣٤٣	١٤٩٧	جن ٢٨	٢١٥	٧٥٩	تين ٨	٣٤	١٠٥
نساء ١٧٦	٣٧٤٥	١٦٠٣٠	نمل ٩٣	١١٤٩	[illegible]	ق ٤٥	٣٧٥	٤٧٧	مزمل ٢٠	٢٨٥	٨٨٨	علق ١٩	٧٢	٢٨
مائده ١٢٠	٢٨٠٤	١١٧٣٣	قصص ٨٨	١٤٤١	[illegible]	ذاريات ٦٠	٣٦٠	١٢٨٤	مدثر ٥٦	٢٥٥	١٠٢	قدر ٥	٣٠	١٢٠
انعام ١٦٥	٣٠٥٢	١٢٤٢٢	عنكبوت ٦٩	[illegible]	[illegible]	طور ٤٩	٣١٢	١٩	قيامه ٤٠	١٩٩	٤٥٢	بينه ٨	٩٤	٣٧٤
اعراف ٢٠٦	٣٣٢٥	١٤٠١٥	روم ٦٠	٨١٩	[illegible]	نجم ٦٢	٣٦٣	١٤٥٠	دهر ٣١	٢٤٣	١٥٣	زلزال ٨	٣٥	١٣٩
انفال ٧٥	١٢٣١	٥٢٩٤	لقمان ٣٤	٥٤٨	٢١١٠	قمر ٥٥	٣٤٣	[illegible]	مرسلات ٥٠	١٨١	٨٨٦	عاديات ١١	٤٠	١٠٣
توبه ١٢٩	٢٤٩٧	١٠٨٨٧	سجده ٣٠	٣٨٠	١٥٢٨	رحمن ٧٨	٣٥١	[illegible]	نبأ ٤٠	٧٣٠	٧٧٧	قارعه ١١	٣٦	١٥٢
يونس ١٠٩	١٨٣٢	٢٧٥٥	احزاب ٧٣	١٢٨٠	٥٧٩٦	واقعه ٩٦	٣٧٨	١٣٢٣	نازعات ٤٦	١٧٠	٧٥٣	تكاثر ٨	٢٨	١٢٠
هود ١٢٣	١٩١٥	٧٥٠٥	سبا ٥٤	٨٨٣	٤٥١٢	حديد ٢٩	٥٤٥	٢٤٧٥	عبس ٤٢	١٣٣	٥٣٣	عصر ٣	١٤	٦٨
يوسف ١١١	١٧٧٦	٧١٦٦	فاطر ٤٥	٧٧٧	٣١٣٠	مجادله ٢٢	٤٧٣	١٩٩٢	تكوير ٢٩	١٠٤	٥٣٣	همزه ٩	٣٣	١٣٣
رعد ٤٣	٨٥٥	٣٥٠٦	يس ٨٣	٧٢٩	٣٠١٠	حشر ٢٤	٤٤٥	١٩١٣	انفطار ١٩	٨٠	٣٢٧	فيل ٥	٢٣	٩٦
ابراهيم ٥٢	٨٣١	٣٤٣٤	صافات ١٨٢	٨٦٠	٣٨٢٠	ممتحنه ١٣	٣٤٨	١٥١٠	مطففين ٣٦	١٦٩	٧٢٠	قريش ٤	١٧	٧٣
حجر ٩٩	٦٥٤	٢٧٧١	ص ٨٨	٧٣٢	٣٩٩٩	صف ١٤	١٢١	٩٢٠	انشقاق ٢٥	١٢١	٤٣٣	ماعون ٧	٢٥	١١٥

[illegible]	١٥٩١	٧٧٧	[illegible]	١١٢	٣٧٧٨	[illegible]	١٠٨	٧٣٨	[illegible]	١٠٥	١٤٥٣	[illegible]	١٠	[illegible]
كهف	١٥٣٣	[illegible]	[illegible]	١١٩٩	[illegible]	[illegible]	١٩٠	[illegible]	[illegible]	٧٣	٣٩١	[illegible]	٣	٩
[illegible]	١٥٧٧	٣٣٢	[illegible]	٧٥٥	٣٣٣٥	[illegible]	٣٣١	١٢٠	[illegible]	٧٣	٣٩١	[illegible]	١٨	٧٩
مريم ٩٨	٧٦٢	٣٦٢	[illegible]	٩٦٦	٣٨٨	[illegible]	٢٤٧	١٦٠	[illegible]	٩٣	٣٨١	[illegible]	٢	٧١
طه ١٣٥	١٣٩	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	١٦٠	[illegible]	[illegible]	٥٣٥	[illegible]	١	٣٩
انبياء ١١٢	١١٩٨	٣١٩	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	٣٥٥	٣١٣	[illegible]	٨٣٠	٣٠٧	[illegible]	٢	[illegible]
حج	١٢٩١	٩٧٥	[illegible]	٣٨٨	٢١٩١	[illegible]	[illegible]	٩١٣	[illegible]	[illegible]	٣٣٧	[illegible]	٢	٧٩
مؤمنون	١٨٠١	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	٤٥٦	[illegible]	[illegible]	٧١	٣١٠	[illegible]	[illegible]	[illegible]

فائدة در بيان ترتيب نزول [illegible] از متعلقات قرآنی و بيان الفاظ معربه [illegible]
[illegible] اعلم ان كل القرآن كتب في عهد رسول الله [illegible]
واحد [illegible] في رواية ابن سيرين ان عليا قال [illegible] رسول الله [illegible]
[illegible] جمع القرآن [illegible] اقرأ ثم ن ثم المدثر ثم المزمل وهكذا الى آخر [illegible]
[illegible] وعن ابن عباس قال اول ما نزل [illegible] الفاتحة [illegible]
[illegible] ∴ اقرأ ن مزمل مدثر ∴ والمرسلات [illegible] ∴ بين فجر والضحى ثم [illegible] العاديات [illegible]
[illegible] ∴ [illegible] ∴ فبروج [illegible] ∴ [illegible]
[illegible] ∴ [illegible] ∴ [illegible] ∴ [illegible]
[illegible] ∴ ثم لقمان وسبأ زمر [illegible] ∴ مع [illegible] ∴ [illegible]
[illegible] ∴ [illegible] ∴ [illegible] ∴ [illegible]
[illegible] ∴ الطول وعمران [illegible] ∴ [illegible] ∴ [illegible]
[illegible] ∴ [illegible] ∴ [illegible] ∴ [illegible]
[illegible] ∴ [illegible] ∴ [illegible]
[illegible] ∴ وفي الرواية [illegible] ثم ن ثم المزمل ثم المدثر وهكذا [illegible]
[illegible]

[illegible] كل سورة [illegible] وكل سورة [illegible]
[illegible] آدم وابليس [illegible] البقرة [illegible]
[illegible] سورة [illegible] الرحمن [illegible]
[illegible]
[illegible] البقرة [illegible]
[illegible]
[illegible] القرآن العظيم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
من المهموسة نصفها ∴ ومن المجهورة نصفها ∴ ومن الشديدة نصفها ∴ ومن الرخوة نصفها ∴ ومن المطبقة نصفها
ومن المنفتحة نصفها ∴ ومن [illegible] ∴ ومن حروف القلقلة [illegible] فائدة من قال نزل القرآن بلغة قريش [illegible]
[illegible] القرآن [illegible]
[illegible] كلام العرب [illegible]
[illegible] القرآن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

فصارت عربية ثم نزل القرآن فمن قال انها عربية فهو صادق ومن قال عجمية فهو ايضا صادق ومن الالفاظ الواردة في القرآن
من ذلك مرتبة على حروف المعجم اباريق فارسي معرب اب هو الحشيش بلغة اهل الغرب ابلعي بلغة الحبشة ازر رومية وبلغة اهل
اشرنج اخلد بالعبرية ركن الارائك بالحبشية السرر آزر قيل بلغتهم يا مخطئ اسباط بلغتهم كالقبائل استبرق بلغة العجم
الغليظ اسفار بالسريانية وبالنبطية هي الكتب اصري بالنبطية عهدي اكواب بالنبطية جرار ليس لها عرى ال بالنبطية هو اسم
الله اليم بالزنجية وبالعبرانية اي الموجع اناه بلغة البربر اهل المغرب نضجه آن هو الذي انتهى حره وفي قول بن جني آنية
اي حارة اواه بالحبشية الموقن وقيل الرحيم وبالعبرانية الدعاء اواب بالحبشية المسبح اوبي بالحبشية سبحي بطائنها
بالقبطية ظواهرها بعير فولا بعير اي كيل حمار بالعبرانية بيع الكنيسة تنور فارسي معرب الجبت بالحبشية اسم الشيطان
قيل اسم جهنم قيل عبرانية وقيل فارسية وقيل نبطية واصله كهنم حرم بالحبشية وجب حصب بالزنجية حطب حطة قيل بلغتهم
معناه قولوا صوابا حواريون بالنبطية القصارون حوب بالحبشية الاثم دارست معناه قارأت بلغة اليهود دري بالحبشية
المضيء دينار فارسي معرب راعنا سب بلغة اليهود ربانيون ربيون عبرانية او سريانية الرحمن عبراني وهو بالخاء المعجمة
الرس عجمي الرقيم بالرومية اللوح وقيل هو اسم الكلب رهوا بلغة النبط اي سهلا وبالسريانية ساكنا الروم اعجمي
لغة الجيل من الناس زنجبيل فارسي سجدا بالسريانية اي مقنعي الرؤوس السجل الكتاب بلغة الحبشة سجيل فارسي اوله حجارة
وآخرها طين سجين بالرومية سرادق فارسي معرب اصله سرادر وهو الدهليز وقيل بالفارسية سراپرده اي ستر الدار سريا بالسريانية
وبالنبطية وباليونانية نهر سقر عجمية سكرا بالحبشية الخل سلسبيل عجمي سندس بالفارسية هو رقيق الديباج وقيل بالهندية سيدها
اي زوجها بلغة القبط سينين سيناء بالحبشية الحسن شطر بالحبشية تلقاء الصراط بالرومية الطريق صرهن بالرومية قطعهن صلوات
بالعبرانية كنائس اليهود طه بالحبشية يا رجل وقيل يا رجل بالنبطية الطاغوت بالحبشية هو الكاهن طفقا بالرومية قصدا طوبى
بالحبشية وبالهندية اسم الجنة طور بالسريانية وبالنبطية الجبل عبدت قتلت عدن بالرومية والسريانية جنات كروم وعنب العرم
بالحبشية هي المسناة التي يجمع فيها الماء غساق بلغة الترك هو البارد المنتن وبالطخاوية هو المنتن غيض الماء اي نقص بلغة الحبشة
فردوس بالرومية البستان واصله فردوس قراطيس يقال ان القرطاس اصله غير عربي فوم بالعبرية هو الحنطة قسط عدل بالرومية

قسطاس

قسطاس بالرومية الميزان وقيل العدل قسورة بالحبشية الاسد قطنا بالنبطية كتابنا قفل فارسي معرب قمل بالعبرانية والسريانية
الدبا قنطار بالرومية اثنا عشر الف اوقية وبالسريانية ملء جلد ثور ذهبا او فضة وبلغة البربر الف مثقال وبلغة اهل افريقية ثمانية آلاف مثقال
قيوم بالسريانية هو القائم الذي لا ينام كافور فارسي كفر بالنبطية اي امح كفلين بالحبشية ضعفين كنز فارسي معرب كورت بالفارسية لينة
بلغة يهود يثرب هي النخلة مجوس اعجمي مرجان اعجمي مرقوم بالعبرانية مكتوب مزجاة بلغة العجم القليلة مسك فارسي مشكاة
حبشية مقاليد فارسي معرب بمعنى المفاتيح ملكوت نبطية مناص بالنبطية فرار منسأة بلغة الحبشة عصا منفطر به
حبشية ممتلئ مهل قيل هو عكر الزيت بلغة عصارة بلغة اهل المغرب وقيل بلغة البربر ناشئة بالحبشية قيام الليل ن فارسي
النون معناه اصنع ما شئت هدنا بالعبرانية تبنا هود اي اليهود اعجمي هون بالسريانية وبالعبرانية بمعنى الحلم هيت لك بالقبطية
وبالسريانية وبالحورانية وبالعبرانية بمعنى هلم لك اصله هيتلج اي تعال وراء بالنبطية بمعنى امام وردة غير عربية
بالنبطية ياقوت فارسي يحور اي يرجع بلغة الحبشة يس بالحبشية يا انسان يصهر ينضج بالحبشية اليم بالعبرية والسريانية
والقبطية بمعنى البحر اليهود اعجمي معرب منسوبا الى يهوذا بن يعقوب معرب باهمال الدال وقد نظم القاضي تاج الدين السبكي من الالفاظ
في القرآن سبعة وعشرين حرفا وذيل عليه ابن حجر والسيوطي بابيات معدودة قال ابن السبكي فنظم السلسبيل وطه كورت بيع
روم وطوبى وسجيل وكافور ❁ والزنجبيل ومشكاة سرادق مع ❁ استبرق صلوات سندس طور ❁ كذا قراطيس ربانيهم وغساق
ثم دينار القسطاس مشهور ❁ كذاك قسورة واليم ناشئة ❁ ويؤت كفلين مذكور ومسطور ❁ له مقاليد فردوس يعد كذا
فيما حكى ابن دريد منه تنور ❁ وقال ابن حجر وزدت حرم ❁ ومهل والسجل كذا السري والاب ❁ ثم الجبت مذكور
وقطنا واناه ثم متكأ ❁ دارست يصهر منه فهو مصهور ❁ وهيت والسكر والاواه مع حصب ❁ واوبي معه والطاغوت مسطور
صرهن اصري وغيض الماء مع وزر ❁ ثم الرقيم مناص والسنا النور ❁ وقال السيوطي وزدت يس والرحمن مع ملكوت ❁ ثم سينين شطر البيت مشهور
ثم الصراط ودري يحور ❁ ومرجان ويم مع القنطار مذكور ❁ وراعنا طفقا هدنا ابلعي ووراء ❁ والارائك والاكواب مأثور
هود وقسط وكفر رمزه سقر ❁ هون يصدون والمنساة مسطور ❁ شهر مجوس واقفال يهود ❁ حواريون كنز وسجين وتتبير
بعير آزر حوب وردة عرم ❁ ال ومن تحتها عبدت والصور ❁ ولينة فومها رهو واخلد مز ❁ جاة وسيدها القيوم موفور

وتمس ثم اسفر عنه كتب ٤ وسجدا ثم رتبون كثير ٥ وحط دطوى والرس فى كذا ٦ عدن وسنظر الاشياء كور
مسك اباريق ياقوت ٧ فيهما من كل فاكهة ٨ وبعضهم عد الادنى ٩ والاخرة [illegible]
واما الالفاظ التى تستعمل فى معان متعددة وهذه من معجزات القرآن ولا يوجد فى كلام البشر عن ابن عباس ان امير المؤمنين
ارسله الى الخوارج فقال اذهب اليهم فخاصمهم ولا تحاجهم بالقرآن فانه ذو وجوه ولكن خاصمهم بالسنة وهذه عيون من هذا
النوع من ذلك الهدى يأتى على سبعة عشر وجها ١ بمعنى الثبات نحو اهدنا الصراط المستقيم ٢ والبيان نحو اولئك على
هدى من ربهم ٣ والدين نحو ان الهدى هدى الله ٤ والايمان نحو وزدناهم هدى ٥ ويزيد الله الذين اهتدوا
هدى ٦ والدعاء نحو ولكل قوم هاد ٧ وجعلناهم ائمة يهدون بامرنا ٨ وبمعنى الرسل والكتب فاما
يأتينكم منى هدى ٩ والمعرفة نحو وبالنجم هم يهتدون ١٠ وبمعنى النبى نحو ان الذين يكتمون ما انزلنا من البينات
والهدى ١١ وبمعنى القرآن نحو اذ جاءهم الهدى ولقد جاءهم من ربهم الهدى ١٢ والتورية نحو ولقد آتينا موسى
الهدى ١٣ والاسترجاع نحو واولئك هم المهتدون ١٤ والحجة نحو لا يهدى القوم الظالمين بعد قوله الم تر الى
الذى حاج ابراهيم اى لا يهديهم حجة ١٥ والتوحيد نحو ان نتبع الهدى معك ١٦ والسنة نحو فبهداهم اقتده
انا على آثارهم مقتدون ١٧ والاصلاح نحو ان الله لا يهدى القوم الظالمين ١٨ والالهام نحو اعطى كل شىء خلقه
ثم هدى اى الهم المعاش ١٩ والتوبة نحو انا هدنا اليك ٢٠ والارشاد نحو ان يهدينى سواء السبيل السوء يأتى على وجوه
١ الشدة نحو يسومونكم سوء العذاب ٢ والعقر نحو ولا تمسوها بسوء ٣ والزنا نحو ما جزاء من اراد باهلك سوءا ما كان ابوك
امرأ سوء ٤ والبرص نحو بيضاء من غير سوء ٥ والعذاب نحو ان الخزى اليوم والسوء ٦ والشرك نحو ما كنا نعمل من
سوء ٧ والشتم نحو لا يحب الله الجهر بالسوء من القول ٨ والذنب نحو يعملون السوء بجهالة ٩ وبمعنى بئس نحو ولهم سوء الدار
١٠ والضر نحو ويكشف السوء وما مسنى السوء ١١ والقتل والهزيمة نحو لم يمسسهم سوء ومن ذلك الصلوة يأتى على وجوه
١ الصلوة الخمس نحو يقيمون الصلوة ٢ وصلوة العصر نحو تحبسونهما من بعد الصلوة ٣ وصلوة الجمعة نحو اذا نودى للصلوة
٤ والجنازة نحو ولا تصل على احد منهم ٥ والدعاء نحو وصل عليهم ٦ والدين نحو اصلاتك تأمرك ٧

والقراءة

والقراءة نحو ولا تجهر بصلاتك ٨ والرحمة والاستغفار نحو ان الله وملائكته يصلون على النبى ٩ [illegible]
الصلوة نحو صلوات ١٠ ومساجد نحو لا تقربوا الصلوة وانتم سكارى ومن ذلك الرحمة وردت على اوجه ١ الاسلام
نحو يختص برحمته من يشاء ٢ والايمان نحو وآتانى رحمة من عنده ٣ والجنة نحو ففى رحمة الله هم فيها خالدون ٤ والمطر
نحو بشرا بين يدى رحمته ٥ والنعمة نحو ولولا فضل الله عليكم ورحمته ٦ والنبوة نحو ام عندهم خزائن رحمة ربك ام
يقسمون رحمة ربك ٧ والقرآن نحو قل بفضل الله وبرحمته ٨ والرزق نحو خزائن رحمة ربى ٩ والنصر والفتح نحو ان
اراد بكم سوءا او اراد بكم رحمة ١٠ والعافية نحو او ارادنى برحمة ١١ والمودة نحو رأفة ورحمة ورحماء بينهم ١٢ والعصمة
نحو لا عاصم اليوم من امر الله الا من رحم ومن ذلك الفتنة وردت على اوجه ١ الشرك نحو والفتنة اكبر من القتل و
حتى لا تكون فتنة ٢ والاضلال نحو ابتغاء الفتنة ٣ والقتل نحو ان يفتنكم الذين كفروا ٤ والصد نحو واحذرهم ان
يفتنوك ٥ والضلالة نحو ومن يرد الله فتنته ٦ والمعذرة نحو ثم لم تكن فتنتهم ٧ والقضاء نحو ان هى الا فتنتك
٨ والاثم نحو الا فى الفتنة سقطوا ٩ والمرض نحو يفتنون فى كل عام ١٠ والعبرة نحو لا تجعلنا فتنة ١١ والعقوبة
نحو ان تصيبهم فتنة ١٢ والاختبار نحو ولقد فتنا الذين من قبلهم ١٣ والعذاب نحو جعل فتنة الناس كعذاب الله
١٤ والاحراق نحو يوم هم على النار يفتنون ١٥ والجنون نحو بايكم المفتون ومن ذلك الروح وردت على اوجه ١
الامر نحو وروح منه ٢ والوحى نحو ينزل الملائكة والروح ٣ والقرآن نحو كذلك اوحينا اليك روحا من امرنا
٤ والرحمة نحو وايدهم بروح منه ٥ والحياة نحو فروح وريحان ٦ جبريل نحو فارسلنا اليها روحنا نزل به الروح الامين
٧ وملك عظيم نحو يوم يقوم الروح ٨ وجنس من الملائكة نحو تنزل الملائكة والروح ٩ وروح البدن نحو ويسألونك عن الروح
ومن ذلك القضاء ورد على اوجه ١ الفراغ نحو فاذا قضيتم مناسككم ٢ والامر نحو اذا قضى امرا ٣ والاجل نحو فمنهم من
قضى نحبه ٤ والفصل نحو لقضى الامر بينى وبينكم ٥ والمضى نحو ليقضى الله امرا كان مفعولا ٦ والهلاك نحو لقضى
اليهم اجلهم ٧ والوجوب نحو لما قضى الامر ٨ والابرام نحو فى نفس يعقوب قضاها ٩ والاعلام نحو وقضينا الى بنى
اسرائيل ١٠ والوصية نحو وقضى ربك الا تعبدوا الا اياه ١١ الموت نحو فقضى عليه ١٢ والخلق نحو فقضاهن

قضينا عليه الموت ١٢ والخلق نحو فقضاهن سبع سموات ١٣ والفعل نحو كلا لما يقض ما أمره يعني حقا لم يفعل
١٥ والعهد نحو إذ قضينا إلى موسى الأمر ومن ذلك الذكر ورد على أوجه ١ ذكر اللسان نحو فاذكروا الله كذكركم آباءكم
٢ وذكر القلب نحو ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم ٣ والحفظ نحو واذكروا ما فيه ٤ والطاعة والجزاء نحو فاذكروني أذكركم
٥ والصلوات الخمس نحو فإذا أمنتم فاذكروا الله ٦ والعظة نحو فلما نسوا ما ذكروا به وذكر فإن الذكرى تنفع المؤمنين ٧ والبيان
نحو أوعجبتم أن جاءكم ذكر من ربكم ٨ والحديث نحو اذكرني عند ربك أي حدثه بحالي ٩ والقرآن نحو ومن أعرض عن ذكري وما يأتيهم
من ذكر ١٠ والخبر نحو سأتلو عليكم منه ذكرا ١١ والشرف نحو لقد أنزلنا إليكم كتابا فيه ذكركم وإنه لذكر لك ولقومك ١٢ والعيب
نحو أهذا الذي يذكر آلهتكم ١٣ واللوح المحفوظ نحو من بعد الذكر ١٤ والثناء نحو وذكروا الله كثيرا ١٥ والوحي نحو فالتاليات ذكرا
١٦ والرسول نحو ذكرا رسولا ١٧ والصلاة نحو ولذكر الله أكبر ١٨ وصلاة الجمعة نحو فاسعوا إلى ذكر الله ١٩ وصلاة العصر نحو
عن ذكر ربي ومن ذلك الدعاء ورد على أوجه ١ العبادة نحو ولا تدع من دون الله ما لا ينفعك ولا يضرك ٢ والاستعانة
نحو وادعوا شهداءكم ٣ والسؤال نحو ادعوني أستجب لكم ٤ والقول نحو دعواهم فيها سبحانك اللهم ٥ والنداء نحو يوم
يدعوكم ٦ والتسمية نحو لا تجعلوا دعاء الرسول بينكم كدعاء بعضكم بعضا ومن ذلك الإحصان ورد على أوجه ١
العفة نحو والذين يرمون المحصنات ٢ والتزوج نحو فإذا أحصن ٣ والحرية نحو نصف ما على المحصنات [illegible]
قال ابن فارس في كتاب الأفراد كل ما في القرآن من ذكر الأسف فمعناه الحزن إلا فلما آسفونا أي أغضبونا ومن ذلك البروج
فهي الكواكب إلا ولو كنتم في بروج مشيدة فهي القصور الطوال الحصينة ومن ذلك البر والبحر فالمراد من البحر الماء ومن البر التراب اليابس
إلا ظهر الفساد في البر والبحر فالمراد البرية والعمران ومن بخس فهو النقص إلا بثمن بخس أي حرام إذ كان حرا ومن البعل فهو الزوج
إلا أتدعون بعلا فهو الصنم ومن البكم فهو الخرس عن الكلام بالإيمان إلا عميا وبكما وصما في الإسراء وأحدهما أبكم في النحل
عدم القدرة على الكلام مطلقا وكل ما فيه جثيا فمعناه جميعا إلا وترى كل أمة جاثية فمعناه تجثو على ركبها ومن حسبانا
فهو من العدد إلا حسبانا من السماء في الكهف فهو العذاب ومن حسرة فهو الندامة إلا ليجعل الله ذلك حسرة في قلوبهم فمعناه الحزن ومن الدحض
فالباطل إلا فكان من المدحضين فمعناه من المقروعين والمغلوبين ومن الرجز فالعذاب إلا والرجز فاهجر فالمراد الصنم

من الريب فالشك إلا ريب المنون يعني حوادث الدهر ومن الرجم فهو القتل إلا لأرجمنك فمعناه لأشتمنك ورجما بالغيب أي ظنا
من الزور فمع الشرك إلا منكرا من القول وزورا فإنه كذب بغير شرك ومن الزكاة فهو المال إلا وحنانا من لدنا وزكاة
أي طهرة ومن الزيغ فالميل إلا وإذ زاغت الأبصار أي شخصت ومن السخر فالاستهزاء إلا سخريا في الزخرف فهو من التسخير والاستخدام
وكل سكينة فهي طمأنينة إلا التي في قصة طالوت فهي شيء كرأس الهرة لها جناحان وكل سعير فيه فهو النار والوقود إلا في ضلال وسعر
فهو العناء وكل شيطان فيه فإبليس وجنوده إلا وإذا خلوا إلى شياطينهم وكل شهيد فيه غير القتيل فهو الذي يشهد في أمور
الناس إلا وادعوا شهداءكم فهو شركاؤكم وكل ما فيه من أصحاب النار فأهلها إلا وما جعلنا أصحاب النار إلا ملائكة فالمراد خزنتها
وكل صلاة فيه فهي عبادة ورحمة إلا وصلوات ومساجد فهي الأماكن وكل عذاب فيه فالتعذيب إلا وليشهد عذابهما فهو الضرب
وكل قنوت فيه طاعة إلا كل له قانتون فمعناه مقرون وكل كنز فيه مال إلا في الكهف فهو صحيفة علم وكل مصباح فيه فهو
الكوكب إلا الذي في النور فهو السراج وكل نكاح فيه فهو تزوج إلا حتى إذا بلغوا النكاح فهو الحلم وكل نبأ فيه فهو خبر إلا فعميت
عليهم الأنباء فهي الحجج وكل ورد فيه فهو دخول إلا ولما ورد ماء مدين يعني هجم عليه ولم يدخله وكل ما فيه من لا يكلف
نفسا إلا وسعها فالمراد من العمل إلا التي في الطلاق فهو من النفقة وكل يأس فيه فهو القنوط إلا التي في الرعد فهو العلم وكل
صوم فيه فهو من العبادة إلا إني نذرت للرحمن صوما أي صمتا وكل ما فيه من الظلمات والنور فالمراد الكفر والإيمان إلا التي في أول
الأنعام فالمراد ظلمة الليل ونور النهار وكل إنفاق فيه فهو الصدقة إلا فآتوا الذين ذهبت أزواجهم مثل ما أنفقوا فالمراد به
المهر وكل ما فيه من الحضور فهو بالعيان من المشاهدة إلا في سورة البقرة [illegible]
وقال ابن خالويه ليس في القرآن بعد بمعنى قبل إلا حرف واحد وهو قوله ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر وعين والأرض بعد ذلك دحاها معناه
قبل لأنه خلق الأرض في يومين ثم استوى إلى السماء فعلى هذا خلق الأرض قبل السماء خاتمة أخرج ابن أبي حاتم من طريق عكرمة عن ابن عباس
قال كل شيء في القرآن أليم فهو الوجيع وقتل فهو لعن والرجز فهو العذاب والتسبيح فيه بالصلاة والسلطان فهو الحجة والدين فهو
الحساب والرياح فهي الرحمة والريح فهي العذاب وفاطر فهو خالق وإفك فهو كذب وكل آية في القرآن في الأمر بالمعروف فهو الله
والنهي عن المنكر فهو عبادة الأوثان وكل ما ذكر فيه حفظ الفروج فهو من الزنا إلا قوله قل للمؤمنين يغضوا من أبصارهم

[illegible] وكل شيء [illegible] [illegible]

[illegible] العذاب [illegible]

[illegible] القرآن

[illegible] في

القرآن من الأسماء والكنى والألقاب [illegible] من أسماء الأنبياء والمرسلين [illegible]

آدم أبو البشر ذكر قوم أنه [illegible] مشتق من الأدمة [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] الأرض [illegible] [illegible]

[illegible] سنة نوح [illegible] [illegible]

[illegible] سنة [illegible]

[illegible] سنة إدريس [illegible] مشتق من الدراسة لكثرة درسه الصحف [illegible]

وانه اول من خط بالقلم [illegible] إبراهيم [illegible]

[illegible] آدم [illegible] سنة إسماعيل [illegible] إسحاق

سنة يعقوب عاش مائة وسبعا وأربعين سنة يوسف [illegible]

[illegible] سنة [illegible] لوط [illegible] هود [illegible] صالح شعيب [illegible]

[illegible] موسى [illegible] هارون [illegible] داود [illegible]

سليمان [illegible] أيوب ذو الكفل [illegible] يونس [illegible] إلياس [illegible]

اليسع زكريا [illegible] يحيى [illegible] عيسى [illegible] محمد [illegible]

[illegible] من أسماء الملائكة جبريل ميكائيل هاروت ماروت الرعد [illegible] البرق [illegible] مالك [illegible]

[illegible] من أسماء [illegible]

وفيه [illegible] يعقوب [illegible] من أسماء [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] من أسماء [illegible]

[illegible]

[illegible] من أسماء [illegible]

[illegible] فائدة [illegible]

[illegible] آدم [illegible] [illegible]

[illegible]

القرآن اعلم أن الخطاب في القرآن على خمسة عشر وجها ١ خطاب العام كقوله الله الذي خلقكم ٢ خطاب الخاص كقوله [illegible]

[illegible] ٣ خطاب العام والمراد به الخصوص كقوله يا أيها الناس اتقوا ربكم لم يدخل فيه الأطفال [illegible]

[illegible] والمراد به العموم كقوله يا أيها النبي إذا طلقتم النساء [illegible] ٥ خطاب [illegible]

يا أيها الناس [illegible] ٦ خطاب النوع نحو يا بني إسرائيل ٧ خطاب العين نحو يا آدم اسكن يا نوح اهبط يا إبراهيم قد صدقت [illegible]

يا موسى لا تخف يا عيسى إني متوفيك [illegible] في القرآن الخطاب [illegible] محمد بل يا أيها النبي يا أيها الرسول تعظيما [illegible]

[illegible] ٨ خطاب المدح نحو يا أيها الذين آمنوا [illegible] في التوراة يا أيها المساكين

٩ خطاب الذم نحو يا أيها الذين كفروا لا تعتذروا اليوم قل يا أيها الكافرون [illegible] في القرآن [illegible]

[illegible] الذين [illegible] ١٠ خطاب الكرامة نحو يا أيها النبي يا أيها الرسول [illegible] ١١ خطاب التهكم نحو ذق إنك

أنت العزيز الكريم ١٢ خطاب الجمع بلفظ الواحد نحو يا أيها الإنسان ما غرك ١٣ خطاب الواحد بلفظ الجمع نحو يا أيها الرسل كلوا

القبلة الى قوله ... فذرهم فی خوضهم ... خطاب ... وان عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به ... خطاب التعجب ... یا ایها ...
یا بنی آدم ... خطاب الاثنین ... خطاب ... [illegible]
... خطاب التشفی ... [illegible]
... خطاب التحنن ... الذین اسرفوا ... خطاب ...
... خطاب التشریف ... [illegible]
... **مطلع چهارم** در بیان آداب تعقیبات مشترکه نماز و بیان شکر و سهو و مقدمات ...
... شیخ ابن بابویه ... [illegible]
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... سبحان الله ... استغفار ... [illegible]
... الحمد لله ... [illegible]
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... اللهم صل علی
محمد وآل محمد انک حمید مجید نظم ... اللهم اغفر
وارحم وتجاوز عما تعلم انک انت الاعز الاکرم وایضا اللهم اغفر لنا وارحمنا ...
... سبحان ربی العظیم وبحمده ... سبحان الله ... [illegible]

... تسبیح فاطمه زهرا ...
... الله اکبر ... سبحان الله ... الحمد لله ... لا اله الا الله ...
... لا اله الا الله وحده وحده ... وهزم الاحزاب وحده ...
له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو علی کل شیء قدیر ... اللهم صل علی محمد وآل محمد ...
وادخلنی الجنة وزوجنی من الحور العین ... اللهم اهدنی من عندک وافض علی من فضلک وانشر علی من
رحمتک ... استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال والاکرام واتوب الیه
... یا من یفعل ما یشاء ولا یفعل ما یشاء احد غیره ... اللهم ...
... من حیث احتسب ومن حیث لا احتسب ... [illegible]
... اللهم صل علی محمد وآل محمد اللهم انی اسئلک من کل خیر ...
... اللهم انی اسئلک ... اعوذ بک من خزی الدنیا ...
... الله الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد ...
... الله لا اله الا هو الحی القیوم ... آیة الکرسی ...
القرآن کتابا والکعبة قبلة وبعلی ولیا وامامًا وبالحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد
وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی والحجة بن الحسن صلوات الله علیهم ائمة ...
... آیة الکرسی ...
... [illegible] ...
... نظم ... آیة الکرسی ...

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
[illegible]	بجل	بهب	بطل	بهب	[illegible]	[illegible]
[illegible]	بطل	بهب	باطل	بهب	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	بهب	بطل	بهب	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	بطل	بهب	[illegible]	[illegible]

[illegible] بسم الله اللهم صل على محمد وآل محمد [illegible]

[illegible] اشهد ان لا اله الا الله [illegible] واشهد ان محمدا رسول الله [illegible]

[illegible] اما [illegible]

اول [illegible]

[illegible] اما [illegible]

[illegible] خاتمه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اول توحید [illegible]

[illegible] نظم [illegible]

اما عالمنه [illegible]

[illegible]

[illegible] نظم

[illegible] اما [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اول

[illegible]

[illegible]

[illegible] نظم [illegible]

[illegible] نظم [illegible]

[illegible]

[illegible]

وما هي الا تذكرة رب اللهم بالحق انزلناه وبالحق نزل اللهم عظم فيه رغبتي واجعله نور البصر وشفاء
لصدري وذهابا لهمي وحزني اللهم زين به لساني وجمل به وجهي وقو به جسدي وثقل به ميزاني
وارزقني تلاوته على طاعتك آناء الليل واطراف النهار واحشرني مع النبي محمد وآله الاخيار الابرار
اللهم اني قد قرأت ما قضيت من كتابك الذي انزلته على نبيك الصادق فلك الحمد ربنا
اللهم اجعلني ممن يحل حلاله ويحرم حرامه ويؤمن بمحكمه ومتشابهه واجعله انسا في قبري وانسا في
حشري واجعلني ممن يرقى بكل آية قرأها درجة في اعلى عليين برحمتك يا ارحم الراحمين ولا يخفى على الفطن
العالم العارف ان من نظر الى الكتابة وضبط ما فيه فقد ترك ... لا باليقين ولا بالظن
ادرك ما فيه ... الشيخ ... في نقط الحروف ...
كان ... في القراءة والتلاوة ...
... التماس ... الفقير ...
بشد بر آن مطلع شود ... اصلاح آن بقدر وسع بکوشند که الانسان لا يخلو من النسيان نظم
خوش ... ...
فقد وقع الفراغ من تمسيق هذه ... في شهر صفر المظفر من شهور سنة ... ستين
ومائتين بعد الالف من الهجرة النبوية المصطفوية ... ابن ملا علي ...
التماس دعا ...
... ١٢٠٨

١٩٣

شرح رساله موسیقی بسم الله الرحمن الرحیم بنظر الکمال تجوید الکلام التعالی

ای نظام [illegible] و تشهید شکر [illegible]

[illegible] سلامت [illegible] انبیا [illegible]

[illegible]

[illegible] علم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] قرآن [illegible]

[illegible] عباس ثانی پادشاه [illegible] قرآن [illegible]

[illegible] شاهنشاه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در بیان [illegible] رساله [illegible]

[illegible]

[illegible]

ابوالقاسم [illegible]

[illegible]

[illegible] قرآن [illegible] قرآن [illegible]

[illegible]

[illegible]

در بیان عدد مخارج

[illegible]

کرده‌اند و این‌ها حروف هوایی را اعتبار نکرده‌اند لکن حق آنست که مخرج گردانند و به اشتمال هر یک دو گفته‌اند و ضاد را از مخرج جدا ذکر کرده‌اند [illegible]
بکسر الفاء و المیم [illegible] و ضاد [illegible] کذا است و نون ساکن و میم ساکن هر یک در حالت ادغام مع الغنة و اخفا از خیشوم [illegible]
کرده‌اند و قراء و قلت نیز [illegible] قائل‌اند لکن بنا بر محافظت مخارج [illegible] که مذکور شد [illegible] و این بنا بر اتحاد [illegible]
[illegible] و بعضی [illegible] حروف هوایی [illegible] الف [illegible] و این [illegible]
[illegible] از [illegible] و بعضی [illegible] ذکر کرده‌اند و [illegible] حروف [illegible]
و [illegible] ذکر کرده‌اند [illegible] حروف [illegible] و بعضی [illegible] حروف
[illegible] حروف [illegible] حرف [illegible] زیرا که هر حرف را [illegible] مخرج [illegible] و لکن هر یک را نام [illegible] زیرا
که [illegible] حروف [illegible] مخرج [illegible] و [illegible] این جهت [illegible] اوی [illegible] در بیان
[illegible] هر یک [illegible] مخرج [illegible] از دیگری [illegible] آمده [illegible] فصل در بیان اسامی دندانها چون [illegible] بعضی از مخارج [illegible]
[illegible] دندانها [illegible] و از این جهت شروع [illegible] در [illegible] ام [illegible] چهار قسمند اول [illegible]
چهار [illegible] دندان [illegible] ثنایا [illegible] جمع [illegible] اسم چهار دندان [illegible]
دو [illegible] و این قسم اول از چهار قسم است [illegible] و [illegible]
[illegible] دندان رباعیات چهار [illegible] جمع رباعیه است و رباعیه چهار دندان [illegible] که [illegible] ثنایا و انیاب واقع است و این
قسم [illegible] است چهار [illegible] رباعیات [illegible] و [illegible] انیاب [illegible] و انیاب جمع ناب است [illegible]
[illegible] چهار دندان [illegible] که [illegible] رباعیات [illegible] و این قسم ثالث است [illegible] و [illegible] قسم چهارم است اضراس [illegible]
[illegible] دندان ضواحک [illegible] ضاحک است و ضاحکه دندان [illegible]
[illegible] دندان و [illegible] و ضواحک [illegible] اضراس است [illegible] چهار
دندان [illegible] طواحن دندان [illegible] هر جانب [illegible] است و [illegible]

الثنایا

این دندانها [illegible] و نرم کننده غذا [illegible] دوازده دندان [illegible] واقع در زیر و
[illegible] واقع در زیر [illegible] از اضراس [illegible] نواجذ [illegible] دندانها [illegible]
[illegible] فصل در بیان مخارج [illegible] حروف [illegible]
[illegible] دندان [illegible] از اضراس [illegible] و این قسم [illegible] است از اضراس
[illegible] مخرج [illegible] حروف [illegible] مخرج [illegible] حروف [illegible]
[illegible] و [illegible] مواضع [illegible] مواضع [illegible]
[illegible] صفت [illegible] مخارج حروف [illegible] اول مخرج همزه و هاست و این [illegible]
دوم [illegible] مخرج [illegible] سیم [illegible] مخرج [illegible]
[illegible] چهارم مخرج حروف [illegible] است [illegible]
[illegible] حروف [illegible] و این حروف [illegible]
[illegible]
[illegible] حروف [illegible] جانب [illegible] مخرج [illegible]
[illegible] مخرج [illegible] جانب [illegible] دو جانب [illegible]
[illegible] جانب [illegible] مخرج [illegible] کاف [illegible] مخرج [illegible] است
[illegible] وسط زبان و [illegible]
[illegible] زبان [illegible]
[illegible] مخرج [illegible]
[illegible] مخرج [illegible]
[illegible] دندان [illegible] زبان

و گفته‌اند [illegible] خواه از طرف چپ باشد [illegible] و خواه از طرف راست [illegible] ادا کردن آن از طرف چپ [illegible] نمودن آسان‌تر است کما قال

وَمِنَ الْاَيْسَرِ اَيْسَرُ وَمِنَ الْاَيْمَنِ اَصْعَبُ [illegible] مخرج ضاد [illegible] بعضی از سر دندان [illegible]

[illegible] زبان [illegible] وقال [illegible] مخرج لام است [illegible]

و آن را [illegible] مخرج [illegible] زبان [illegible]

[illegible] کام [illegible] مخرج لام [illegible]

[illegible] که مخرج لام [illegible] زبان [illegible] دندان [illegible]

مخرج نون [illegible] مخرج [illegible] کام [illegible] مخرج [illegible]

[illegible] کام [illegible]

[illegible] مخرج [illegible] و مخرج راء [illegible] از سر دندان [illegible]

[illegible] مخرج [illegible]

[illegible] زبان [illegible]

[illegible]

[illegible] زبان [illegible] مخرج [illegible]

[illegible] زبان [illegible]

[illegible] مخرج [illegible]

[illegible] مخرج [illegible]

[illegible] مخرج [illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] مخرج [illegible]

[illegible] مخرج [illegible]

[illegible]

[illegible] مخرج [illegible] حروف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در بیان حروف ... شدة و رخاوة [illegible]

[illegible]

حروف استعلاء و استفال [illegible]

[illegible]

[illegible] حروف [illegible] قلقله [illegible]

[illegible]

[illegible] قلقله [illegible]

[illegible]

[illegible]

حروف غنویه [illegible]

[illegible]

بیان استعاذه [illegible]

[illegible]

بیان وجوه جایزه [illegible]

[illegible]

[illegible] استحباب وصل بسمله با سوره غیر [illegible]

[illegible]

صورت رابعه قطع الکل [illegible]

[illegible]

[illegible]

و مثال ادغام متجانسین [illegible] ادغام [illegible] متجانسین [illegible]

[illegible]

[illegible] ساکن [illegible] ادغام [illegible]

[illegible] ادغام [illegible] ساکن [illegible] ادغام [illegible]

[illegible]

[illegible] ادغام [illegible] ساکن [illegible]

[illegible]

[illegible] اظهار [illegible]

[illegible]

احکام ساکن نزد حروف هجا [illegible]

[illegible] ادغام [illegible] اظهار [illegible]

حکم تنوین و نون ساکن نزد حروف هجا [illegible]

[illegible] ساکن [illegible] اظهار [illegible] ادغام [illegible]

[illegible]

[illegible] ادغام با غنه [illegible]

[illegible] اظهار [illegible]

[illegible] و اظهار نون [illegible] دنیا و بنیانه و قنوان و صنوان

[illegible]

در تفخیم و ترقیق الفات

[illegible]

در تغلیظ لام و ترقیق آن

[illegible]

در ترقیق راآت و تفخیم آن

[illegible]

[illegible]

۲۰۹

۲۲۰

۱۸۲

١٢٢

١٢٢

۲۳۴

٢٣٧

٢٤٠

٢٤٢

١٤٣

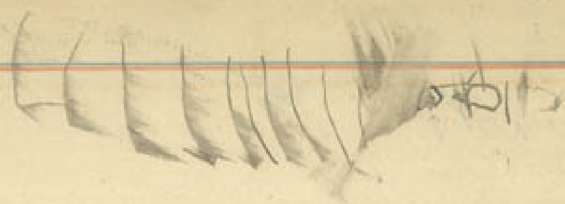

۲۴۷

۲۳۹

١٥٠

۱۵۱

۲۵۲

۲۵۲

۲۵۳

٢٥٧

٢٢٠

١٠

بحرمت انبیا و مرسلین و اوصیا و صدیقین و شهدا و صالحین و ائمه طاهرین و خاتم
علی الخصوص ثامن الائمه المعصومین و ضامن الاغربا و المساکین ملک حسنه خلائق و شفیع
خاتم امامت سلطان دنیا و دین علی ابن موسی الرضا العالم العلیم علیه الف الف التحیة والثنا
و شفاعت رب العالمین سوره مبارکه فاتحه الکتاب و اخلاص اخلص بخوانند بروح پرفتوح عمه
و خصوصاً و خواهران و عمو و اولاد و عطار و فاکران و قاریان و دوستان و شیعیان او
و سایر کاتب ... حقوق دارند اهل ایمان و ... لا سیما بروح پرفتوح آسوده کاتب این دیار
و خصوصاً کاتب این مزار نور الله مرقده و برد الله مضجعه بالروح روح والدین حمد و مرحوم
مغفور ... رحمة الله ... و سکنه فی بحبوحه جنانه ... سوره المبارکه
الفاتحه والاخلاص کتبه فی یوم الرابع عشر شهر صیام المبارک
١٣٠٢

بسم الله الرحمن الرحيم ١

الحمد لله الذي علا فقهر الحمد لله الذي بطن فخبر الحمد لله الذي ملك فقدر الحمد لله الذي يميت الاحياء ويحيي الاموات وهو على الموت

انه على كل شيء قدير النفس تبكي على الدنيا وقد علمت ان السلامة فيها ترك ما فيها لا دار للمرء بعد الموت

يسكنها الا التي كان قبل الموت بانيها فان بناها بخير طاب مسكنها وان بناها بشر خاب بانيها

اين الملوك التي كانت مسلطنة حتى سقاها بكأس الموت ساقيها الا انما الدنيا كظل طاير

او لطيف بانت لبيه فرحمني او كنوم خيره ماه او كبرق لاح في افق الا ياجسم

رسيد وقت نوبت فردا كه در جهان نباشد اثرت بر روي خاك علمت شاكر

از زير زمين ... ولنبلونكم بشيء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس

والثمرات وبشر الصابرين الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انا لله وانا اليه راجعون

اولئك عليهم صلوات من ربهم ورحمة واولئك هم المفلحون ازجهة تعدبس اسرار

٢٧١